

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

راهنمای مربی تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱»

مجری: علی صبوحی طسوجی

کاربر: شورای عالی انقلاب فرهنگی

واحد علمی: کمیسیون پژوهش‌های قرآنی

بهار ۱۳۸۸

Author : Ali Saboohi Tasooji

مجری : علی صبوحی طسوجی

عنوان طرح : راهنمای مربی تدبر در سوره های قرآن کریم «۱»

Subject : Teacher Guidance Of Ponder (Tadabbor) About Soura Of Holy Quran (۱)

۳۶۹ صفحه

پیوست : ندارد

ناظر : دکتر ابو الحسن امین مقدسی / کاربر : شورای عالی انقلاب فرهنگی / طرح و اشراف : استاد محمد حسین الهی زاده

بهار ۱۳۸۸



مشخصات مجری طرح پژوهشی

آدرس پستی: قم، شهرک مهدیه حوزه علمیه، محله کوثر، پلاک ۳

آدرس پست الکترونیکی: binesh5986@yahoo.com

تلفن: ۲۹۶۰۰۶۶

مشخصات کاربر

آدرس پستی : تهران، خ انقلاب، خ فلسطین شمالی، پلاک ۱۰۱، دیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

آدرس پایگاه الکترونیکی : www.iranculture.com

آدرس پست الکترونیکی : info@iranculture.com

تلفن: ۶۶۴۶۸۲۷۱ - ۶۶۴۱۹۶۴۱

نمابر: ۶۶۹۷۴۵۳۷

کلیه حقوق این طرح برای دیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی محفوظ می باشد .

تشکر و قدردانی

حمد تنها خدا را سزااست که منشأ هر خیر و برکت و زیبایی است. سلام و درود و صلوات بی پایان بر رسول خدا و اهل بیت طیب و طاهرش به ویژه ولی خدا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که واسطه فیض خدا در زمان ماست.

افتخار مجری این طرح، شاگردی بزرگ‌واری چون حضرت استاد محمد حسین الهی‌زاده است. دانشمندی که طرح پیش رو جلوه‌ای از تفضلات علمی و معنوی خدای متعالی درباره ایشان است. خدای بلند مرتبه بر عمر شریفش بیفزاید و دوام تعلم ما از علوم الهی و قرآنی این عالم ربانی را ضمانت کند. پدر مهربان و بزرگوارم جناب آقای مهدی صبوحی طسوجی در طول دوره پر فراز و نشیب تدوین این طرح با راهنمایی‌های مشفقانه خود طی مسیر را سهل تر می نمود. خدای عز و جل حافظ او باشد. جناب استاد دکتر مصطفی پاک با مشاوره‌های مربوط به برنامه درسی راهنمای نگارش این طرح در قالب آموزشی بوده است. کمال قدردانی از ایشان نیز وظیفه ماست.

اساتید، پژوهشگران و محصلان فراوانی به اشکال گوناگون، یعنی با نقد و بررسی، گفتگو و مباحثه و در نهایت تعلم آگاهانه راه پیشرفت این طرح را هموارتر کردند که امید است همه آنان مشمول رحمت خدا باشند.

مهد قرآن استان آذربایجان شرقی با مسئولیت و مدیریت فاضل ارجمند جناب آقای وظیفه شعاع بستر اجرایی این طرح را فراهم کردند که اجرشان در پیشگاه عالم آشکار و نهان محفوظ و رشته انشان با قرآن خدا مستدام باد.

عدم تصریح به نام پر قدر شورای عالی انقلاب فرهنگی و قرآنیان محترم این شورا و ناظر محترم جناب آقای دکتر امین مقدسی، نه به خاطر فراموشی است که دلیلی جز ذکر تشکرات فوق از زبان مجری و کاربر ندارد.

راهنمای آموزش مربی تدبر در سوره های قرآن کریم

خط تولید یک طرح پژوهشی، متشکل از سه مرحله تتبع، تحلیل و نگارش است. روش تتبع این طرح، کتابخانه‌ای است. بدین معنی که در مرحله گردآوری داده‌ها، منابع تفسیری (به ویژه تفسیر شریف المیزان) مورد توجه بوده است. در مرحله تحلیل گزاره‌ها، برآیند سالها پژوهش و تدریس در زمینه تدبر مورد توجه قرار گرفته است و می‌توان روش تحلیل را نوشتاری و گفتاری دانست. گزارش این طرح با تلفیقی از سبک علمی و توصیفی به نگارش در آمده است. گفتنی است طرح پژوهشی حاضر به لحاظ بداعت موضوع، جنبه بنیادین و تولیدی دارد و از نظر باز کردن راه ترویج و تعلیم فرهنگ تدبر جنبه کاربردی به خود گرفته است.

مخاطبان برنامه درسی تدبر چه کسانی هستند؟

سطوح قابل پیش‌بینی برای این برنامه چیست؟

اهداف آموزش تدبر در هر سطح چیست؟

سازماندهی محتوای آموزشی بر اساس چه اصولی صورت می‌گیرد؟

شیوه‌های یادگیری و یاددهی در آموزش تدبر کدام است؟ و ...

سؤالاتی از این قبیل راه پژوهش در عرصه برنامه درسی تدبر را گشوده است اما پاسخ این پرسش‌ها برای ارائه یک برنامه آموزشی کامل کافی نیست. از این رو تهیه نمونه‌هایی از کتب آموزشی تدبر ضروری می‌نمود. کتب آموزشی در چند شکل قابل طراحی است:

۱. متن آموزشی برای فراگیران

۲. کتاب کار برای فراگیران

۳. راهنمای مربیان

جامع‌ترین این اشکال، سومین آنهاست بدین معنی که با تهیه راهنمای مربی راه تهیه متن آموزشی و کتاب کار باز خواهد بود. به همین دلیل توان مجری طرح و گروه پژوهشی همکار به این سمت معطوف شد و چهار کتاب راهنمای مربی تدبیر در چهار سطح آموزشی در محدوده‌ای معادل پانزده جزء قرآن کریم تدوین شد. خدا را بر این لطف شاکریم.

«فهرست مطالب»

.....	طلیعه	۱
.....	فصل نخست. پیش گفتار.....	۳
.....	۱-۱- مقدمه.....	۴
.....	۲-۱- مخاطبان و سطوح برنامه درسی تدبیر.....	۵
.....	۳-۱- اهداف کتاب آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱».....	۷
.....	۱-۳-۱- اهداف نگرشی و آموزشی.....	۷
.....	۲-۳-۱- اهداف گرایشی و ارزشی.....	۷
.....	۳-۳-۱- اهداف مهارتی و رفتاری.....	۷
.....	۴-۱- محتوای کتاب آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱».....	۹
.....	۱-۴-۱- انتخاب محتوا.....	۹
.....	۲-۴-۱- سازماندهی محتوا.....	۱۲
.....	۵-۱- شیوه‌های یادگیری در آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱».....	۱۵
.....	۶-۱- شیوه‌های یاددهی در آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱».....	۱۶
.....	۱-۶-۱- روش تدریس در آموزش تدبیر «۱».....	۱۶
.....	۲-۶-۱- نمونه طرح درس در آموزش تدبیر «۱».....	۱۷
.....	۳-۶-۱- نحوه برخورد با پرسش‌های متریبان در حین تدریس.....	۲۳
.....	۷-۱- رسانه‌های آموزشی تدبیر.....	۲۵
.....	۸-۱- برنامه‌ریزی درسی تدبیر.....	۲۷

۲۸	۹-۱- ارزش‌یابی تدبیر.....
۲۸	۱-۹-۱- ارزشیابی تشخیصی.....
۲۹	۲-۹-۱- ارزشیابی تکوینی.....
۲۹	۳-۹-۱- ارزشیابی نهایی.....
۲۹	۴-۹-۱- طراحی پرسش‌های تدبیری.....
۲۹	۱-۴-۹-۱- پرسش‌های عینی یا بسته پاسخ (انتخابی).....
۳۲	۲-۴-۹-۱- پرسش‌های باز پاسخ (انشایی).....
۳۴	۱۰-۱- خلاصه‌ای از ویژگی‌های لازم برای مربی تدبیر.....
۳۴	۱-۱۰-۱- ویژگی‌های دانشی.....
۳۴	۲-۱۰-۱- ویژگی‌های مهارتی.....
۳۵	۳-۱۰-۱- ویژگی‌های ارزشی.....
۳۷	فصل دوم. درسها.....
۳۸	۱-۲- درس نخست.....
۳۹	۱-۱-۲- مفهوم‌شناسی تدبیر.....
۴۵	۲-۱-۲- اهمیت تدبیر.....
۴۶	۱-۲-۱-۲- آیات تدبیر.....
۴۸	۲-۲-۱-۲- روایات تدبیر.....
۵۱	۳-۱-۲- هدف تدبیر.....
۵۵	۴-۱-۲- پیش‌نیازهای تدبیر.....
۶۰	۵-۱-۲- شیوه مطالعه تدبیر.....
۶۱	۶-۱-۲- شیوه مباحثه تدبیر.....
۶۶	۲-۲- درس دوم.....
۶۷	۱-۲-۲- تدبیر سوره ناس (متن درسی).....
۷۵	۲-۲-۲- تدبیر سوره فلق (کار در خانه).....
۸۱	۳-۲-۲- تدبیر سوره توحید (متن درسی).....
۸۷	۴-۲-۲- تدبیر سوره مسد (کار در خانه).....
۹۲	۵-۲-۲- تدبیر سوره نصر (متن درسی).....
۹۹	۶-۲-۲- تدبیر سوره کافرون (کار در خانه).....

۱۰۶.....	۳-۲- درس سوم.....
۱۰۷.....	۱-۳-۲- تدبر سوره کوثر (متن درسی).....
۱۱۳.....	۲-۳-۲- تدبر سوره ماعون (کار در خانه).....
۱۱۹.....	۳-۳-۲- تدبر سوره قریش (متن درسی).....
۱۲۴.....	۴-۳-۲- تدبر سوره فیل (کار در خانه).....
۱۲۸.....	۵-۳-۲- تدبر سوره همزه (کار در خانه).....
۱۳۳.....	۶-۳-۲- تدبر سوره عصر (متن درسی).....
۱۴۰.....	۴-۲- درس چهارم.....
۱۴۱.....	۱-۴-۲- تدبر سوره تکاثر (کار در خانه).....
۱۴۷.....	۲-۴-۲- تدبر سوره قارعه (متن درسی).....
۱۵۳.....	۳-۴-۲- تدبر سوره عادیات (متن درسی).....
۱۶۰.....	۴-۴-۲- تدبر سوره زلزال (کار در خانه).....
۱۶۵.....	۵-۲- درس پنجم.....
۱۶۶.....	۱-۵-۲- تدبر سوره بینه (متن درسی).....
۱۷۴.....	۲-۵-۲- تدبر سوره قدر (متن درسی).....
۱۷۸.....	۳-۵-۲- تدبر سوره علق (کار در خانه).....
۱۸۶.....	۴-۵-۲- تدبر سوره تین (کار در خانه).....
۱۹۲.....	۶-۲- درس ششم.....
۱۹۳.....	۱-۶-۲- تدبر سوره شرح (کار در خانه).....
۱۹۹.....	۲-۶-۲- تدبر سوره ضحی (متن درسی).....
۲۰۶.....	۳-۶-۲- تدبر سوره لیل (کار در خانه).....
۲۱۵.....	۴-۶-۲- تدبر سوره شمس (متن درسی).....
۲۲۲.....	۷-۲- درس هفتم.....
۲۲۳.....	۱-۷-۲- تدبر سوره بلد (کار در خانه).....
۲۳۲.....	۲-۷-۲- تدبر سوره فجر (متن درسی).....
۲۴۶.....	۸-۲- درس هشتم.....
۲۴۷.....	۱-۸-۲- تدبر سوره غاشیه (کار در خانه).....
۲۵۶.....	۲-۸-۲- تدبر سوره اعلی (متن درسی).....

۲۶۸	۳-۸-۲- تدبر سوره طارق (کار در خانه)
۲۷۷	۹-۲- درس نهم
۲۷۸	۱-۹-۲- تدبر سوره بروج (کار در خانه)
۲۸۹	۲-۹-۲- تدبر سوره انشاق (متن درسی)
۲۹۹	۱۰-۲- درس دهم
۳۰۰	۱-۱۰-۲- تدبر سوره مطفین (متن درسی)
۳۰۹	۲-۱۰-۲- تدبر سوره انفطار (کار در خانه)
۳۱۹	۱۱-۲- درس یازدهم
۳۲۰	۱-۱۱-۲- تدبر سوره تکویر (کار در خانه)
۳۲۹	۲-۱۱-۲- تدبر سوره عبس (متن درسی)
۳۴۲	۱۲-۲- درس دوازدهم
۳۴۳	۱-۱۲-۲- تدبر سوره نازعات (کار در خانه)
۳۵۵	۲-۱۲-۲- تدبر سوره نبأ (متن درسی)
۳۶۸	فهرست منابع
۳۶۹	چکیده لاتین

« فهرست نمودارها »

۲۵	نمودار شماره ۱- نمودارهای شعاعی
۲۶	نمودار شماره ۲- نمودارهای دورهای
۲۶	نمودار شماره ۳- نمودارهای سازمانی
۵۱	نمودار شماره ۵- اهمیت تدبیر
۶۰	نمودار شماره ۶- پیش نیازهای تدبیر
۶۹	نمودار شماره ۷- نمودار سوره ناس
۷۲	نمودار شماره ۸- سیر هدایتی سوره ناس
۷۷	نمودار شماره ۹- شناسه سوره فلق
۷۹	نمودار شماره ۱۰- سیر هدایتی سوره فلق
۸۲	نمودار شماره ۱۱- شناسه سوره توحید
۸۴	نمودار شماره ۱۲- سیر هدایتی سوره توحید
۸۹	نمودار شماره ۱۴- سیر هدایتی سوره مسد
۹۴	نمودار شماره ۱۵- شناسه سوره نصر
۹۶	نمودار شماره ۱۶- سیر هدایتی سوره نصر
۱۰۰	نمودار شماره ۱۷- شناسه سوره کافرون
۱۰۲	نمودار شماره ۱۸- سیر هدایتی سوره کافرون
۱۰۸	نمودار شماره ۱۹- شناسه سوره کوثر
۱۱۰	نمودار شماره ۲۰- سیر هدایتی سوره کوثر
۱۱۳	نمودار شماره ۲۱- شناسه سوره ماعون
۱۱۷	نمودار شماره ۲۲- سیر هدایتی سوره ماعون
۱۲۰	نمودار شماره ۲۳- شناسه سوره قریش
۱۲۲	نمودار شماره ۲۴- سیر هدایتی سوره قریش
۱۲۴	نمودار شماره ۲۵- شناسه سوره فیل
۱۲۶	نمودار شماره ۲۶- سیر هدایتی سوره فیل
۱۲۸	نمودار شماره ۲۷- شناسه سوره همزه
۱۳۰	نمودار شماره ۲۸- سیر هدایتی سوره همزه
۱۳۳	نمودار شماره ۲۹- شناسه سوره عصر
۱۳۵	نمودار شماره ۳۰- سیر هدایتی سوره عصر
۱۴۲	نمودار شماره ۳۱- شناسه سوره تکاثر
۱۴۴	نمودار شماره ۳۲- سیر هدایتی سوره تکاثر
۱۴۴	نمودار شماره ۳۳- ساختار سوره تکاثر
۱۴۷	نمودار شماره ۳۳- شناسه سوره قارعه

۱۵۰	نمودار شماره ۳۵- سیر هدایتی سوره قارعه
۱۵۰	نمودار شماره ۳۶- ساختار سوره قارعه
۱۵۴	نمودار شماره ۳۷- شناسه سوره عادیات
۱۵۷	نمودار شماره ۳۸- سیر هدایتی سوره عادیات
۱۵۸	نمودار شماره ۳۹- ساختار سوره عادیات
۱۶۰	نمودار شماره ۴۰- شناسه سوره زلزال
۱۶۲	نمودار شماره ۴۱- سیر هدایتی سوره زلزال
۱۶۶	نمودار شماره ۴۲- شناسه سوره یینه
۱۷۰	نمودار شماره ۴۳- سیر هدایتی سوره یینه
۱۷۰	نمودار شماره ۴۴- ساختار سوره یینه
۱۷۴	نمودار شماره ۴۵- شناسه سوره قدر
۱۷۶	نمودار شماره ۴۶- سیر هدایتی سوره قدر
۱۷۹	نمودار شماره ۴۷- شناسه سوره علق
۱۸۰	نمودار شماره ۴۸- ساختار سوره علق
۱۸۶	نمودار شماره ۴۹- شناسه سوره تین
۱۸۹	نمودار شماره ۵۰- سیر هدایتی سوره تین
۱۹۳	نمودار شماره ۵۱- شناسه سوره شرح
۱۹۵	نمودار شماره ۵۲- سیر هدایتی سوره شرح
۱۹۵	نمودار شماره ۵۳- ساختار سوره شرح
۱۹۹	نمودار شماره ۵۴- شناسه سوره ضحی
۲۰۲	نمودار شماره ۵۵- سیر هدایتی سوره ضحی
۲۰۲	نمودار شماره ۵۶- ساختار سوره ضحی
۲۰۷	نمودار شماره ۵۷- شناسه سوره لیل
۲۱۰	نمودار شماره ۵۸- سیر هدایتی سوره لیل
۲۱۰	نمودار شماره ۵۹- ساختار سوره لیل
۲۱۵	نمودار شماره ۶۰- شناسه سوره شمس
۲۱۷	نمودار شماره ۶۱- سیر هدایتی سوره شمس
۲۱۸	نمودار شماره ۶۲- ساختار سوره شمس
۲۲۳	نمودار شماره ۶۳- شناسه سوره بلد
۲۲۶	نمودار شماره ۶۴- سیر هدایتی سوره بلد
۲۲۶	نمودار شماره ۶۵- ساختار سوره بلد
۲۳۲	نمودار شماره ۶۶- شناسه سوره فجر
۲۳۶	نمودار شماره ۶۷- سیر هدایتی سوره فجر
۲۳۷	نمودار شماره ۶۸- ساختار سوره فجر
۲۴۷	نمودار شماره ۶۹- شناسه سوره غاشیه

۲۵۰	نمودار شماره ۶۹- سیر هدایتی سوره غاشیه.....
۲۵۰	نمودار شماره ۷۰- ساختار سوره غاشیه.....
۲۵۶	نمودار شماره ۷۱- شناسه سوره اعلی.....
۲۶۲	نمودار شماره ۷۳- ساختار سوره اعلی.....
۲۶۸	نمودار شماره ۷۴- شناسه سوره طارق.....
۲۷۱	نمودار شماره ۷۵- سیر هدایتی سوره طارق.....
۲۷۱	نمودار شماره ۷۶- ساختار سوره طارق.....
۲۷۸	نمودار شماره ۷۷- شناسه سوره بروج.....
۲۸۲	نمودار شماره ۷۸- سیر هدایتی سوره بروج.....
۲۸۳	نمودار شماره ۷۹- ساختار سوره بروج.....
۲۸۹	نمودار شماره ۸۰- شناسه سوره انشقاق.....
۲۹۲	نمودار شماره ۸۱- سیر هدایتی سوره انشقاق.....
۲۹۳	نمودار شماره ۸۲- ساختار سوره انشقاق.....
۳۰۱	نمودار شماره ۸۳- شناسه سوره مبارکه مطففین.....
۳۰۲	نمودار شماره ۸۴- ساختار سوره مبارکه مطففین.....
۳۰۹	نمودار شماره ۸۵- شناسه سوره انفطار.....
۳۱۳	نمودار شماره ۸۶- سیر هدایتی سوره انفطار.....
۳۱۴	نمودار شماره ۸۷- ساختار سوره انفطار.....
۳۲۰	نمودار شماره ۸۸- شناسه سوره تکویر.....
۳۲۳	نمودار شماره ۸۹- سیر هدایتی سوره تکویر.....
۳۲۳	نمودار شماره ۹۰- ساختار سوره تکویر.....
۳۳۰	نمودار شماره ۹۱- شناسه سوره عبس.....
۳۳۲	نمودار شماره ۹۲- سیر هدایتی سوره عبس.....
۳۴۴	نمودار شماره ۹۳- شناسه سوره نازعات.....
۳۴۷	نمودار شماره ۹۳- ساختار سوره نازعات.....
۳۵۶	نمودار شماره ۹۴- شناسه سوره نبا.....
۳۵۷	نمودار شماره ۹۵- ساختار سوره نبا.....

«فهرست شکل ها»

- شکل شماره ۱- آیات شانزده گانه تا دسته های هشگانه ۵۲
- شکل شماره ۲- دسته های هشت گانه تا دسته های چهارگانه ۵۳
- شکل شماره ۳- دسته های چهارگانه تا دسته های دوگانه ۵۳
- شکل شماره ۴- دسته های دو گانه تا غرض واحد سوره ۵۴

طلیعه

«حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که متکلم و منشی و صاحب قرآن و حافظ و نگاهبان آن است، او که عظیم مطلق است و جمیع عظمت‌های متصوره در ملک و ملکوت و تمام قدرت‌های نازل در غیب و شهادت، رشحه‌ای از تجلیات عظمت فعل آن ذات مقدس است.

درود فراوان بر رسول وحی و واسطه ایصال، جبرئیل امین و روح اعظم که یکی از ارکان اربعه دار تحقیق، بلکه اعظم ارکان و اشرف انواع آن است.

صلوات بی پایان بر مرسل الیه و متحمل وحی قرآنی، آن قلب تقی نقی احمدی احدی جمعی محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) که حق تعالی به جمیع شئون ذاتیه و صفاتی و اسمائیه و افعالیه بر آن تجلی نموده و دارای ختم نبوت و ولایت مطلقه است و اکرم بریه و اعظم خلیقه و خلاصه کون و جوهره وجود و عصاره دار تحقیق و لبه اخیره و صاحب برزخیت کبری و خلافت عظمی است.

سلام و تحیت و اکرام بر شارحان قرآن، ذوات مطهره معصومین (علیهم السلام)، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تا حجت عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مفاتح وجود و مخازن کبریا و معادن حکمت و وحی و اصول معارف و عوارف و صاحبان مقام جمع و تفصیلند.^۱

قرآن کریم، مآدبه‌ای آسمانی است که برای بهره‌مندی همه انسانها در این عالم گسترده شده است؛ و تدبر راهی فراگیر برای عمومی‌سازی فهم روشمند و هماهنگ معانی، موضوعات و اغراض قرآن کریم است...

مربیان محترم تدبر، پیش‌گامان حرکتی عظیم هستند و وظیفه مهم آموزش و ترویج تدبر قرآن کریم بر دوش آنان نهاده شده است.

تلاش برای نهادینه‌سازی فرهنگ تدبر در قرآن، افزون بر خدمت‌گزاری به ساحت کتاب الهی، گامی بسیار مهم در جهت زمینه‌سازی شرایط ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، زیرا

^۱ روح الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بر گرفته از «قرآن کتاب هدایت در دیدگاه امام خمینی (ره)»، دفتر سیزدهم از مجموعه تبیان، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۲، ص ۸.

طبق حدیث متواتر ثقلین، قرآن و عترت تا روز قیامت هرگز از هم جدا نمی‌شوند: «إنهما لن یفترقا حتی یردا علی لحوض»، بنابراین یکی از تکالیف ما برای تشریف به دوران ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، روی آوردن به قرآن کریم است؛

بر این اساس اهمیت ترویج تدبر آشکار است و مریبان محترم تدبر باید جایگاه خطیر خود را تشخیص دهند و از تمام استعداد، توان، آگاهی و هنر خود در راستای پیش‌برد و نهادینه‌سازی این فرهنگ حیات‌بخش استفاده کنند...

گفتنی‌ها درباره اهمیت تدبر و ترویج آن بسیار است، اما بهتر آن است که پیش از هر چیز، اثر حاضر معرفی شود: راهنمای مربی تدبر در سوره‌های قرآن کریم «۱»؛ که نکات آموزشی و تربیتی مربوط به دوره نخست آموزش تدبر را در اختیار مریبان محترم قرار می‌دهد.

این اثر در قالب یک پیش‌گفتار و دوازده جلسه آموزشی تنظیم شده است. نکات عمومی آموزشی و تربیتی تدبر، در پیش‌گفتار این کتاب مطرح شده و هر یک از جلسات دوازده‌گانه به ارائه مطالب متناسب با اداره همان جلسه اختصاص یافته است.

تهیه کنندگان این نوشتار کوشیده‌اند که محصولی هماهنگ با متدهای استاندارد آموزشی و در عین حال برخاسته از بایستگی‌های آموزش تدبر ارائه دهند؛ و اشراف و هدایت پیوسته کارشناسان قرآنی و اساتید تدبر و همچنین مشاوره برخی از کارشناسان و اساتید برنامه درسی، سهمی بسزا در تامین این ویژگی داشته است که بدینوسیله از زحمات بی‌دریغ ایشان تشکر می‌شود.

هماره منتظر نقد و بررسی مریبان محترم و کارشناسان عزیز هستیم، تا در پرتو فکر ایشان بر روشنی کار بیفزاییم.

حمد و ستایش تنها از آن خداست که تحقق هر خیر و کمالی به دست اوست. از او می‌خواهیم که قصور و تقصیر ما را در انجام وظایفمان ببخشد و قلم و قدم ما را در راه خدمت‌گزاری به کتاب خدا و عترت پیامبر (علیهم السلام) از خطا و لغزش مصون بدارد.

و من الله التوفیق...

۱. پیش گفتار

۱-۱- مقدمه

طرح تدبر در قرآن کریم؛ طرحی با رویکرد آموزشی و فرهنگی است، که به قصد فراهم سازی زمینه ارتباط همگان با معانی قرآن کریم طراحی شده است و این هدف را از رهگذر آموزش و ترویج «فهم روشمند ابتدایی هماهنگ ظاهر قرآن کریم» (تعریف تدبر) پیگیری می کند.

لزوم توجه به فرایند بهینه سازی آموزش قرآن کریم در مدارس، دانشگاهها و حتی حوزهها و مراکز قرآنی، امری انکار ناپذیر است. آماده سازی برنامه روزآمد علمی و عملی برای آموزش تدبر در قرآن کریم، روحی تازه در کالبد آموزش قرآن کریم می دمد و گامی مهم در راستای فرهنگ سازی قرآنی به شمار می آید، چون بی تردید فرهنگ قرآنی جز در پرتو ارتباط عمومی با معانی قرآن کریم سامان نمی یابد و ارتباط همگانی با معانی قرآن نیز بدون آموزش تدبر به آحاد جامعه اسلامی و به ویژه اقشار فرهیخته، محقق نمی گردد.

بر این اساس وظیفه داریم که برای همگانی سازی فهم قرآن تلاش کنیم، اما بررسی فعالیت های انجام گرفته در راستای این هدف، بیانگر این واقعیت است که همچنان نارسائی هایی قابل توجه در این عرصه به چشم می خورد.

امروزه تلاش برای عمومی سازی فهم قرآن در توصیه و تشویق به مطالعه یا فراگیری ترجمه و تفسیر محدود شده و تدبر، به عنوان راهکار همگانی فهم قرآن، همچنان امری غریب است که با وجود تأکیدات فراوان قرآن کریم و معصومان (علیهم السلام)، جایگاهی نیافته است، زیرا چپستی و روش آن به اندازه کافی شناخته شده نیست.

طرح آموزش تدبر برای پاسخ گویی به خلأ موجود در این عرصه سامان یافته و تحصیل این هدف مهم را از راه ضابطه مند کردن و آموزشی ساختن روش تدبر در سوره های قرآن کریم پیگیری می کند.

۱-۲- مخاطبان و سطوح برنامه درسی تدبیر

همانطور که پیش تر گفته شد، تدبیر در قرآن حق و وظیفه همگانی است، یعنی هر کس که قدرت فهم و تشخیص دارد می‌تواند در قرآن تدبیر کند، بنابراین همه عقلا مخاطبان طرح تدبیر در قرآن هستند که به طور کلی می‌توان آنها را در پنج سطح رده‌بندی کرد:

۱. عموم مردم و کسانی که به هر دلیل امکان شرکت در دوره‌های آموزشی و پژوهشی تدبیر را ندارند و در عین حال می‌خواهند قرآن را متدبرانه قرائت کنند؛ طراحان و مجریان این طرح بر آنند که به خواست خدای متعالی، قرآنی با قالب و ترجمه تدبری به جامعه عرضه کنند، تا زمینه قرائت متدبرانه قرآن برای همگان فراهم شود.

۲. دبیرستانها و قرآن آموزانی که می‌خواهند افزون بر قرائت متدبرانه قرآن کریم، با مبادی و مبانی و روش تدبیر آشنایی تفصیلی پیدا کنند؛ کتاب آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱» به همین منظور و برای همین سطح از مخاطبان آماده شده است.

۳. دانشجویان و قرآن آموزانی که دوره تعلم کتاب آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱» را با موفقیت طی کرده‌اند و می‌خواهند پس از آشنایی تفصیلی، با تدبیر و روش آن به طور استدلالی آشنا شوند و خود را برای تدبیر مستقیم در قرآن کریم آماده سازند؛ کتاب آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۲» به همین منظور و برای همین سطح از مخاطبان طراحی شده است.

۴. حوزویان و قرآن پژوهانی که دوره تعلم کتب آموزش تدبیر «۱» و «۲» را با موفقیت سپری کرده‌اند و می‌خواهند دوره کارورزی پژوهش تدبری را بگذرانند؛ کتاب آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۳» به همین منظور و برای همین سطح از مخاطبان طراحی شده است.

۵. پژوهشگرانی که پس از موفقیت در دوره های اول و دوم و سوم، اینک می خواهند خود به طور مستقیم در قرآن تدبر کرده و نتایج تدبر خود را به دیگران هم ارائه دهند، اینان باید با طی دوره هایی، شیوه ها و فنون متنوع پژوهش در تدبر را از اساتید این رشته فراگیرند؛ کتب آموزش تدبر در سوره های قرآن کریم «۴» به همین منظور و برای همین سطح از مخاطبان طراحی شده است.

۱-۳- اهداف کتاب آموزش تدبر در سوره‌های قرآن کریم «۱»

نخستین گام تدوین برنامه درسی، تعیین اهداف است که بر اساس نیاز سنجی انجام می‌شود. این قسمت از نوشتار به معرفی اهداف کلی کتاب آموزشی تدبر در سوره‌های قرآن کریم «۱»، در سه بعد نگرشی و آموزشی؛ گرایشی و ارزشی؛ مهارتی و رفتاری می‌پردازد. مربی می‌تواند اهداف جزئی‌تر را در ابتدای هر درس مطالعه کند.

۱-۳-۱- اهداف نگرشی و آموزشی

- شناخت کلی مبادی و مبانی نظری تدبر در قرآن کریم
- شناخت کلی روش تدبر در قرآن کریم
- شناخت محصول و شیوه تدبر برخی از سوره‌های کوتاه قرآن کریم

۱-۳-۲- اهداف گرایشی و ارزشی

- باور به امکان فهم قرآن کریم، از طریق تدبر
- انس با غرض و مفاهیم منظم سوره‌های فرا گرفته شده قرآن کریم
- گرایش به سیاست گذاری زندگی بر مبنای قرآن کریم
- علاقه به ادامه تدبر قرآن کریم با ورود به سطح دو

۱-۳-۳- اهداف مهارتی و رفتاری

- مهارت مطالعه تدبری سوره‌های قرآن کریم
- مهارت مباحثه تدبری سوره‌های قرآن کریم

- مهارت دسته‌بندی سوره‌های کوتاه قرآن کریم
- مهارت کشف غرض در سوره‌های کوتاه قرآن کریم

۱-۴- محتوای کتاب آموزش تدبر در سوره‌های قرآن کریم «۱»

براساس دیدگاه دانایان علوم و فنون برنامه درسی، محتوا عبارت است از مجموعه مفاهیم، گرایشها و مهارتهایی که از سوی برنامه ریزان، انتخاب و سازماندهی می شود و در عین حال آثار حاصل از فعالیتهای یاددهی، یادگیری معلم و شاگرد را نیز در بر می گیرد.^۱

این قسمت از نوشتار در دو بخش انتخاب و سازماندهی محتوا طراحی و نگاشته شده است، تا وجوه علمی دلایل انتخاب و سازماندهی محتوای کتاب آموزش تدبر در سوره‌های قرآن کریم «۱» را تبیین کند.

۱-۴-۱- انتخاب محتوا

محتوای آموزشی تدبر را از دو زاویه می توان بررسید، نخست محتوای اصلی آموزشی که محدوده‌ای خاص از قرآن کریم است و دوم مطالبی که رویکرد تدبری به قرآن کریم را سامان می دهد و از تراوشات فکر و قلم طراحان است، بنابراین هم انتخاب محدوده خاص آموزشی از قرآن کریم و هم گزینش مطالب سامان دهنده رویکرد تدبری به قرآن کریم، باید مطابق با اصول و معیارهای استاندارد انتخاب محتوا در برنامه‌های آموزشی صورت پذیرد.

برخی از معیارها و اصول انتخاب محتوا

• **سودمندی:** سودمندی به کاربرد مفید محتوا اطلاق می شود. در دیدگاه کارشناسان علوم و فنون برنامه درسی، محتوایی سودمند است که بتواند فرد را در به دست آوردن درکی صحیح از هویت خود و کسب معنا در زندگی یاری کند.

• **قابلیت یادگیری:** اگر محتوا قابل یادگیری نباشد، یا به فراموشی سپرده می شود و یا موجب سرخوردگی دانش آموز گشته و اعتماد به نفس او را ضعیف می کند. محتوا گاه به علت عدم تناسب با

^۱ ر.ک. برنامه ریزی درسی، راهنمای عمل، حسن ملکی، ص ۵۰.

ویژگی ها و تجربیات فراگیر و گاه به علت سازمان‌دهی نامناسب، موجبات یادگیری موثر را فراهم نمی‌سازد.^۱

• **جذابیت و علاقه:** از جمله معیار های مهم در انتخاب محتوا، جذابیت محتوای مورد نظر و علاقه فراگیران نسبت به آن است. از نظر حامیان طرح‌های فراگیرمدار این یک معیار اساسی و کلیدی است. اینان معتقدند اگر دانش برای زندگی فراگیر معنادار باشد از وجود خود او می‌جوشد.^۲

• **توجه به ویژگی‌های دانش:** یعنی توجه به ویژگی‌های دانشی که برنامه درسی برای آن تهیه می‌شود.

در انتخاب محتوای آموزشی تدبیر، از هر دو جهت (انتخاب محدوده آموزشی خاص از قرآن کریم؛ و انتخاب محتوای سامان‌دهنده رویکرد تدبیری به قرآن کریم)، تلاش بر این بوده است که اصول مزبور رعایت شود، که گزارش آن در ادامه ارائه می‌شود:

محدوده کتاب آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱» را به جزء انتهایی قرآن (عم جزء) اختصاص دادیم و مطالب آموزشی و تربیتی تدبیر را نیز متناسب با آن گزینش کردیم. دلایل انتخاب این محدوده آموزشی و ثمراتی که در انتخاب محتوای تدبیری دارد، از این قرار است:

۱. سوره‌های این محدوده مبین محکمت اعتقادی و عملی هستند و در مسیر تکامل انسانی نقش زیربنایی دارند. انتخاب این سوره‌ها و مطالب آموزشی و تربیتی متناسب با آنها به برقراری ارتباطی روشن و بی‌واسطه میان فراگیر و متن قرآن کریم کمک می‌کند و در درک بهتر او از هویت خویش و نگرش مثبت او به جهان امکان تأثیری بسزا دارد و افزون بر این مبانی مورد نیاز برای زندگی و بندگی آگاهانه و عاشقانه را در معرض فهم و استفاده او قرار می‌دهد و همین امر سبب سودمندی هرچه بیشتر آن برای همگان و به ویژه مبتدیان آشنایی با معارف قرآنی است.

^۱ مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، دکتر حسن ملکی، ص ۸۳-۸۵

^۲ ر.ک. برنامه‌ریزی درسی مدارس، ت، فریده مشایخ، ص ۴۴.

۲. این سوره‌ها کوتاه است و از همین رو آموزش و فراگیری تدبر آن‌ها آسان‌تر بوده و نسبت به سایر سوره‌ها، از قابلیت آموزشی و یادگیری بیشتری برخوردار هستند، چون فراگیر می‌تواند فرایند تدبر سوره را به صورت یکجا در نظر داشته باشد و همین امر به انسجام علوم و فنون تدبری در ذهن او کمک می‌کند.

۳. این سوره‌ها، کوتاه، در اوج فصاحت و بلاغت، با آهنگی وزین و پرطنین و با نفوذی عمیق، زیبایی محسوس‌تری از کلام پروردگار را به نمایش گذاشته‌اند، تا جایی که می‌توان گفت نقش کلمات قصار قرآن را ایفا می‌کنند و همین امر زمینه‌های جذابیت متن و علاقه هرچه بیشتر قرآن آموز را فراهم می‌سازد. افزون بر این، کوتاه بودن این سوره‌ها باعث شده است که کتاب آموزش تدبر در سوره‌های قرآن کریم «۱»، زمینه آموزش تعداد زیادی از سوره‌های قرآن کریم را در طول یک ترم فراهم سازد و این امر تاثیری بسزا در ایجاد انس و آشنایی با فرمول‌های مختلف دسته‌بندی و کشف غرض در سوره قرآن دارد.

گفتنی است تجربیات حاصل از اجرای آزمایشی طرح آموزشی تدبر در مراکز مختلف مانند حوزه، دانشگاه و موسسات قرآن‌آموزی و قرآن پژوهی نشان می‌دهد که محتوای ارائه شده، مورد علاقه فراگیران بوده و اهداف یاد شده را نیز تامین کرده است.

۴. برای آموزش فنون تدبر راهی جز حرکت از آسان به سخت، پیش‌نهاد نمی‌شود و ایجاد چنین آهنگی جز با انتخاب سوره‌های این محدوده میسر نیست. در این محدوده، سوره‌ها به گونه‌ای گزینش و چیده شده‌اند که فراگیر در روندی آسان، منطقی و تدریجی با بسیاری از اصطلاحات و فنون تدبری آشنا می‌شود. او ابتدا سوره‌هایی را فرا می‌گیرد که در آنها تنها دغدغه کشف غرض دارد و نیازی به آموزش دسته‌بندی سوره نیست. سپس با سوره‌هایی آشنا می‌شود که تنها در یک سطح ساده و در حد مطالب یک سیاق تقسیم می‌شوند. در ادامه سوره‌هایی را فرا می‌گیرد که دو سیاق دارند و ... بدین ترتیب او در هر

مرحله اصطلاحی جدید و فنی تازه را فرا می گیرد و این رعایت ساختار دانش در انتخاب و سازمان دهی محتوا است.

تذکره: ممکن است برخی بگویند آغاز تدبر از سوره های کوچک، شیرینی و جذابیت کافی را برای فراگیر ندارد و می تواند کمیت و کیفیت برگزاری دوره را تحت الشعاع قرار دهد، به خصوص که رسالت تدبر (حرکت از کثرت به وحدت) در سوره های بزرگتر که به نظر پراکنده می رسند، بهتر منتقل می شود.
جواب:

۱. به دلایل چهارگانه مطرح شده در بالا، منطق تعلیمی تدبر، اقتضا کرده است که سوره های انتهایی قرآن کریم، آن هم از انتها به ابتدا، بهترین گزینه آموزشی تدبر باشد؛ و حتی در این سوره ها هم شیرینی و جذابیت قرآن، پس از تدبر در کام فراگیران خواهد نشست و دوره با موفقیت برگزار خواهد شد.

۲. مربیان محترم می توانند پیش از برگزاری دوره آموزشی، جلسه یا جلساتی را با رویکرد فرهنگی، تبلیغی برگزار کرده و افزون بر ایراد سخنرانی در خصوص اهمیت، ضرورت و رسالت تدبر، تدبر یک یا دو سوره بزرگتر را بدون استفاده از الفاظ و اصطلاحات علمی و فنی تدبر ارائه کنند، تا زمینه های جذب مخاطب فراهم گردد. مربی می تواند در انتهای همین جلسات منطق سیر آموزشی را برای فراگیر تبیین کند، تا او نیز با علاقه بیشتر در دوره حضور یابد.

۱-۴-۲- سازماندهی محتوا

پس از انتخاب محتوای طرح تدبر، باید این محتوا طبق اصول سازماندهی مورد تایید دانش برنامه ریزی درسی تنظیم شود تا حالت آموزشی به خود بگیرد و قابل یاددهی و یادگیری باشد.
در فرایند سازماندهی محتوا، چندین اصل کلی مورد توجه و دقت قرار می گیرد:

• **ساده سازی:** یکی از اصول سازمان‌دهی مواد درسی، اصل ساده‌سازی است. در ساده‌سازی باید احساس چندگانگی در درک مفاهیم و تجارب ذهنی کاهش یابد؛ از ابتدا تلاش می‌شود که در متون آموزشی از مفاهیم و لغات و جملاتی که بر اساس تجارب فراگیر معانی روشن یا صریح دارند، استفاده شود تا به تدریج، فراگیر با اصطلاحات و اصول نامأنوس یا چند منظوره آشنایی پیدا کند.^۱

• **توالی:** منظور از توالی یا تسلسل در آموزش، همان ترتیب ارائه مفاهیم و مطالب است.^۲ توالی، پاسخ به این پرسش اساسی است که تجربه‌های یادگیری معین شده با چه نظمی مرتب شود؟

• **استمرار:** استمرار به چگونگی ادامه فعالیت‌های یادگیری در طول دوره تحصیلی اشاره دارد.^۳

• **وسعت:** وسعت همان شمول محتوا مطابق با اهداف تربیت فراگیران و متناسب با نیازهای آنها می‌باشد.

برای ساماندهی محتوای کتاب آموزش تدبر در سوره‌های قرآن کریم «۱» و تامین اصول ساماندهی برنامه آموزشی در این کتاب، اینگونه عمل شده است: سوره‌های این محدوده (جزء ۳۰) از جهت ساختار کلی و نحوه غرض‌یابی و دسته‌بندی مطالعه و سوره‌های مشابه (از برخی جهات، نه همه جهات) شناسایی شده است.

آنگاه در میان سوره‌های مشابه یک سوره به عنوان متن و سوره‌های دیگر به عنوان تکلیف یا کار درخانه ارائه شده است، زیرا تدریس همه سوره‌ها به عنوان متن آموزشی منطقی تعلیمی ندارد و راه را بر شکوفایی مخاطب می‌بندند، اما ارائه تکلیف و تحقیق به ازای متن آموزشی، زمینه کارایی و شکوفایی قرآن‌آموز را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال وقتی سوره ناس به او تدریس می‌شود، از او خواسته خواهد شد که سوره فلق را با توجه به فرمول‌های فراگرفته در سوره ناس تدبر کند؛ وقتی سوره توحید به او

^۱ در جستجوی راهکارهای تدوین متون درسی، ص ۷۵.

^۲ برنامه‌ریزی درسی و طرح درس، ص ۹۷.

^۳ مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه، حسن ملک، ص ۹۴.

آموزش داده می‌شود، از او خواسته خواهد شد که سوره کافرون را با توجه به سوره‌هایی که تا به حال فراگرفته است، تدبیر کند.

گفتنی است سوره‌های منتخب به عنوان متن آموزشی، به ترتیب از انتها به ابتدای قرآن در کتاب سامان یافته است، تا با سیر از آسان به سخت مطابق باشد.

چینش محتوای آموزشی تدبیر به سبک بالا، ویژگی‌های لازم در ساماندهی محتوای آموزشی را تامین می‌کند: در چینش مزبور، اصل ساده‌سازی رعایت شده است، زیرا سوره‌ها از انتها به ابتدا و به تبع آن از ساده به مشکل چیده شده و در نتیجه علوم و فنون آموزشی نیز از آسان به سخت و از بسیط به پیچیده سامان یافته است، بر این اساس اصطلاحات و واژه‌های نامأنوس با روندی ملایم به فراگیر آموزش داده می‌شود و او در ابتدا با انبوهی از اطلاعات جدید و اصطلاحات نو مواجه نمی‌شود.

اصل توالی هم رعایت شده است. در کتب آموزشی تدبیر برای ایجاد توالی از چند شیوه استفاده شده است:

▪ از ساده به مشکل

▪ مطالعه مبتنی بر پیش‌نیازها

▪ از کل به جزء^۱ برای ارائه دروس و محتوای تدبیر در سوره‌ها

چینش یاد شده زمینه تامین اصل استمرار آموزش را نیز فراهم می‌آورد. در طرح تدبیر استمرار فعالیتهای یادگیری از مرحله قضاوت و فهم تدبیر سور به مرحله فعال و انجام عمل تدبیر شکل می‌گیرد.

و در نهایت محتوا و نحوه چینش آن به گونه‌ای است که تمام اهداف در نظر گرفته شده برای تدبیر را تامین می‌کند و این همان رعایت اصل وسعت در چینش محتوا است.

^۱ برنامه‌ریزی درسی، راهنمای عمل، ص ۱۶۴.

۱-۵- شیوه‌های یادگیری در آموزش تدبر در سوره‌های قرآن کریم «۱»^۱

بهتر است مربیان محترم از شیوه‌های مناسب یادگیری فراگیران در آموزش تدبر «۱» مطلع باشند و آنها را در تدریس خود مورد توجه قرار دهند:

• **ادراک، قضاوت و ارزش گذاری (استفاده آگاهانه فراگیران از ارائه تدبر سوره توسط استاد):** در این روش یادگیری، مربی تدبر، محور آموزش است، هرچند شاگرد هم منفعل محض نیست و فرصت قضاوت و ارزش گذاری درباره دانسته‌های خود را به دست می‌آورد. سطح ابتدایی آموزش تدبر اقتضاء می‌کند که معلم با شگردهای مختلف، مبادی و مبانی تدبر و یا تدبر یک سوره را به فراگیر تدریس کند و او نیز به خوبی مطالب را ادراک کرده و درباره اهمیت و ارزش چیزی که یاد گرفته است به قضاوت بنشیند و آثار روحی و روانی حاصل از یادگیری را در خود بیابد. این نوع از یادگیری باید به تشویق فراگیر به طی مراحل بالاتر تدبر بیانجامد.

• **درک مهارتها و به کارگیری آن (مطالعه و مباحثه تدبر سوره توسط فراگیران، پیش از حضور در کلاس):** در این روش یادگیری، فراگیر با مهارت مطالعه تدبری و مباحثه تدبری آشنا می‌شود و پس از درک صحیح از این مهارتها، به تمرین و به کارگیری آن می‌پردازد تا جایی که این توانمندی‌ها در او نهادینه شود. در این نوع یادگیری، فراگیر (متدبر) حالت نیمه فعال دارد و تحت نظارت استاد خود مهارت هایش را تعمیق می‌بخشد. این روش نیز به موازات روش قبل در تعلم دوره آموزشی تدبر «۱» به کار می‌رود.

^۱ مطالب این بحث با استفاده از کتاب «راهبردها و فنون طراحی آموزشی» تألیف رایگلوث و همکاران و ترجمه دکتر هاشم فردانش طراحی شده است.

۱-۶- شيوه‌های یاددهی در آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱»

این قسمت از نوشتار در سه بخش طراحی و تنظیم شده است: ا. روش تدریس در آموزش تدبیر «۱» ب. نمونه طرح درس در آموزش تدبیر «۱» ت. نحوه برخورد با پرسش‌های متریبان در حین تدریس

۱-۶-۱- روش تدریس در آموزش تدبیر «۱»

متناسب با روش‌های یادگیری مطرح شده در آموزش تدبیر «۱»، می‌توان از برخی از انواع روش‌های تدریس استفاده کرد، که مهمترین آنها روش سخنرانی و تدریس توضیحی است.

- روش سخنرانی و تدریس توضیحی: روش سخنرانی، روشی است که در آن معلم، اطلاعات مورد نظر خود را به طور مستقیم و با استفاده از بیان شفاهی و مواد آموزشی چاپ شده به فراگیران منتقل می‌نماید.^۱

مراحل روش تدریس سخنرانی از این قرار است:

- بخش مقدماتی: آماده سازی و زمینه سازی برای ورود به بحث (این بخش با قرائت سوره و ارائه کلیاتی درباره موضوعات، غرض و سیر هدایتی آن صورت می‌پذیرد).
- بخش میانی: ارائه مطالب اصلی درس و سوره (این بخش نیز باید با نظم خاص آموزشی ارائه گردد. این نظم خاص، در طرح درس جلسات آموزشی قابل پیش‌بینی است، که در ادامه همین بخش نمونه‌ای از آن نمایش داده خواهد شد).

- بخش پایانی: جمع بندی و نتیجه گیری از سوره یا درس مربوط به روش تدبیر

البته در تدریس تدبیر «۱» تنها از روش سخنرانی استفاده نمی‌شود، بلکه به خاطر فنی و مهارتی بودن تدبیر از روش‌های دیگر نمایشی، مانند روش دیداری نیز استفاده می‌شود و از ابزارهای متناسب

^۱ در آمدی بر روش‌ها و فنون تدریس، مصطفی پاک، ص ۵۰-۵۶

با ارائه دیداری سوره‌ها بهره برده می‌شود. نمودارهای موجود در کتاب، زمینه محقق ساختن روش دیداری را برای مربی فراهم می‌آورد.

۱-۶-۲- نمونه طرح درس در آموزش تدبیر «۱»

گفتنی است مربی از هر روشی که بخواهد برای تدریس استفاده کند، مباحث تدبیری هر درس را باید طبق نظم آموزشی ارائه دهد و این امر اقتضا می‌کند که مربی محترم پیش از حضور در کلاس درس، نقشه تدریس خود را آماده نموده و کلاس را با توجه به آن اداره کند، طرح درس باید با توجه به شیوه انتخاب شده برای تدریس، طراحی شود. در این قسمت نمونه یک طرح درس در آموزش تدبیر «۱» ارائه می‌گردد، اما لازم به ذکر است، که خلاقیت و ابتکار در طراحی نقشه تدریس و اداره کلاس، از مهمترین ویژگی‌های یک مربی موفق است.

بسم الله الرحمن الرحيم

نام کتاب: آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم «۱»

نام درس: تدبیر در سوره مبارکه شمس

روش تدریس: توضیحی

رسانه‌های مورد استفاده: کتاب آموزش تدبیر در سوره‌های قرآن «۱»، تابلو (تخته سیاه و گچ)،

نمودار (بهتر است مربی محترم نمودارهای درس را پیش‌تر و در اندازه‌ای بزرگ تهیه کرده باشد).

«مراحل تدریس»

۱. مرحله نخست: کارهای مقدماتی

○ حمد و ثنای الهی

○ سلام و احوالپرسی

○ حضور و غیاب

○ ذکر یک آیه یا یک حدیث درباره تدبیر یا درس امروز یا مناسبت روز و یا ...

○ طرح پرسش‌هایی از درس پیشین (که از خودآزمایی درس قبل انتخاب شده است).

۲. مرحله دوم: آماده سازی

○ قرائت سوره به شیوه تدبری و با توجه و اخلاص

○ ارائه شناسه سوره همراه با نمایش یک نمودار بزرگ و یا ترسیم آن بر روی تابلو.

○ ارائه توضیحی کلی درباره درس، مانند این توضیح: ابتدا آیات سوره را با توجه به محتوا

می‌خوانیم که نتیجه این مرحله، کلام‌بندی سوره خواهد بود. سپس لب محتوای هر کلام را تشخیص

می‌دهیم و در نهایت ارتباط محتوای کلام‌ها را با یکدیگر می‌سنجیم تا به غرض هدایتی سوره برسیم.

۳. مرحله سوم: ارائه درس

۱. کلام‌بندی سوره

این مرحله را با توضیحی کلی آغاز کرده و در ادامه سوره شمس را با توجه به اصول و قواعد،

کلام‌بندی می‌کنیم. مانند این توضیح: همانطور که قبلاً هم اشاره شد، کلام، مجموعه‌ای از آیات است

که در سیاق محتوایی واحد بوده و غرضی واحد دارند.

بررسی آیات سوره شمس نشان می‌دهد که آیه ۱ تا ۱۰ سیاق محتوایی واحد (قسم و جواب قسم)

دارند، اما آیه ۱۱ سرآغاز سیاق محتوایی جدید (داستان پی کردن ناقه صالح) است و با آیات گذشته

ارتباط مفهومی ندارد و به همین دلیل آیات این سوره مبارکه به دو کلام تقسیم شده است. اینک این دو کلام را با هم مرور می‌کنیم.

کلام ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- وَالشَّمْسِ وَضَحَاهَا (۱)
- سوگند به خورشید و تابندگی اش، (آیه ۱)
- وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲)
- سوگند به مه چون پی [خورشید] رَوَد. (آیه ۲)
- وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳)
- سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، (آیه ۳)
- وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)
- سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد، (آیه ۴)
- وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵)
- سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت، (آیه ۵)
- وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّاهَا (۶)
- سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده، (آیه ۶)
- وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷)

- سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد؛ (آیه ۷)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)

سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد، (آیه ۸)

○ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)

○ که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، (آیه ۹)

○ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

○ و هر که آلوده اش ساخت، قطعاً در باخت. (آیه ۱۰)

پس از قرائت این کلام و ترجمه آن، توضیحاتی کلی درباره کلام داده می شود، مانند این توضیح: همانطور که می بینید، این کلام با سلسله سوگندهای منظمی به بیان این حقیقت می پردازد که رستگاری در گرو تزکیه نفس است و خسران محصول دس نفس؛ به جهان و انسان سوگند یاد می کند و در قسم به جهان، به خورشید و ماه و نظم آن دو؛ به روز و شب و روشنایی و تاریکی آن دو؛ و به آسمان و زمین و بنیان گذار آنها سوگند یاد می کند و در قسم به انسان، به خلقت معتدل او و نفس ملهم به خیر و شرش سوگند یاد می کند.

کلام ۲

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

[قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند. (آیه ۱۱)

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲)

آنگاه که شقی ترینشان بر [پا] خاست. (آیه ۱۲)

این مرد که قدار بن سالف نام داشته با انتخاب قوم خود برای پی کردن ناقه برخاسته بود، چنانکه ضمائر جمع در آیات یعدی ازاین واقعیت خبر می‌دهند.^۱

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳)

پس فرستاده خدا به آنان گفت: «زنهار! ماده شتر خدا و [نوبت] آب خوردنش را [حرمت نهید]». (آیه ۱۳)

مراد از رسول خدا در این آیه، حضرت صالح (علیه السلام)، پیامبر ثمود است.^۲

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا

و[لی] دروغزش خواندند و آن [ماده شتر] را پی کردند،

فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد. (آیه ۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

و از پیامد کار خویش، نمی‌ترسد. (آیه ۱۵)

در ادامه درباره این کلام هم توضیحاتی کلی داده می‌شود، مانند:

همانطور که مشاهده می‌شود آیات این کلام هم به بیان عاقبت قوم ثمود در اثر طغیان‌گری پرداخته است.

^۱ همان.

^۲ همان.

۲. کشف ارتباط میان دو کلام و تشخیص غرض سوره

در این مرحله اینگونه تدریس می‌کنیم: باید غرض هر کلام را مورد توجه قرار دهیم، تا به ارتباط میان دو کلام سوره پی ببریم و غرض هدایتی سوره را تشخیص دهیم:

غرض کلام نخست در سوره شمس، دعوت به فلاح و بازداري از خسران است، با این بیان که فلاح نفس انسانی در گرو تزکیه؛ و خسراش در گرو دس و دفن آن است.

اما غرض کلام دوم، بازداري از طغیان است، با این بیان که قوم ثمود به خاطر طغیان‌گری و سرکشی گرفتار بدترین عذاب‌ها شدند.

همانطور که مشخص است، آیات کلام دوم، استشهاد و تقریری برای آیات کلام اول است^۱ که در آن از فلاح نفس و خسران آن سخن به میان آمده بود، چون قوم ثمود کسانی بودند که نفس خود را دفن کرده و در نتیجه گرفتار خسران و عذاب الهی شده بودند.

توجه به ارتباط این دو کلام، متدبیر را متوجه می‌کند که طغیان‌گری قوم ثمود، مصداق عینی دس نفسی است که در کلام نخست مطرح شد.

پس می‌توان گفت که غرض این سوره، تهدید نسبت به طغیان‌گری و دس نفس است.

گفتنی است نقش کلام نخست در کشف غرض این سوره اصلی است و کلام دوم دامنه و شرح آن به شمار می‌آید.

اگر پرسند چرا دعوت به فلاح را در عنوان غرض نیاوردیم؟ بدین خاطر است که کلام دوم نشان-گر جهت‌گیری سوره درباره طغیان‌گری و دس نفس است، هرچند اصل آموزه دعوت به فلاح از طریق تزکیه در سوره هست، اما غرض اصلی نیست.

۳. مرحله چهارم: نتیجه‌گیری از درس

^۱المیزان، ج ۲۰، ص ۲۹۹.

در این مرحله با استفاده از نمودارهای ترسیم شده سوره، محتوای درس را مرور می‌کنیم و اهم نکات آن را متذکر می‌شویم:

انسانی که تقوی و فجور را با الهام باطنی الهی می‌شناسد، آنگاه به فلاح می‌رسد که نفس خود را تزکیه کند و با آراستن آن به تقوی و تطهیر آن از فجور، خود را به شیوه‌ای صالح پرورش دهد و اگر نفس خود را آلوده سازد، دچار خسران و محرومیت از سعادت می‌شود؛ این سوره مبارکه ماجرای ثمود را به عنوان شاهدی بر این حقیقت مطرح می‌کند که دس نفس، خسران و عذاب را در پی دارد.^۱

بر این اساس می‌توان گفت که تزکیه و دس نفس اصلی‌ترین موضوع این سوره است و آیات شریفه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و «قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» که پس از بیان هفت سوگند مطرح شده‌اند، در صدد ایجاد این بینش هستند که نفس انسانی با تزکیه به فلاح می‌رسد و با دفن آن زیر غبار انواع گناه و طغیان، دچار خسران می‌شود. این سوره با بیان ماجرای قوم ثمود، نمونه‌ای عینی از دس نفس کنندگان را معرفی می‌کند، تا مخاطب از عاقبت آنان عبرت بگیرد و به غرض سوره نائل شود؛ غرض این سوره را می‌توان به این صورت بیان کرد: «تهدید نسبت به طغیان‌گری و دس نفس»؛ گرچه در این سوره از تزکیه نفس هم سخن به میان آمده است، اما با توجه به وجود بیان عینی در مورد دس نفس کنندگان، می‌توان غرض آن را انذار دانست.

۴. مرحله پنجم: ارزشیابی:

در این مرحله پرسش‌های خودآزمایی همین درس قابل طرح است.

۵. مرحله ششم: اختتام درس و تعیین تکلیف

۱-۶-۳- نحوه برخورد با پرسش‌های متریان در حین تدریس

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۹۶.

مربی محترم به هر شیوه‌ای که تدریس کند، باید بداند که در طول درس و یا قبل و بعد از آن، پرسش‌هایی از جانب متربیان مطرح خواهد شد که آگاهی از نحوه برخورد با آنها، او را در اداره هرچه بهتر کلاس یاری می‌کند.

مربی باید بین پرسشهای مرتبط با درس و پرسشهای غیر مرتبط با آن تفاوت قائل شود. خود را برای پاسخ‌گویی به پرسشهای مربوط مسئول بداند و پرسشهای غیر مربوط را در صحن علنی کلاس پاسخ نگوید و موجبات انقطاع رشته کلام یا گسست در سیر توجه شاگردان را فراهم نیاورد. البته باید همواره توجه داشته باشد که در جلسات نخست، هنوز شاگردان فهم دقیقی از تدبیر ندارند و ممکن است پرسشهای غیر مربوط را به زعم مرتبط بودن آنها مطرح کنند، مربی در این جلسات در صورت امکان به این پرسشها پاسخی کوتاه داده و در عین حال ویژگی پرسشهای مرتبط با تدبیر و یا درس را گوشزد می‌کند، زیرا ممکن است در جلسات نخست، پاسخ ندادن به دلیل تدبیری نبودن، اثر مناسبی برای شاگردان نداشته باشد.

مربی باید همواره برای حفظ زمام تدریس در دست خود هوشیارانه عمل کند و به دور از احساسات و عواطف زیاد کلاس رادر اختیار تدبیر قرآن نگاه دارد. او باید از رد و بدل کردن مکرر جواب و پرسش با یک نفر بپرهیزد و پرسشهایی را که با یک دور و یا حد اکثر دو دور پاسخ‌گویی حل نمی‌شود، برای بیرون از کلاس نگاه دارد، مگر اینکه پرسش را برای جمع مفید بداند و بتواند همه افراد کلاس را در توجه به پاسخ مشارکت دهد.

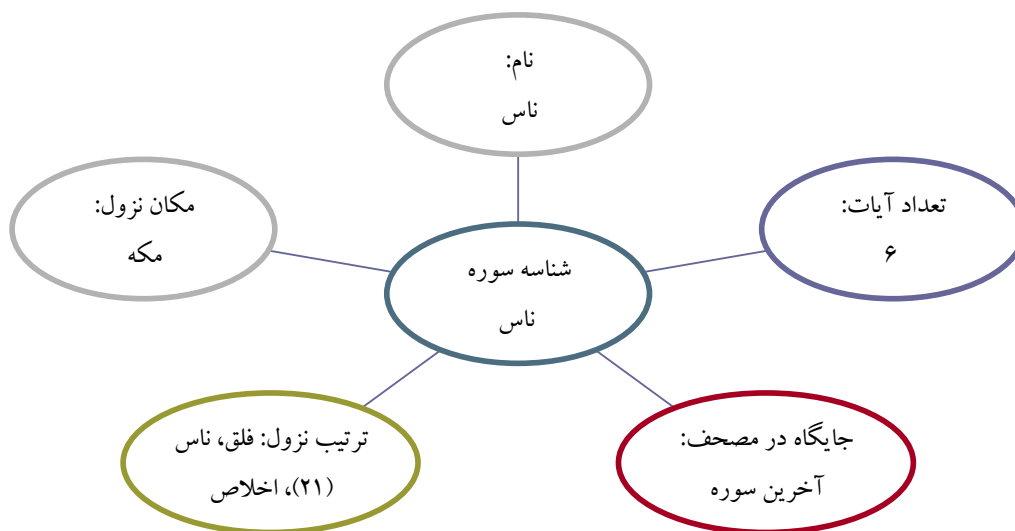
۱-۲- رسانه‌های آموزشی تدبیر

اصلی‌ترین رسانه آموزشی مورد استفاده در تدبیر، کتاب‌های درسی تدبیر است. رسانه‌های آموزشی دیگر نیز در این زمینه قابل پیش‌بینی و استفاده است که برخی از آنها عبارت است از:

- نمودارهای ویژه ارائه سور
- انواع تابلوها (تخته سیاه، تخته سفید و ...)
- انواع پروژکتورها (اسلاید، اورهد و اپک)
- پوستر
- نرم افزارهای آموزش و تمرین تدبیر

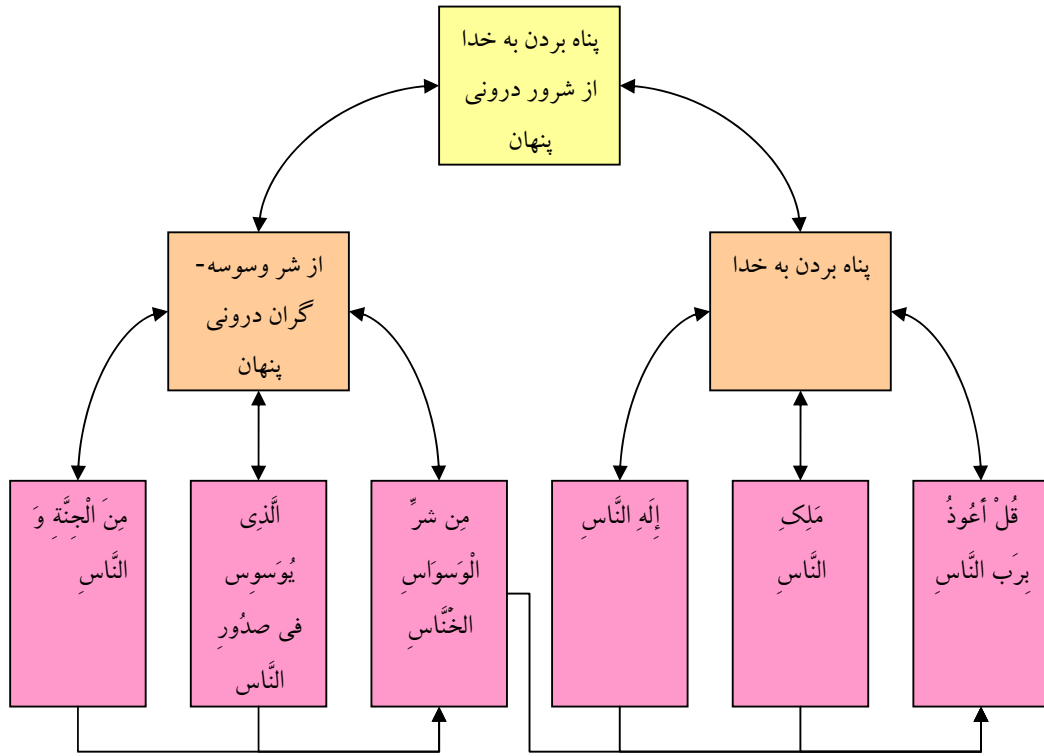
از میان رسانه‌های بالا، کتاب درسی تدبیر شامل نمودارهای ویژه ارائه سور هم هست، که مربی محترم می‌تواند بر اساس آنها پوسترهایی را در اندازه بزرگ تهیه نموده و به هنگام ارائه سور مورد استفاده قرار دهد و یا در صورت امکان از این نمودارها برای تهیه اسلاید استفاده کرده و با بهره‌گیری از پروژکتور آنها را به هنگام تدریس نمایش دهد. این نمودارها سه قسم هستند:

۱. نمودارهای شعاعی: که برای نمایش عناصر وابسته به شناسه استفاده می‌شود. مانند:



نمودار شماره ۱- نمودارهای شعاعی

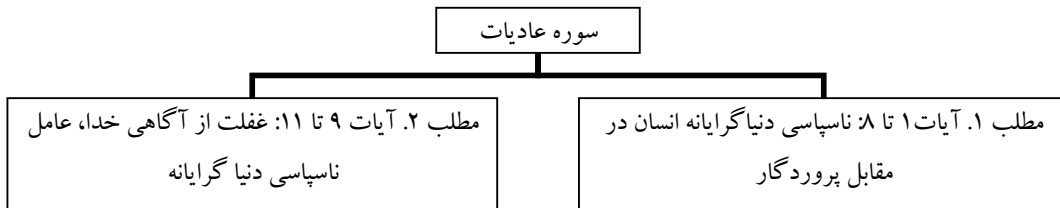
۲. نمودارهای دوره‌ای: که برای نشان داده سیر هدایتی سوره و نحوه طی مسیر از کثرت به وحدت مورد استفاده قرار می‌گیرد. گفتنی است این نمودارها از تنوع زیادی برخوردارند و مربی محترم لازم است برای تشریح آنها توجه کافی داشته باشد. این نمودارها هم از قاعده هرم به سمت رأس آن قابل تبیین است و هم از رأس به سمت قاعده هرم قابل توضیح است. مانند:



نمودار شماره ۲- نمودارهای دوره‌ای

۳. نمودارهای سازمانی: که برای نمایش ساختار دسته‌بندی و عناوین دسته‌ها استفاده می‌شود. این

نمودارها در سوره‌هایی دارای دسته‌بندی هستند، استفاده شده است. مانند:



نمودار شماره ۳- نمودارهای سازمانی

۱-۸- برنامه ریزی درسی تدبیر

آموزش تدبیر «۱»، در یک نیمسال تحصیلی برگزار می شود. تدبیر «۱»، تک واحد نظری است، بدین معنی که برای آموزش آن، دوازده جلسه درسی (هر هفته یک جلسه) لازم است. برای دوازده جلسه آموزشی تدبیر «۱»، دوازده درس در نظر گرفته شده است. یک درس برای آموزش کلیات و مبادی و مبانی تدبیر و یازده درس برای آموزش تدبیر در سوره های قرآن؛ درس نخست نیازی به برگزاری جلسه مستقل برای حل تکالیف ندارد، اما یازده درس بعدی، هر کدام دارای تمرین کار در خانه است، که در صورت علاقه و امکان می توان جلسه ای مستقل برای بررسی و حل تکالیف هر جلسه اختصاص داد.

تذکرات:

۱. در تدبیر «۱» به طور استاندارد تا بیست نفر می توانند در کلاسها شرکت کنند.
۲. زمان کلاس های تدبیر، یک ساعت در نظر گرفته شده است، اما با توجه به تفاوت حجم سوره ها، ممکن است گاهی زمان اداره کلاس از این مقدار کمتر و گاهی نیز بیشتر شود و مربی باید به این امر توجه داشته باشد، تا حتی المقدور اداره کلاس به بیش از زمان در نظر گرفته شده نیانجامد، اما اگر محتوای یک درس از یک ساعت کمتر شد، می تواند زمان باقی مانده را با ارزیابی شاگردان به وسیله پرسش ها و تکالیف تعیین شده اداره کند. مربی باید توجه داشته باشد که منطق آموزشی تدبیر اقتضا می کند که محتوای یک جلسه آموزشی را حتما در یک جلسه درسی ارائه دهد و به گونه ای عمل نکند که کمبود وقت سبب تقسیم محتوای یک درس و ارائه آن در دو جلسه شود.
۳. فضای آموزشی باید دست کم از تخته سیاه یا سفید برخوردار باشد به گونه ای که به راحتی در معرض دید همگان باشد. لازم است از هوای مناسب، نور مناسب و فضای مناسب و عاری از سرو صدا برخوردار باشد تا کیفیت آموزش ارتقا یابد.

۱-۹-۱- ارزشیابی تدبر

به منظور پی بردن به میزان اثربخشی فعالیتها و پیشرفت کار در جهت رسیدن به اهداف و شناسایی نقایص و کمبودهای احتمالی، ارزیابی از برنامه، ضرورتی انکار ناپذیر است، برای رسیدن به این مقصود از انواع ارزشیابی ها به شرح ذیل استفاده می شود: ا. ارزشیابی تشخیصی ب. ارزشیابی تکوینی ت. ارزشیابی نهایی

۱-۹-۱-۱- ارزشیابی تشخیصی

برنامه ریز درسی یا معلم باید فراگیران تدبر را بشناسد و میزان معلومات آنها را درباره قرآن و پیش نیازهای تدبر تشخیص دهد. همچنین باید بداند برای شروع آموزش تدبر، فراگیران باید چه معلوماتی را از پیش داشته باشند تا بتوانند مطالب و مفاهیم تدبری را فرا گیرند. به عبارت دیگر معلم تدبر در مرحله اول باید معلومات و رفتار شاگردان خود را ارزشیابی کند تا میزان آمادگی فراگیر یا رفتار ورودی و معلومات او، پیش از تدریس و تشخیص نقطه شروع آموزش تدبر روشن شود و درس با توجه به آن آغاز گردد.

نمونه چک لیست ارزشیابی تشخیصی پیش از شروع آموزش تدبر «۱»

موارد ارزیابی	عالی	خوب	متوسط	ضعیف
میزان آشنایی با قرائت و تجوید قرآن				
آشنایی با مفاهیم قرآن				
نمرات قرآن مدرسه				
آشنایی با تفسیر				
آشنایی با علوم قرآنی				
میزان علاقه ورودی				
میزان انس با قرآن				

۱-۹-۲- ارزشیابی تکوینی^۱

پس از شروع آموزش و پیش از ارزشیابی پایانی و در طول دوره آموزش تدبیر از این ارزشیابی استفاده می‌شود. این نوع ارزشیابی در قالب پرسشهای کلاسی و آزمون‌های هفتگی و کار عملی ماهانه و امتحان میان ترم نمود پیدا می‌کند و همزمان با پیشرفت مطالب و ارتقاء سطح علمی فراگیران تدبیر، نوع ارزشیابی و پرسش‌ها نیز تغییر می‌کند.

۱-۹-۳- ارزشیابی نهایی^۲

ارزشیابی نهایی یا پایانی، بازده آموزش را اندازه‌گیری می‌کند، با این فرض که مطابق با برنامه پیشنهادی اجرا شده است. هدف آن تعیین اثر بخشی برنامه‌ها و آموزش است، به سخن دیگر، غرض از ارزشیابی نهایی، دستیابی به میزان تغییراتی است که در نتیجه آموزش و فعالیت‌های یادگیری در یادگیرندگان به وجود آمده است. این نوع ارزشیابی غالباً بر اساس انواع پرسشها (تستی، تشریحی) انجام می‌گیرد. بدیهی است که ارزشیابی تکوینی (میانی) و نهایی به هم تنیده شده‌اند، وجه تمایز یا تشخیص آن‌ها از یکدیگر تنها از نظر زمان ارزشیابی و نوع استفاده‌هایی است که از نتایج بدست آمده می‌شود. از آنجا که ابزار ارزش یابی میانی و نهایی به هم شبیه است، اقسام طراحی پرسش برای این دو نوع ارزشیابی را با هم ذکر می‌کنیم:

۱-۹-۴- طراحی پرسش‌های تدبیری

- طراحی پرسشهای عینی یا بسته پاسخ
- طراحی پرسشهای باز پاسخ

۱-۹-۴-۱- پرسش‌های عینی یا بسته پاسخ (انتخابی)

^۱ مقدمه ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی، دکتر علی تقی پور ظهیر، ص ۱۹۹

^۲ همان، ص ۲۰۰

پرسشهای عینی، پرسشهایی هستند که در آنها هم پرسشها و هم جواب پرسشها در اختیار آزمون شوندگان قرار داده می شود و آنان درباره پاسخ های داده شده تصمیم هایی می گیرند یا اعمالی انجام می دهند. این دسته از پرسشها از سه دسته اصلی «صحیح، غلط» و «جور کردنی» و «چند گزینه ای» تشکیل می شوند.

۱. پرسش های صحیح - غلط:

اصولاً کاربرست پرسشهای صحیح و غلط در دو مورد زیر مناسب است:

- وقتی یک پرسش تنها دو حالت داشته باشد.
 - وقتی بخواهیم یادگیریهای مختلفی را در یک زمان کوتاه در آزمونی بگنجانیم.^۱
- در این نوع آزمون تعدادی پرسش یا جمله در اختیار پرسش شوندگان قرار داده می شود و آنها صحیح بودن یا غلط بودن آنها را تشخیص می دهند.

نمونه پرسش های صحیح - غلط

غلط	صحیح	پرسشها
		تدبیر همان تفسیر است.
		تدبیر وظیفه ای همگانی است.
		سوره حمد از پنج قسمت تشکیل یافته است.

۲. پرسش های جور کردنی:

نوع دیگر پرسشهای بسته پاسخ یا انتخابی، پرسش جور کردنی است. در پرسش جور کردنی، فراگیر تدبیر می تواند جفت های مختلف را با یکدیگر جور کند؛ مثلاً کلام ها را با ارتباط آیات، اقوال را با ارتباط کلام ها و فصل ها را با ارتباط اقوال و...^۲

^۱ ر.ک. ارزشیابی آموزشی، عباس خورشیدی، ص ۱۰۰

^۲ ر.ک. اندازه گیری و ارزشیابی در آموزش و پرورش، حمزه گنجی، ص ۱۴۹

در این آزمون، پرسشها از دو ستون تشکیل شده‌اند. یک ستون معرف پرسشها و یک ستون شامل پاسخها است.

اصولاً کاربریست پرسشهای جور کردنی در سه مورد زیر مناسب است:

- وقتی آموخته‌های جزئی و سطح پایین مورد آزمون باشد.
- وقتی قرار است همبستگی و ارتباط بین مفاهیم آموخته شود.
- وقتی همه پاسخها، شقوق قابل قبول یک مقدمه‌اند.^۱

نمونه پرسشهای جور کردنی تدبیر:

هر یک از اصطلاحات زیر را با فلش به عبارت مربوطه وصل کنید.

الف: آیات مرتبط به هم	قول عبارت است از ...
ب: قول های مرتبط با هم	کلام عبارت است از ...
ج: کلام های مرتبط با هم	

۳. پرسشهای چند گزینه‌ای:

این آزمون، شامل تعدادی پرسش است که از یک قسمت اصلی و تعدادی گزینه تشکیل شده است؛ پرسش شونده باید از میان گزینه‌های پیشنهادی، گزینه درست انتخاب کند.

موارد استفاده:

- سنجش یادگیریهای پیچیده‌ای مانند توانایی استدلال، خزانه لغات، تبیین‌ها، محاسبات کاربردها، پیش‌بینی‌ها و معلومات دانش آموزان.
- فراهم آوردن اطلاعات تشخیصی، که در شناسایی مشکلات یادگیری دانش‌آموزان مؤثر باشد.

^۱ ارزشیابی آموزشی، ص ۱۰۱

- تضمین اعتبار کامل آزمون.^۱

نمونه پرسش های چند گزینه ای (عینی)

۱. غرض سوره نصر چیست؟

الف) وعده پیروزی نهایی اسلام

ب) تبیین وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مومنان به هنگام پیروزی

ج) تبیین لزوم تسیح و تحمید و استغفار

د) هیچکدام

۲. آیات سوره فجر به چه کلام هایی تقسیم می شود؟

الف) ۱ تا ۵؛ ۶ تا ۱۴؛ ۱۵ تا ۲۶؛ ۲۷ تا ۳۰.

ب) ۱ تا ۱۴؛ ۱۵ تا ۲۶؛ ۲۷ تا ۳۰.

ج) ۱ تا ۵؛ ۶ تا ۲۶؛ ۲۷ تا ۳۰.

د) ۱ تا ۵؛ ۶ تا ۱۴؛ ۱۵ تا ۲۰؛ ۲۱ تا ۲۶؛ ۲۷ تا ۳۰.

۱-۹-۴-۲- پرسش های باز پاسخ (انشایی):

این آزمون ها، شامل یک محرک است که یادگیرندگان باید پاسخی برای آن ارائه کنند. این آزمون ها با توجه به آزادی عمل پرسش شونده به دو دسته «گسترده پاسخ» و «محدود پاسخ» تقسیم می شوند.

۱. پرسش های گسترده پاسخ

در این نوع پرسش، پرسش شونده هیچگونه محدودیتی ندارد، او آزاد است هر طور که مایل است پاسخ خود را بپرواند و سازمان دهی کند، او اطلاعات و دانش های خود را ارزیابی می کند و اندیشه های خود را به نحوی منطقی، منسجم و بدیع بر روی کاغذ می آورد.

^۱ همان، ص ۱۰۰

کاربرد پرسشهای انشایی گسترده پاسخ در موارد زیر مناسب است:

- وقتی هدفهای آموزشی، بر نوشتن یا بخاطر سپردن اطلاعات تأکید دارد تا بر بازشناسی آنها.
- وقتی تعداد دانش آموز کم است.^۱

نمونه پرسش‌های تشریحی گسترده پاسخ:

۱. تعریف اصطلاحی تدبیر را نوشته و درباره آن توضیح دهید.
۲. یک آیه مربوط به تدبیر را ذکر کرده و اهمیت تدبیر را با توجه به آن بیان کنید.
۳. غرض سوره ضحی چیست، در این باره توضیح دهید.

۲. پرسش‌های محدود پاسخ:

در این نوع آزمون، پرسش شونده در ارائه پاسخ، آزادی کامل ندارد، بلکه صورت پرسش او را ملزم می‌سازد تا پاسخ خود را در چارچوب شرایطی خاص محدود کند. در این آزمون هم از لحاظ زمان پاسخ‌دهی و هم از نظر مقدار پاسخ، محدودیت‌هایی برای آزمون شونده وجود دارد.

نمونه پرسش‌های تشریحی محدود پاسخ

۱. دو مورد از مبانی تدبیر را ذکر کنید.
۲. در سوره نبأ، کلام‌ها و عناوین آنها را بیان کنید.
۳. سوره عبس به چند کلام تقسیم می‌شود؟
۴. کلیدی‌ترین آیه در تشخیص غرض سوره ناس کدام است؟

^۱ همان، ص ۱۰۲

۱-۱۰-۱- خلاصه‌ای از ویژگی‌های لازم برای مربیان تدبیر

مربیان تدبیر باید از ویژگیهای دانشی، ارزشی و مهارتی بالایی برخوردار باشند تا بتوانند تدبیر را آنگونه که باید در جامعه گسترش دهند و نهادینه سازند و از انحرافات و آسیب‌های احتمالی آن پیشگیری کنند، برخی از این ویژگیها از این قرار است:

۱-۱۰-۱- ویژگیهای دانشی:

- آشنایی کامل و تخصصی با پیش‌نیازهای لازم برای تدبیر مانند: قرائت صحیح، ترجمه و مفاهیم و علوم قرآنی و تفسیر
- آشنایی با تفسیر المیزان و نحوه استفاده تدبری از آن (با توجه به جایگاه ویژه المیزان در کتب درسی تدبیر، لازم است مربیان محترم با این کتاب شریف آشنا و مانوس باشند تا در موارد لزوم بتوانند به آن رجوع نمایند. گفتنی است تفسیر شریف المیزان از چند جهت در آموزش تدبیر نقش- آفرین است: ۱. یکی از ارکان پیش‌مطالعه تدبری است. ۲. در مبحث غرض و سیر هدایتی سوره نقش مبنایی دارد. ۳. در توضیح آیات و نحوه ارتباط آنها و همچنین در توضیح کلامها و وجه ارتباط آنها، حضور تعیین کننده‌ای دارد و ...)
- آشنایی کامل، تفصیلی و استدلالی با مبادی و مبانی تدبیر
- آشنایی کامل و تخصصی با روش تدبیر استدلالی

۱-۱۰-۲- ویژگیهای مهارتی:

- مهارت کامل در تدریس (با سابقه قابل قبول)
- مهارت کامل در قرائت، مطالعه و مباحثه تدبری؛ و راهنمایی در این زمینه
- مهارت کامل در تدبیر استدلالی
- مهارت کامل در ارزیابی نتایج کارهای فردی و گروهی در تدبیر

۱-۱۰-۳- ویژگیهای ارزشی:

- تقید به حضور با طهارت در کلاس درس تدبر
- خلوص نیت در تدریس تدبر
- سعه صدر (این ویژگی هم برای تدریس لازم است و هم برای تکامل در تدریس. وجود سعه صدر برای پذیرش تکمیل و تصحیح‌های لازم در کتب و آموزه‌ها و برنامه‌های تدبر، کمک می‌کند تا مربی همواره و به راحتی در جریان آخرین تحولات تکاملی برنامه قرار بگیرد، بدون اینکه دچار اضطراب و تزلزل شود).

- حضور قلب به هنگام تلاوت آیات و ارائه تدبر سور
- رعایت مراتب حقیقت‌پذیری و پذیرش اشتباهات، در خدمت قرآن
- حسن ظن به مخاطب
- احترام به قرآن کریم
- احترام به مخاطب
- همراه کردن ذکر قرآن با عترت در فرصتهای مناسب
- تلاش برای برقراری ارتباط مخاطب با قرآن
- حائل نکردن خود میان مخاطب و قرآن
- پرهیز از بیان مطالب بی‌دلیل و بی‌بنیان و ضعیف
- تقید به بیان آنچه در کتب تایید شده آمده است
- عدم تعصب بی‌جا
- احترام قائل شدن برای علامت پرسش یا نمی‌دانم
- اهمیت دادن به پرسشها و اشکالات به جای مخاطبان
- پاسخ دادن به پرسشهای تدبری و پرهیز از تفصیل در پاسخ به پرسشهای غیر تدبری
- استفاده از همه توانها و هنرها برای ترویج قرآن کریم

- پرهیز از اطناب ممل و ایجاز مغل

- و

با توجه به ضرورت وجود این ویژگیها در مربیان تدبیر، ضرورت طراحی دوره‌های تربیت مربی

تدبیر آشکار است و باید برای این امر خطیر برنامه‌ریزی شود. إن شاء الله /

۲. درس‌ها

۱-۲- درس نخست

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

۱. آشنایی با مستندات تعریف تدبر؛
اطمینان نسبت به اتقان مفهوم ارائه شده از تدبر و هماهنگی آن با تدبر مطلوب قرآن و روایات؛
حفظ تعریف تدبر و توانایی تطبیق آن با تدبر مطلوب قرآن و روایات؛
۲. آشنایی با اهمیت تدبر از منظر قرآن کریم و عترت اطهار (علیهم السلام)؛
انگیزه برای فراگیری آگاهانه و مستمر تدبر در قرآن، با توجه به اهمیت آن؛
حفظ آیات تدبر همراه با توانایی شرح مفاهیم آنها؛
حفظ روایت امیر مومنان (علیه السلام) درباره تدبر و توانایی شرح جایگاه آن در میان روایات
قرائت قرآن؛
۳. آشنایی با هدف تدبر و روند کلی دستیابی به آن، در سوره‌ها؛
۴. شناخت پیش‌نیازهای تدبر و آگاهی از ملاک‌های صحیح و معقول برای ارزیابی این پیش-
نیازها در خود
انگیزه برای احراز پیش‌نیازهای تدبر در خود
توانمندی ارزیابی اجمالی پیش‌نیازهای تدبر در خود، به منظور برنامه‌ریزی برای تکمیل آنها؛
۵. شناخت، انگیزه و توانایی اولیه برای مطالعه تدبری
۶. شناخت، انگیزه و توانایی اولیه برای تشکیل گروه و مباحثه تدبری

۲-۱-۱- مفهوم شناسی تدبر

مربی گرامی! این مبحث در ابتدا ذکر شده است تا فراگیر پیش از ورود به مباحث مربوط به مبادی و مبانی تدبر، تصویری از آن در ذهن داشته باشد. توجه داشته باشید که در آموزش تدبر «۱»، تنها خلاصه‌ای از مفهوم شناسی تدبر ارائه می‌شود و تفصیل این مبحث به آموزش تدبر «۲» واگذار می‌گردد، از این رو پیشنهاد می‌شود که به هنگام تبیین این گفتار، مطالب به صورت مفصل و چالش برانگیز گفته نشود. تجربه نشان می‌دهد که طرح و اثبات این نوع مباحث پس از آشنایی عینی با حقیقت تدبر و مشاهده ملموس نتیجه تدبر در برخی سوره‌های قرآن، فایده بیشتری را به دنبال دارد و به همین دلیل تفصیل بحث مفهوم شناسی به آموزش تدبر «۲» واگذار گردیده است. شما می‌توانید در فرصت محدود درس نخست، مفهوم-شناسی تدبر را با بیان زیر بفرمایید:

تعریف صحیح «تدبر در قرآن»، مبتنی بر شناسایی مفهوم لغوی «تدبر» و آن نیز در گرو بررسی معنی «ماده» و «هیأت» این واژه در قرآن و منابع لغوی است، زیرا ماده و هیأت، عناصر اصلی تشکیل دهنده مفهوم یک واژه هستند و تفاوت هر یک از این دو، جداساز مفاهیم کلمات از یکدیگر است. ماده تدبر، «د ب ر» و هیأت آن، «تفعل» است. در ادامه با بررسی ماده و هیأت این واژه، در جستجوی تعریف دقیق آن هستیم.

۲-۱-۱-۱- ماده تدبر:

ماده «دبر» در لغت به معنی «پشت» و «پشت سر» اشیا است؛^۱ و این مفهوم در همه استعمالات قرآنی^۲ این ماده وجود دارد.

۲-۱-۱-۲- هیأت تدبر:

^۱ تاج العروس من جواهر القاموس؛ مصباح اللغة؛ مقایس اللغة؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم.

^۲ این ماده ۴۴ بار و به ۱۱ صورت، در قرآن استعمال شده است و در همه استعمالاتش به همین معنی به کار رفته است.

هیأت «تفعل» برای مطاوعه «تفعیل» است، بر همین اساس برای تشخیص معنای «تدبر»، گریزی از بررسی مفهوم «تدبیر» نیست. ریشه لغوی و ساختار لفظی اقتضا می کند «تدبیر» را «پشت سر هم چیدن حکیمانه» بدانیم، که استعمالات قرآنی نیز همین معنی را تأیید می کند،^۱ بنابراین «تدبر» نیز «پذیرش چینش حکیمانه» خواهد بود.

۲-۱-۱-۳- تدبر در قرآن:

امر به تدبر در قرآن و توجه به معنای مطاوعی آن، نشانگر وجود تدبیر (چینش حکیمانه) در قرآن کریم است. قرآن کریم یا هر کلام دیگری، محصول تدبیر حروف، کلمات، عبارات و جملات در کنار یکدیگر است، اما باید توجه داشته باشیم که تدبر، مطاوعه یا پذیرش غیر اختیاری تدبیر از سوی حروف، کلمات و جملات نیست، چون در معنای مطاوعی تدبر، نوعی اختیار و آگاهانه بودن لحاظ شده است، بر خلاف معنای مطاوعی در باب انفعال، بنابراین اگر بنا بود مطاوعه غیر اختیاری حروف، کلمات و جملات در قالب لفظ درآید، به صورت «اندبار» بیان می شد، در نتیجه می توان گفت: «تدبر در قرآن» به معنی پذیرش و کشف آگاهانه «تدبیر محقق شده در کلام خدا»^۲ از سوی مخاطبان آن است و این همان عنصری است که تدبر را راه فهم نظم ویژه قرآن و ایمان به الهی بودن آن قرار داده است. گفتنی است کاربردهای قرآنی «تدبر» نیز مؤید همین معنا است:

۱. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۳ آیا در [معانی] قرآن

تدبر نمی کنند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند.

علامه طباطبایی (ره) ذیل این آیه می فرماید: «التدبیر هو أخذ الشيء بعد الشيء و هو فی مورد

الآية التأمّل فی الآیة عقیب الآیة أو التأمّل بعد التأمّل فی الآیة لكن لما كان الغرض بیان أن القرآن لا

^۱ ر.ک. تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲ سوره رعد.

^۲ منظور از تدبیر موجود در کلام، معنای حاصل مصدری تدبیر است. یعنی همان نظم و چینش کلام که در اثر تکلیف مدبرانه خداوند در آن ایجاد شده است.

^۳ سوره نساء، آیه ۸۲

اختلاف فيه و ذلك إنما يكون بين أزيد من آية واحد، كان المعنى الأول أعنى التأمل فى الآية عقيب الآية هو العمدة و إن كان ذلك لا ينفى المعنى الثانى أيضا...»^۱

بر اساس ظاهر آیه که «دفع اختلاف و ناهماهنگی از قرآن» است و با توجه به توضیحات مرحوم علامه طباطبایی (ره)، می توان نتیجه گرفت که «تدبر در قرآن» به معنی «کشف هماهنگی قرآن» است.

۲. «كَتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۲ [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبر کنند، و خردمندان پند گیرند.

مرحوم علامه طباطبایی (ره) ذیل این آیه شریفه می فرماید: «توصیفه [الکتاب] بالإنزال المشعر بالدفعه دون التنزيل الدال على التدریج لأن ما ذكر من التدبر و التذکر يناسب اعتباره مجموعا لا نجوما مفرقة.»^۳

طبق بیان حضرت علامه (ره)، تدبر با اعتبار مجموع کتاب متناسب است که خالی از اشعار به مفهوم «کشف هماهنگی» نیست.

۲-۱-۱-۴- تعریف «تدبر در قرآن»:

اینکه که معنی ماده و هیأت تدبر و همچنین مفهوم لغوی تدبیر و تدبر قرآن مشخص شد، می توان پس از لحاظ تعاریفی که تا کنون برای تدبر ارائه شده است، تعریفی کامل تر و صحیح تر از تدبر ارائه داد. تاکنون تعاریف متنوعی از «تدبر در قرآن» ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

^۱ المیزان، ج ۵، ص ۱۹. ترجمه: تدبیر به معنای گرفتن چیزی بعد از دیگری است که در این آیه به معنای تأمل در آیه پس از آیه دیگر است یا به معنای تأمل بعد از تأمل در آیه است. با توجه به اینکه غرض آیه بیان این مطلب است که در قرآن اختلافی نیست و درک این حقیقت با توجه به بیش از یک آیه امکان پذیر است، معنی اول، یعنی تأمل در آیه بعد از آیه دیگر مناسبتر است، هر چند که این مسئله معنی دوم را نفی نمی کند... برای توضیح بیشتر به همین آدرس رجوع شود.

^۲ سوره ص، آیه ۲۹.

^۳ المیزان، ج ۱۷، ص ۱۹۷. ترجمه: در این آیه سخن از انزال کتاب است که مشعر به نزول دفعی است، نه از تنزیل که دال بر تدریج است، چون تدبر و تذکر مذکور در آیه مناسب با لحاظ مجموع کتاب است نه توجه پراکنده و جداجدا.

۱. تفکر و تأمل در قرآن^۱

۲. ترتیل و تلاوت راستین قرآن^۲

۳. تفسیر صحیح ظاهر و باطن^۳

۴. کشف هماهنگی: در این راستا فعالیت‌هایی صورت گرفته است که عبارتند از:

أ. دسته بندی، ارتباط درونی دسته‌ها و کشف موضوع و غرض سور^۴

ب. دسته بندی، ارتباط بین دسته‌ها و کشف موضوع سور^۵

ج. مهندسی سوره و دسته بندی آن و کشف موضوع و غرض سوره^۶

د. مهندسی کلان سوره‌ها طبق ترتیب مصحف (تدبر بین سور)^۷

تعاریف سه گانه نخست، برای تدبر قابل قبول نیست؛ و دلیل این امر در مبحث مفهوم شناسی روشن شد، زیرا همه این تعاریف با تسامح در معنی ماده و هیأت تدبر، تدبر را به غیر تدبر (مثل تفکر، تأمل، ترتیل، تلاوت و تفسیر) تعریف کرده‌اند. تعریف صحیح‌تری برای تدبر می‌توان ارائه کرد که بر محور تعریف چهارم و تکمیل فعالیت‌های زیر مجموعه آن است:

«فهم روشمند و هماهنگ ظاهر قرآن کریم»

واژه فهم، جنس این تعریف و سایر واژگان، فصل‌های آن هستند. در ادامه، توضیح جنس و فصل

این تعریف را مطالعه می‌کنید:

○ **فهم:** تدبر برای فهم قرآن کریم است، پس مواردی مانند انس با قرآن، عمل به

^۱ بازرگان در کتاب متدولوژی تدبر در قرآن.

^۲ نقی پور در کتاب پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن.

^۳ بهبودی در کتاب تدبر در قرآن.

^۴ علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان.

^۵ بی‌آزار شیرازی و حجتی در کاشف

^۶ بستانی در تفسیر بنائی.

^۷ الحوی در تفسیر الاساس.

آن، ترویج و اقامه آن از محل بحث خارج است. زیر مجموعه‌های فهم عبارتند از:

- فهم نفسی ملازم با قرائت قرآن (در این نوع فهم، آیات بنفسه فهمیده می-

شوند و ارتباط آنها با یکدیگر مورد توجه نیست، اما در فهم هماهنگ، ارتباط

آیات با هم نیز مورد توجه است.)

- فهم هماهنگ قرآن، در تدبیر

- فهم مبادی و مبانی قرآن، در تفکر

- فهم دقیق قرآن، در تفقه

- فهم لایه‌های معرفتی قرآن، در تبیین (تفسیر)

- فهم ذوقی و شهودی، در اشارات و لطایف قرآن

- فهم مصداق، در تطبیق

- فهم حقیقت عینیه خارجی، در تأویل

هر یک از قیود تعریف، یک یا چند مورد از موارد بالا را از حیطة جامعیت تعریف خارج می‌کند تا

مانعیت آن حاصل شود:

۱. روشمند:

این قید «فهم ذوقی و شهودی» را از تعریف خارج می‌کند، چون فهمی شخصی است و قابل روشمند

کردن و تعلیم و تعلم نیست. اگر فهمی روشمند نباشد، قابلیت تعلیم و ترویج و ارزیابی را نخواهد داشت

و چنین فهمی نمی‌تواند همگانی باشد، در صورتی که تدبیر، وظیفه‌ای عمومی است و نیاز به روش و

آموزش دارد، چون اوامر قرآن در این باره به صورت جمعی صادر شده است: «أفلا يتدبرون القرآن»،

«أفلم یدبروا القول»، «لیدبروا آیاته».

۲. هماهنگ:

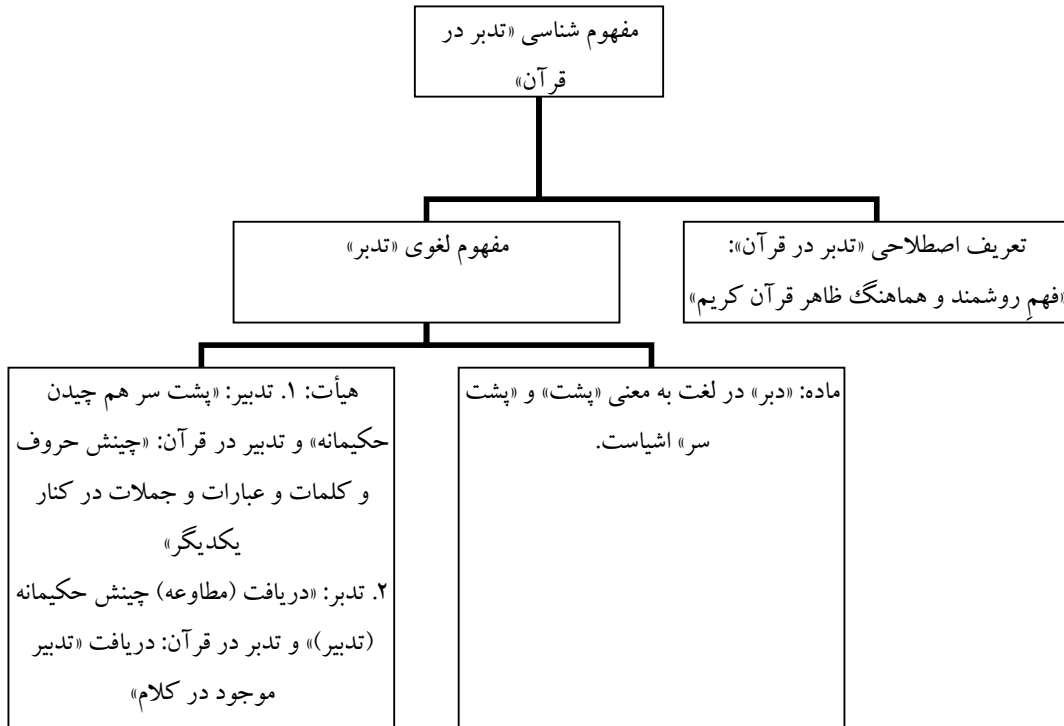
این قید «فهم نفسی ملازم با قرائت» را از حیطة تدبر خارج می کند، زیرا در فهم نفسی، هماهنگی و ارتباط بین آیات قرآن مورد توجه قرار نمی گیرد و هر آیه به طور مستقل فهمیده می شود، در صورتی که مطلوب تدبر، فهم هماهنگ قرآن کریم است: «أفلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا»، دفع اختلاف از قرآن جز با فهم هماهنگ آن میسر نیست.

این قید می تواند مواردی مانند تفکر، تفسیر (تبیین) و تاویل را نیز خارج کند، زیرا در تدبر دو مطلب هم عرض با هم مقایسه می شود و سعی در فهم هماهنگ آنهاست، اما در تفکر، تفسیر و تاویل، رابطه طولی دو مطلب سنجیده می شود، نه هماهنگی آنها در عرض یکدیگر.

۳. ظاهر:

این قید «فهم مبادی و مبانی قرآن، در تفکر»، «فهم لایه های معرفتی قرآن، در تبیین»، «فهم دقیق قرآن، در تفقه»، «فهم مصداق، در تطبیق» و «فهم حقیقت عینیه خارجیه، در تأویل» را از دایره جنس تعریف تدبر خارج می کند، زیرا سه مورد نخست از حیطة ظاهر و موارد پسین از دامنه لفظ و معنا خارج اند، در حالی که تدبر به دلیل ملازمت با دفع اختلاف از قرآن- «أفلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا»- متناسب با ظاهر کلام خداست؛

بدین ترتیب به وسیله قیود سه گانه تعریف، هفت مورد از موارد هشتگانه مشمول جنس تعریف تدبر، خارج و تعریف جامع و مانع «تدبر در قرآن» مشخص شد، البته با توجه به ادله گفته شده در أخذ هر یک از قیدها، انواع مشابه دیگر از موارد مشمول جنس تعریف نیز از دایره جنس تعریف خارج شده و اشکالی نسبت به مانعیت این تعریف ایجاد نمی شود.



نمودار شماره ۴- مفهوم شناسی «تدبر در قرآن»

۲-۱-۲- اهمیت تدبر

مربی عزیز! آن چه ما را بر آن داشته است تا در جستجوی مفهوم تدبر، راهکار عمل به آن و شیوه تعلیم و ترویج آن باشیم، سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به تدبر در قرآن است، از این رو یکی از نخستین گام‌های آموزشی تدبر، توجه دادن فراگیر به آیات و روایات مربوط به تدبر است. این مرحله، او را از اهمیت تدبر در منظر قرآن کریم و معصومان (علیهم السلام) آگاه می‌کند.

در این مرحله می‌خواهیم با توجه دادن قرآن آموز به اهمیت تدبر در بیان قرآن و عترت، این پرسش را در ذهن او ایجاد کنیم که «راستی چگونه می‌توان به تدبر مطلوب قرآن و عترت عمل کرد؟» می‌خواهیم به او تفهیم کنیم که تدبر وظیفه‌ای دینی است، پس جا دارد که معبدانه در پی نحوه جامه عمل پوشاندن به آن باشیم. می‌خواهیم او از خود بپرسد: «این تدبر چیست که قرآن آن را وظیفه، هدف و زمینه‌ساز تذکر دانسته است؟»

لازم است مربی گرامی با توجه دادن قرآن آموزان به جایگاه هدایتی قرآن و عترت، اهمیت و نقش تعیین کننده آیات و روایات تدبیر را در نظر متربی آشکار سازد، تا ذکر آیات و روایات مربوط به تدبیر، اثر مطلوب خود را در ایجاد بینش در فراگیر و هدایت انگیزش او داشته باشد.

۲-۱-۲-۱- آیات تدبیر

مربی محترم در این قسمت، ابتدا آیات مربوط به تدبیر را تلاوت کرده و مفهوم هر کدام را بیان می کند، سپس هر آیه را به تنهایی می خواند و نکات قابل استفاده از آن را تبیین می کند. بهتر است مربی از فراگیران بخواهد که این نکات را در حاشیه کتاب و یا دفتر خود یادداشت کنند. مربی محترم در عین این که دقت دارد تا این نکات را به آیات استناد دهد، توجه دارد که این کار او با بیانات خشک علمی پیش نرود، چون هدف آموزشی این مرحله ایجاد علاقه و انگیزه در فراگیر است و آیات و روایات هم به همین منظور مطرح می شوند.

نکات قابل استفاده از این آیات به ترتیب از این قرار است:

آیه نخست: کتاب أنزلناه إليك مبارك ليدبروا آياته وليتذكر أولوا الألباب^۱

۱. تدبیر در قرآن، وظیفه ای همگانی است.

توجه به سیاق آیه مورد بحث (یعنی آیات پیش از آن) نشان می دهد که ضمیر «لیدبروا» به گروه خاصی بر نمی گردد و به همه انسان ها مربوط است.

۲. تدبیر در قرآن، غایت انزال کتاب خداست.

این نکته از تعلق جار و مجرور «لیدبروا» به فعل «أنزلناه» استفاده می شود، البته با توجه به اینکه لام در این عبارت، لام غایت است.

۳. تدبیر، زمینه ساز تذکر خردمندان است.

^۱ سوره ص، آیه ۲۹. ترجمه: کتابی مبارک است که بر تو نازل کردیم، تا در آیاتش تدبیر کنند و صاحبان خرد متذکر حقایق آن شوند.

این نکته از مقدم داشتن «لیدبروا» بر «لیتذکر أولوا الألباب» استفاده می شود.

آیه دوم: أفلم يدبروا القول أم جاءهم ما لم يأت آبائهم الأولين^۱

تدبر نکردن در قرآن، یکی از عوامل شرک و بی ایمانی است.

توجه به محتوا و سیاق آیه نشان می دهد که در مقام تبیین و بررسی علل و عوامل شرک و بی ایمانی به قرآن و وحی است، یعنی اینان که کفر می ورزند، بدین خاطر است که در قرآن تدبر نکرده اند و گرنه کتاب آسمانی بر آباء پیشینی ایشان نازل شده بود و نمی توانند بی سابقه بودن نزول آیات الهی بر اجدادشان را دلیل بی اعتباری قرآن بدانند، بنابراین تدبر نکردن در قرآن، از عوامل شرک و بی ایمانی بر شمرده شده است.

لازم است مربی محترم ضمن تبیین نکات این آیه، تذکر دهد که ما مسلمانان هم برای حقیقت بخشیدن به ایمانمان و تعمیق آن به تدبر در قرآن نیازمندیم، تا اعتقادمان به اعجاز کلام الله از جنبه انفعالی و تقلیدی فراتر رود و خودمان به حقیقت و حیانی بودن قرآن، علم و ایمان پیدا کنیم. در این صورت است که ایمان ما به قرآن، عینی، حقیقی و تفصیلی خواهد بود. البته مربی باید دقت داشته باشد که برای تبیین ارزش ایمان تفصیلی و عمیق، ارزش ایمان اجمالی و بسیط را زیر سؤال نبرد، بلکه مخاطبان را به ایمانی فراتر از آن دعوت کند و از ناکافی بودن آن سخن بگوید.

آیه سوم: أفلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا^۲

۱. کلام غیر خدا دارای اختلاف فراوان است؛ و قرآن که کلام خداست عاری از هر گونه اختلاف

است.

این نکته از قسمت دوم آیه: «و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا» و با توجه به نافی

بودن ادات شرط «لو» استفاده می شود.

^۱ سوره مؤمنون، آیه ۶۸. ترجمه: آیا در قرآن تدبر نمی کنند یا آنکه کتاب و رسول تنها بر ایشان آمده و بر پدرانشان نیامده است؟

^۲ سوره نساء، آیه ۸۲. ترجمه: آیا در قرآن تدبر نمی کنند و اگر از جانب غیر خدا بود در آن بسیار اختلاف می یافتند؟

۲. تدبر در قرآن راه علم به هماهنگی و عدم اختلاف در قرآن و در نتیجه اثبات کلام الله بودن قرآن است.

این نکته از ارتباط «أفلا يتدبرون القرآن» با قسمت دوم آیه استفاده می شود.

کمترین ناهماهنگی که در آثار بشری هست، این است که اگر کسی بخواهد کتابی را در طول بیست و سه سل بنویسد، هیچگاه ابتدا و انتهای آن به لحاظ عمق و اتقان یکسان نخواهد بود، چون علم او در حال افزایش است و هرگاه که به انتها برسد سطح کتاب او از ابتدا بالاتر خواهد بود، گذشته از اینکه تضاد و تعارض و اختلافات آشکار نیز در آثار بشری گریزناپذیر است، چون بشر به هنگام نوشتن و سخن گفتن نمی تواند همه جوانب کلام را ببیند و به آنها ملتزم شود و بسیار می شود که کلام او در بخشی از گفتارش با لوازم کلام دیگرش اختلاف دارد و ...، اما اگر کسی در قرآن تدبر کند می بیند که صدر و ذیلش به لحاظ عمق و اتقان، اختلافی ندارد، همه آیات آن، موضوعات آن و ... هماهنگ است، به نحوی که کاربرد حتی یک حرف در قرآن روی حساب است.

آیه چهارم: أفلا يتدبرون القرآن أم علی قلوب أفعالها ۱

عدم تدبر در قرآن در کنار قفل قلب، از عوامل بی ایمانی است.

توجه به محتوا و سیاق نشان می دهد که این آیه شریفه هم مانند آیه دوم، در مقام برشماری علل و عوامل شرک و بی ایمانی است.

۲-۱-۲-۲- روایات تدبر

پس از طرح و بررسی آیات تدبر، نوبت به تبیین روایات مربوط به آن می رسد. مریی محترم در این قسمت از درس روایات را یک به یک می خواند و شرح می دهد.

روایت نخست: قال أمير المؤمنين عليه السلام: ألا لا خير في قراءة لیس فیها تدبر^۲

^۱ سوره محمد، آیه ۲۴. ترجمه: آیا در قرآن تدبر نمی کنند یا بر دلهاشان قفلها زده اند؟

^۲ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶. ترجمه: امیر مومنان (علیه السلام) فرمود: آگاه باشید، فایده ای در قرائت بدون تدبر نیست.

با توجه به اینکه مریی در مقام تبیین اهمیت تدبر است و آیات و روایات مربوط به آن را بر می-شمارد، ممکن است از او پرسند که چرا در خصوص قرائت قرآن کریم سفارش‌های زیادی شده است، اما در خصوص تدبر در قرآن، روایات انگشت‌شمار است؟

حدیث بالا پاسخ این پرسش است و همه روایات و احادیث قرائت قرآن را به تدبر مقید می‌کند. بنابراین تدبر وصف لازم قرائت ثمربخش قرآن کریم است و قرائت سودمند بدون تدبر محقق نمی‌شود.

روایت دوم: عن أبي عبد الله عليه السلام أنه كان من دعائه إذا أخذ مصحف القرآن والجامع قبل أن يقرأ القرآن و قبل أن ينشره يقول حين يأخذه بيمينه بسم الله ... اللهم ... لا تجعل قرائتي قراءة لا تدبر فيها بل اجعلني أتدبر آياته و أحكامه آخذا بشرائع دينك ... ١.

این روایت نشان می‌دهد که تدبر، سیره عملی معصومان (علیهم السلام) بوده و همواره پیش از قرائت قرآن از خدای متعالی می‌خواسته‌اند که مبدا قرآن را بدون تدبر قرائت کنند.

روایت سوم: و أوصى رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم معاذ بن جبل فقال له أوصيك باتقاء

الله و... تدبر القرآن ٢

طبق این روایت، تدبر در قرآن از وصایای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است همراه شدن تدبر و تقوا در سفارشات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیانگر اهمیت آن در دیدگاه ایشان است.

با استفاده از آیات و روایات تدبر می‌توان موارد زیر را در اهمیت تدبر برشمرد:

- تدبر یکی از اهداف از انزال قرآن (... أنزلناه... ليدبروا آياته ١)

^١ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٣٧٢. ترجمه: از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است، هنگامی که قرآن را به دست می‌گرفتند، پیش از خواندن و باز کردن آن در حالی که قرآن را در دست راست می‌گرفتند، چنین دعا می‌کردند: به نام خدا ... خدایا... قرائت مرا قرائتی که تدبر در آن نیست قرار مده، بلکه مرا آن‌گونه قرار بده که در آیات و احکام آن تدبر کنم، در حالی که قوانین دین تو را اخذ می‌کنم.

^٢ إرشادالقلوب، ج ١، ص ٧٣. ترجمه: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به معاذ بن جبل وصیت کرد و فرمود تو را وصیت می‌کنم به تقوای الهی و ... تدبر در قرآن.

- تدبیر زمینه ساز تذکر خردمندان (...لیتذکر أولوا الألباب ۲)
- تدبیر راه کشف هماهنگی و حل تعارضات قرآنی و اثبات کلام الله بودن قرآن (و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافا کثیرا^۱)
- تدبیر از عوامل ایمان به قرآن؛ و تدبیر نکردن از علل بی ایمانی به قرآن کریم (أفلم یدبروا القول أم جاءهم ما لم یأت آباءهم الأولین ۴، أفلا یتدبرون القرآن أم علی قلوب أقفالها^۵)
- تدبیر وظیفه ای همگانی و جهانی (لیدبروا^۶ - أفلا یتدبرون^۷ - أفلم یدبروا^۸)
- تدبیر عامل ثمربخشی به قرائت قرآن (لا خیر فی قراءه لیس فیها تدبیر^۹ - اللهم ... لا تجعل قراءتی قراءه لا تدبر فیها^{۱۰})

تذکری بسیار مهم برای مربی گرامی

در تدبیر می توان دو رویکرد داشت: ۱. اینکه تدبیر زمینه ساز تفسیر قرآن است. ۲. تدبیر زمینه ساز قرائت قرآن است. ما در آموزش تدبیر دنبال تدبری هستیم که می خواهد زمینه قرائت قرآن آموزان را فراهم کند. مربی باید مکرر در ضمن درس ها به قرآن آموزان یادآوری کند که فعالیت های علمی که در کلاس

^۱ سوره ص، آیه ۲۹.

^۲ همان.

^۳ سوره نساء، آیه ۸۲

^۴ سوره مؤمنون، آیه ۶۸. ترجمه: آیا در قرآن تدبیر نمی کنند یا آنکه کتاب و رسول تنها بر ایشان آمده و بر پدران شان نیامده است؟

^۵ سوره محمد، آیه ۲۴. ترجمه: آیا در قرآن تدبیر نمی کنند یا بر دلهاشان قفلها زده اند؟

^۶ سوره ص، آیه ۲۹.

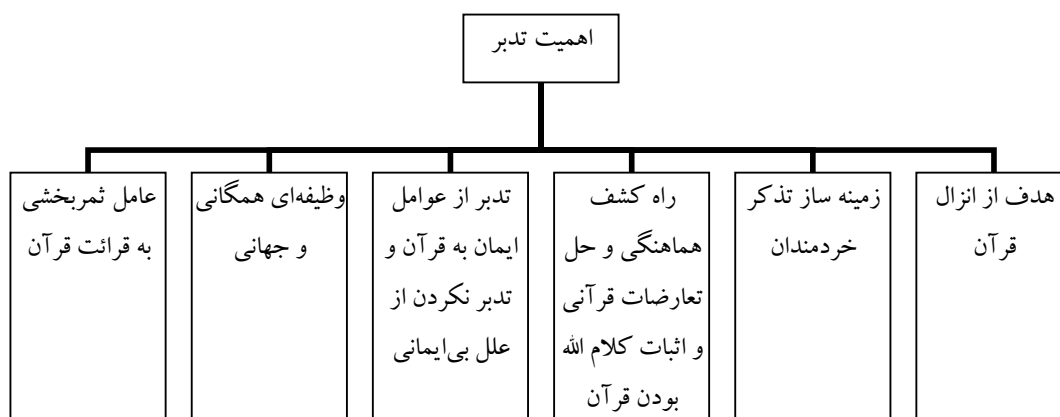
^۷ سوره نساء، آیه ۸۲؛ سوره محمد، آیه ۲۴.

^۸ سوره مؤمنون، آیه ۶۸.

^۹ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶.

^{۱۰} مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۷۲.

انجام می گیرد، زمینه ساز قرائت متدبرانه او است و نباید به کلاس و فعالیت های علمی آن اکتفا شود، بلکه پس از تدبیر هر سوره، موانع انس با آن (گسست های محتوایی و بی اطلاعی از غرض و چارچوب هدایتی سوره) برطرف شده و قرآن آموز باید آن سوره را در لیست قرائت های خود تثبیت کند و در خلوت و جلوت با آن انس داشته باشد و این حقیقت است که تدبیر را راه رشد و تکامل معنوی و هدایت روزافزون انسان قرار می دهد.



نمودار شماره ۵- اهمیت تدبیر

۲-۱-۳- هدف تدبیر

مربی محترم! هدف از این درس آشنا کردن قرآن آموز با هدف از تدبیر هر سوره و راه کلی دستیابی به آن است. مربی باید در این درس ابتدا با مقدمه ای کوتاه اثبات کند که هر سوره ای لزوماً قله واحد دارد و آیات متعدد آن بر محور یک غرض گرد هم آمده اند و تدبیر طی مسیر از آیات کثیر به سوی غرض واحد است، آنگاه کلیت حرکت از آیات کثیر به سمت غرض واحد را شرح دهد؛ و اینک توضیح همین

مسئله:

۲-۱-۳-۱- مقدمه ای برای اثبات وجود قله واحد در هر سوره:

به اتفاق دانشمندان علوم قرآن و مفسرین، تقسیم آیات قرآن کریم به یکصد و چهارده سوره، متکی بر وحی خداست، بدین صورت که نزول آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» در لابلای آیات دیگر، بیانگر

آغاز نزول سوره ای جدید بوده است.

بر همین اساس مرزبندی سوره ها به وسیله «بسم الله الرحمن الرحیم»، یک جداسازی رسمی و هدفمند است و به همین جهت است که بر آیات جدا شده از قبل و بعد واژه سوره اطلاق شده است، چون سوره در لغت به معنی دیوار محکم دژ و قلعه است.

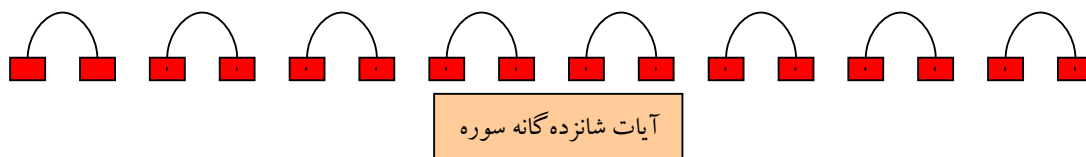
آنچه آیاتی را از آیات قبل و بعد جدا کرده و در یک سوره گرد هم آورده است، انفصال آنها از دیگر آیات و اتحاد آنها با یکدیگر است، در غیر این صورت این تفکیک حکیمانه نخواهد بود، یعنی اگر آیات یک سوره از آیات پیشین و پسین جدا نباشند، دلیلی برای تفکیک آنها از قبل و بعد نیست و اگر همه آیات سوره در پیوند با یکدیگر نباشند، توجیهی برای عدم تفکیک درونی آنها به چند سوره وجود ندارد.

با این مقدمه روشن می شود که میان همه آیات یک سوره، اتحاد و پیوندی متین برقرار است؛ و تدبیر راهکار درک این اتحاد و انسجام است.

۲-۱-۳-۱-أ- راهکار درک اتحاد و انسجام سوره ها:

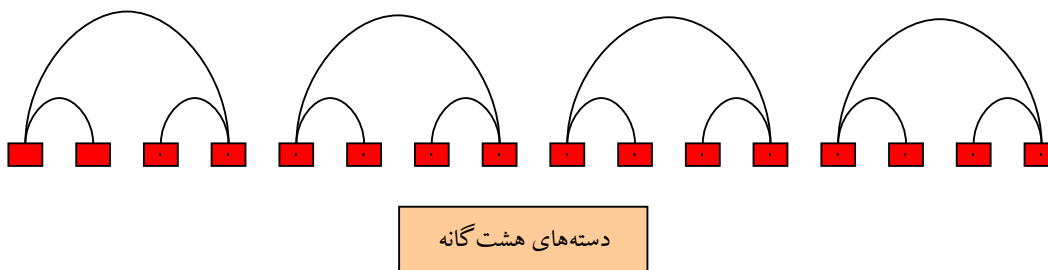
سوره ای را فرض کنید که شانزده آیه دارد، تدبیر راهی است تا اتحاد حاکم بر این آیات شانزده گانه شناخته شود و ما به وحدت سوره دست یابیم، در این صورت است که می توانیم غرض سوره را درک کرده و همه مطالب آن را در راستای غرض سوره بفهمیم و به این ترتیب با ماهیت سوره آشنا شویم و بهره های کافی هدایتی را از آن ببریم.

ابتدا باید مفهوم هر آیه را به خوبی درک کنیم، سپس با توجه به ارتباط مفاهیم آیات خواهیم یافت که زیر مجموعه دسته هایی به منزله پاراگراف هستند. مریی محترم این مرحله از مطالعات را در قالب شکل زیر نمایش دهد: (با ترسیم روی تخته و یا نشان دادن یک تصویر بزرگ طراحی شده)



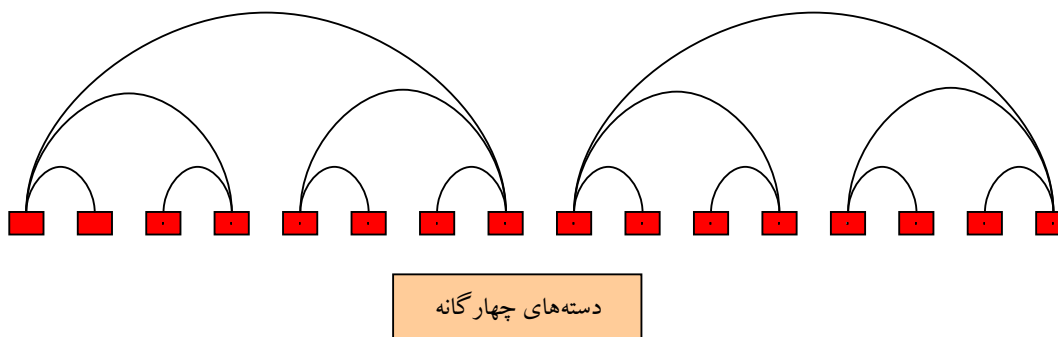
شکل شماره ۱- آیات شانزده گانه تا دسته های هشت گانه

حال باید غرض یا رویکرد موضوعی هر دسته از آیات را به خوبی درک کنیم، آنگاه با توجه به ارتباط موضوعات یا اغراض این دسته‌ها، آنها را نیز زیرمجموعه دسته‌های بزرگتری به منزله گفتار می‌یابیم. مربی گرامی برای نشان دادن این مرحله شکل بالا را به این صورت کامل کند:



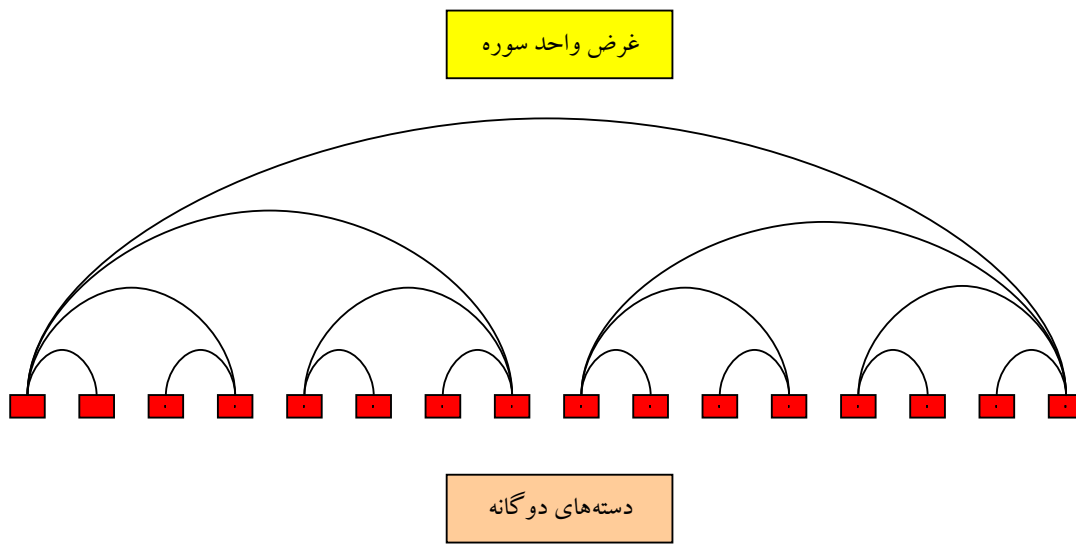
شکل شماره ۲- دسته های هشت گانه تا دسته‌های چهارگانه

حال باید غرض هر یک از دسته‌های چهارگانه را به خوبی درک کنیم و باز با مطالعه ارتباط اغراض این دسته‌های بزرگتر، آنها را زیرمجموعه دسته‌های بزرگتری به منزله فصل می‌یابیم. مربی محترم در این مرحله شکل بالا را به این صورت کامل کند:



شکل شماره ۳- دسته های چهارگانه تا دسته‌های دوگانه

حال باید غرض هر یک از دسته‌های دو گانه را درک کنیم و در نهایت با مطالعه ارتباط اغراض دسته‌های بزرگتر به غرض واحد سوره می‌رسیم. مربی محترم در این مرحله شکل بالا را به این صورت کامل کند و توجه داشته باشد که این شکل در کتاب آموزشی هم ترسیم شده است:



شکل شماره ۴- دسته های دو گانه تا غرض واحد سوره

در اصطلاح تدبیر، دسته‌هایی را که به منزله پاراگراف است، کلام؛ دسته‌هایی را که به منزله گفتار است، قول؛ و دسته‌هایی را که به منزله فصل است، همان فصل می‌نامیم.

(مریبی محترم در این درس اصراری بر یادگیری این اصطلاحات نداشته باشد و به همین میزان از تعریف کلام و قول و فصل اکتفا کند و شرح بیشتر را برای جایگاه خود واگذارد.)

بنابراین سوره فرضی ما ۱۶ آیه، ۸ کلام، ۴ قول و ۲ فصل دارد، که توجه به ارتباط میان آن دو، متدبیر را به غرض واحد سوره می‌رساند؛ به دیگر بیان برای رسیدن به وحدت این سوره فرضی آیات آن در سه سطح دسته‌بندی شده است؛ به چنین سوره‌هایی چند فصلی گفته می‌شود.

اما بسیاری از سوره‌ها تنها در دو سطح دسته‌بندی می‌شوند، یعنی کلام و قول، و توجه به ارتباط میان اقوال متدبیر را به غرض سوره می‌رساند؛ به چنین سوره‌هایی چند قولی گفته می‌شود.

برخی از سوره‌ها نیز تنها در یک سطح دسته‌بندی می‌شوند، یعنی کلام و توجه به ارتباط میان کلامها متدبیر را به غرض واحد سوره می‌رساند؛ به چنین سوره‌هایی چند کلامی گفته می‌شود.

برخی از سوره‌ها نیز بدون دسته‌بندی و صرفاً با توجه به ارتباط میان آیات، غرضشان به دست می‌آید؛ به این سوره‌ها تک کلامی اطلاق می‌شود.

۲-۱-۴- پیش‌نیازهای تدبر

مربی عزیز! اینک کلاس در آستانه شروع تدبر سوره‌های قرآن کریم است و به جاست که فراگیر پیش از آشنایی با شیوه مطالعه و مباحثه تدبری و آغاز تدبر سوره‌ها، پیش‌نیازهای تدبر را بشناسد و آگاهی و انگیزه لازم را برای ارزیابی خود در مورد این پیش‌نیازها و تقویت هرچه بیشتر آنها در خود به دست آورد، پس مربی گرامی توجه داشته باشد تا در هر مورد از موارد پیش‌نیاز به شاگردان کمک کند تا حد لازم آن را بفهمند و بتوانند خود را ارزیابی کنند و برای احراز آنها در خود برنامه‌ریزی کنند:

پیش‌نیازهای تدبر در قرآن را می‌توانیم در سه مقوله انس با قرآن، آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن و آشنایی با علوم قرآنی بررسی کنیم:

۲-۱-۴-۱- انس با قرآن

انس با قرآن کریم ملکه‌ای است که در اثر کثرت و مداومت ارتباط با این کتاب آسمانی پدید می‌آید و قابلیت فرد را برای درک معانی و معارف بلند آن افزایش می‌دهد.

تدبر در قرآن نیز به نوبه خود نیازمند انس با قرآن کریم است، بدین معنی که کشف نظم و تدبیر الهی در قرآن برای انیس کتاب خدا آسان است، نه اینکه برای غیر او ممکن نباشد. (پس مربی توجه داشته باشد که انس با قرآن کریم، پیش‌نیاز آسانی و روانی تدبر در قرآن است بدین بیان که هرچه انس متدبر با کتاب خدا بیشتر باشد، می‌تواند بهتر و آسانتر و حتی صحیح‌تر با کتاب خدا مرتبط شود و آن را تدبر کند.)

انس با کلام الهی دارای وجوهی مختلف است، اما موردی از انس که تاثیری بسزا در روند تدبر دارد، عبارت است از قرائت مکرر متدبرانه سوره مورد نظر (یعنی تکرار قرائت سوره، همراه با توجه به

موضوعات و غرض سوره و وجوه ارتباط و هماهنگی میان آیات، مانند تکرارهای لفظی، محتوایی و اسلوبی و شروع‌ها و پایان‌های آیات و ...).

قرائت مکرر متدبرانه از اهمیت بسیار زیادی در تدبر سوره برخوردار است، چون حقیقت معنای تدبر پشت سر هم دیدن آیات و توجه به ارتباط آنهاست و همین عمل است که متدبر را به نظم سوره آگاه کرده و موضوعات اصلی و غرض را برای او روشن می‌کند، بنابراین متدبر به هنگام طی مراحل تدبر از قرائت مکرر سوره بی‌نیاز نیست.

گفتنی است، حفظ سوره نیز با کیفیت تدبر آن رابطه‌ای دوسویه دارد، بدین معنی که هم حفظ سوره در روند تدبر آن ایفای نقش می‌کند و هم تدبر سوره در افزایش سهولت، سرعت و دقت حفظ تاثیر گذار است، چون فرد متدبر از نظم متقن حاکم بر سوره مطلع شده و در حفظ ترتیب آیات و مطالب کمتر دچار فراموشی می‌شود.

۲-۱-۴-۲- آشنایی با مفاهیم قرآن

تدبر، روشی برای فهم سیاقی آیات سوره است و فهم نفسی آیات بر آن مقدم است، چون تا زمانی که معنای هر آیه به تنهایی فهمیده نشود، فصل و وصل آن را نسبت به آیات پسین و پیشین نمی‌توان فهمید.

آشنایان با زبان عربی، بدون نیاز به ترجمه و غیر ایشان از طریق فراگیری ترجمه و مفاهیم قرآن کریم و یا با استفاده از ترجمه‌های قرآن می‌توانند نسبت به تحصیل این پیش‌نیاز اقدام کنند.

استفاده از ترجمه، نیاز متدبر را در فهم نفسی آیات برطرف می‌کند، ولی فراگیری ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، افزون بر ایفای نقش مثبت در روند تدبر، در برقراری انس بیشتر با قرآن کریم، تأثیر چشمگیری دارد.

۲-۱-۴-۲-أ- استفاده از ترجمه‌های قرآن کریم

معمولاً استفاده از یک ترجمه برای تدبر کافیت و بهتر است ترجمه‌ای مورد استفاده قرار گیرد که صرفاً به صورت لفظ به لفظ لغتنامه‌ای نبوده و بر اساس معانی لغات و تراکیب آیات بوده و با جمله‌بندی سلیس

و روان فارسی همراه باشد.

استفاده از ترجمه‌های آیت الله مکارم شیرازی و آقای فولادوند برای انجام این پیش‌مرحله مناسب است، البته ترجمه‌های دیگر نیز این نیاز را برطرف می‌کند. بهتر است به هنگام مطالعه ترجمه، ذهن خود را به کشف ارتباط و هماهنگی بین آیات نیز معطوف کنیم.

۲-۱-۴-۲-ب- فراگیری مفاهیم قرآن کریم

وقتی برای فهم نفسی آیات اقدام می‌کنیم، با سه دسته از کلمات مواجه می‌شویم:

۱. برخی از واژگان قرآن کریم، برای ما قابل فهم است، چون معنای مشهوری داشته یا در زبان فارسی هم کاربرد دارد.

۲. برخی از کلمات قرآن کریم، به تنهایی برای ما قابل فهم نیست، ولی با توجه به سیاق می‌توانیم به معنای آنها دست یابیم.

۳. بعضی از واژگان به تنهایی و یا با استفاده از سیاق، فهمیده نمی‌شود. برای فهم این نوع از لغات می‌توانیم به فرهنگهای لغوی قرآن کریم مراجعه کنیم. فرهنگهایی مانند قاموس قرآن، نگاشته آیت الله قریشی و نظیر آن که با زبانی ساده، معنی واژگان قرآن را تبیین کرده‌اند.

راهکار دیگری که برای فراگیری مفاهیم قرآن کریم وجود دارد، شرکت در دوره‌های آموزش مفاهیم قرآن و یا استفاده از کتب مربوط به این موضوع است. از جمله این کتابها، کتاب آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم است که توسط آقایان سید هادی محدث و حمید صفار هرنندی و ابو الفضل علامی، در سه جلد به رشته تحریر در آمده است.

کسانی که سطح معلومات آنان در حد سوم راهنمایی باشد با استفاده از این کتاب مفید می‌توانند با معنای ۸۶ درصد از واژه‌های قرآن کریم آشنا شوند و بسیاری از آیات ساده قرآن را معنا کنند. به جاست که برای اشاره به فرمول آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، به معرفی اجمالی این

کتاب بپردازیم:

اساس روش آموزشی این کتاب، بر یاددهی کلمات پر کاربرد و تکراری قرآن نهاده شده است. خوب است بدانیم که مجموع کلمات قرآن کریم، ۷۸ هزار کلمه است که بسیاری از آنها تکراری است. در این کتاب ۱۲۰۰ کلمه قرآنی آموزش داده می شود که ۷۶۶ مورد آن را واژگانی با بیش از ده بار تکرار در قرآن کریم تشکیل داده است. به خاطر سپردن تدریجی معنای این کلمات، این امکان را به فراگیر می دهد که بخش قابل توجهی از کلمات قرآن را بفهمد.

فراهم سازی زمینه تکرار و تمرین در این کتاب، از خصوصیات است که در آشنایی آسان تر با مفاهیم قرآنی بسیار مؤثر است.

روشن است که استمرار و تلاش مداوم و حتی مباحثات گروهی فراگیران، سهم زیادی در تثبیت و ماندگاری آگاهیهای مربوط به مفاهیم قرآن دارد.

نحوه تنظیم هر درس از ۴۸ درس این کتاب، فرمول آسان آشنایی با مفاهیم را مشخص می کند. ساختار درس ها از این قرار است که ابتدا ده جمله یا عبارت منتخب از قرآن کریم، درباره یک موضوع مشخص مطرح می شود و این امکان را به متعلم می دهد که میزان توانایی خود را در معنی کردن کلمات این عبارات یا جملات بسنجد.

دومین قسمت هر درس، جدول کلمه های آشنا و جدید است.

کلمه های آشنا کلماتی است که بین زبان فارسی و عربی مشترک است یا در متن کتابهای درسی و یا در گفتگوی روزمره با آنها آشنا شده ایم. بیش از سی درصد از کلمات دروس کتاب، کلمه های آشناست.

کلمات جدید، کلمه هایی است که برای نخستین بار با آنها آشنا می شویم و معنی آنها را نمی دانیم. این کلمات در هر درس چهارده کلمه است.

قسمت سوم هر درس متشکل از پنج تمرین به این شرح است: تمرین ۱ مربوط به واژه شناسی و معنای کلمه هایی است که در جدول کلمه های آشنا و جدید فراگرفته ایم. تمرین ۲، پرسشهای دو جوابی

بوده که ما را در معنا کردن ترکیبها و عبارات کمک می کند. تمرین ۳ به معنا کردن ترکیبها و عبارتهای کوتاه اختصاص دارد. تمرین ۴ به منظور آماده سازی برای انجام آخرین تمرین است و تمرین ۵ ترجمه تحت اللفظی و دقیق عبارات و جملات ده گانه درس است.

قسمت چهارم هر درس با عنوان زبان قرآن، به آموزش کاربردی مطالبی از دستور زبان عربی اختصاص دارد که به صورت کاملا ساده و در حد ضرورت مطرح شده است. به طور مثال مطالبی از قبیل شناخت کلمات همخوانواده، کلمات هم وزن، اسم های مفرد، مثنی و جمع، اسم فاعل، اسم مفعول، افعال ماضی و مضارع و ... از دیدگاه دستور زبان عربی مورد توجه قرار گرفته اند.

قسمت پنجم هر درس، با عنوان آشنایی با معارف قرآن، آیاتی را برای آموزش ترجمه و مفاهیم با محوریت کلمات پر کاربرد قرآن، گزینش کرده است.

در قسمت ششم نیز تمرینات آزادی برای آشنایی هرچه بیشتر با مفاهیم و ترجمه قرآن کریم مهیا شده است.

۲-۱-۳-۴-۳- آشنایی با علوم قرآنی

در آغاز مواجهه با یک علم یا یک کتاب بهتر است نگاهی بیرونی به آن داشته باشیم و با تعریف، اصطلاحات، جایگاه، اهمیت، تاریخچه و سیر تطورات آن آشنا شویم. این امر ما را در فهم هرچه بهتر آن علم یا کتاب یاری می کند.

قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنی نیست. دانشهایی که با نگاهی بیرونی به قرآن کریم شکل گرفته اند، علوم قرآنی نام دارند.

مفاهیم و اصطلاحاتی مانند نزول قرآن، وحی، اعجاز، مصونیت از تحریف، جمع قرآن، شأن و سبب نزول، فضا و جو نزول، ترتیب و تاریخ نزول و کلماتی نظیر سوره و آیه و مقوله هایی نظیر روند پیدایش و ابلاغ قرآن، اسماء اوصاف قرآن و وظایف ما نسبت به قرآن، در کتب علوم قرآنی بحث می شود.

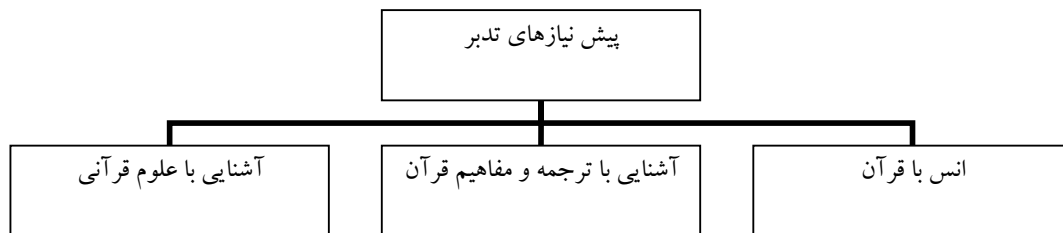
تخصص در این دانایی‌ها برای متدبیر لازم نیست، اما علم اجمالی و ایمان به مفاد برخی از آنها مانند چهار مورد نخست و دانستن معانی و مصادیق مهم برخی دیگر، نظیر موارد پسین ضروریست. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که متدبران در قرآن در این زمینه مطالعات لازم را داشته باشند.

در سالهای اخیر کتب مختصر و مفصل فراوانی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است و نیازی به طرح و بررسی این موارد در کتاب حاضر نیست.

نکته: ممکن است برخی از افراد به دلایل گوناگون به طور مستقیم اقدام به تدبیر نکنند و بخواهند از نتایج تدبیر دیگران بهره‌مند شوند. بهره‌مندی از نتایج تدبیر دیگران، زمانی مصداق انجام وظیفه تدبیر در قرآن به شمار می‌رود که همراه با تطبیق بر کلام‌الله باشد. در غیر این صورت، فرد باز هم به طور مستقیم با قرآن مرتبط نشده و از برخی برکات تدبیر در قرآن محروم مانده است.

تطبیق تدبیر دیگران بر قرآن کریم و پذیرش و استفاده از آن زمانی شدنی است که فرد، دست کم توانایی قرائت و روخوانی قرآن کریم و استفاده از ترجمه قرآن را داشته باشد. بر این اساس می‌توان این دو مورد را کمترین پیش‌نیاز استفاده از تدبیر در قرآن دانست.

همگانی بودن وظیفه تدبیر در قرآن، مغایرتی با ضرورت پیش‌نیازهای گفته شده ندارد، زیرا تحصیل آنها برای عموم مقدور و از باب مقدمه لازم است.



نمودار شماره ۶- پیش‌نیازهای تدبیر

۲-۱-۵- شیوه مطالعه تدبیر

مربی محترم! هدف از آموزش شیوه مطالعه تدبیری سوره‌ها آن است که قرآن آموزان در جلسات آینده، پیش از حضور در کلاس، سوره‌های هر درس را مورد مطالعه تدبیری قرار دهند، بنابراین لازم است که

شیوه پیشنهادی در این قسمت به گونه‌ای آموزش داده شود که آنان بتوانند بر اساس همین شیوه سوره‌ها را مورد مطالعه قرار داده و نتایج آن را در اختیار مربی قرار دهند.

شیوه مطالعه پیش‌نهادی بدین شرح است:

۱. آیات سوره را یک یا چند بار بخوانند، تا با الفاظ سوره انس بگیرند.
 ۲. آیات سوره را با توجه به معنای آنها بخوانند تا با مفاهیم سوره آشنا شوند. در این مرحله مطالعاتی استفاده از یک ترجمه سلیس و روان و معتبر کافی است، اما اگر ترجمه در فهم معنی آیه کافی نبود، می‌توانید به توضیحات کلی یک تفسیر ساده (مثل تفسیر نمونه) مراجعه کنید.
- ترجمه‌های پیشنهادی: ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، ترجمه استاد فولادوند، ترجمه استاد بهرام پور؛

۳. مباحث تدبیری تفسیر المیزان را درباره سوره مورد نظر مطالعه و یادداشت برداری کنند. مراد

از این مباحث موارد زیر است:

- به دسته‌بندی آیات سوره مورد نظر در المیزان توجه کنید.
 - «بیان» ذیل هر دسته از آیات را مطالعه کنید.
- «بیان» ذیل دسته نخست آیات هر سوره در المیزان، معمولاً حاوی غرض سوره و کلیت محتوای سوره است و مکی و مدنی بودن آن را نیز بررسی کرده است و «بیان» دسته‌های بعدی آیات هر سوره از ارتباط دسته مورد نظر با دسته قبل یا ارتباط آن با غرض سوره سخن گفته است.

۴. دیدگاههای تدبیری تفسیر شریف المیزان را بر سوره مورد نظر تطبیق دهند و پس از آن به

ثبت نقطه‌نظرات خودشان درباره تدبر سوره مورد نظر در المیزان پردازند.

۲-۱-۶- شیوه مباحثه تدبر

مربی محترم! هدف از آموزش شیوه مباحثه تدبیر سوره ها آن است که قرآن آموزان در صورت تمایل گروه‌هایی برای مباحثه تشکیل داده و در جلسات آینده، پس از مطالعه تدبیری و پیش از حضور در کلاس، سوره‌های هر درس را با هم مباحثه کنند، بنابراین لازم است که این قسمت به گونه‌ای آموزش داده شود که آنان بتوانند بر اساس همین شیوه، سوره‌ها را مباحثه کنند و نتایج آن را در اختیار مربی قرار دهند.

۲-۱-۶-۱- نحوه تشکیل گروه و تبیین وظایف اعضای گروه:

۱. پیشنهاد می‌شود که هر گروه متشکل از چهار نفر باشد: یک نفر سرگروه، یک نفر دستیار سرگروه و دو نفر اعضای گروه؛
۲. نقش سرگروه و دستیار سرگروه می‌تواند به دلایل خاصی، ثابت یا متغیر باشد.
۳. وظیفه سرگروه، اداره جلسه طبق روش مباحثه است، سرگروه مواظب است که همه مراحل مباحثه به خوبی انجام شود و در همه مراحل، از آراء همه اعضا استفاده شود. او مباحثه را در موارد رکود به جریان می‌اندازد و در موارد چالش بی‌فایده، تغییر جهت می‌دهد.
۴. وظیفه دستیار سرگروه آن است که در همه مراحل، نتایج را به خوبی ثبت کند و حتی از ثبت اختلافات حل نشده هم نگذرد تا بتواند در پایان مباحثه، نتیجه آن را به خوبی به مربی گزارش دهد.
۵. وظیفه همه اعضای گروه، حضور فعال و همراه با مطالعه در جلسه مباحثه است.

۲-۱-۶-۲- شیوه پیش‌نهادی مباحثه:

۱. ابتدا سوره مبارکه به منظور کشف ارتباط محتوایی آیات مطالعه شود. انجام کامل این مرحله، در برخی موارد به دسته‌بندی محتوایی یا همان کلام‌بندی سوره می‌انجامد.
۲. در صورت عدم دسته‌بندی محتوایی، مرحله دوم، بررسی غرض سوره و ارائه عنوانی مناسب برای آن است که با توجه به آراء اعضای مباحثه و استناد به سوره انجام می‌شود و با این

درس ها

مرحله، مباحثه تدبر سوره به پایان می‌رسد؛ و در صورت دسته‌بندی محتوایی، مرحله دوم، بررسی غرض هر دسته و ارائه عنوانی مناسب برای آن است.

۳. این مرحله از مباحثه در سوره‌هایی انجام می‌گیرد که در مرحله نخست دسته‌بندی شده و در مرحله دوم غرض هر دسته از آیات آنها مشخص شده است. در این مرحله اعضا با مدیریت سرگروه محترم به تبادل آراء در خصوص ارتباط دسته‌ها با هم و کشف غرض سوره می‌پردازند و در نهایت عنوانی مناسب برای غرض سوره ارائه می‌دهند.

در پایان دستیار محترم سرگروه نتیجه مباحثه را پس از تدوین در قالب ذیل، به تایید سرگروه رسانده و برای تحویل به مربی آماده می‌کند:

۲-۱-۳- قالب تدوین نتیجه مباحثه:

بسم الله الرحمن الرحيم

نام سرگروه:

.....

نام دستیار سرگروه:

.....

نام اعضای گروه:

.....

غرض پیشنهادی سوره:

.....

اختلاف آراء حل نشده در خصوص غرض سوره:

.....

ساختار درختی سوره همراه با شماره آیات و عناوین دسته‌ها:

.....

اختلاف آراء حل نشده در خصوص ساختار سوره:

.....

مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربیان گرامی توجه داشته باشند که پرسش های مطرح شده در خودآزمایی درس نخست، در ابتدای درس دوم، از برخی قرآن آموزان پرسیده شود و امتیاز آن نزد مربی محفوظ باشد. البته لازم است کلاس به گونه ای اداره شود که نمره یا امتیاز به ملاک اصلی بدل نگردد، ولی در عین حال عاملی برای توجه به درس ها و تمرین و تکرار آنها باشد.

۱. مفهوم تدبر را با توجه به ماده و هیأت آن تبیین کنید.

با این پرسش می توان میزان فهم معنی ماده و هیأت و همچنین نحوه استفاده معنی تدبر از ماده و هیأت را ارزیابی کرد.

۲. تعریف تدبر را بنویسید و جنس و فصل آن را مشخص کنید.

مربی محترم می تواند ذیل این پرسش می تواند مسائل زیر را آزمایش کند: تعریف، جنس تعریف و مواردی که با جنس داخل در تعریف می شوند؛ فصلهای تعریف و مواردی که با هر فصل از تعریف خارج می شوند. (البته لازم نیست که همه این موارد از یک نفر پرسیده شود).

۳. با توجه به آیات و روایات، اهمیت تدبر را در شش بند بیان کنید.

مربی محترم در این پرسش افزون بر یادآوری موارد گفته شده در اهمیت تدبر، فراگیری استناد آنها به آیات و روایات را نیز آزمایش کند.

۴. هدف تدبر را به طور کوتاه و با استفاده از یک نمودار تبیین کنید.

با این پرسش می توان میزان فهم هدف تدبر به معنی حرکت از کثرت آیات به وحدت غرض و همچنین درک صحیح نمودار آن را ارزیابی کرد.

۵. چرا آشنایی با مفاهیم قرآن از پیش نیازهای تدبر است؟

مربی محترم می تواند ذیل این پرسش می تواند مسائل زیر را آزمایش کند: موارد پیش نیاز تدبر، وجه پیش نیاز بودن هر یک از آنها؛ (پرسیدن موارد مشابه با سؤال نشان می دهد که پرسشهای انتخاب شده در خودآزمایی، راهنمای مطالعه شاگردان است و قرآن آموز نباید به مطالعه پاسخ این پرسشها اکتفا کند، بلکه باید با توجه به نوع پرسشها، موارد مشابه را نیز مطالعه کند).

تکلیف:

در پایان هر جلسه یادآوری شود که قرآن آموزان تکالیف خود را تا جلسه بعد انجام دهند و مکتوبات خود را یک روز پیش از برگزاری جلسه بعد به مربی تحویل دهند تا او نتایج را بررسی کرده و در جلسه بعد نکات لازم را بیان کند.

۱. همه آیات مربوط به تدبر و روایت امیر مومنان (علیه السلام) را با معنی حفظ کنید. مربی محترم توجه داشته باشد که آزمایش این تکلیف در کلاس لازم نیست.
 ۲. با توجه به آنچه در مبحث پیش نیازهای تدبر مطرح شد؛ و با راهنمایی و کمک مربی محترمانه برای تقویت این پیش نیازها تا حد مطلوب و مورد نیاز تدبر برنامه ریزی کنید. این تکلیف به منظور جبران کاستی های ورود فعال به عرصه تدبر خواسته شده است و لازم است مربیان گرامی قرآن آموزان را در این جهت یاری رسانند.
 ۳. تدبر سوره های ناس، توحید و نصر را در المیزان مطالعه و در گروه های تدبر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.
- با توجه به اینکه در جلسه بعد، تدبر این سوره ها ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه دوم، جمع آوری و بررسی کند و در تدریس تدبر این سوره ها مورد توجه قرار دهد.

۲-۲- درس دوم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

- آگاهی و انگیزه لازم برای توجه به تدبیر سوره های کوچک و استفاده از معارف ناب آنها؛

- توجه و علاقه به رویکرد هدایتی سوره های قرآن کریم؛

۱. شناخت نحوه کشف غرض با توجه به واژه کانونی، در سوره ناس؛ و توانایی نسبی استفاده از این فرمول در موارد مشابه؛

انس با سوره ناس که در صدد اعطای بینش و انگیزه لازم برای پناه بردن به خدا از شر وساوس درونی است؛

۲. آشنایی با چگونگی کشف غرض با جمع بندی محتوای همه آیات، در سوره توحید؛ و توانایی نسبی استفاده از این شیوه در موارد مشابه؛

انس با سوره توحید که در مقام ارائه لب بینش توحیدی قرآن است.

۳. شناخت نحوه کشف غرض با توجه به جواب شرط در سوره نصر؛ و توانایی نسبی استفاده از این فرمول در موارد مشابه؛

علاقه به سوره نصر که در صدد تبیین وظایف مومنان به هنگام پیروزی است.

۲-۲-۱- تدبر سوره مبارکه ناس (متن درسی)

مربی محترم! در سیر آموزشی تدبر ابتدا تدبر سوره‌های کوچک ارائه می‌شود و این به جهت رعایت فرمول آموزشی «آسان به سخت» است. سادگی تدبر سوره‌های کوچک به این خاطر است که سیر دستیابی به وحدت حاکم بر سوره به دسته‌بندی آن نمی‌انجامد و مربی می‌تواند در این سوره‌ها توجه فراگیران را تنها به نحوه کشف غرض جلب کند و دغدغه آموزش چگونگی دسته‌بندی را نداشته باشد.

مربی گرامی! محتوای آموزشی کتاب، از این درس تا انتها، سوره‌های قرآن کریم است، بنابراین باید تلاش کنید که در ارائه تدبر هر سوره، افزون بر رویکرد آموزشی، توجه تامی به وجهه هدایتی سوره‌ها داشته باشید و طعم شیرین هدایت قرآنی را به قرآن آموزان بچشانید و انگیزه آنان را در ابتدا به مبانی ارزشی و هدایتی قرآن بالا ببرید، یعنی نباید به ارائه نکات فنی و آموزشی اکتفا کنید، بلکه با حفظ معنویت کلاس و ایجاد احساس حضور در برابر کلام هدایتگر الهی از خدا بخواهید و تلاش کنید که به موازات آموزش سوره‌ها، تربیت و هدایت قرآنی در روح خود و قرآن آموزانتان موثر افتد. به یاد داشته باشید که برای این کار رفع حجاب‌های حضور در پیشگاه قرآن کافی است.

افزون بر این، باید به شاگردان قرآن تفهیم کنید که انجام فعالیتهای علمی در کلاس، مقدمه‌ای برای تدبر سوره‌هاست و حقیقت تدبر زمانی حاصل می‌شود که فرد پس از رفع موانع انس با هر سوره، خود را در خلوت و جلوت در مقام انس با سوره قرار دهد و بکوشد که معارف هر سوره را به تناسب، مبنای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خود قرار دهد.

نکته دیگری که لازم است به آن توجه داشته باشید آن است که به حسب سطح کلاس خویش، معرفت لازم برای توجه و علاقه به سوره‌های کوچک قرآن را در کلاس تبیین فرمایید. شما می‌تواند با تشریح گزاره‌های زیر این مهم را انجام دهید:

- سوره‌های کوچک قرآن محکمت زندگی را تبیین کرده‌اند و محکمت زندگی چیزی جز اعتقادات نیست و بیشتر معضلات حیات فردی و اجتماعی، ریشه در سستی اعتقادات دارد و هیچ عنصر شفابخشی چون کلام ناب خدا در تقویت و تثبیت این محکمت موثر نیست، چون هم

پاسخگوی عقل آدمی است و هم داروی روح و قلب اوست، هم به او بینش می‌دهد و هم به او انگیزه می‌بخشد و هم مهارت دینداری و طی مسیر سعادت را در او تقویت می‌کند.

• نوع معارفی که در این سوره‌ها مطرح است، لب و حقیقت ناب معارف دینی است که با بهترین و شیواترین و زیباترین بیان ارائه شده است.

• معارف بلند این سوره‌ها آسان به دست می‌آید و پیمایش گامهای نخست ترتیب روح آدمی را ساده می‌کند.

• نسبت این سوره‌ها به سایر سوره، مانند نسبت کلمات قصار نهج البلاغه به نامه‌ها و خطبه‌های آن است.

• تقدیم این سوره‌ها در روند آموزشی، فرمول آموزش آسان به سخت را محقق کرده و دستیابی به مهارت تدبیر را آسان‌تر می‌کند.

۲-۲-۱-۱- شناسه سوره

لازم است مربی محترم در این جلسه اندکی درباره شناسه سوره و جایگاه آن در تدبیر سوره‌ها سخن بگوید:

شناسه، مجموعه‌ای از گزاره‌ها درباره سوره است که پیش از تدبیر سوره، ما را با آن آشنا می‌کند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم در روند تدبیر یا ادراک آن مؤثر است.

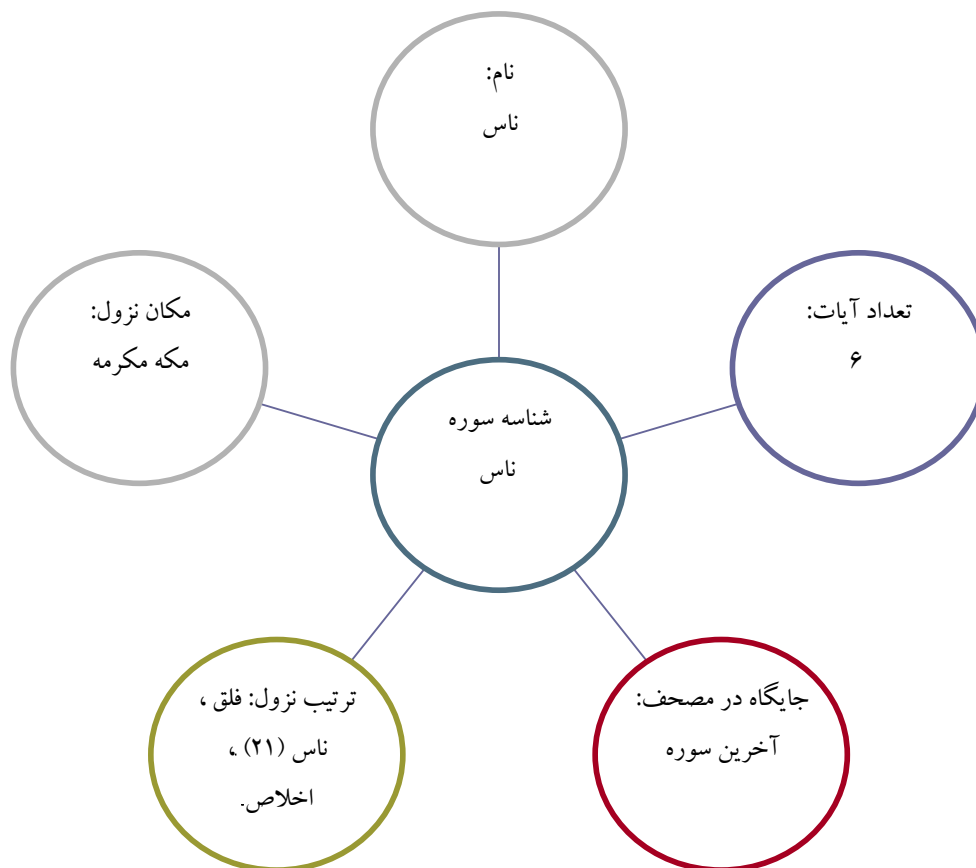
اگرچه بحث از شناخت شناسنامه‌ای سوره از مراحل تدبیر به شمار نمی‌رود، لکن مسائل مربوط به نزول و مخصوصاً فضای نزول در تعیین اغراض و موضوعات اصلی سوره و دستیابی به تصوّر جامع و کلی درباره سوره، مؤثر است. مواردی که در شناسه سوره مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از: نامهای سوره و وجه تسمیه سوره به آنها؛ دانستیهای نزول سوره؛

نام: نام این سوره مبارکه «ناس» است که پنج بار در آن به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است و در جدول مشهور ترتیب نزول آمده است که بعد از فلق و پیش از اخلاص نازل شده و بیست و یکمین سوره فرود آمده از آسمان وحی بوده است.^۱

(برای نگارش دانستی‌های نزول سوره‌ها از این منابع استفاده شده است: تفسیر المیزان، تفسیر مجمع

البیان، گاهی تفسیر نمونه، جدول مشهور ترتیب نزول مندرج در کتاب علوم قرآنی آیه الله معرفت)



نمودار شماره ۲- نمودار سوره ناس

۲-۲-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

مربی عزیز! این بخش از ارائه تدبر سور برای بیان کلیات سوره طراحی شده است، بدین بیان که این سوره درباره چه موضوعاتی سخن می‌گوید و کدام غرض واحد، این موضوعات متنوع را گرد هم آورده است

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

و این غرض با کدام سیر هدایتی تامین می شود. در تهیه این قسمت ابتدا دیدگاه تفسیر المیزان (و به ندرت پیش از آن و یا پس از آن دیدگاه تفسیر نمونه) مطرح می شود و در ادامه به توضیح، تکمیل و گاهی تصحیح آن پرداخته می شود.

مربی محترم می تواند با توجه به آدرس های پاورقی، مطالب المیزان و نمونه را از توضیح و تکمیل این کتاب تشخیص دهد. اینک توضیحات مربوط به سوره ناس:

انسان همیشه در معرض وسوسه های شیطانی است و شیاطین جن و انس کوشش دارند در قلب و روح او نفوذ کنند، این سوره مبارکه به انسان فرمان می دهد که از شر همه وسوسه گران به خدای متعالی پناه ببرد.

محتوای این سوره از جهتی شبیه سوره فلق است، چون هر دو ناظر به پناه بردن به خدای بزرگ از شرور و آفات می باشد، با این تفاوت که در سوره فلق شرور بیرونی ناشناخته مطرح شده، ولی این سوره از شرور درونی پنهانی سخن گفته است.

بر این اساس غرض این سوره، «استعاذه به خدا از شرور درونی پنهانی» است.^۱

۲-۲-۱-۳- نکات آموزشی:

۱. غرض این سوره با توجه به واژه کانونی «أعوذ» تشخیص داده شد. اگر دقت کنیم می یابیم که این سوره مبارکه تنها یک جمله است: امر «قل» و مقول قول که از «أعوذ» آغاز می شود و تا انتهای سوره ادامه دارد. غالباً در میان قول و مقول قول، اصل سخن، مقول قول است که در این سوره متشکل از یک فعل (أعوذ) و دو مجموعه از متعلقات آن فعل است. مجموعه نخست متعلقات از «برب الناس» تا «إله الناس» است و مجموعه دوم از «من شر الوسواس الخناس» تا «من الجنة و الناس» است. خود فعل «أعوذ» به معنی پناه بردن است. مجموعه نخست متعلقات آن نشان می دهد که به چه کسی باید پناه برد و مجموعه دوم متعلقات آن نشان می دهد که از چه چیزی باید پناه برد.

^۱ ر.ک. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۹۵.

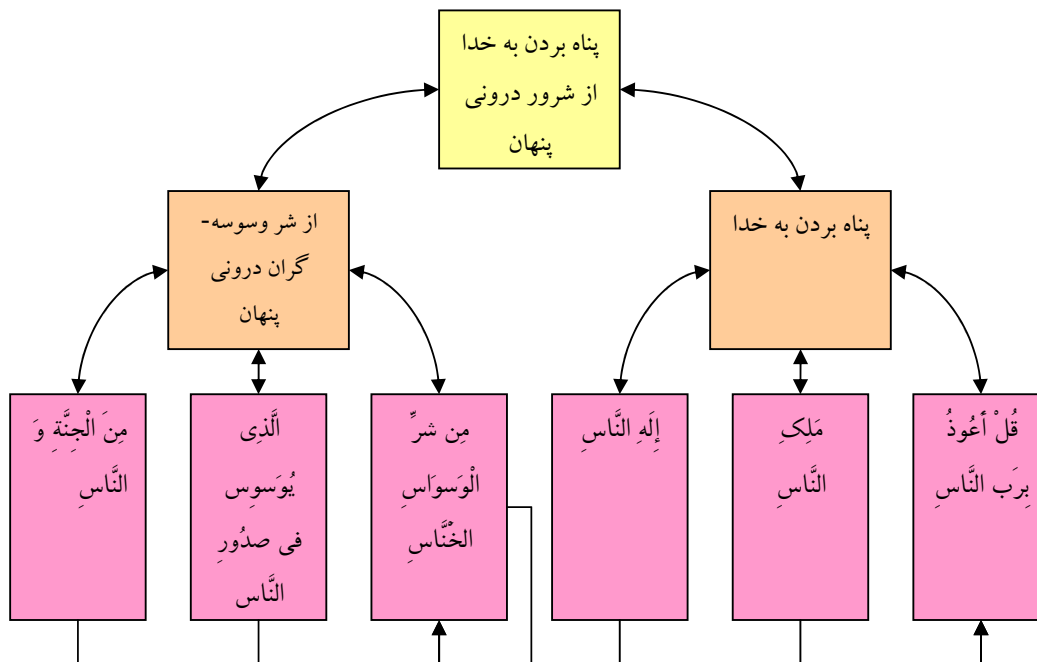
حال پرسش این است که خود پناه بردن اصل غرض است، یا معرفی کسی که باید به او پناه برد و یا معرفی چیزی که باید از آن پناه برد؟ پاسخ این پرسش در پرتو این قاعده مشخص می‌شود که غالباً در میان متعلق و متعلق، اصل کلام، متعلق است، بنابراین نقطه اصلی این سوره، واژه «أعوذ» است که به آن واژه کانونی گفته می‌شود و غرض اصلی این سوره، استعاذه است.

بر این اساس می‌توان گفت که واژه کانونی، واژه‌ای است که سایر واژگان به نحوی به آن وابسته است و این واژه کانون سوره به شمار می‌آید.

البته باید توجه داشته باشیم که شناسایی غرض سوره بر اساس واژه کانونی بدین معنی نیست که سایر واژگان، عبارات، یا آیات سوره نقشی در شناخت غرض آن ندارند، بلکه مراد از تشخیص غرض، تشخیص نوک پیکان غرض سوره است و سایر قسمت‌ها هم در جای خود ایفای نقش می‌کنند، از این رو در خصوص غرض این سوره گفته شد: «استعاذه به خدا از شرور درونی پنهانی»؛ همانطور که مشخص است، واژه استعاذه ناظر به واژه کانونی سوره؛ و دو عبارت بعدی، ناظر به دو مجموعه متعلق به واژه کانونی است.

۲. بهتر است به هنگام آموزش غرض این سوره مبارکه توجه قرآن آموز را به تکرار پنج باره واژه «ناس» جلب کنیم و در پرتو این جلب نظر به او یاد دهیم که همیشه تکرار یک واژه و یا حتی یک عبارت یا جمله در سوره دلیل بر محوری بودن آن نیست و همین سوره شاهدی آشکار بر این ادعاست، بنابراین برای تشخیص محوری بودن یا کانونی بودن یک واژه یا یک عبارت و حتی جمله باید جایگاه آن را در سوره و نسبت به واژگان یا عبارات یا جملات دیگر تشخیص دهیم، اگر مانند واژه «أعوذ» حالت محوری داشت می‌توان آن را کانونی دانست و جهت گیری غرض را با آن تبیین کرد، در غیر این صورت نه؛ حتی اگر تکرار شده باشد.

البته تکرار واژه یا عبارت و یا جمله را می‌توان نشان از اهمیت آن دانست و در صورتی که محوری نبود برای تبیین جنبه‌های مختلف غرض محوری از آن بهره جست.



نمودار شماره ۸- سیر هدایتی سوره ناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ

• بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

• مَلِكِ النَّاسِ (۲)

• إِلَهَ النَّاسِ (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ (۶)

(مربی گرامی توجه داشته باشد که در توضیحات آیات هم از مطالب تفسیر شریف المیزان استفاده

شده است و با آدرس های داده شده قابل تشخیص است.)

هنگامی که شری به انسان رو می آورد، از آن دوری می کند، بر خویشتن می ترسد، احساس ضعف می کند و طبع او چنین است که در چنین شرایطی به کسی پناه می برد که بتواند با قوت خویش، شر را از انسان دفع کند و او را کفایت کند؛ و آنکه شایستگی پناه بردن را دارد:

• یا ربی است که ولایت امر انسان و تدبیر او را بر عهده دارد و انسان در جمیع حوائج خود به او رجوع می کند و در بقاء خود محتاج اوست و او تهدید شر را از انسان دفع می کند و این خود یک سبب تام در دفع شر از انسان است.

• یا سلطان قوی و قدرتمندی است که حکم نافذی دارد و به هنگام پناهندگی انسان را پناه می دهد و با سلطه خود شر را از او دفع می کند، مانند فرمانروایی از فرمانروایان و این نیز یک سبب تام در دفع شر از انسان است.

• و یا اله و معبود است، چون لازمه معبودیت اله (به ویژه الهی که واحد و بی شریک باشد) اخلاص عبد برای اوست به گونه ای که جز او را نخواند و در نیازهای خود جز به سوی او نرود و جز اراده او را اراده نکند و جز به مشیت او عمل نکند.

خدای سبحان هم رب مردم است، هم ملک و فرمانروای مردم و هم اله و معبود مردم، پس اگر انسان بخواهد از شری به رب پناه ببرد، خدا رب اوست و جز او ربی نیست و اگر بخواهد به ملک و فرمانروایی پناهنده شود، خدا ملک بر حق اوست و اگر بخواهد به اله و معبودی رجوع کند خدا اله اوست و معبودی جز او نیست.

پس خدای متعالی رسول خود را که از مردم است امر می کند که به او پناه ببرد، چون او رب انسانها، ملک انسانها، اله انسانها است.^۱

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۹۵ و ۳۹۶. با ذکر این مطالب هم وجه تخصیص به ذکر سه وصف رب، ملک و اله مشخص می شود و هم وجه ترتیب آنها و هم دلیل عدم عطف وصف دوم و سوم به وصف اول و هم دلیل عدم استفاده از ضمیر به جای کلمه ناس در مورد دوم و سوم؛ برای مطالعه بیشتر به آدرس پیش گفته مراجعه شود.

علامه طباطبایی (ره) در ادامه بیان خویش، حکمت ترتیب نام‌های «رب»، «ملک» و «إله» را اینگونه مطرح کرده‌اند: ابتدا «رب» ذکر شد، چون او به انسان نزدیک‌تر است و نسبت به وی ولایت خاص دارد؛ سپس «ملک» بیان شد، چون دورتر است و ولایت عام دارد، یعنی کسی به او پناه می‌برد که تحت ولایت خاص کسی نیست، تا مهمات او را کفایت کند. سپس «إله» بیان شد، چون ولی و سرپرستی است که انسان او را از روی اخلاص می‌خواند، نه از روی طبع مادی.

به دیگر بیان برای پناه بردن انسان، «رب»، ولی مباشر است، اما «ملک» پس از «رب»؛ و «إله» پس از «ملک» و «رب» است. گفتنی است در این سوره مبارکه پناه بردن از شر جن بر پناه بردن از شر انس مقدم شده است و این نیز بدین خاطر است که شر جن در وسوسه نفس آدمی از شر انس به انسان نزدیک‌تر است؛ پس هم در ذکر اوصاف کسی که باید به او پناه برد و هم در ذکر مواردی که باید از شر آنها پناه برد، مراتب رعایت شده است و میان این دو تناسب برقرار گشته است.

ممکن است یکی از حکمت‌های ذکر نام خدا با عبارات مختلف در این سوره این باشد که شر مطرح شده در سوره، وساوس درونی است، که آن هم موجب غفلت از یاد خدای متعالی است و تکرار نام خدا با عباراتی نظیر «رب»، «ملک» و «إله»، موجب زدودن غفلت از صفحه دل آدمی است.

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بگو: «پناه می‌برم

- به پروردگار مردم، (آیه ۱)
- پادشاه مردم، (آیه ۲)
- معبود مردم، (آیه ۳)

از شرّ وسوسه‌گر نهانی؛ (آیه ۴)

آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند، (آیه ۵)

چه از جنّ و [چه از] انس. (آیه ۶)

۲-۲-۲- تدبر سوره مبارکه فلق (کار در خانه)

همانطور که قبلا هم اشاره شد، در کتاب آموزش تدبر سوره‌های قرآن کریم «۱»، برخی از سوره‌های جزء سی، متن درسی است و برخی دیگر، به عنوان تکلیف و تمرینی برای کار در خانه تعیین شده است، لازم است مربی گرامی، برای بررسی نتایج این تکالیف آماده باشد و در صورت امکان و تمایل شاگردان، جلسات فوق العاده‌ای برای حل این تکالیف تشکیل دهد. مربی محترم در برگزاری جلسات بررسی تکالیف نکات زیر را مورد توجه قرار دهد:

۱. برگزاری این جلسات جزء برنامه فرهنگی لازم الاجرای مدارس نیست و صرفا به صورت فوق العاده و در صورت صلاحدید مسئولان مدرسه، امکان مربی و تمایل شاگردان تشکیل می‌شود و نباید با برنامه هفتگی کلاس‌های آموزشی تدبر تداخل کرده و یا در آنها ادغام شود.
۲. رویکرد برگزاری این جلسات، تقویت آموخته‌ها، انگیزه‌ها و مهارت‌هایی است که در قرآن آموزان ایجاد شده است و این مهم جز با انجام تکالیف و حضور فعال و موثر آنان در این جلسات محقق نمی‌شود، بنابراین لازم است که مربی محترم از آنان بخواهد که حتما پس از انجام تکالیف در کلاس حضور یابند تا بهتر و بیشتر از برکات برگزاری جلسه‌ای با این رویکرد خاص بهره‌مند شوند.
۳. مربیان گرامی پیش از حضور در کلاس، نتایج تکالیف رابه خوبی مطالعه و بررسی کنند، تا بتوانند در طول برگزاری کلاس، نیاز فراگیران را در زمینه‌های آموزشی، انگیزشی و مهارتی لحاظ کرده و کلاس را متناسب با آن اداره کنند.
۴. بر خلاف جلسات آموزشی که مربیان محترم خود مستقیما به طرح تدبر هر سوره می‌پردازند، لازم است در جلسات بررسی تکالیف، از تدبر ارائه شده توسط قرآن آموزان آغاز کنند و تدبر نهایی را به عنوان جمع‌بندی و پس از نقد و بررسی نتایج کار افراد ارائه دهند.
۵. مربیان عزیز در نقد و بررسی نتایج تدبر افراد، میان صحیح و غلط با دقیق و دقیق‌تر، تفاوت قائل باشند. توضیح: گاهی تدبر ارائه شده از سوی شاگردان، با تدبر موجود در کتاب مطابقت نمی‌کند، در چنین مواردی مربی توجه کند که آیات برداشت‌های تدبری ارائه شده از سوره غلط است و

یا از سوره بر می آید، در صورت نخست، اشکال آن را مطرح نماید و برداشت درست را با دلیل ارائه دهد؛ و در صورت دوم، پس از اعلام صحت مطلب ارائه شده توسط شاگرد، برداشت دقیق تر را همراه با بیان وجه دقیق تر بودن آن تبیین کند.

۶. ممکن است حجم تکلیف برخی از درس ها بیش از وقت معمول کلاس باشد؛ در چنین مواردی مربی می تواند با تشخیص خود سوره یا سوره هایی را برای تکلیف انتخاب کند و سوره های دیگر را به عنوان تحقیق ارائه دهد و جلسه بررسی آن را برای علاقمندان برگزار کند.

۲-۲-۱-۲-۱- شناسه سوره

نام: نام این سوره مبارکه «فلق» است که در نخستین آیه آن به کار رفته است.

دانستنیهای نزول: این سوره مکی است و در جدول مشهور ترتیب نزول آمده است که بعد از سوره فیل و پیش از سوره ناس نازل شده و بیستمین سوره فرود آمده از آسمان وحی بوده است.^۱

در باره شان نزول این سوره روایاتی نقل شده که مطابق آنها پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به وسیله بعضی از یهود مورد سحر قرار گرفته و بیمار شده بود، جبرئیل نازل شد و محل ابزار سحر را که در چاهی پنهان کرده بودند نشان داد، آن را بیرون آوردند، سپس این سوره را خواندند و حال پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بهبود یافت.

ولی مرحوم طبرسی و بعضی دیگر از محققان اینگونه روایات را که سند آن فقط به دو نفر ابن عباس و عایشه منتهی می شود، مورد اشکال قرار داده اند، زیرا: اولاً سوره طبق نظر مشهور مکی است و لحن آن نیز لحن سوره های مکی را دارد، در حالی که درگیری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با یهود در مدینه بوده است و این خود دلیلی بر عدم اصالت اینگونه روایات است.

از سوی دیگر اگر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به این آسانی مورد سحر ساحران قرار گیرد تا آنجا که بیمار شود و در بستر بیفتد، دشمنان او به آسانی می توانند او را از مقاصد بزرگش بازدارند،

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

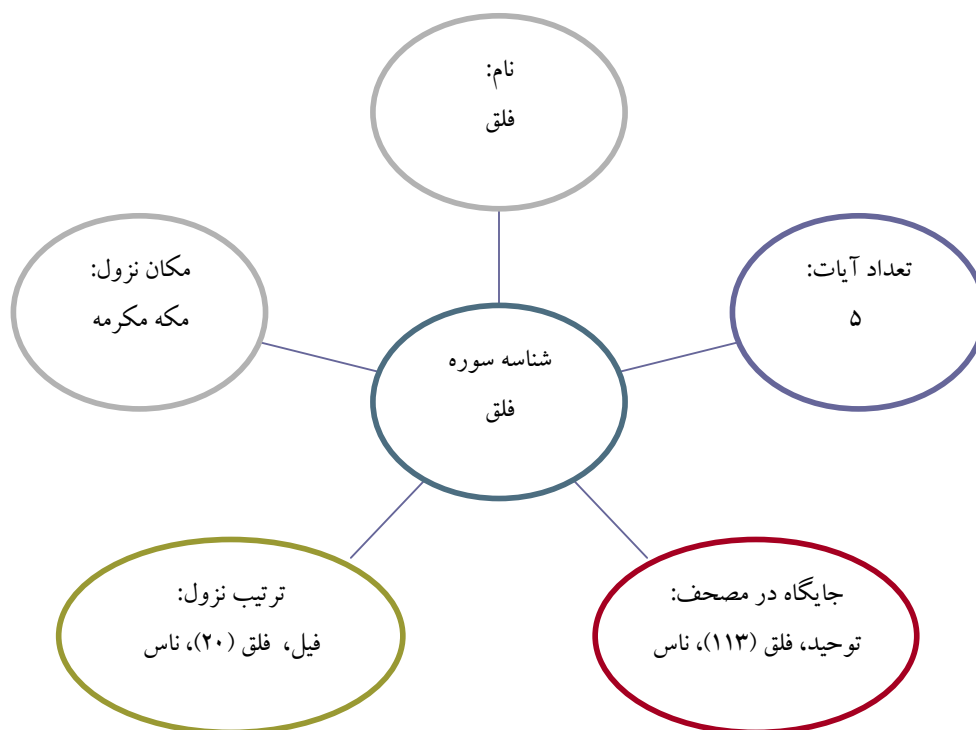
مسلمان خدایی که او را برای چنان ماموریت و رسالت عظیمی فرستاده است، از نفوذ سحر ساحران حفظ خواهد کرد تا مقام والای نبوت بازیچه دست آنها نشود.

از سوی سوم اگر بنا شود سحر در جسم پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اثر بگذارد ممکن است این توهم در مردم پدید آید که شاید سحر در روح او نیز مؤثر افتد و افکارش دستخوش سحر ساحران گردد و این معنی اصل اعتماد به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در افکار عمومی متزلزل می سازد.

بر این اساس قرآن مجید می فرماید: «و قال الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا انظر كيف ضربوا

لك الامثال فاضلوا فلا يستطيعون سبيلا»^۱ مسحور در این آیه خواه به معنی کسی باشد که از نظر عقلی

سحر شده یا در جسمش، در هر صورت گواه بر مقصود ما است.^۲



نمودار شماره ۹- شناسه سوره فلق

^۱ سوره فرقان، آیه ۸ و ۹. ترجمه: ظالمان گفتند شما از یک انسان سحر شده‌ای پیروی می کنید، بین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند؟ آنچنانکه نمی توانند راه را پیدا کنند!

^۲ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۵۴، با اندکی تغییر و تصرف.

۲-۲-۲-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

خدای متعالی در این سوره به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان می‌دهد که از هر شری به خصوص از بعض شرور (شرور بیرونی ناشناخته: تاریکی، حسد و سحر) به خدا پناه ببرد.^۱

بر این اساس غرض سوره «استعاذه به خدا از شرور بیرونی ناشناخته» است.

گفتنی است که تعلیمات این سوره اختصاصی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد و همه مخاطبان قرآن را شامل است، چون آن حضرت به عنوان رسول یا شخص خاص مورد خطاب نیستند.

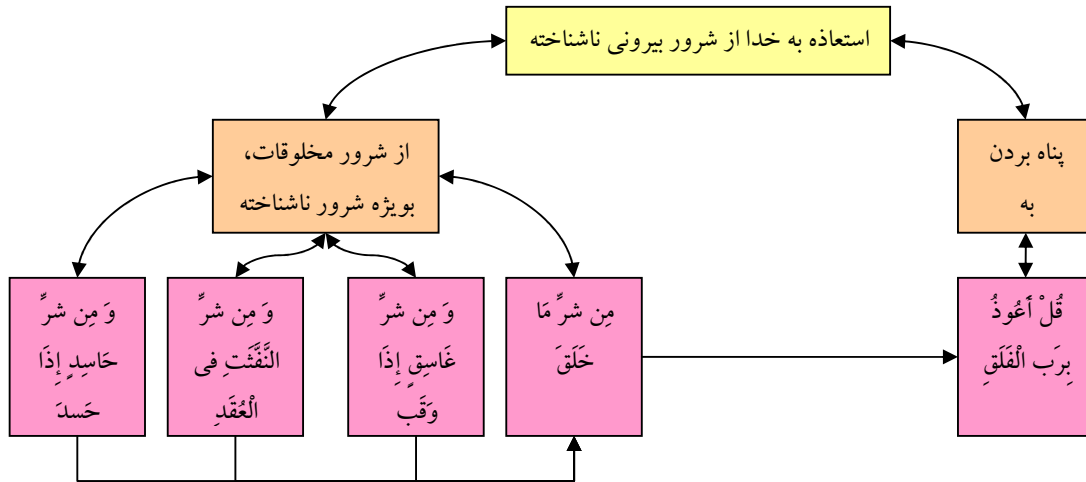
۲-۲-۲-۳- نکات آموزشی:

۱. این سوره را می‌توان تکلیف سوره ناس برشمرد، زیرا در هر دو سوره غرض با توجه به واژه کانونی استفاده می‌شود، از این رو به هنگام بررسی این تکلیف، تکرار و تاکید مطالب آموزشی کشف غرض در سوره ناس مفید است، البته به اندازه و متناسب با نیاز قرآن آموزان؛
۲. غرض این سوره نیز مانند سوره ناس، استعاذه است، اما می‌دانیم که هر سوره‌ای غرض ویژه‌ای دارد، پس باید تفاوت رویکرد استعاذه را در این سوره‌ها تشخیص دهیم. نحوه بررسی این تفاوت خود نکته آموزشی جدیدی است که می‌توان در قالب این سوره به قرآن آموز منتقل کرد؛ بیان مطلب چنین است: همانطور که گفته شد مقول قول در سوره ناس متشکل از یک فعل و دو مجموعه از متعلقات آن بود، اینک می‌بینیم که ساختار سوره فلق نیز همینگونه است، بنابراین تفاوت رویکرد غرض این سوره یا به فعل آنها بر می‌گردد و یا به مجموعه متعلقات فعلشان. فعل هر دو سوره «أعوذ» است و از این ناحیه تفاوتی میان دو سوره نیست. مجموعه نخست متعلقات در سوره ناس عبارت است از: «رب الناس * ملک الناس * إله الناس» و در سوره فلق عبارت است از: «رب الناس»؛ همانطور که مشاهده می‌شود تفاوت این دو مجموعه یک سویه است، یعنی در سوره ناس دو وصف برای «رب» آمده است که در سوره فلق نیست؛ مجموعه دوم متعلقات در سوره ناس عبارت

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۹۲.

است از «من شر الوسواس الخناس * الذی یوسوس فی صدور الناس * من الجنة و الناس» و در سوره فلق عبارت است از: «من شر ما خلق * و من شر النفات فی العقد * و من شر غاسق إذا وقب * و من شر حاسد إذا حسد»؛ تفاوت این دو مجموعه دو سویه است، یعنی شر مطرح در سوره ناس، وسوس درونی است و با دین و اختیار آدمی مرتبط است و در سوره فلق سخنی از این شر به میان نیامده است؛ و شرور مطرح شده در سوره فلق همه منشأ بیرونی دارد و در سوره ناس سخنی از آن نیست.

به نظر می‌رسد تفاوت مجموعه دوم متعلقات از تفاوت مجموعه نخست آنها بیشتر است، در نتیجه می‌توان گفت رویکرد ویژه سوره ناس، پناه بردن از شر وسوس درونی پنهانی است و رویکرد ویژه سوره فلق، پناه بردن از شرور بیرونی پنهانی است.



نمودار شماره ۱۰- سیر هدایتی سوره فلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

• مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

○ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

○ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

○ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

این سوره مبارکه انسان را به پناه بردن به خدا از شرور همه مخلوقات توصیه می کند اما در این میان نسبت به سه مورد از شرور اهتمام بیشتری ورزیده است؛ شر شب، شر سحر سحره و شر حسادت حسود؛ چون در مورد این شرور انسان دستخوش غفلت است^۱ و چاره‌ای جز پناه بردن به خدا ندارد.

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بگو: «پناه می برم به پروردگار سپیده دم، (آیه ۱)

• از شر آنچه آفریده، (آیه ۲)

○ و از شر تاریکی چون فراگیرد، (آیه ۳)

○ و از شر دمنندگان افسون در گره‌ها، (آیه ۴)

○ و از شر [هر] حسود، آنگاه که حسد ورزد.» (آیه ۵)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۹۳.

۲-۲-۳- تدبر سوره مبارکه توحید (متن درسی)

۲-۳-۱- شناسه سوره

نامها^۱

مربی محترم در گذشته (تدبر سوره ناس) اندکی درباره شناسه سخن گفت، اینک می‌تواند مطالبی را درباره یکی از اجزای شناسه یعنی نام سوره‌ها مطرح کند:

برخی از سوره‌های قرآن با یک نام و بعضی با نام‌های متعددی شناخته شده است.

بعضی از اسامی در ارتباط با محتوای سوره هستند و توجه به وجه تسمیه سوره به این گونه از نامها می‌تواند در جهت‌دهی به تدبر سوره مفید باشد، اما برخی از اسامی با محتوای سوره در ارتباط نبوده و در حد ابتدایی‌ترین کد برای شناسایی آن ایفای نقش می‌کنند. معمولاً این گونه از اسامی از واژه‌های ویژه سوره قرآن برگرفته شده است، مانند «بقره»، «نمل»، «فیل»، «نحل» و... می‌توان گفت نامگذاری سوره به این اسامی، به غرض عمومی سازی و آسان سازی انس و ارتباط با قرآن و به یاد بودن اسامی سوره بوده است.

نامهای سوره توحید و وجه تسمیه هر یک از این قرار است:

- توحید: چون در این سوره جز توحید نیست.
- اخلاص: چون هر کس به آنچه در این سوره هست مقرر و معتقد باشد، مومن خالص است و گفته شده که چون هر کس این سوره را با تعظیم بخواند خدا او را از آتش خلاص می‌کند.
- صمد: که یکی از واژگان سوره است.
- قل هو الله احد: که آیه اول سوره است.
- نسبة الرب: چون در حدیث آمده است: «لکل شیء نسبة و نسبة الرب سورة الإخلاص»

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۵۴

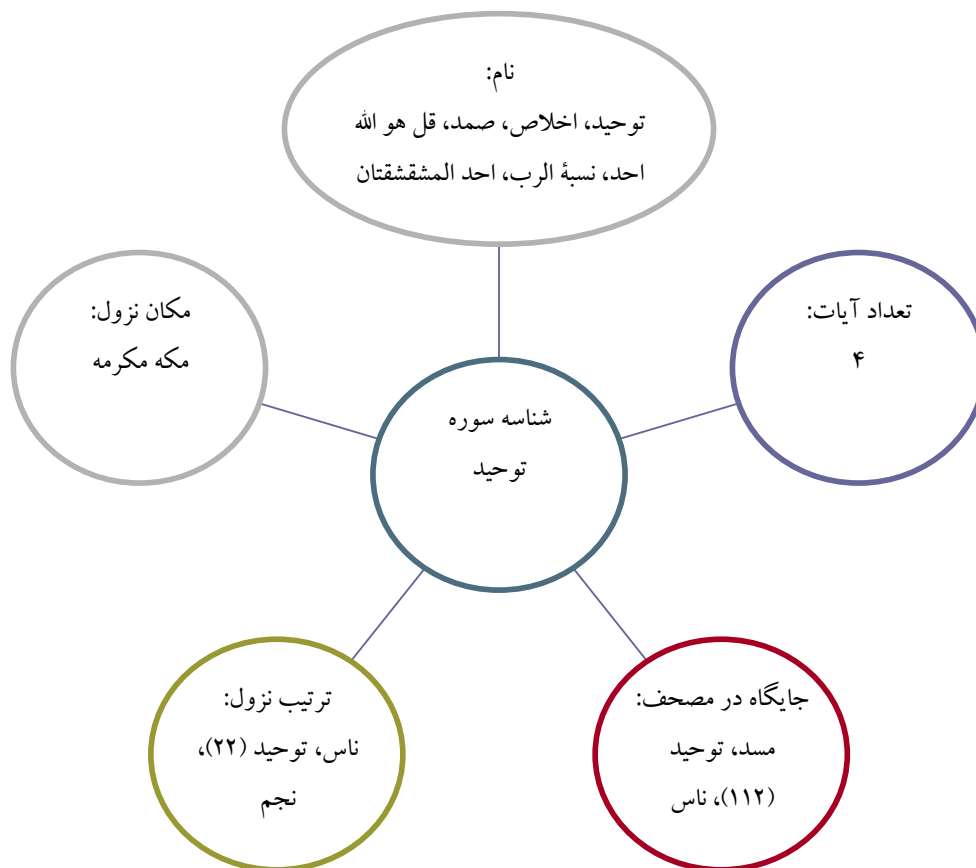
- احد المشقشقتان: که یکی از نامهای سوره کافرون هم هست، چون در حدیث آمده است، که این دو سوره شرک و نفاق را از بین می‌برند.

دانستیهای نزول: این سوره مبارکه مکی است و طبق جدول معتبر ترتیب نزول بعد از سوره ناس و پیش

از سوره نجم نازل شده و بیست و دومین سوره فرود آمده از آسمان وحی است.^۱

در روایات آمده است که برخی از یهود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خواستند که خدا

را برای آنها توصیف کند و آن حضرت سه روز پاسخ نگفتند، سپس این سوره نازل شد.^۲



نمودار شماره ۱۱-شناسه سوره توحید

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۹۰.

۲-۲-۳-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره مبارکه خدای متعالی را وصف می کند: به احدیت ذات و نیازمندی همه ماسوا به او در تمام شئون وجودی، بدون اینکه شریکی در ذات و صفات و افعال داشته باشد؛ و این همان توحید ویژه قرآن کریم است و همه معارف دین مبین اسلام بر آن مبتنی است.^۱

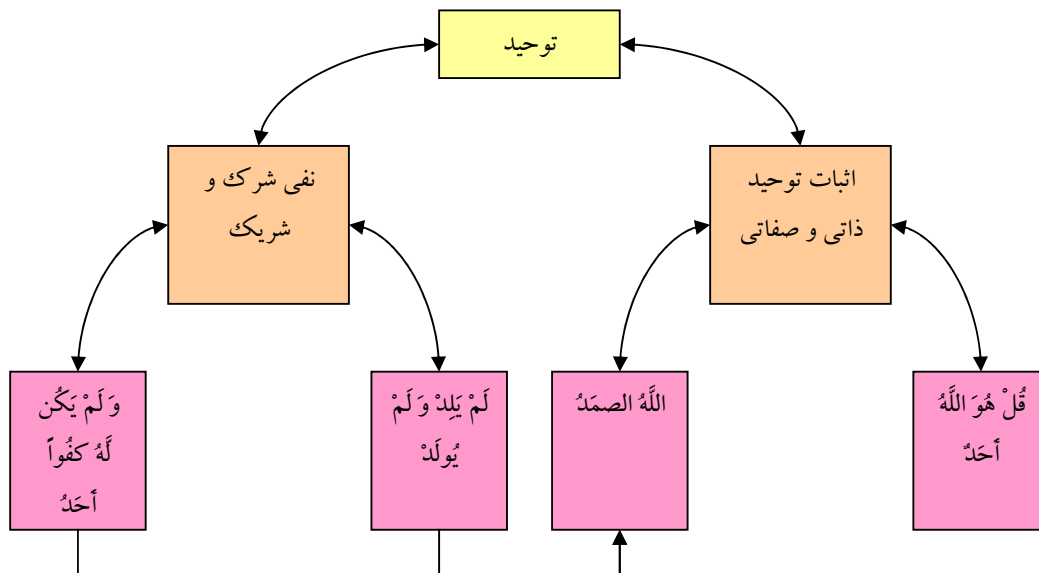
این سوره در چهار آیه کوتاه چنان توصیفی از یگانگی خدا کرده است که نیاز به اضافه ندارد.^۲ بر این اساس غرض محوری سوره «توحید» است، یعنی با القای توحید به مخاطب خود، او را موحد و مخلص می کند.

۲-۲-۳-۲- نکات آموزشی:

۱. همانطور که مشخص است غرض سوره با استفاده از همه آیات و یا به دیگر بیان با جمع-بندی همه آیات به دست آمد، چون همه آیات مبین توحید بودند و جز توحید مطلب دیگری در سوره مطرح نشده است که ما را در تشخیص غرض به اشتباه بیاندازد. اما نکته حایز اهمیت آن است که جمع بندی آیات این سوره نشان می دهد که سوره توحید، لب همه معارف توحیدی است.
۲. ممکن است برخی با توجه به وجود امر «قُلْ» در این سوره بخواهند، غرض این سوره را ترویج توحید بدانند، اما با توجه به اینکه در چنین جملاتی اصل کلام مقول قول است، مانع خواهد شد که ترویج توحید را غرض اصلی بدانیم، هر چند به عنوان یکی از پیام های سوره قابل استفاده است.

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۷.

^۲ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۲۸.



نمودار شماره ۱۲- سیر هدایتی سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ

- هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)
- اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)
- لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)
- وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

(مربی گرامی توجه کند که ذیل ترجمه آیات این سوره، مباحث نسبتاً مفصلی از تفسیر المیزان و نحوه اثبات توحید با آیات این سوره و چگونگی ربط آنها به یکدیگر مطرح شده است؛ و این بدان جهت است که آموزگار عزیز بتواند با توجه به سطح علمی کلاس خویش، پرسش‌ها و نیازهای اعتقادی افراد کلاسش را در مسئله توحید و به ویژه در ارتباط با آیات سوره توحید پاسخ دهد.)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آیه اول و دوم خدای سبحان را به صفات ذات و فعل توصیف می کند، چون احدیت خدا عین ذات اوست و صمدیت، مرجعیت او در همه نیازهای وجودی مخلوقات است که صفت فعل اوست.^۱

بگو:

• «او خدایی است یکتا، (آیه ۱)

احد وصفی است که همانند واحد از وحدت گرفته شده است، با این تفاوت که احد بر چیزی اطلاق می شود که کثرت پذیر نیست، نه در واقعیت و نه در ذهن و از این رو نه شمارش می پذیرد و نه از شماره ها است، به خلاف واحد، چون هر واحدی یا در عالم واقع ثانی و ثالث دارد و به توهم ذهنی و فرض عقلی ثانی و ثالث دارد و به انضمام آن کثیر است.^۲

• خدای صمد. (آیه ۲)

صمد به سید و آقایی گفته می شود که دیگران در حوائج و نیازها، قصد او را می کنند و چون در این آیه مطلق آمده است، بدین معنی است که در همه نیازها مطلقا خدا مقصود است، یعنی هیچ کس و هیچ چیز جز خدا برطرف کننده نیازهای مخلوقات نیست.^۳

• نه کس را زاده، نه زاییده از کس، (آیه ۳)

• و او را هیچ همتایی نباشد. (آیه ۴)

این دو آیه

• والد بودن خداس سبحان را نفی می کند، بدین معنی که به هیچ وجه چیزی از او منفصل نمی شود، بر خلاف آنچه نصاری درباره مسیح معتقد است و بت پرستان درباره بعضی از آلهه خود؛

• مولود بودن خدای متعالی را نفی می کند، بدین معنی که به هیچ وجه از چیزی مشتق و منفصل نشده است، بر خلاف اعتقاد بت پرستان که در خدایانشان پدر و مادر و فرزند هست.

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۸.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۷.

^۳ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۸.

• هم کفو بودن کسی را با خدا در ذات و فعل نفی می کند؛ هم کفو بودن کسی با خدا در ذات به این معنی است که ذات واجب الوجود متعدد باشد و هم کفو بودن کسی با خدا در فعل به این معنی است که در تدبیر با او شریک باشد، مثل آنچه بت پرستان در آلهه بشر خود مانند نمرود و فرعون معتقد بودند.

این صفات سه گانه را هر چند می توان متفرع بر وصف احد دانست، اما تفرعشان بر صمد به ذهن نزدیکتر است:

زاییدن نوعی تبعض و تجزی است و به هر معنی که فرض شود، ملازم ترکیب در زاینده است و حاجت مرکب به اجزاء خود ضروری است در حالی خدا صمد است و هر محتاجی در حاجت خود به او رجوع می کند و او حاجتی ندارد. زاییده شده جز با حاجت مولود به والد معنی ندارد، در حالی که خدای سبحان صمد است و نیازی به غیر ندارد. کفایت هر موجودی با خدا چه در ذات و چه در فعل فرض ندارد مگر با استغناء او از خدا، در حالی که خدای متعالی صمد است و ماسوای او از جهتی که فرض شود، به او نیازمند است.

پس نفی موجود در این دو آیه متفرع بر صمدیت است و مآل صمدیت به واحدیت؛ پس خلاصه سوره آن است که خدا احد و واحد است.^۱

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۸.

۲-۲-۴- تدبر سوره مبارکه مسد (کار در خانه)

۲-۲-۴-۱- شناسه سوره

نامها^۱

- مسد: این واژه در این سوره به کار رفته است.
- ابو لهب: این سوره درباره اوست و نام او هم در این وسره آمده است.

دانستنیهای نزول: این سوره مکی است^۲ و ششمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است، که نزول آن پس از حمد و پیش از تکویر بوده است.^۳

از ابن عباس نقل شده است: هنگامی که آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» نازل شد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ماموریت یافت که نزدیکان خود را انذار کند و به اسلام دعوت نماید، ایشان بر فراز کوه صفا آمد و فریاد زد: یا صباحاه! هنگامی که قریش این صدا را شنیدند گفتند: کیست که فریاد می کشد؟ گفته شد محمد است، جمعیت به سراغ حضرتش رفتند، ... فرمود به من بگوئید: اگر به شما خیر دهم که سواران دشمن از کنار این کوه به شما حمله ور می شوند، آیا مرا تصدیق خواهید کرد؟ در پاسخ گفتند: ما هرگز از تو دروغی نشنیده ایم.

فرمود: «انی نذیر لکم بین یدی عذاب شدید»: من شما را در برابر عذاب شدید الهی انذار می کنم، هنگامی که ابو لهب این سخن را شنید گفت: «تبا لک! ا ما جمعتنا الا لهذا!»: زیان و مرگ بر تو باد! آیا تو فقط برای همین سخن ما را جمع کردی؟! در این هنگام بود که این سوره نازل شد.^۴

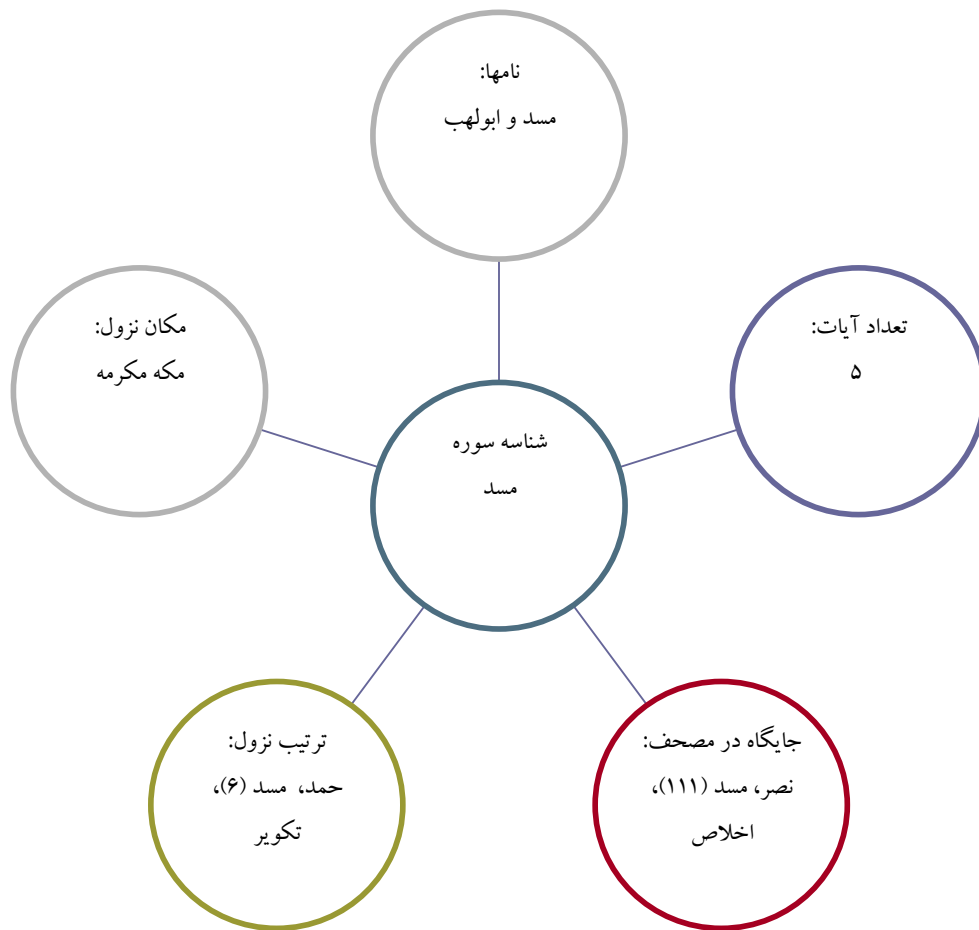
^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۵۰

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۴.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

^۴ عرب زمانی که مورد هجوم غافلگیرانه دشمن قرار می گرفت، برای اینکه همه را با خبر سازند و به مقابله برخیزند کسی صدا می زد یا صباحاه! انتخاب کلمه صباح به خاطر این بود که هجومهای غافلگیرانه غالباً در اول صبح واقع می شد.

^۵ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۶؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۱۳.



نمودار شماره ۱۳- شناسه سوره مسد

۲-۲-۴-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره تهدیدی شدید برای ابولهب و همسر اوست که آنان را به هلاکت خودشان و عملشان و به آتش جهنم وعید داده است.^۱

این سوره تنها سوره‌ای است که در آن با ذکر نام، یکی از دشمنان اسلام و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مورد تهدید واقع شده است و محتوای آن نشان می‌دهد که او عداوت خاصی

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۴.

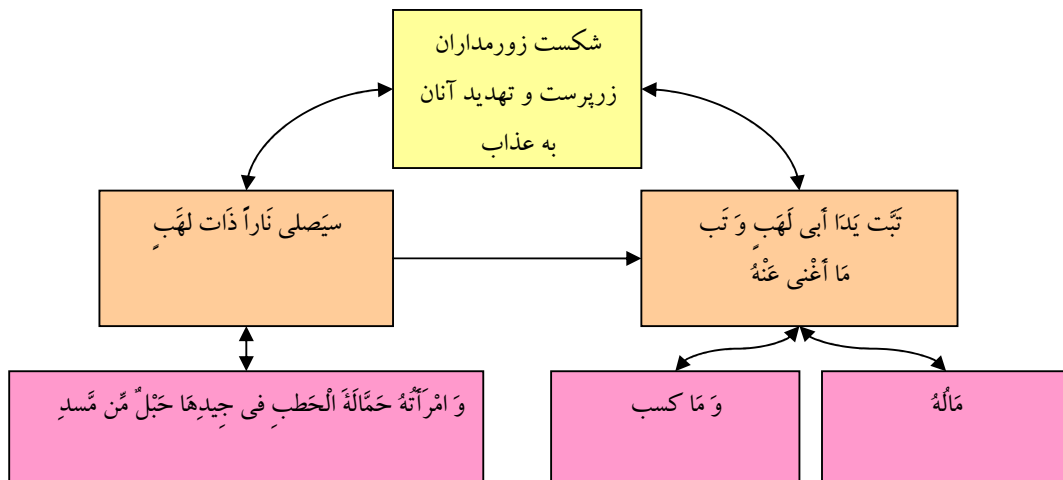
نسبت به پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) داشته است. او و همسرش از هیچگونه کارشکنی و بد زبانی مضایقه نداشتند.^۱

گرچه این سوره مبارکه ابولهب را به نام تهدید کرده است، اما حامل پیامی کلی برای همه زورمدارانی است که با تکیه بر اموال و اعمال خود در صدد سد راه حقیقت‌اند؛ که ابولهب و همسرش یکی از آنان و در آن زمان از بدترین این افراد بوده‌اند، بنابراین غرض سوره «شکست زورمداران زرپرست و تهدید آنان به عذاب» است.

۲-۲-۴-۳- نکات آموزشی:

۱. این سوره ساختار اجمال و تفصیل دارد و لب غرض آن در آیه ۱ آمده است و سایر آیات به منزله شرح و تفصیل آیه ۱ هستند.

۲. مری محترم می‌تواند ذیل تبیین غرض این سوره یادآوری کند که قرآن کریم کتاب هدایت همگان است، به همین دلیل معارفی را مطرح می‌کند که برای همگان سودمند است، در این سوره هم مطالب مطرح شده در خصوص شکست ابولهب منحصر در وی نیست، بلکه همه زورمداران زرپرست را که قصد مقابله با حقیقت دارند، شامل می‌شود.



نمودار شماره ۱۴- سیر هدایتی سوره مسد

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۱۲ با اندکی تغییر و تصرف.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ (۱)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ (۲)

سَيَصِلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بریده باد دو دست ابولهب، و مرگ بر او باد. (آیه ۱)

دست عضوی است که انسان به وسیله آن به تحصیل مقاصد خود می پردازد، از این رو اعمال انسان به دست او نسبت داده می شود، پس هلاکت دو دست ابولهب به معنی خسران او در اعمالی است که انجام می داد، بدین معنی که اعمال او به نتیجه نمی رسد و سودی به حال او نمی بخشد، بنابراین این آیه نفرینی برای ابولهب است که او را به هلاک خودش و بطلان اعمالی که برای اطفاء نور نبوت انجام می داد، وعید می دهد.^۱

ابولهب فرزند عبد المطلب و عموی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که به شدت با پیامبر دشمن بود و در تکذیب آن حضرت مصر بود و با گفتار و کردار بسیار او را می آزرده.^۲

دارایی او و آنچه اندوخت، سودش نکرد. (آیه ۲)

این آیه تفسیر آیه پیشین است و دو دست ابولهب را تبیین می کند. می فهماند که یک دست ابولهب زرپرستی و ثروت اندوزی است و دست دیگرش، زورمداری و قدرت طلبی است. ظهور واژه «ماله» در زرپرستی روشن است، اما «ما کسب» را نشانه زورمداری دانستیم، چون به دلیل لزوم تغایر بین معطوف و

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۴.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۴.

معطوف علیه، نمی تواند ناظر به مال باشد، پس ناظر به مکتسبات دنیوی غیر مالی، نظیر قدرت و شهرت است.

بزودی در آتشی پُربانه در آید. (آیه ۳)

و زنش، نیز به آتش پر زبانه در افتد، آن همیشه کش [آتش فروز]، (آیه ۴)

بر گردنش طنابی از لیف خرماست. (آیه ۵)

ظاهر آن است که او در آتشی که روز قیامت در آن افکنده خواهد شد، به هیئتی که در دنیا داشت متمثل می شود، او در دنیا شاخه های و برگهای خرما و ... را حمل می کرد تا شبانه در راه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بریزد و ایشان را بیازارد، پس در قیامت با آتش عذاب خواهد شد، در حالی که همانند دنیا حطب حمل می کند در گردنش طنابی از لیف خرما آویخته است.^۱

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۵.

۲-۲-۵- تدبیر سوره مبارکه نصر (متن درسی)

۲-۲-۵-۱- شناسه سوره

نامها

- نصر: این واژه در نخستین آیه این سوره به کار رفته است.
- تودیع: این سوره را تودیع نامیده‌اند، چون حاوی خبر ضمنی از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.^۱

دانستیهای نزول

مربی گرامی می‌تواند در این سوره، توضیحاتی درباره یکی دیگر از موارد مطرح در شناسه سوره، یعنی دانستیهای نزول، ارائه دهد:

مراد از دانستیهای نزول یک سوره ترتیب نزول، زمان و مکان نزول و در برخی از موارد فضای نزول سوره است:

أ. ترتیب نزول:

با دانستن ترتیب نزول سوره، سوره قبل و بعد هم مشخص می‌شود و فضایی که یک سوره در آن نازل گردیده شفاف‌تر می‌گردد و همین مسأله در تشخیص غرض سوره تأثیر گذار است.

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۹۵. در همین منبع چنین آمده است: در حدیثی آمده است هنگامی که این سوره نازل شد و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را بر یاران خود تلاوت کرد همگی خوشحال و خوشدل شدند، ولی عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که آن را شنید گریه کرد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای عمو چرا گریه می‌کنی؟ عرض کرد گمان می‌کنم خبر رحلت شما در این سوره داده شده‌ای رسول خدا! فرمود: مطلب همانگونه است که تو می‌گوئی.

در اینکه از کجای این سوره چنین مطلبی استفاده می‌شود در میان مفسران گفتگو است، زیرا در ظاهر آیات آن چیزی جز بشارت از فتح و پیروزی نیست، این مفهوم ظاهرا از اینجا استفاده شده که این سوره دلیل بر آن است که رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به پایان رسیده و آئین او کاملاً تثبیت شده است و معلوم است در چنین حالتی انتظار رحلت از سرای فانی به جهان باقی، کاملاً قابل پیش‌بینی است.

ب. زمان و مکان نزول:

مراد از زمان نزول، سال نزول و مراد از مکان نزول مکی یا مدنی بودن سوره است. زمان و مکان نزول در واقع به شرایطی که نزول در آن واقع گردیده پیوند می خورد و در روشن شدن فضای نزول و غرض سوره مؤثر است.

تذکره: گاهی در باره زمان، مکان و ترتیب نزول یک سوره ادعاهای مختلفی مطرح می شود. در چنین مواردی، محتوای سوره بهترین معیار تشخیص دیدگاه های صحیح است، گرچه توجه به ادله این اقوال نیز لازم است.

ج. فضای نزول:

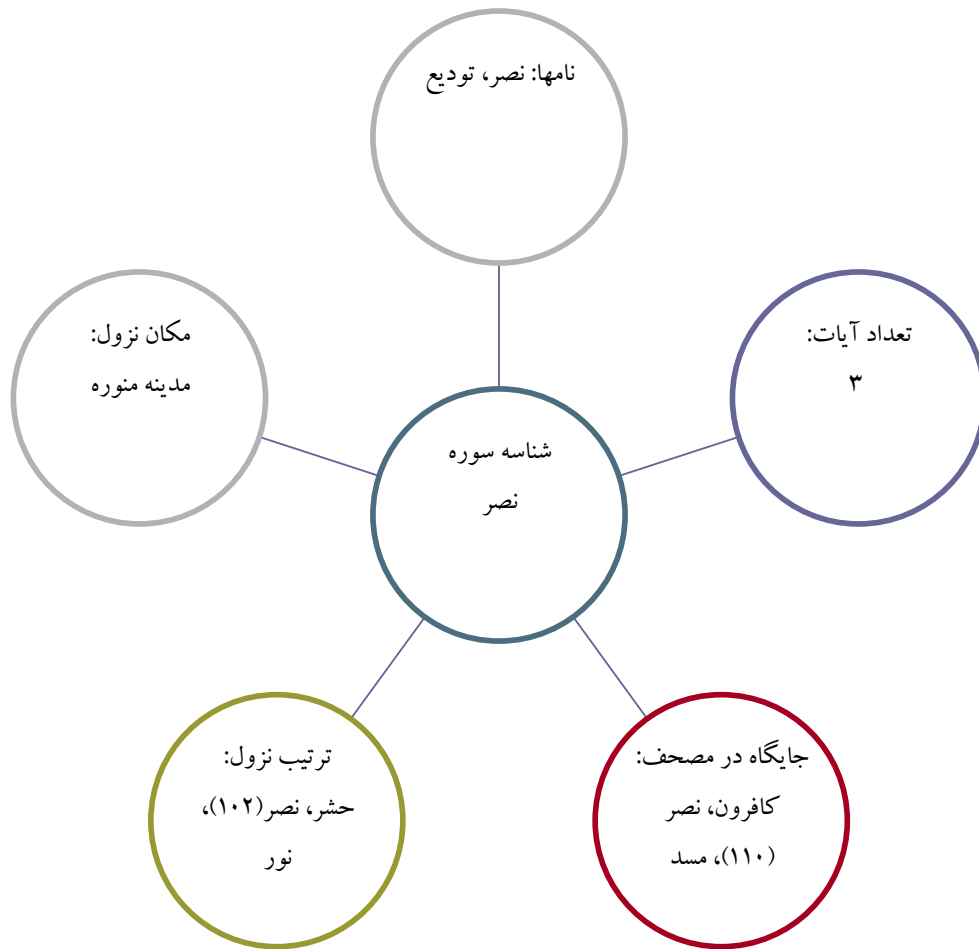
فضای نزول، اوضاع عمومی، اوصاف مردمی (وضعیت فکری و رفتاری مردم)، رخدادها و شرایط ویژه ای است که در مدت نزول یک سوره وجود داشته است.

تبیین فضای نزول سوره در تشخیص غرض سوره از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چون سوره های قرآن برای انسان سازی و جامعه سازی نازل شده است و به همین دلیل مهمترین نیازهای فردی و اجتماعی زمان نزول خود را در نظر گرفته و اهدافی متناسب با فضای نزول خود دارند. گفتنی است، توجه به محتوای آیات، شأن و سبب نزول آنها، راهکار کلی تشخیص فضای نزول سوره است.

دانستنیهای نزول سوره نصر از این قرار است: این سوره مبارکه مدنی است و بعد از صلح حدیبیه و پیش از فتح مکه نازل شده است.^۱ در جدول معتبر ترتیب نزول نیز آمده است که این سوره مبارکه صد و دومین سوره فرود آمده از آسمان وحی است و پیش از آن سوره مبارکه حشر و پس از آن سوره مبارکه نور نازل شده است.^۲

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۶.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.



نمودار شماره ۱۵- شناسه سوره نصر

۲-۲-۵-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

خدای متعالی در این سوره به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وعده نصر و پیروزی می دهد که در پی آن مردم را خواهند دید که گروه گروه به اسلام می گروند و به آن حضرت فرمان می دهد که در این هنگام خدای را تسبیح و تحمید کند و از او مغفرت طلب کند.^۱

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۶.

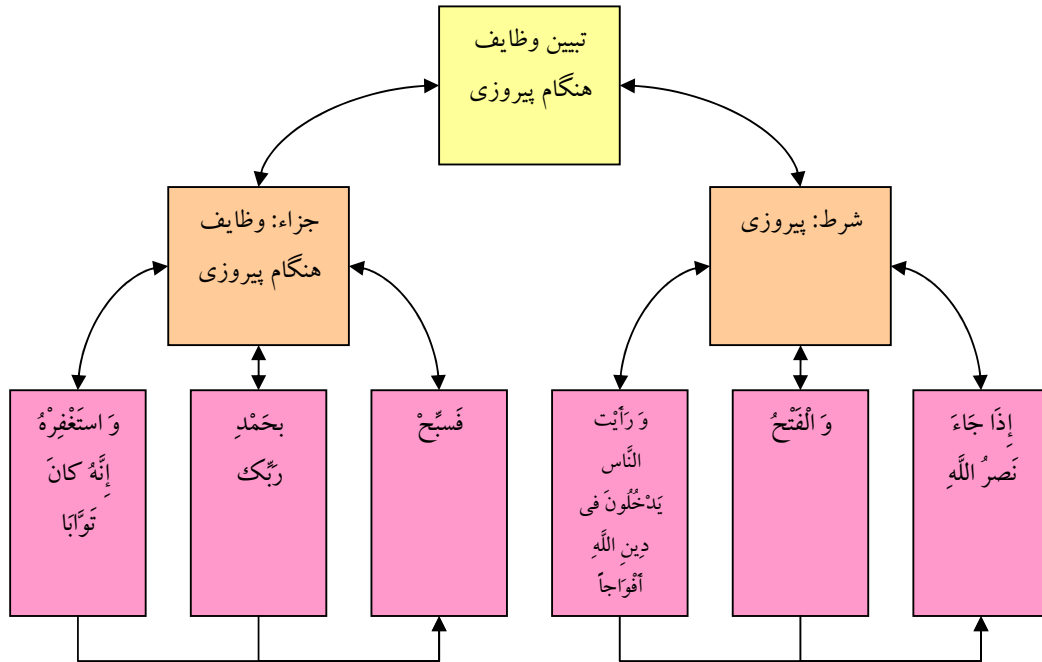
هرچند در اسلام فتوحات زیادی رخ داد، ولی فتحی با مشخصات فوق جز فتح مکه نبود، به خصوص اینکه طبق بعضی از روایات اعراب معتقد بودند اگر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مکه را فتح کند و بر آن مسلط گردد این دلیل بر حقانیت او است، زیرا در غیر این صورت خدا چنین اجازه‌ای را به او نمی‌دهد، همانگونه که به لشکر عظیم ابرهه اجازه نداد، به همین دلیل بعد از فتح مکه مشرکان عرب گروه گروه به دین اسلام گرویدند.^۱

با دقت در بیانات این سوره می‌توان فهمید که غرض آن «تبیین وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و به تبع ایشان مومنان، به هنگام پیروزی» است و ایشان را فرمان می‌دهد که در گاه نصر و فتح به تسبیح و تحمید و استغفار پردازند.

۲-۲-۳- نکته آموزشی:

• این سوره مبارکه جمله شرطیه است و باید توجه داشت که در جمله شرطیه غالباً جزاء یا جواب شرط محتوای اصلی است، نه خود شرط؛ حال در این سوره، خود شرط متضمن وعده نصرت و پیروزی و جواب شرط مبین وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگام پیروزی است و با توجه به قاعده مزبور، از میان این دو محتوا، جواب شرط یعنی تبیین وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگام پیروزی، قله سوره خواهد بود، نه وعده فتح و پیروزی؛ هرچند که سوره این وعده را هم داده است، اما سخن از جهت‌گیری اصلی سوره است، نه معارف موجود در آن.

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۹۴.



نمودار شماره ۱۶- سیر هدایتی سوره نصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا

- جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ (۱)
- وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)
- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

چون

- یاری خدا و پیروزی فرا رسد، (آیه ۱)

این آیه وعده‌ای جمیل و بشارتی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و از جمله

پیش‌گویی‌های قرآن هم به شمار می‌آید.

نصر و فتح گفته شده در این آیه بر جریان فتح مکه انطباق پیدا می کند که مهمترین فتوحات آن حضرت در زمان حیات و روشن ترین یاری خداست و سبب شد بنیان شرک در جزیره العرب منهدم گردد.^۱

• و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا درآیند، (آیه ۲)

از آنجا که نصر و فتح پیش گفته اذلال شرک و اعزاز توحید و به دیگر بیان ابطال باطل و احقاق حق بود، از جهت نخست مناسب با تسبیح و تنزیه و از جهت دوم متناسب با ثناء و حمد خداست، از این رو خدای متعالی رسول خود را فرمان داد:^۲

پس همراه با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او مغفرت بطلب، که وی همواره اهل

رجوع به بندگان است. (آیه ۳)

وجه دیگر امر به تسبیح و تحمید و استغفار آن است که پروردگار بر بنده خود حق دارد که او را به کمال یاد کند و خود را به نقص؛ و چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این فتح از همه سختیهایی که در راه مبارزه با باطل و فساد متحمل می شد، رهایی یافت، خدا فرمائش داد که او را به جلالش یاد کند که همان تسبیح است و به جمالش بستاید که همان تحمید است و نقص و حاجت خود به پروردگار را یاد کند که همان استغفار است.^۳

گفتنی است توابع بودن خدای متعالی، به معنی کثرت رجوع خدا به بندگان خویش است، که با همین امر به استغفار حاصل می شود.

نکته آموزشی در کشف ارتباط آیه ۳ با آیات پیشین: ورود و خروج مربی محترم برای توضیح نحوه ارتباط آیه ۳ با آیات قبل اینگونه باشد:

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۶.

^۲ همان، ص ۳۷۷.

^۳ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۷. برای مطالعه درباره معنی استغفار رسول خدا (ص) به همین آدرس رجوع کنید.

خدای متعالی تسبیح و تحمید و استغفار را وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگام پیروزی و ورود مردم به دین الهی قرار داد. پرسش اینجاست که چه ربطی بین وظایف مطرح شده در این آیه با فتح و نصر و ورود مردم به دین الهی هست؟

علامه طباطبایی (ره) ارتباط این آیات را اینگونه بیان فرموده است:

فتح و نصر مستلزم ابطال باطل و احقاق حق است. ابطال باطل مقتضی تسبیح است (برای اقرار به منزّه بودن خدا از باطل) و احقاق حق مقتضی حمد است.

در خصوص این ارتباط بیان‌های دیگری هم می‌توان داشت:

۱. تسبیح ناظر به قبل از فتح و نصر است، بدین معنی که اگر پیش از این فتح و نصر نیامده بود، اشکال از خدا نبود، چون او از هر عیب و نقصی منزّه است، بلکه شرایط مهیا نبود و قابلیت‌ها قاصر بود؛ حمد برای شکرگزاری فتح و پیروزی است؛ و استغفار برای پیش‌گیری از مشکلات پس از فتح است.

۲. تسبیح برای آن است که کسی فتح و نصر و ورود مردم به دین خدا را نافع برای خدا نداند، زیرا او منزّه از هر نیاز و نقصی است و هیچ کس و هیچ چیز نفعی به حال او ندارد، حال امر به تسبیح می‌کند تا مبادا کسی گمان کند که پیروزی دین خدا یا اسلام آوردن خلق او برای حضرتش سودمند است؛ حمد هم برای شکرگزاری فتح است؛ از سوی دیگر تسبیح و تحمید، اعتراف به جلال و جمال خداست و استغفار، اقرار به نقص و عجز خویش است و این اقرار ملازم با آن اعتراف است.

مقایسه بین این دو بیان با بیان علامه طباطبایی (ره) در کشف ارتباط: در بیان علامه (ره)، ارتباط آیه ۳ با لازمه آیات ۱ و ۲ برقرار شد، اما در دو بیان بعدی محتوای آیه ۳ مستقیماً به آیات قبل مرتبط شد و همین خود وجه ترجیح دو بیان بعدی بر بیان نخست است، هر چند که هیچ یک اشتباه نیست.

گفتنی است وجوه دیگری هم در تبیین این ارتباط قابل طرح است که نیازی به بیان آنها نیست.

۲-۲-۶- تدبر سوره مبارکه کافرون (کار در خانه)

۲-۲-۶-۱- شناسه سوره

نامها

- کافرون: این واژه در نخستین آیه سوره به کار رفته است.
- احد المشقشقتان: که یکی از نامهای سوره توحید هم هست، چون در حدیث آمده است، که این دو سوره شرک و نفاق را از بین می‌برند.

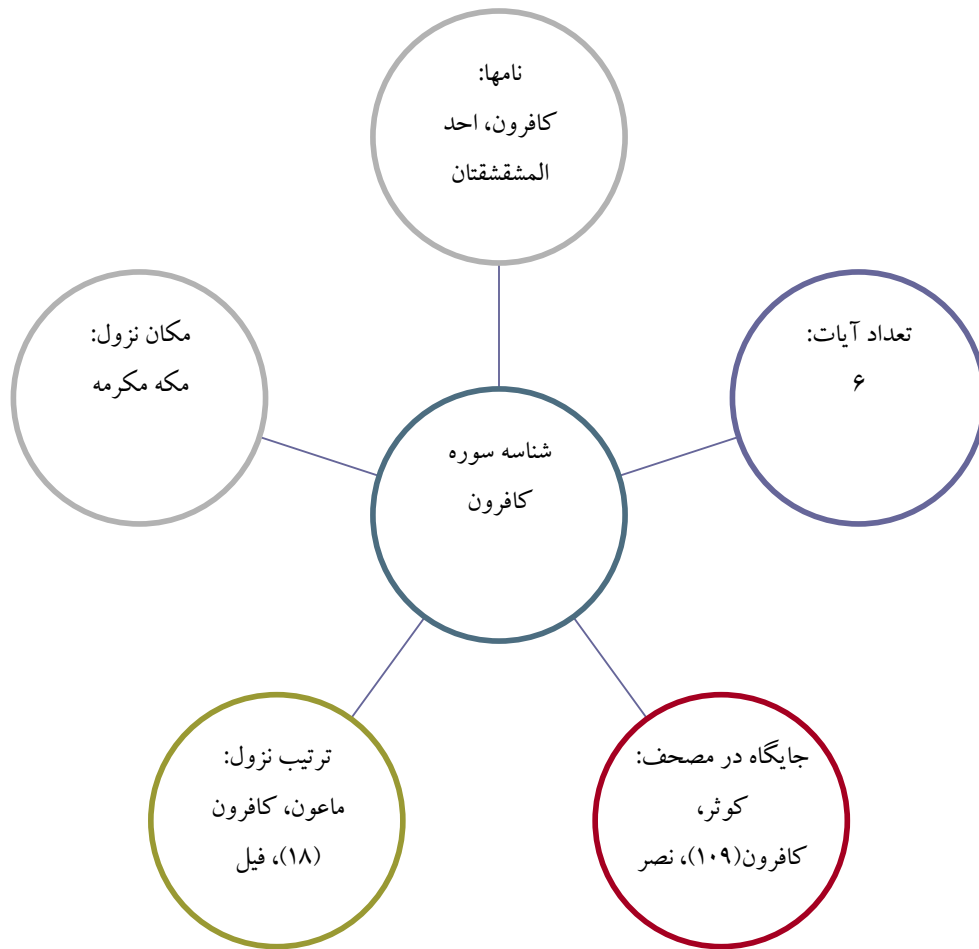
دانستنیهای نزول: این سوره مبارکه مکی است و طبق جدول معتبر ترتیب نزول، هجدهمین سوره‌ای است

که بر پیامبر نازل شده است و پیش از آن سوره ماعون و پس از آن سوره فیل آمده است.^۱

در برخی از منابع روایی آمده است که ولید بن مغیره، عاص بن وائل، اسود بن المطلب و امیه بن خلف به ملاقات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتند و گفتند: ای محمد بیا تا ما آنچه را تو می‌پرستی، پرستیم و تو نیز آنچه که ما می‌پرستیم بپرست و ما و تو با هم در امر دینمان شریک شویم، تا اگر اعتقاد ما از اعتقاد تو صحیحتر بود، تو از اعتقاد ما حظی داشته باشی و اگر اعتقاد تو از اعتقاد ما صحیحتر بود، ما از اعتقاد تو بهره‌ای داشته باشیم، آنگاه خدای متعالی سوره کافرون را نازل کرد.^۲

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۵.



نمودار شماره ۱۷- شناسه سوره کافرون

۲-۲-۶-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: خدای متعالی در این سوره به پیامبر خود فرمان داده است که برائت خود را از دین کفار به آنان اظهار کند و به آنان خبر دهد که آنان نیز از دین او امتناع می‌ورزند، پس دین هیچ یک به دیگری نمی‌رسد و هرگز نه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنچه را می‌پرستد که آنان

می پرستد و نه آنان آنچه را می پرستند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می پرستد، در نتیجه باید از هر نوع مداهنه و مساهله درباره دین و اعتقادات مایوس شوند.^۱

لازم به توضیح است که این سوره، سازش ناپذیری اعتقادی را مبتنی بر اظهار توحید عبادی پیش می برد و به بیان دیگر غرض اصلی سوره «توحید عبادی» است و سازش ناپذیری اعتقادی، متفرع بر این غرض و از ثمرات آن است.

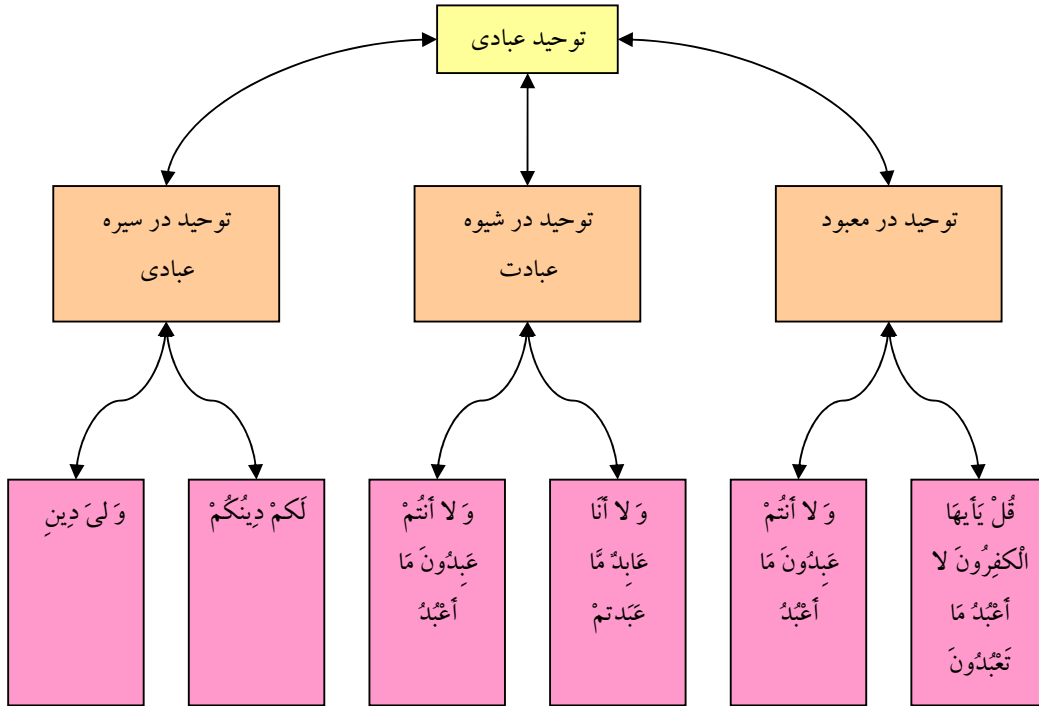
توحید عبادی در این سوره مبارکه در سه مقطع بیان می شود:

۱. توحید در معبود: «ما» در آیه دو و سه، موصولی است و برگشت معنی این دو آیه به این است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند من آنچه را که شما می پرستید (بتها و هر چیز غیر از خدای یگانه) نمی پرستم، چنانکه شما هم آنچه را من می پرستم (خدای یگانه) نمی پرستید.
۲. توحید در چگونگی عبادت: «ما» در آیه چهار و پنج، مصدریه است و برگشت معنی این دو آیه به این است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند پرستش من مانند پرستش شما نیست، چنانکه پرستش شما نیز مانند پرستش من نیست؛ لازم به ذکر است که این معنی با توجه به این قاعده برداشت شده است که «التاسیس اولی من التاکید» یعنی جایی می توان معنی جدیدی برداشت کرد، بهتر از آن است که معنی تأکیدی در نظر گرفته شود و به تعبیر اصل بر تاسیس است.
۳. توحید در سیره عبادی: که از آیه آخر استفاده می شود و بدین معنی است که آن حضرت می فرمایند: سیره عبادی من با سیره عبادی شما متفاوت است، سیره عبادی آن حضرت مبتنی بر ذل عبودیت و بندگی است و سیره عبادی مشرکان، نوعی معامله گری و اظهار اشرافی گری و مانند آن است.

همانطور که می دانیم این سوره به عنوان تکلیف سوره مبارکه توحید تعیین شده است و این بدان جهت است که غرض در هر دو سوره با فرمولی مشابه به دست می آید و آن هم چیزی جز توجه به برآیند همه آیات نیست، بدین معنی که غرض در یک آیه مورد تصریح واقع نشده است، به گونه ای که بقیه

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۳.

آیات مقدمه یا شرح آن باشند، بلکه همه آیات با هم مبین غرض هستند. مربی گرامی می تواند به هنگام بررسی این تکلیف، نکات آموزشی کشف غرض در سوره توحید را تکرار و تاکید کند.



نمودار شماره ۱۸- سیر هدایتی سوره کافرون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكٰفِرُونَ (۱)

• لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

○ وَلَا أَنْتُمْ عِبَادُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

• وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (۴)

○ وَلَا أَنْتُمْ عِبَادُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)

لَکُمْ دینُکُمْ وَ لِي دینِ (۶)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بگو: «ای کافران، (آیه ۱)

- آنچه می پرستید، نمی پرستم. (آیه ۲)
 - و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید. (آیه ۳)
- و نه آنگونه که پرستیدید من می پرستم. (آیه ۴)
 - و نه آنگونه که می پرستم شما می پرستید. (آیه ۵)

دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم.» (آیه ۶)

«لا» که در این آیات آمده است، نفی استقبالی است، یعنی من ابتدا بتهایی را که شما می پرستید

نمی پرستم و شما هم ابتدا خدایی را که من می پرستم نخواهید پرست، یعنی خدای متعالی مرا به دوام بر

عبادت خود امر کرده است و به من خبر داده است که شما هم هرگز او را نمی پرستید، پس میان من و

شما اشتراکی در دین نیست و هرگز نخواهد بود.^۱

پیش تر وجه تکرار مشهود در این آیات گذشت.

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۴.

مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خود آزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خود آزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه سوم، شاگردان خود را بر اساس پرسش های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. غرض سوره ناس چیست؟

این پرسش برای ارزیابی درک شاگردان از غرض هدایتی سوره ها است و جنبه فنی در آن لحاظ نشده است.

۲. غرض سوره مبارکه ناس چگونه کشف می شود؟

مقصود این پرسش، امتحان یادگیری شیوه کشف غرض با توجه به واژه کانونی است. مربی محترم می تواند بی ارتباط بودن تکرار واژه ناس با محوری بودن آن را ذیل این پرسش یادآوری کند.

۳. واژه کانونی چیست، معنی آن را با توجه به واژه «أعوذ» در سوره ناس شرح دهید؟

قرآن آموز در پاسخ باید محوری بودن واژه مزبور را تبیین کند.

۴. غرض سوره توحید چیست؟

۵. غرض سوره مبارکه توحید چگونه کشف می شود؟

مقصود این پرسش، امتحان یادگیری شیوه کشف غرض با جمع بندی محتوای همه آیات است.

مربی محترم می تواند محوری نبودن واژه قل را ذیل این پرسش یادآوری کند.

۶. غرض سوره نصر چیست؟

۷. در سوره نصر، آیه اصلی کدام است و چرا؟

قرآن آموز در پاسخ شرطیه بودن این سوره را بیان کند و بگوید که در جملات شرطیه، اصل با

جواب شرط است، نه خود شرط؛

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته‌های خود، سوره‌های فلق، مسد و کافرون را تدبر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.
مربی گرامی می‌تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع‌آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه‌ای فوق‌العاده ارائه دهد.
۲. تدبر سوره‌های کوثر، قریش و عصر را در المیزان مطالعه و در گروه‌های تدبر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.
با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبر این سوره‌ها ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه سوم، جمع‌آوری و بررسی کند و در تدریس تدبر این سوره‌ها مورد توجه قرار دهد.

۲-۳- درس سوم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

۱. آموزش نحوه کشف غرض با تشخیص اصل و فرع و جمع بندی محتوا، در سوره کوثر؛ و توانایی نسبی استفاده از این فرمول در موارد مشابه؛
انس با سوره کوثر که در صدد امتنان بر رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) به سبب اعطای کوثر و ابتر بودن دشمنان ایشان است.
۲. آموزش چگونگی کشف غرض با توجه به عبارت کانونی در سوره قریش؛ و توانایی استفاده از این روش در موارد مشابه؛
انس با سوره قریش که در مقام تبیین لزوم عبادت منعم به جهت شکرگزاری است.
۳. آموزش نحوه کشف غرض با توجه اصل کلام (جواب قسم و مستثنی منه) در سوره عصر؛ و توانمندی نسبی استفاده از این روش در موارد مشابه؛
ایجاد انس با سوره عصر که قانون خسران انسان و راه در امان ماندن از آن را بیان کرده است.

۲-۳-۱- تدبر سوره مبارکه کوثر (متن درسی)

۲-۳-۱-۱- شناسه سوره

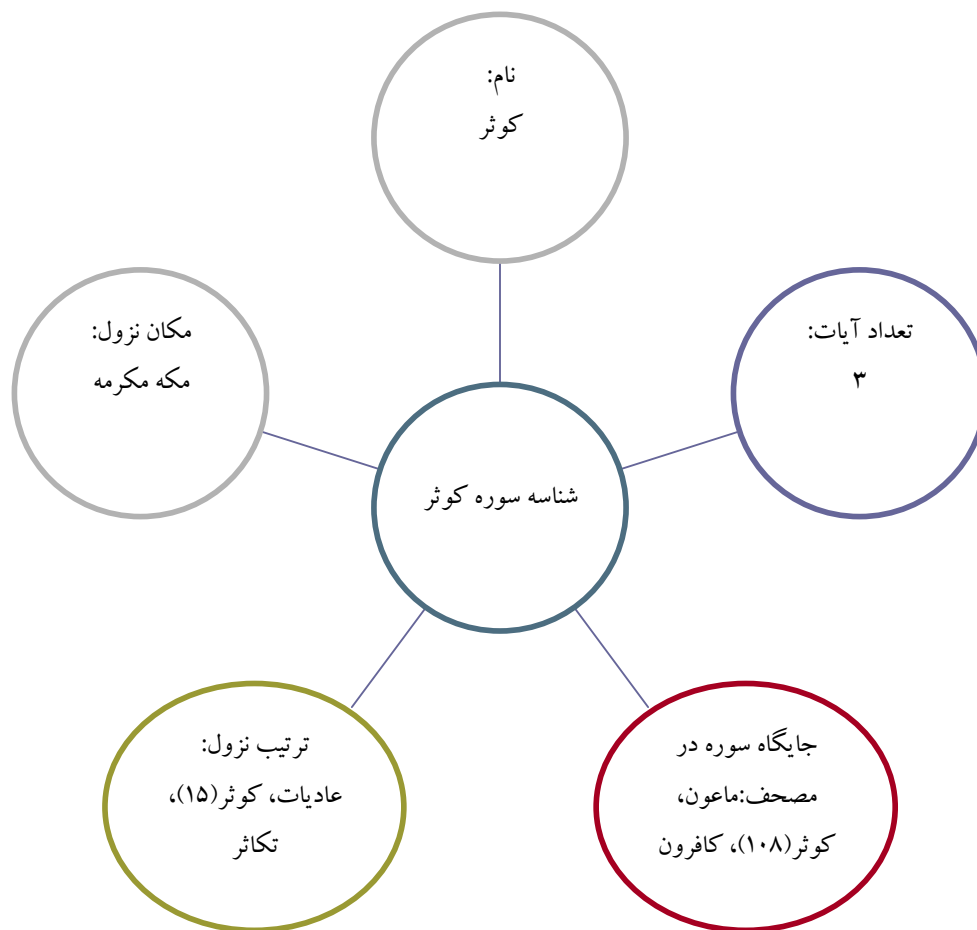
نام: کوثر: که از نخستین آیه سوره اتخاذ شده است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس قول مشهور در ترتیب نزول، پانزدهمین سوره‌ای است که از آسمان وحی فرود آمده است و پیش از آن سوره عادیات و پس از آن سوره تکاثر نازل شده است.^۱

در روایات شان نزول این سوره آمده است: عاص بن وائل که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را به هنگام خارج شدن از مسجد الحرام ملاقات کرد و مدتی با حضرت گفتگو نمود، گروهی از سران قریش در مسجد نشسته بودند و این منظره را از دور مشاهده کردند، هنگامی که عاص بن وائل وارد مسجد شد به او گفتند: با که صحبت می کردی؟ گفت: با این مرد ابتر! این تعبیر را به این خاطر انتخاب کرد که عبد الله پسر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفته بود، و عرب کسی را که پسر نداشت ابتر (یعنی بلا عقب) می نامید و از این رو قریش بعد از فوت پسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این نام را برای حضرت انتخاب کرده بود، سوره فوق نازل شد و آن حضرت را به کوثر بشارت داد و دشمنان او را ابتر خواند.^۲

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۲ و تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۹.



نمودار شماره ۱۹- شناسه سوره کوثر

۲-۳-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره امتنانی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سبب اعطای کوثر است و همچنین تطیب نفس شریف ایشان به سبب اعلان ابتر بودن دشمن ایشان است.^۱

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دو فرزند پسر از بانوی اسلام خدیجه داشت: یکی قاسم و دیگری طاهر که او را عبد الله نیز می نامیدند و هر دو در مکه از دنیا رفتند و آن حضرت فاقد فرزند پسر شد، این موضوع زبان بدخواهان قریش را گشود و کلمه ابتر را برای حضرتش انتخاب کردند.

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

آنها طبق سنت خود برای فرزند پسر اهمیت فوق العاده‌ای قائل بودند و او را تداوم بخش برنامه‌های پدر می‌شمردند، بعد از این ماجرا آنها فکر می‌کردند با رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برنامه‌های او به خاطر نداشتن فرزند ذکور تعطیل خواهد شد و از این بابت خوشحال بودند.

قرآن مجید نازل شد و بطرز اعجاز آمیزی در این سوره به آنها پاسخ گفت و خبر داد که دشمنان او ابتر خواهند بود و برنامه اسلام و قرآن هرگز قطع نخواهد شد، بشارتی که در این سوره داده شده از یک سو ضربه‌ای بر امیدهای دشمنان اسلام بود و از سوی دیگر تسلی خاطر برای رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود که بعد از شنیدن این لقب زشت و توطئه دشمنان، قلب پاکش غمگین و مکدر شده بود.^۱

بر این اساس می‌توان گفت که غرض این سوره مبارکه «امتنان بر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به سبب اعطای کوثر؛ و ابتر بودن دشمنان ایشان» است.

۲-۳-۱-۳- نکات آموزشی کشف غرض:

۱. در سوره مبارکه کوثر توجه به مجموعه آیات، غرض سوره را آشکار می‌کند و به همین دلیل می‌توان روش کشف غرض این سوره را مشابه روش کشف غرض سوره مبارکه توحید دانست، البته لازم به توجه است که آیه دوم این سوره فرع آیه نخست است، اما این دو آیه، همراه با آیه سوم، مبین غرض سوره یعنی امتنان بر رسول مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند.
۲. ممکن است برخی از فراگیران، از میان دو آیه نخست این سوره مبارکه، آیه دوم (فصل لربک و انحر) را اصل بدانند؛ معمولاً این اشتباه از تشبیه این سوره به سوره مبارکه نصر نشأت می‌گیرد، زیرا در آن سوره مبارکه، آیه (فسیح بحمد ربک ...) به عنوان آیه اصلی معرفی شده بود؛ مربی محترم برای برطرف کردن این اشتباه، فراگیران را به این مطالب متوجه کند:

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۸.

ا. آیه (فسیح بحمد ربک ...) در سوره مبارکه نصر، جواب شرط بود و از این رو اصلی دانسته شده بود، ولی آیه (فصل لربک و انحر) در سوره مبارکه کوثر اینگونه نیست.

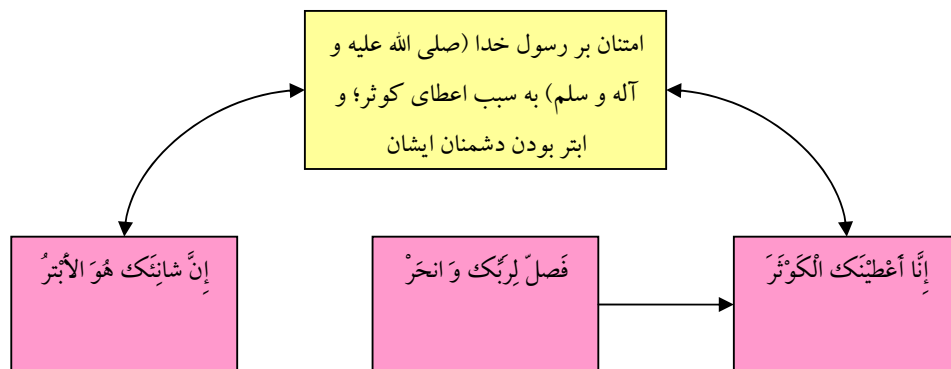
ب. از میان آیات ۱ و ۲ سوره مبارکه کوثر، آیه ۱ ادامه یافته است، به بیان دیگر آیه ۳ این سوره به لحاظ محتوایی ادامه آیه ۱ است نه ادامه آیه ۲؛ و این خود دلیلی بر اصلی بودن محتوای آیه ۱ است.

ت. آیه ۱ این سوره، جمله خبریه همراه با تاکیداتی مانند اسمیه بودن و این است و مقدم هم شده است، در حالی که آیه ۲ دارای هیچ یک از این قرائن موکد نیست.

ث. لحن بیان و فضای حاکم بر آیات این سوره مبارکه، با دلجویی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آن هم با محتوای آیه ۱ متناسب تر است.

به خاطر وجود همین قرائن، از میان دو آیه اول، آیه نخست را اصلی دانسته و غرض سوره را از جمع میان محتوای آیه ۱ و ۳ به دست می آوریم.

۳. اگر پرسند که چرا آیه ۳ را متفرع بر آیه ۱ ندانستید؟ پاسخ آن است که اولاً، آیه ۳ هیچ نشانه ادبی حاکی از تفرع بر آیه ۱ ندارد. ثانیاً، محتوای آیه ۳ ابتر بودن دشمنان آن حضرت است که خود نعمتی مستقل است، نه ابتر نبودن خود ایشان، که برکات کوثر به حساب می آید.



نمودار شماره ۲۰- سیر هدایتی سوره کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۲)

إِنْ شَانَيْتَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ما تو را کوثر دادیم، (آیه ۱)

پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن. (آیه ۲)

دشمنت خود بی تبار خواهد بود. (آیه ۳)

مطالعه آزاد: اختلاف زیادی در مصادیق کوثر به ثبت رسیده است، برخی از مصادیق ذکر شده برای

کوثر از این قرار است:

- خیر کثیر
- نهری در بهشت
- حوض پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بهشت یا محشر
- اولاد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- اصحاب و اشیاع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا روز قیامت
- علما امت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- قرآن کریم و فضائل زیاد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- نبوت
- اسلام
- توحید
- علم و حکمت

• و ...

با توجه به آیه آخر این سوره که از اتهام مقطوع النسل بودن به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن گفته است، می توان گفت که مراد از کوثر کثرت ذریه است و یا دست کم کوثر خیر کثیر است و در ضمن آن کثرت ذریه هست، چون در غیر این صورت تاکید بر ابتر بودن دشمنان آن حضرت در این مقام خالی از فائده خواهد بود.

این جملات خالی از دلالت بر این مطلب نیست که فرزندان فاطمه (سلم الله علیها) ذریه آن حضرت هستند و این خود از پیش گویی های قرآن کریم است، چون خدای متعالی از طریق فاطمه (سلام الله علیها) به حدی رسانید که هیچ نسل دیگری با آنها قابل مقایسه نیست، به رغم همه نوائب و مقاتلی که برای آنان اتفاق افتاد است.^۱

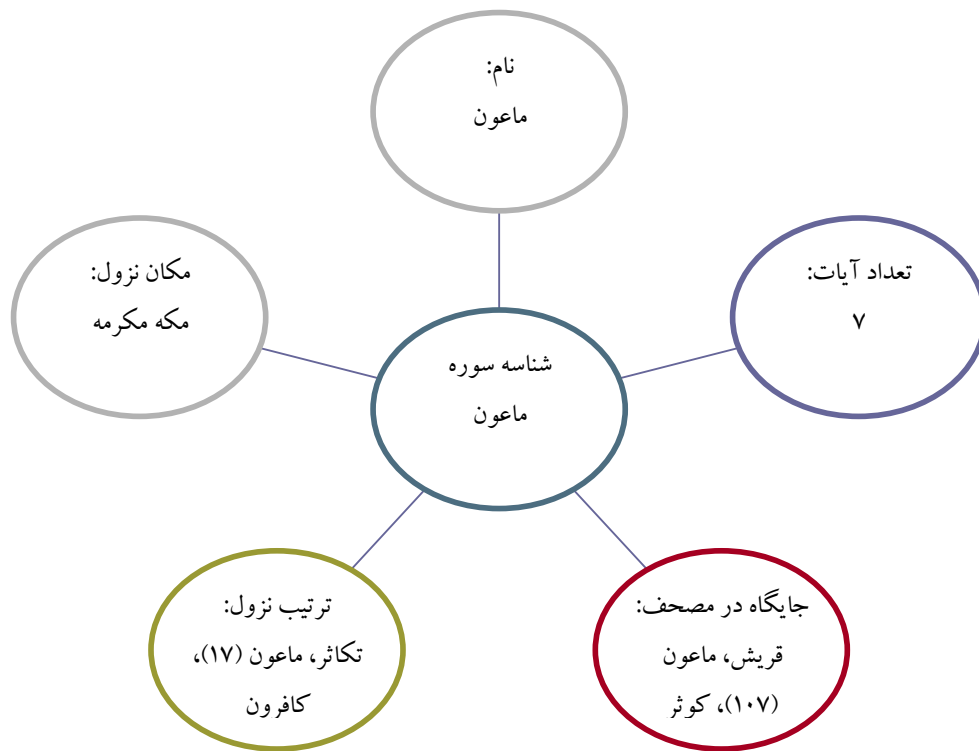
^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۰ و ۳۷۱.

۲-۳-۲- تدبر سوره مبارکه ماعون (کار در خانه)

۲-۳-۱- شناسه سوره

نام: ماعون: که در آخرین آیه سوره به کار رفته است.

دانستنیهای نزول: با توجه به لحن آیات آن که در مقاطع کوتاه و کوبنده، از قیامت و اعمال منکران آن سخن می گوید، می توان این سوره را مکی دانست، چنانکه بسیاری از مفسران هم بر این باورند.^۱ بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه هفدهمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره تکاثر و پس از آن سوره کافرون نازل شده است.^۲



نمودار شماره ۲۱-شناسه سوره ماعون

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۶.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

۲-۳-۲-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: این سوره وعیدکسانی است که به ظاهر به دین گرویده‌اند، اما متخلق به اخلاق منافقانه‌ای هستند که با تصدیق روز جزا سازگار نیست.^۱

سوره مبارکه تکذیب عملی معاد (یا نشانه‌های آن) را در قالب چند رفتار به نمایش گذاشته است و از سوی دیگر موجبات تکذیب عملی معاد را هم مطرح کرده است؛ آری آنکه با خلق ضعیف و مستمند، چون یتیمان و مسکینان بدرفتاری می‌کند و به آنان بی‌توجه است، عملاً مکذب روز قیامت است و سهل انگاری و رسم بی‌رسمی ریا در عبادت خالق و همچنین منع ماعون، موجب این تکذیب عملی است.

بر این اساس غرض سوره «هشدار نسبت به نشانه‌ها و موجبات تکذیب عملی روز جزا» است و بیانگر این حقیقت است که اعمال ناشایست و کردارهای ناپسندی چون بدرفتاری با یتیمان، بی‌توجهی به مسکینان، تکذیب عملی روز جزا است و سهل‌انگاری در نماز، ریا در عبادات و منع مایحتاج دیگران، از موجبات آن است.

۲-۳-۲- نکات آموزشی:

۱. غرض این سوره مبارکه با عنایت به عبارت کانونی «الَّذِي يُكْذِبُ بِالذِّينِ» تشخیص داده می‌شود. جایگاه محوری این عبارت نشان می‌دهد که معارف سوره در راستای همین آیه طراحی شده است و به بیان دقیقتر محتوای سایر آیات معرف و مبین همین آیه است. تشخیص محوری بودن این عبارت بسیار ساده است، چون قبل از آن آیه‌ای وجود ندارد و آیات پس از آن هم متفرع بر آن است.

آیات ۲ و ۳ که با فای تفریع آمده است مکذب قیامت را با دو وصف طرد یتیمان و عدم تشویق خود و دیگران به اطعام مساکین معرفی می‌کند؛ و آیات ۴ تا ۷ نیز با فای تفریع دیگری ضمن تهدید

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۷.

مکذبان قیامت به عذاب، اوصاف دیگری از ایشان، مانند سهل انگاری و ریاکاری در نماز و همچنین منع مایحتاج ضروری دیگران را بازگو می کند.

۲. ممکن است برخی در این سوره گمان کنند که آیات ۱ تا ۳ درباره کافران و آیات ۴ تا ۵ درباره مسلمانان است. این گمان از آنجا نشأت می گیرد که تکذیب قیامت را نشانه کفر و نماز خواندن را نشانه مسلمان بودن می دانند. آنگاه تفریح آیات ۴ تا ۷ بر آیات قبل را چنین توجیه می کنند: خدای متعالی فرموده است: آیا دیدی کافری را که مکذب قیامت است، او یتیم را می راند و بر اطعام مساکین تشویق نمی کند، پس وای بر شما نماز گزاران که در نمازتان سهل انگارید و ریا می کنید و شما هم مانند آنان ما یحتاج ضروری دیگران را منع می کنید. نتیجه اینکه این اعمال شما عاقبتی مانند تکذیب قیامت توسط آن کافر دارد و یا به دیگر بیان این کارهای شما نیز موجب تکذیب قیامت خواهد شد.

جواب: منشأ این گمان، بی اعتبار است، چون اگر تکذیب قیامت را زبانی بدانیم، نشانه مسلم کفر است، اما اگر آن را قلبی یا عملی بدانیم، با تظاهر به اسلام سازگار است؛ پس برای تشخیص اینکه چه تکذیبی مراد آیه است، نیاز به قرینه داریم و سیاق این سوره قرینه ای است بر اینکه تکذیب زبانی مراد نیست، چون بحث نماز و سهل انگاری و ربای در آن، در همین سیاق مطرح شده است و اینها نشانه تظاهر به اسلام است.

افزون بر این با توجیه پیش گفته، محتوا نیز دچار اشکال می شود، چون در این صورت مقدمه سوره مربوط به کفار و نتیجه آن مربوط به مسلمانان خواهد شد، بدین بیان که خدا بفرماید: آیا کفار را دیدید که یتیم را رد می کنند و بر اطعام مساکین تشویق نمی کنند پس وای بر شما نماز گزاران که در نمازتان سهل انگاری و ریا می کنید و مایحتاج دیگران را منع می کنید! همانطور که در این بیان مشخص است، بحث نماز در این سیاق جایگاهی نخواهد داشت.

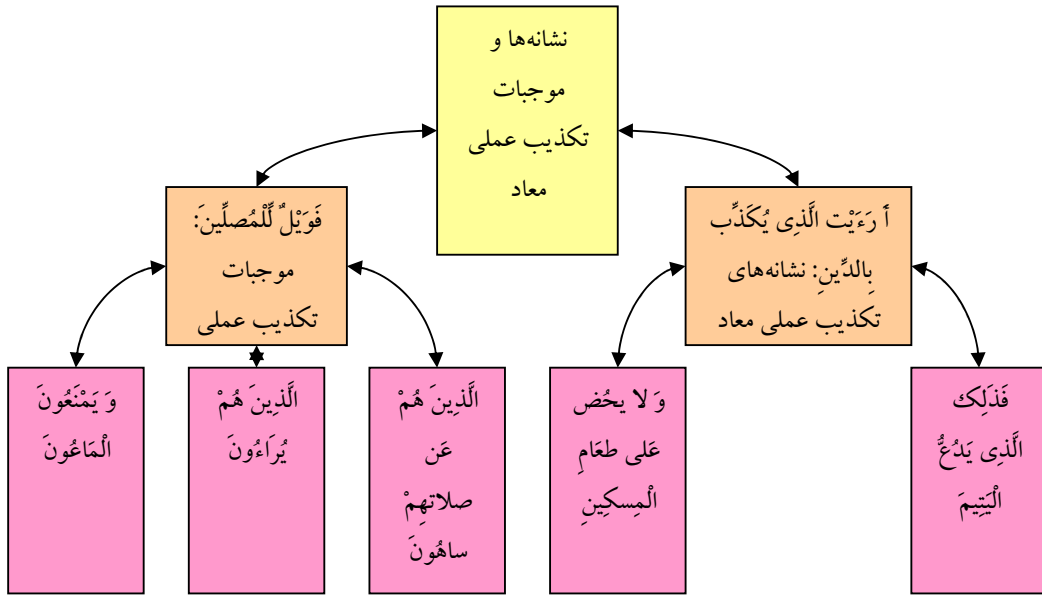
مربی محترم می تواند به بهانه طرح همین موضوع اهمیت سیاق را در فهم صحیح آیات نشان

دهد.

۳. مربی می تواند برای آسان سازی شناخت مخاطب سوره این گونه عمل کند: آیه ۲ و ۳ توصیف آیه ۱ است. آیات ۶ و ۷ نیز توصیف آیه ۴ است. پس آیات ۱ و ۴ آیات اصلی بوده و آیات دیگر شارح آنها هستند. لحاظ آیات اصلی به تنهایی اینگونه نتیجه می دهد: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ... فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» توجه به این ترتیب به خوبی نشان می دهد که تکذیب کنندگان قیامت در این سوره همان نمازگزاران هستند، در نتیجه مخاطب سوره کسانی هستند که به ظاهر به اسلام گرویده اند و نماز هم می خوانند، اما در عمل قیامت را تکذیب می کنند.

۴. در تبیین غرض گفته شد که آیات ۱ تا ۳ نشانه های تکذیب و آیات ۴ تا ۷ موجبات تکذیب را بیان می کند. دلیل این ادعا بدین بیان است: آیات ۱ تا ۳ نشانه های تکذیب است، چون «الذی یکذب با الدین» را با «فذلک الذی» معرفی می کند و این اسلوبی روشن در معرفی است. آیات ۴ تا ۷ هم موجبات تکذیب است، چون در آیه ۴ به جای «فویل لهم» گفته شد، «فویل للمصلین»، و این استعمال ظاهر به جای ضمیر است، که مشعر به علیت است، بنابراین این آیات را می توان مبین علت یا همان موجبات تکذیب عملی دانست.

۵. با توجه به مطلب بالا آیات این سوره را می توان در مقام ارائه به دو مطلب هم تقسیم کرد: آیات ۱ تا ۳: نشانه های تکذیب عملی قیامت؛ آیات ۴ تا ۷: موجبات تکذیب عملی قیامت.



نمودار شماره ۲۲- سیر هدایتی سوره ماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي

- يُكَذِّبُ بِالذِّينِ (۱)

فَذَلِكَ الَّذِي

- يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)
- وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)

- الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)
- الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آیا دیدی؟

- کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌خواند، (آیه ۱)

در این آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، از آن جهت که سامع کلام است، مورد خطاب قرار گرفته است، بنابراین همه سامعان را شامل می‌شود.^۱

این همان کس است

- که یتیم را بسختی می‌راند، (آیه ۲)

و اگر روز جزا را تکذیب نمی‌کرد، از عاقبت عمل زشت خود می‌ترسید و اگر می‌ترسید به یتیم رحم می‌کرد.^۲

- و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند. (آیه ۳)

پس وای بر نمازگزاران (آیه ۴)

- آنان که از نمازشان غافلند، (آیه ۵)

یعنی به آن اهمیت نمی‌دهند و برای آنها مهم نیست که نمازشان به کلی یا در بعض اوقات فوت شود و یا به تاخیر افتد.

این آیه شریفه تکذیب کنندگان روز جزا را بر غافلان از نماز تطبیق داده است و دلالت دارد بر اینکه آنان خالی از نفاق نیستند، چون در عمل روز جزا را تکذیب می‌کنند و در ظاهر از مصلین هستند و به ایمان تظاهر می‌کنند.^۳

- آنان که ریا می‌کنند، (آیه ۶) و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری

می‌ورزند. (آیه ۷)

یعنی برای مردم عمل می‌کنند نه برای خدا؛^۴

معاون به هر چیزی گفته می‌شود که غیر را در رفع حاجتی از حوائج حیات کمک می‌کند، مانند قرضی که انسان می‌پردازد یا عمل خیری که انجام می‌دهد، یا متاع منزل و ...^۵

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۸.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان.

^۵ همان.

۲-۳-۳- تدبر سوره مبارکه قریش (متن درسی)

۲-۳-۳-۱- شناسه سوره

نام: قریش: که در اولین آیه سوره به کار رفته است.

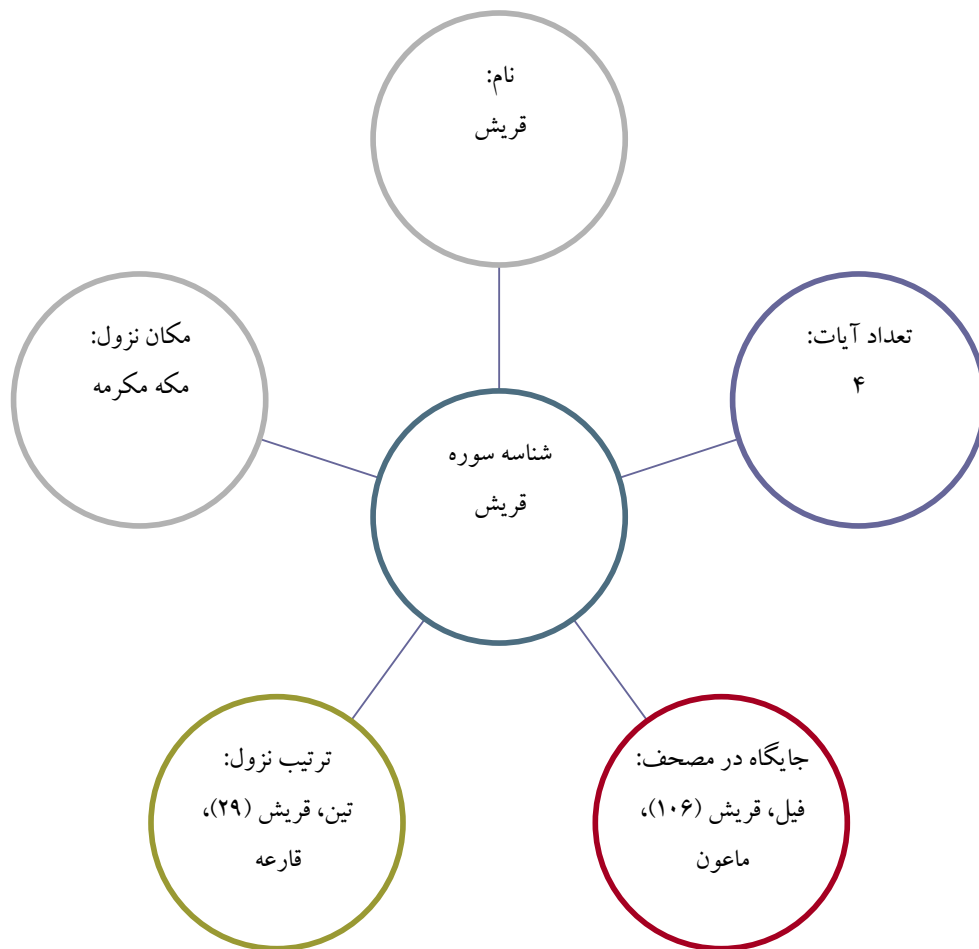
دانستنیهای نزول: این سوره مبارکه مکی است^۱ و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، بیست و نهمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره تین و پس از آن سوره قارعه نازل شده است.^۲

با توجه به اینکه مضمون سوره به نوعی به مضمون سوره فیل متعلق است، برخی آن دو را یک سوره دانسته‌اند، اما مستندات آنان در این ادعا کافی نیست^۳ و مبانی تدبری نیز با این ادعا سازگار نیست، زیرا تقسیم‌بندی قرآن به ۱۱۴ سوره حکمت‌گذاری است که آن هم چیزی جز وجود غرض‌هدایتی خاص در هر سوره نیست، البته ما منکر ارتباط سوره‌ها با هم نیستیم، اما نه به این بیان که دو سوره با هم یک سوره باشند، بلکه هر سوره یک سوره است و غرض خود را مستقلاً بیان می‌کند و در سطحی بالاتر می‌تواند با هم مرتبط باشند.

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۴.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

^۳ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۴.



نمودار شماره ۲۳-شناسه سوره قریش

۲-۳-۳-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره در پی بیان منت خدا بر قریش در ایلاف آنان با کوچ تابستانی و زمستانی، آنان را به توحید و عبادت پروردگار بیت دعوت می کند.^۱

به دیگر بیان این سوره مبارکه با تاکید بر اینکه قریش ابتدایی ترین نعمات حیات فردی و اجتماعی یعنی، غذا و امنیت را از رب بیت الله الحرام دارد، آنان را به شکرانه این نعمات به پرستش او دعوت

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۴.

می کند، و به یاد همه مخاطبان خود می آورد که آنان نیز همه نعمات حیات فردی و اجتماعی خود را از تدبیر پروردگار خود دارند و به همین دلیل باید او را بپرستند.

بر این اساس غرض این سوره مبارکه «دعوت به عبادت منعم، به جهت شکرگزاری» است، زیرا پس از بیان نعمات، انسانها را به عبادت دعوت کرده است.

۲-۳-۳- نکات آموزشی:

۱. این سوره به لحاظ شیوه کشف غرض، مشابه سوره ماعون است، زیرا در هر دو سوره غرض با توجه به عبارت کانونی به دست می آید. عبارت کانونی در سوره ماعون «الذی یکذب با الدین» و در این سوره «فلیعبدوا رب هذا البیت» است، بنابراین جا دارد مربی محترم توضیحات مربوط به کشف غرض بر اساس عبارت کانونی را به هنگام بررسی این سوره تکرار و تاکید کند.

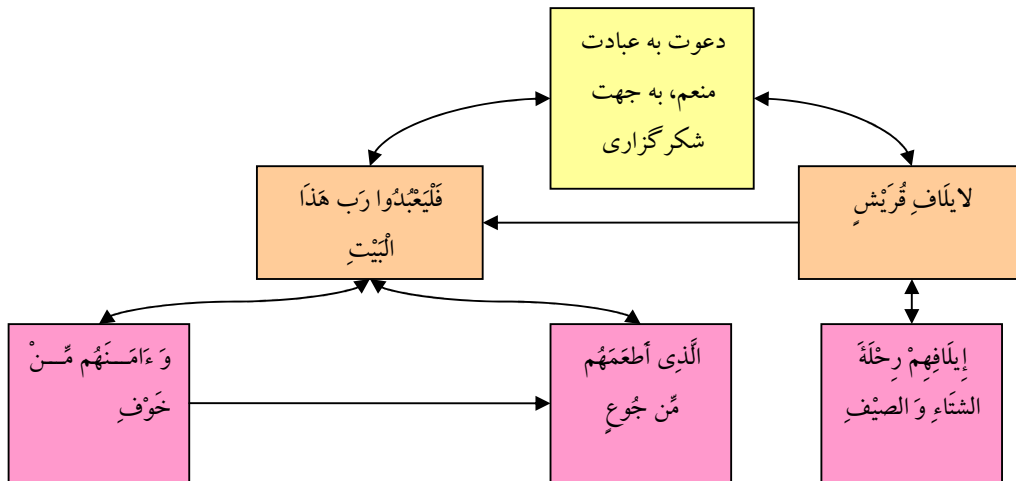
۲. این سوره فرصت مناسبی است تا مربی یادآوری کند که فرمول توجه به کانون سوره منحصر به واژه یا عبارت نیست، همانطور که واژه و عبارت کانونی داریم، جمله و یا حتی کلام کانونی هم داریم. البته یادآوری می شود که در این سوره، قرآن آموز هنوز با معنی کلام آشنا نشده و مربی محترم نیز بهتر است این اصطلاح را به کار نبرد و به جای از دسته آیات سخن بگوید.

۳. نحوه تشخیص کانونی بودن یک واژه یا عبارت نیز مهم است. این مسئله در سوره ماعون بیان شد و در این سوره نیز بسیار ساده است:

آیه نخست جار و مجرور است و معنی آن با متعلق آن روشن می شود، پس خود این آیه اصلی نیست و باید در پی متعلق آن بود. آیه دوم هم شرح آیه نخست و تابع آن است، بنابراین به طریق اولی آیه اصلی نیست. آیه سوم، متعلق جار و مجرور آیه نخست را مشخص می کند، بنابراین نسبت به آیه یک و دو اصلی است. آیه چهارم نیز توصیف کننده رب در آیه سوم است و نسبت به آن فرعی است. در نتیجه آیه سوم یعنی «فَلْيُعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» آیه اصلی سوره است.

۴. پرسش: «فلیعبدوا» امر به شکر به خاطر نعمت «ایلاف» است، چنانکه در سوره کوثر هم «فصل» امر به شکر به خاطر نعمت اعطای کوثر است، پس چرا در سوره کوثر، خود اعطای کوثر را اصل دانستیم و امر به شکر را فرع، اما در این سوره امر به عبادت شکر را اصل گرفتیم و نعمت «ایلاف» را فرع؟

پاسخ: از بیانات بالا به دست می آید و آن اینکه «لایلاف» جار و مجرور است و معنی آن با متعلقش روشن می شود، که همان «فلیعبدوا» است و اصل متعلق است، بر خلاف «اعطینا» که به جایی متعلق نبود و چون در صدر بود، اصل قرار داده شد.



نمودار شماره ۲۴- سیر هدایتی سوره قریش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لَا یَلَافُ قُرَیْشٍ (۱)

إِیْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّیْفِ (۲)

فَلِیَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ (۳)

الَّذِیْ أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ

وَءَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

برای اُلفت دادنِ قریش، (آیه ۱)

قریش عشیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، که فرزندان نضرین کنانه هستند.^۱

الفتان هنگام کوچ زمستان و تابستان (آیه ۲)

حرم وادی غیر ذی زرعی بود و قریش از راه تجارت زندگی می کرد و هر سال دو بار برای تجارت کوچ می کرد، در زمستان به یمن و در تابستان به شام، مردم ایشان را به خاطر بیت الله الحرام احترام می کردند و از کاروانهایشان راهزنی نمی کردند و بر سرزمین امنشان یورش نمی بردند^۲ و آنان این همه خیر و برکت را از بیت و صاحب بیت داشتند.

از ایلاف استفاده می شود، که قریش در میان خود انس و الفت داشتند و هم به هنگام تجارت خدا دیگران را با ایشان الفت می داد.

پس باید خداوند این خانه را بپرستند؛ (آیه ۳)

محصل معنی این سه آیه آن است که قریش باید پروردگار این خانه را بپرستد، چون آنان را با کوچ زمستانی و تابستانی الفت می دهد و آنان به این ترتیب در امن زندگی می کنند.^۳

همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد،

و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد. (آیه ۴)

این آیه به منت واضح و نعمت آشکار خدا در ایلاف قریش با دو کوچ زمستانه و تابستانه، اشاره می کند، که همان اطعام و امن است. آنان در زمینی زندگی می کنند که غیر ایشان را امنیتی نیست پس باید پروردگاری را بپرستند که امر آنان را به بهترین وجه تدبیر می کند و او رب بیت و پروردگار حرم است.^۴

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۵.

^۲ همان.

^۳ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۶. این معنی در صورتی است که این سوره را دارای سیاق مستقل بدانیم، اما در غیر این صورت و با نظر به ارتباط سیاقی آن با سوره گذشته معنی اندکی متفاوت خواهد بود. برای مطالعه بیشتر به همین آدرس مراجعه کنید.

^۴ همان.

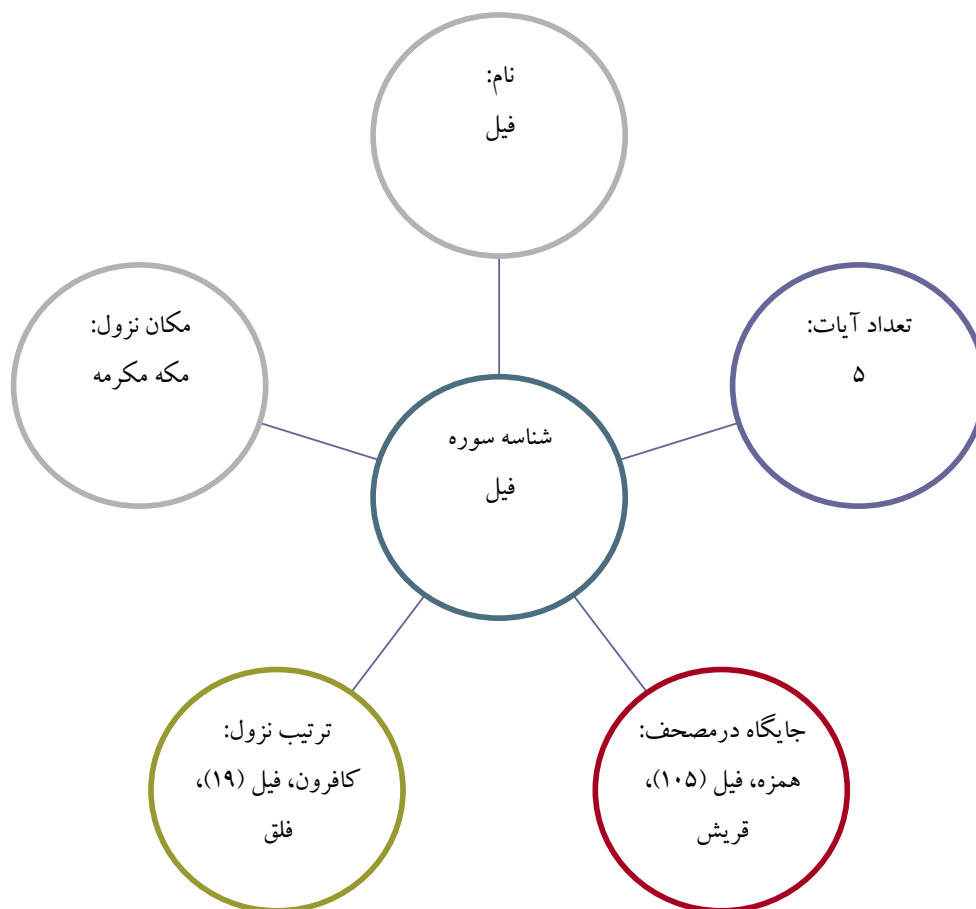
۲-۳-۴- تدبیر سوره مبارکه فیل (کار در خانه)

۲-۳-۴-۱- شناسه سوره

نام: فیل: که در اولین آیه سوره به کار رفته است.

دانستنیهای نزول: این سوره مبارکه مکی است^۱ و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، نوزدهمین سوره

فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره کافرون و پس از آن سوره فلق نازل شده است.^۲



نمودار شماره ۲۵-شناسه سوره فیل

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۱.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

۲-۳-۴-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره مبارکه به قصه اصحاب فیل اشاره می کند، آنگاه که قصد تخریب کعبه معظمه را داشتند و خدا آنان را بوسیله گروههایی از پرندگان نابود ساخت، این پرندگان آنان را با کلوخهایی می زدند و آن متجاوزان مانند برگ جویده شده بر زمین می افتادند و می مردند؛ این ماجرا از آیات جلیه خداست که هیچ شکی در آن نیست و حتی جاهلیون در اشعار خود به آن اشاره می کردند.^۱

با توجه به آیه «ألم تر کیف فعل ربک بأصحاب الفیل» مشخص می گردد که این سوره مبارکه خطاب به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مطرح شده است و همین امر نشان می دهد که غرض این سوره در گام نخست «تقویت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مقابل ابرقدرتها» است، البته یادآوری این داستان در عین حال هشدار به کفار مغرور و لجوج است که بدانند در برابر قدرت خدا کمترین قدرتی ندارند، خداوندی که لشکر عظیم فیل را با آن پرندگان کوچک و آن سنگریزه های نیم بند (حجارة من سجیل) در هم کوبید، قدرت مجازات این مستکبران لجوج را نیز دارد. نه قدرت آنها عظیم تر از قدرت ابرهه است و نه هرگز لشکر و نفرات آنها به آن حد می رسد!^۲

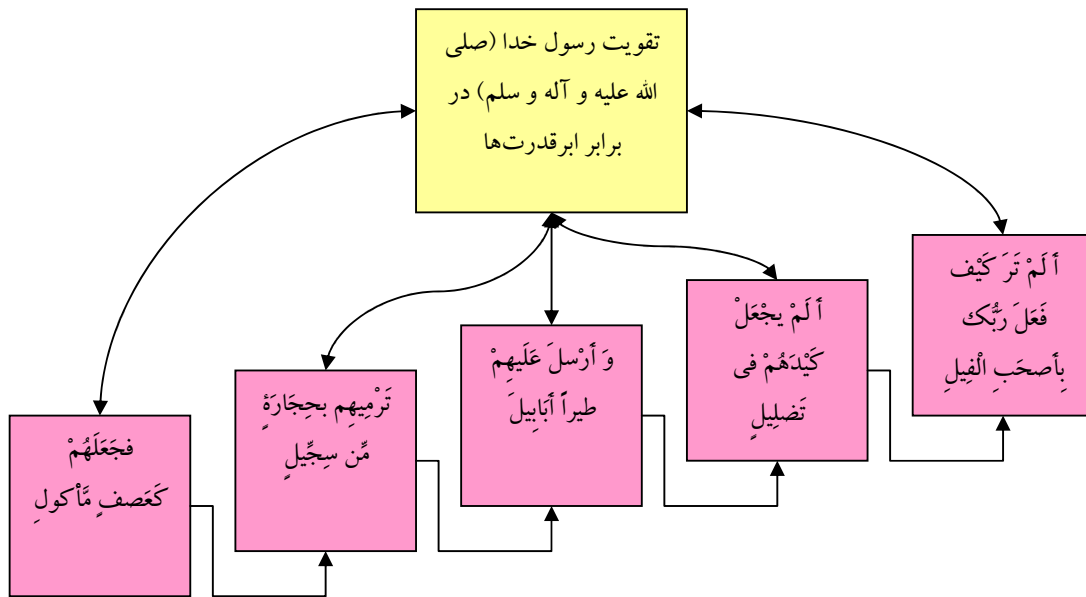
این حادثه که به نحو اعجاز آمیز اتفاق افتاده و مورد باور همگان است، سمبلی برای به تصویر کشیدن یک حقیقت است و آن اینکه خدای متعالی از دین خود در برابر دشمنان محافظت می کند و هیچ کس با هیچ قدرتی توان مقابله با او را ندارد. کعبه در این واقعه مظهر دین و دینداری است و اصحاب فیل نمونه دشمنان به ظاهر قدرتمند و غره به زور و مجازات سپاه فیل به وسیله پرندگان کوچک و با سنگریزه ها، یادآور این حقیقت است که همه عالم لشکر خداست و به اذن خدا حتی کمترین و کوچکترین مخلوقات می توانند واسطه مجازات مقتدران باشند.

۲-۳-۴-۳- نکته آموزشی

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۱.

^۲ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۲۶.

- ساختار این سوره به صورت اجمال و تفصیل است. بدین بیان که آیات دو تا پنج، تفصیل اجمال مطرح شده در آیه نخست است. البته آیات بعد سوره نیز، سیری مشابه اجمال و تفصیل را ادامه داده است. آیات سه تا پنج، تفسیر آیه دوم است. آیات چهار تا پنج توصیف آیه سوم است و آیه پنج متفرع بر آیه چهارم است. توجه به این ساختار نشان می‌دهد که آیه نخست، خلاصه کل سوره است و غرض در همان آیه متمرکز است.



نمودار شماره ۲۶- سیر هدایتی سوره فیل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲)

وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ (۴)

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۵)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد؟ (آیه ۱)

این حادثه در سال میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اتفاق افتاد.^۱

آیا نیرنگشان را بر باد نداد؟ (آیه ۲)

یعنی خدای متعالی سعی آنان را برای تخریب خانه کعبه بی نتیجه گذاشت.^۲

و بر سر آنها، دسته دسته پرندگان فرستاد. (آیه ۳)

این آیه و آیات بعد از آن عطف تفسیر برای آیه پیشین است.^۳

[که] بر آنان سنگهایی از گِل [سخت] می افکندند. (آیه ۴)

و [سرانجام، خدا] آنان را مانند کاه جویده شده گردانید. (آیه

(۵)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۱.

^۲ همان.

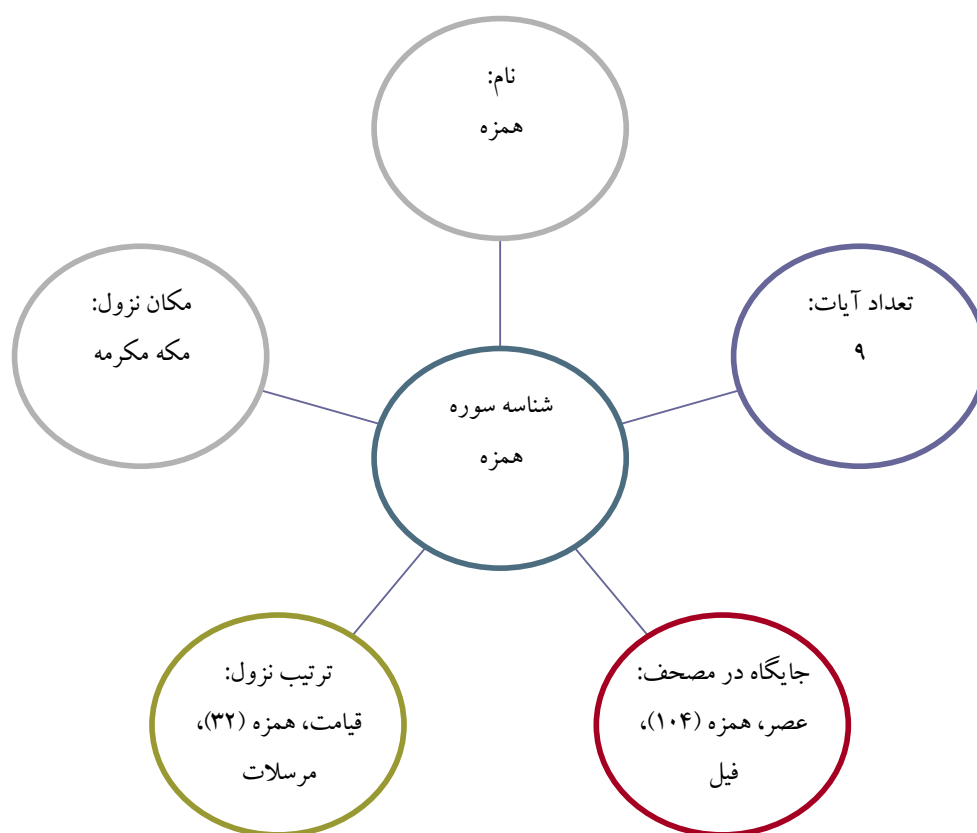
^۳ همان.

۲-۳-۵- تدبیر سوره مبارکه همزه (کارد در خانه)

۲-۳-۵-۱- شناسه سوره

نام: همزه که در نخستین آیه سوره به کار رفته است.

دانستنیهای نزول: این سوره مبارکه مکی است^۱ و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، سی و دومین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره قیامت و پس از آن سوره مرسلات نازل شده است.^۲



نمودار شماره ۲۷- شناسه سوره همزه

۲-۳-۵-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۸ و مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۶

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

این سوره مبارکه وعید دنیاگرایان زراندوزی است، که بر مردم برتری می جویند و استکبار می ورزند و به همین دلیل از آنان عیب جویی بدگویی می کنند.^۱

از کسانی سخن می گوید که تمام هم خود را متوجه جمع مال کرده و همه ارزشهای وجودی انسان را در آن خلاصه می کنند، سپس نسبت به کسانی که دستشان از آن خالی است به دیده حقارت می نگرند و آنها را به باد استهزا می گیرند.

این ثروت اندوزان مستکبر و خودخواهان حيله گر چنان از باده کبر و غرور مست می شوند که از تحقیر دیگران و عیب جوئی و استهزا و غیبت آنها لذت می برند و با آن تفریح می کنند.

و در پایان سوره از سرنوشت دردناک آنها سخن می گوید که چگونه به صورت حقارت آمیزی در دوزخ افکنده می شوند و آتش سوزان جهنم قبل از هر چیز بر قلب آنها مسلط می گردد و جان آنها را که کانون این همه کبر و غرور و این همه شرارت بود به آتش می کشد، آتشی سوزان و مستمر و طولانی.^۲

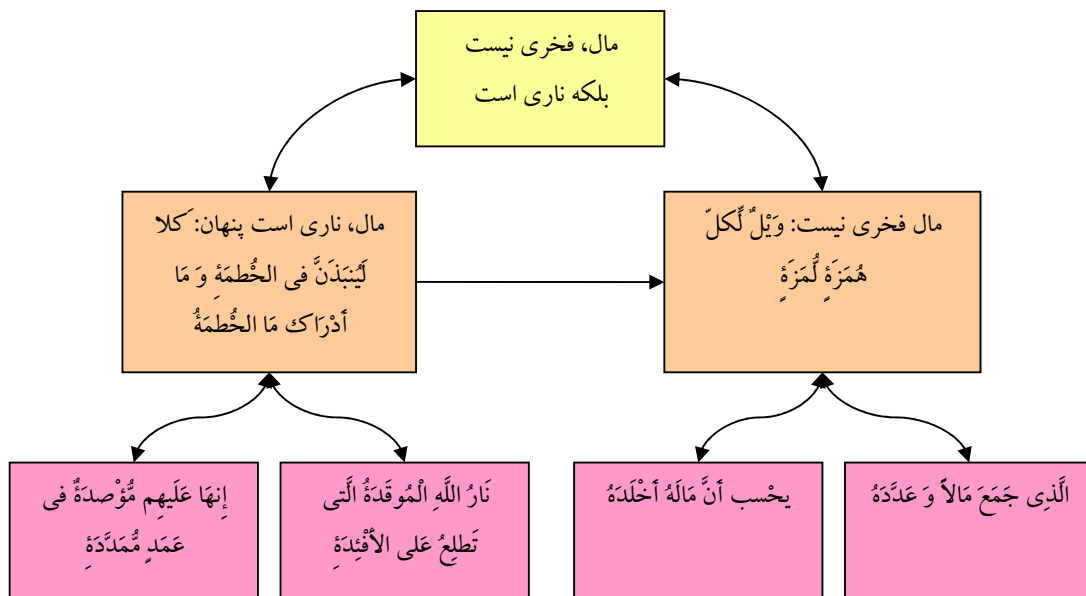
غرض سوره می توان این گونه تبیین کرد: «تهدید به اینکه مال زراندوزان فخر فروش، مایه فخر نیست، بلکه موجب آتش است.» یعنی سوره مبارکه می خواهد به این انسانهای مست باده مال و ثروت که فخر فروشانه دیگران را به باد استهزاء می گیرند، بفرماید که مالی که شما آن را مایه فخر خویش می - پندارید و به سبب آن از دیگران عیب جویی می کنید و آنان را به باد تمسخر می گیرید، نه تنها مایه فخرتان نیست، بلکه سبب ورودتان به آتش است. شما مال را مایه خلود خود در دنیا پنداشتید و به فخر فروشی افتادید، در حالی که این مال سبب جاودانگی شما نخواهد شد و به زودی خود مایه عذاب شما خواهد شد.

۲-۳-۵-۳- نکته آموزشی:

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۸.

^۲ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۰۶.

• این سوره مبارکه مانند سوره فیل است، بدین معنی که این سوره نیز ساختار اجمال و تفصیل دارد و غرض به طور خلاصه و اجمال در نخستین آیه آن آمده است: آیات ۲ تا ۹ همه شرح و تفصیل آیه ۱ هستند، بدین بیان که هم «هُمَزَةٌ لُمَزَةٌ» را معرفی کرده اند (۲ و ۳) و هم «وَيْلٌ» را به تفصیل مشخص ساخته اند (۴ تا ۹): آیه ۲ مشخص می کند که عیب جویی و فخرفروشی آنان ریشه در مال اندوزی آنان دارد و آیه ۳ می فهماند که مشکل اصلی تصویری است که آنان از مال دارند و آن اینکه مال و ثروت را سبب جاودانگی می پندارند. آیه ۴ پس از پاسخ به این پندار باطل به شرح ویل و تهدید این مال اندوزان فخر فروش می پردازد و آنان را به آتش وعده می دهد، آیه ۵ با طرح پرسشی از چیستی حطمه، عظمت تهدید مذکور در آیه ۴ را بیان می کند. آیه ۶ شروع پاسخ پرسش مطرح شده در آیه ۵ است و آیات ۷ تا ۹، ادامه همین پاسخ و توصیف حطمه هستند. این آیات می فهمانند که حطمه، آتشی است که در ستون هایی دراز بر قلب آنان فرود می آید و خردشان می کند. (به سزای اینکه در دنیا قلب مستمندان را می سوزاندند و شخصیت آنان را خرد می کردند). پس می توان فهمید که این سوره برای تهدید عیب جویانی است که به مال خویش فریفته شده اند و می خواهد به آنان بگوید که مال، فخری نیست، بلکه ناری است پنهان؛



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱)

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

يَحْسِبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ (۶)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وای بر هر بدگوی عیبجویی، (آیه ۱)

که مالی گرد آورد و برشمردهش. (آیه ۲)

یعنی به خاطر حب مال و علاقه‌ای که به جمع آن دارد آن را کرارا می‌شمارد و از زیاد شدن آن

لذت می‌برد.^۱

پندارد که مالش او را جاوید می‌کند؛ (آیه ۳)

و مرگ را از او دفع می‌کند.

انسان به خاطر احساس جاودانگی در زمین و فریفته شدن به آرزوهای دور و دراز، از مال به قدر رفع

حوائج عمر کوتاه و ضروریات زندگی، قانع نمی‌شود، بلکه هر قدر مال او زیاد می‌شود، حرص او فزونی

می‌یابد، تا جایی که حدی برای آن نباشد، گویی که گمان می‌کند، مال او را جاودانه می‌سازد؛ و به خاطر

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۹.

علاقه غریزی به بقاء، به جمع و شمارش مال اهتمام می‌ورزد و مال جمع شده و شمرده شده و استغناء توهمی، او را به ورطه طغیان و استعلاء بر مردم می‌افکند و این استعلاء و استکبار او را به عیب‌جویی و بدگویی از مردم می‌اندازد؛ با این بیان معلوم می‌شود که آیه سوم به منزله تعلیل برای آیه دوم است، چنانکه آیه دوم به منزله تعلیل برای آیه نخست است.^۱

ولی نه! قطعاً در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد. (آیه ۴)

این آیه رد توهم خلود به سبب مال است.^۲

و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست؟ (آیه ۵)

آتش افروخته خدا [یی] است. (آیه ۶)

[آتشی] که به دلها می‌رسد. (آیه ۷)

یعنی نه تنها ظاهر انسان را بلکه باطن او را هم می‌سوزاند، بر خلاف آتش دنیا که فقط ظاهر انسان را

می‌سوزاند و بس.^۳

و [آتشی که] آنان را در میان فرامی‌گیرد. (آیه ۸)

در ستونهایی دراز (آیه ۹)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۹.

^۲ همان، ص ۳۵۹.

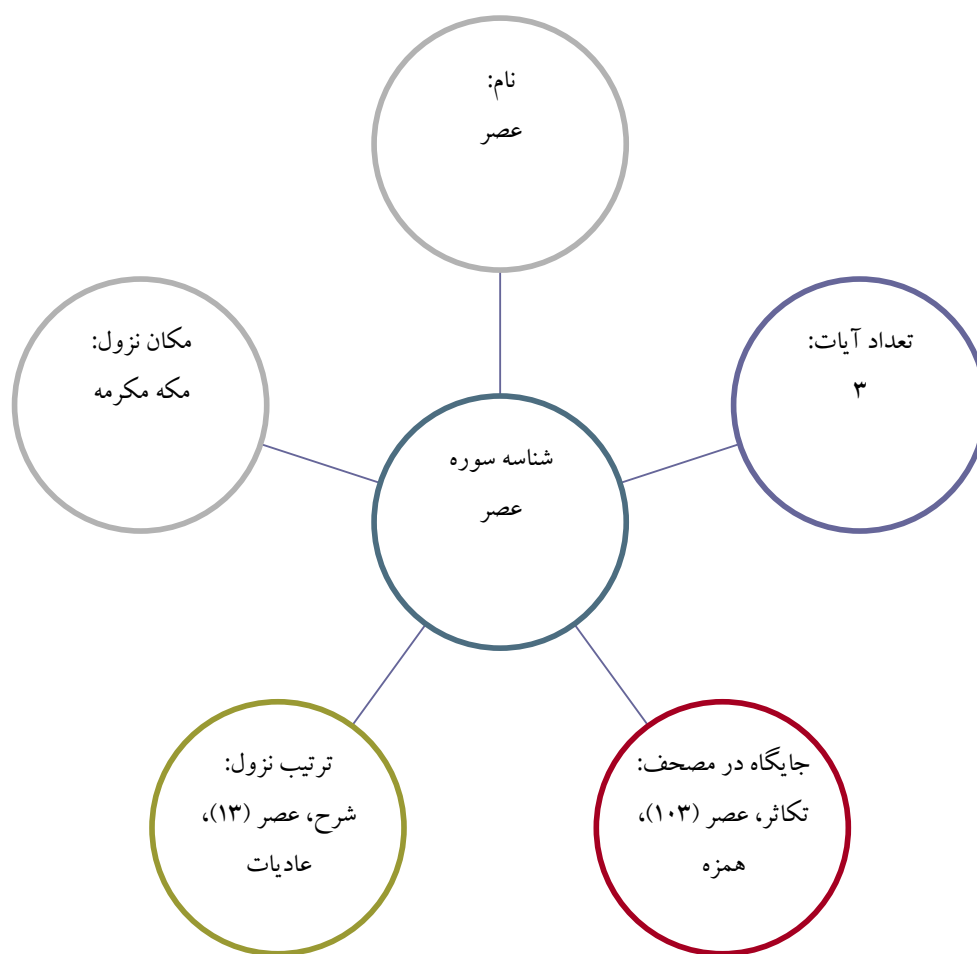
^۳ همان.

۲-۳-۶- تدبر سوره مبارکه عصر (متن درسی)

۲-۳-۶-۱- شناسه سوره

نام: عصر: که در نخستین آیه سوره به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، سیزدهمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره شرح و پس از آن سوره عادیات نازل شده است.^۱



نمودار شماره ۲۹- شناسه سوره عصر

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

۲-۳-۶-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: این سوره مبارکه در بیانی مفید و مختصر، خلاصه همه معارف قرآن و جامع همه مقاصد آن است.^۱

این سوره بیانگر این حقیقت است که «اقتضاء گذر زمان، خسران انسان است، مگر برای اهل ایمان» یعنی تنها انسانهایی را از قاعده عمومی خسران عمر مستثنی می‌کند که اهل ایمان و عمل صالح و توأسی به حق و صبراند و نه تنها خود در راه حقیقت قدم برمی‌دارند که دیگران را نیز به حق و صبر بر آن توصیه می‌کنند.

۲-۳-۶-۳- نکات آموزشی:

این سوره مبارکه در بخشی از شیوه کشف غرض، مشابه سوره مبارکه نصر است و نکات آموزشی که باید در بررسی آن مورد توجه قرار گیرد از این قرار است:

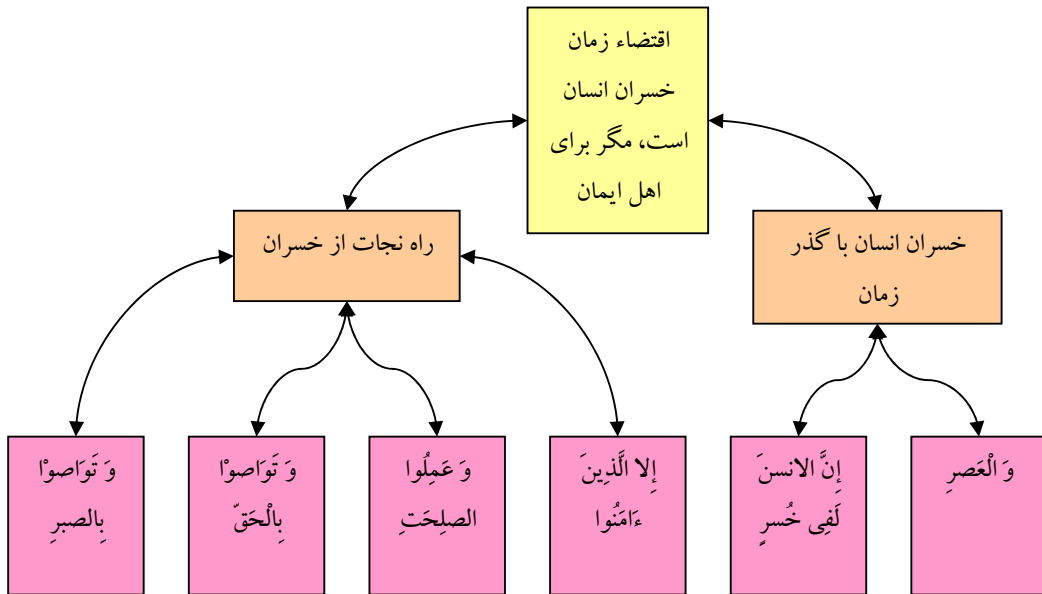
۱. در سوره نصر فهمیدیم که در جملات شرطیه، غالباً اصل کلام، جواب شرط است و اگر سوره‌ای جمله شرطیه بود، جهت‌گیری اصلی غرض آن را با توجه به جواب شرط جستجو می‌کنیم (البته با لحاظ خود شرط)؛ در این سوره می‌فهمیم که از میان قسم و جواب قسم نیز اصل با جواب قسم است و بر همین اساس در این سوره مبارکه هم آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ» را می‌توان قله سوره دانست، زیرا در جواب قسم آمده است.

۲. این سوره به اقتضا خاص خود می‌تواند زمینه‌ای برای آموزش نکته‌ای دیگر هم باشد و آن اینکه آیه «إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ» چه جایگاهی در سوره دارد؟ برخی ممکن است با توجه به بار معرفتی این آیه آن را اصل سوره بپندارند و از جایگاه ویژه آیه دوم به عنوان محور سوره غفلت بورزند، اما باید توجه کنند که از میان مستثنی و مستثنی منه

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۵.

نیز معمولاً اصل در مستثنی منه است، بنابراین آیه دوم، یعنی «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» آیه اصلی سوره است.

بر این اساس، غرض این سوره تأکید این حقیقت است که انسان با گذر زمان در خسران است، چون از عمر او که سرمایه اوست، کاسته می شود و تنها راه نجات از خسران، ایمان و عمل صالح است.



نمودار شماره ۳۰- سیر هدایتی سوره عصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ

• ءَامَنُوا

• وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

- وَ تَوَاصُوا بِالْحَقِّ
- وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]، (آیه ۱)

با توجه به محتوای آیات بعد (شمول خسران برای عالم انسانی، جز تابعان حق و صابران بر آن)، مناسب آن است که مراد از عصر، عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد که عصر طلوع اسلام بر مجتمع بشری و پیروزی حق بر باطل است.^۱

که واقعاً انسان دستخوش خسران است؛ (آیه ۲)

خسران، نقص سرمایه است.^۲

مگر کسانی که

- ایمان آورده
- و کارهای شایسته کرده

طبق آیات کتاب خدا انسان موجودی ابدی است و مرگ سبب فناى او نیست، بلکه تنها او را از منزلگاهی به منزلگاه دیگر منتقل می کند و باز بر اساس آیات قرآن بخشی از حیات انسان که حیات دنیوی اوست، امتحانی است که وصف بخشی دیگر از حیات، یعنی حیات ابدی اخروی را مشخص می کند که سعادت است یا شقاوت؛ و باز بر اساس همین آیات دانسته می شود که مقدمات حیات دنیا برای حیات آخرت، به اعتقاد و عمل است، پس اعتقاد حق و عمل صالح ملاک سعادت اخروی است و کفر و فسوق ملاک شقاوت؛ بنابراین حیات و زندگی، سرمایه انسان است که به سبب آن باید معاش آخرت خود را تامین کند، پس اگر در عقد و عمل تابع حق بود، تجارت او سودمند و کسب او مبارک

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۵.

^۲ همان.

است و در آینده از شر در امان است و اگر از باطل تبغیت کرد و از ایمان و عمل صالح اعراض نمود، تجارت او پر ضرر و پر خسران است و در آینده از خیر محروم می شود، و این محتوای این سوره است.^۱

• و همدیگر را به حق سفارش

• و به شکیبایی توصیه کرده اند. (آیه ۳)

تواصی به حق که در این آیات مطرح شده است، از امر به معروف و نهی از منکر وسیع تر است،

چون اعتقادیات و مطلق ترغیب به عمل صالح را نیز شامل می شود.^۲

گفتنی است تواصی به حق خود عمل صالح است و برای اهتمام، به آن تصریح شده است، همانطور

که تواصی به صبر هم خود تواصی به حق است و به جهت بیان اهمیت بر آن تاکید شده است، به طور

کلی ذکر تواصی به حق و صبر، بعد از ذکر ایمان و عمل صالح، برای اشاره به حیات قلوب مومنان و

انشراح سینه ایشان برای اسلام است و به همین جهت اهتمام خاص و اعتناء تامی به ظهور و سلطان حق و

بسط و نشر آن بر مردم دارند.^۳

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۶.

^۲ همان، ص ۳۵۷.

^۳ همان.

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه چهارم، شاگردان خود را بر اساس پرسش های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. غرض سوره کوثر چیست؟

۲. غرض سوره مبارکه کوثر چگونه کشف می شود؟

مقصود این پرسش، امتحان یادگیری شیوه کشف غرض با توجه به تشخیص اصل و فرع و جمع-بندی محتوای آیات است.

۳. غرض سوره قریش چیست؟

۴. شیوه دستیابی به غرض سوره مبارکه قریش را توضیح دهید؟

مقصود این پرسش، امتحان یادگیری شیوه کشف غرض با توجه به عبارت کانونی است.

۵. غرض سوره عصر چیست؟

۶. در سوره عصر، آیه اصلی کدام است و چرا؟

قرآن آموز در پاسخ آیه ۲ را بیان کرده و در استدلال به اصلی بودن آن، از جواب قسم بودن نسبت به ماقبل و مستثنی منه بودن آن نسبت به مابعد خبر دهد.

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته های خود، سوره های ماعون، فیل و همزه را تدبیر کنید و نتیجه آن را پیش

از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.

مربی گرامی می تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در

جلسه ای فوق العاده ارائه دهد.

درس ها

۲. تدبر سوره‌های قارعه و عادیات را در المیزان مطالعه و در گروه‌های تدبر مباحثه کنید و

یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.

با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبر این سوره‌ها ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را

پیش از برگزاری جلسه چهارم، جمع‌آوری و بررسی کند و در تدریس تدبر این سوره‌ها مورد توجه قرار

دهد.

۲-۴- درس چهارم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

۱. آشنایی با تشخیص و تفکیک مطالب در سوره قارعه (نخستین سوره آموزش تدبیر «۱» که آیات آن به دو قسمت به نام مطلب تقسیم می شود.)؛ و توانایی نسبی تفکیک مطالب در موارد مشابه؛ آشنایی با چگونگی کشف غرض بعد از نگرش مجموعی به دو مطلب، در سوره قارعه؛ و توانایی نسبی استفاده از این شیوه در موارد مشابه
انس با سوره مبارکه قارعه که در صدد ایجاد توجه به موازین ثقیل و پرهیز دادن از موازین خفیف است.
۲. آشنایی با تشخیص و تفکیک مطالب در سوره عادیات؛ و تقویت توانایی نسبی تفکیک مطالب
آشنایی بیشتر با نحوه کشف غرض پس از نگرش مجموعی به مطالب در سوره عادیات؛ و تقویت توانایی نسبی استفاده از این شیوه در موارد مشابه
انس با سوره مبارکه عادیات که بی توجهی انسان به آگاهی خدا از اعمال را عامل دنیاگرایی و آن را سبب ناسپاسی دانسته است.

۲-۴-۱- تدبر سوره مبارکه تکاثر (کار در خانه)

۲-۴-۱-۱- شناسه سوره

نام: تکاثر: که در نخستین آیه سوره به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، شانزدهمین سوره فرود آمده

از آسمان وحی است که پیش از آن سوره کوثر و پس از آن سوره ماعون نازل شده است؛^۱

در مجمع از قتاده نقل شده است که این سوره درباره یهود نازل شده است که می گفتند ما از بنی

فلان بیشتریم و بنی فلان از بنی فلان بیشترند، تا اینکه در ضلالت مردند و از ابی بریده نقل شده است که

درباره گروهی فخر فروش از انصار نازل شده است و از مقاتل و کلبی نقل شده است که درباره دو گروه

از قریش نازل شده است، بنی عبد مناف و بنی سهم بن عمر، که به اشراف خود تکاثر کردند و بنی عبد

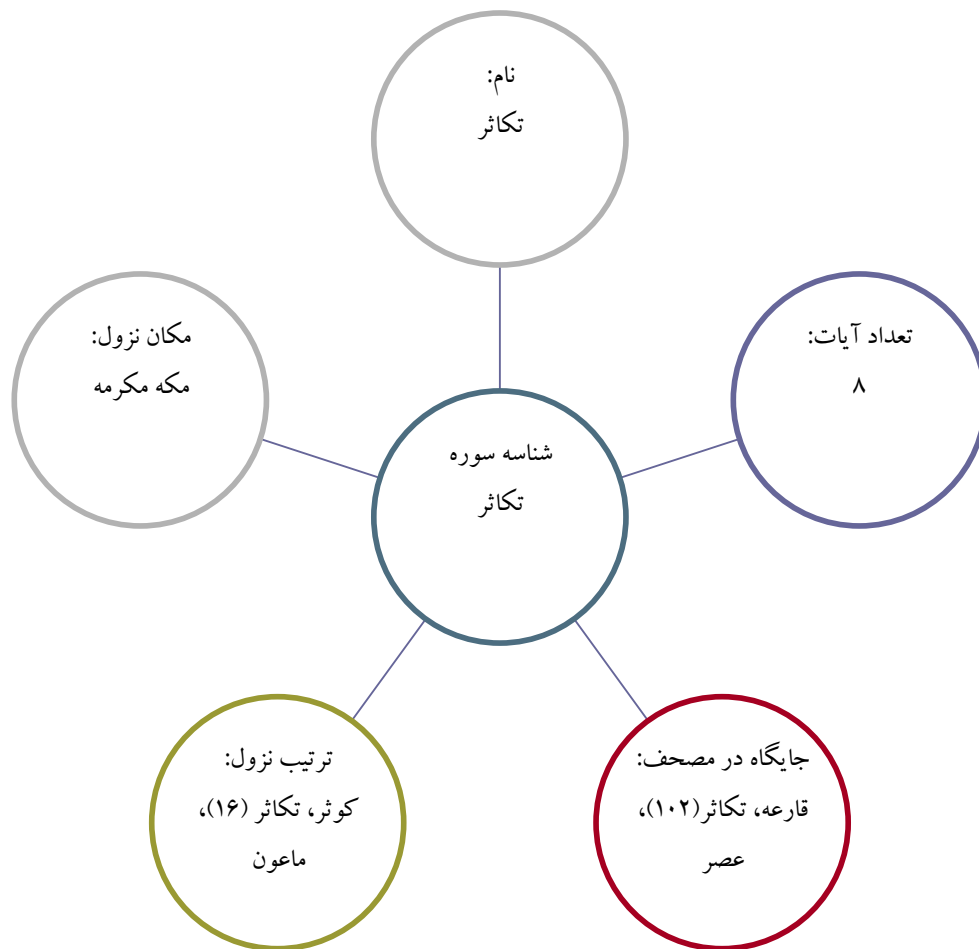
مناف از گروه دیگر اشراف بیشتری داشت، آنگاه گروه دیگر گفت بیاید تا مردگانمان را بشماریم، پس

به زیارت قبور رفتند و مردگان را شمردند و گفتند این قبر فلان و این قبر فلان است، پس بنی سهم قبور

بیشتری داشت، چون تعداد افراد این قبیله در دوره جاهلیت بیشتر بود.^۲

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۳.



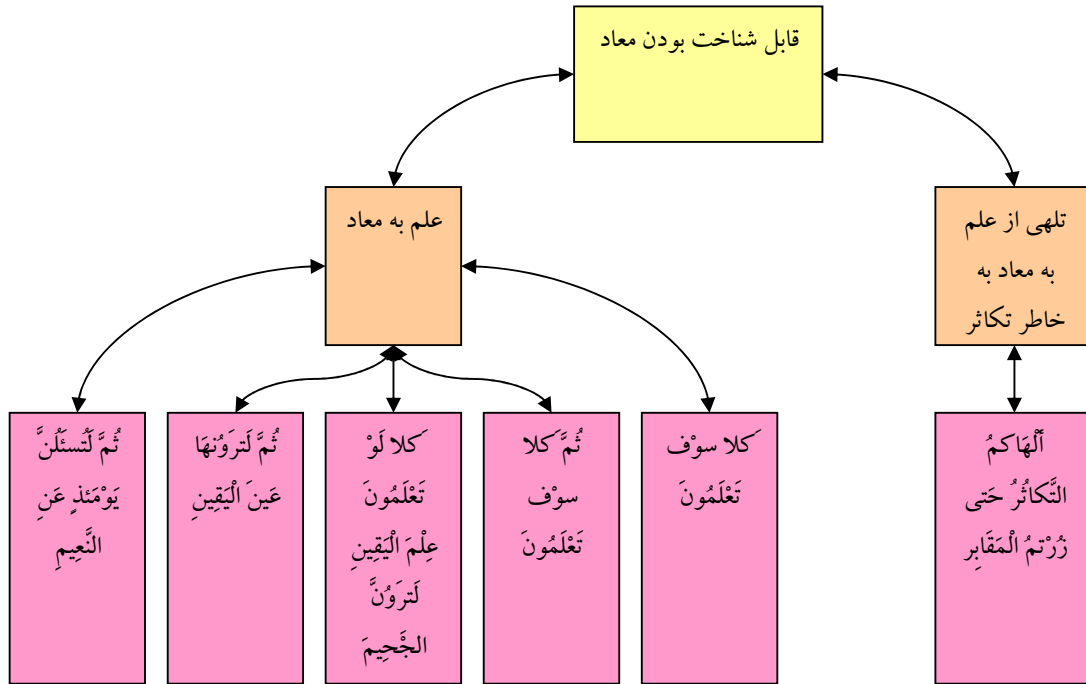
نمودار شماره ۳۱- شناسه سوره تکاثر

۲-۴-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

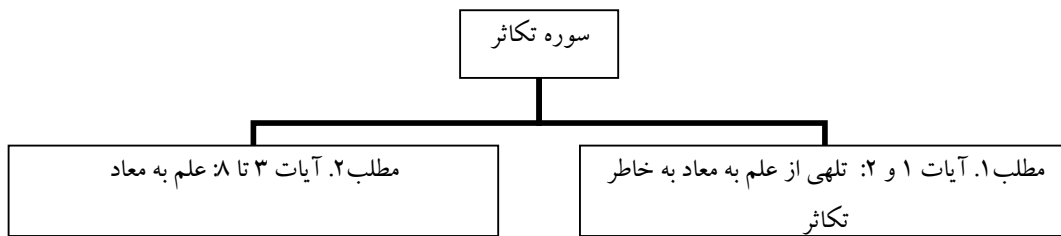
علامه طباطبایی (ره) می‌فرمایند: این سوره توییح شدید کسانی است که با تکاثر در اموال و اولاد و افراد، از یاد معاد غافل شده‌اند و تبعه خسران و عذاب این تلهی را فراموش کرده‌اند. آنان را تهدید می‌کند به اینکه به زودی نتیجه این تلهی به تکاثر در دنیا را خواهند دید و درباره نعمات مؤاخذه خواهند شد، نعماتی که برای شکر به آنان داده شده بود، ولی از شکر آن غافل شدند و کفران ورزیدند.^۱

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۰.

۱. نحوه کشف غرض: سوره مبارکه ابتدا خطاب به انسان‌ها می‌فرماید که تکاثر به دنیا شما را مشغول ساخته است، تا جایی که درباره قبرها و مردگان خود نیز بر یکدیگر فزونی می‌طلبید، سپس با ادات ردع «کلا» سخن از علم به معاد را آغاز می‌کند. می‌دانیم که «کلا» برای ردع ماقبل است، در حالی که مطلب پیش از آن خبر قابل ردعی نیست، بدین معنی که تکاثر انسان‌ها به دنیا امری واقعی است و خدای متعالی نمی‌خواهد آن را نفی کند و بفرماید که انسان‌ها تکاثر ندارند، پس «کلا» برای ردع چه چیز آمده است؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در لوازم تکاثر به دنیا جستجو کرد، اما کدام لازمه آن مراد است؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توانیم از محتوای پس از «کلا» کمک بگیریم. این محتوا درباره علم به معاد (جهنم) است و بر امکان علم به معاد و تحقق آن تاکید می‌کند، پس معلوم می‌شود مخاطب سوره کسانی هستند که به خاطر تلهی به تکاثر دنیوی از علم به معاد غافل شده‌اند و آن را امری ناشناختنی قلمداد می‌کنند. سوره مبارکه در مقام هدایت آنان، ابتدا ریشه این غفلت، یعنی تکاثر را مطرح کرده و سپس بر امکان علم به معاد و تحقق آن تاکید می‌کند.
بر این اساس می‌توان غرض سوره را اینگونه تبیین کرد: «**قابل شناخت بودن معاد**»، آیات سه تا هفت در این سوره به همین حقیقت تصریح می‌کند.
۲. در این سوره مبارکه مشکل غیر قابل شناخت بودن معاد را از صراحت آیات به دست نیاوردیم، بلکه از لوازم معنی و فضای سوره به آن منتقل شدیم، چنانکه بیان گذشت.



نمودار شماره ۳۲- سیر هدایتی سوره تکاثر



نمودار شماره ۳۳- ساختار سوره تکاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ (۱)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

مطلب ۱. آیات ۱ و ۲: تلهی از علم به معاد به خاطر تکاثر:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت. (آیه ۱)

تا کارتان [و پایتان] به گورستان رسید. (آیه ۲)

تکاثر به معنی خود را به کثرت زدن است، مانند تمارض که خود را خود را به مریضی زدن است؛ و آیه بدین معنی است که تکاثر در متاع دنیا و زینت آن و مسابقه در افزودن عده و عده شما را از امر مهم [علم به معاد] باز داشت، تا مرگ را ملاقات کردید. به دیگر بیان تقدیر آیه چنین است: «ألهاكم التكاثر عن العلم بمعاد» و این تقدیر با توجه به سیاق استفاده می شود، زیرا محتوای پس از «کلا» که ناظر به این آیات است، درباره علم به معاد است.

معنی دیگری هم از این آیات ارائه شده است و آن اینکه تکاثر به دنیا شما را تا حدی غافل کرده است که درباره اموات هم تکاثر می کنید و بر یکدیگر فزونی می طلبید.^۱

مطلب ۲. آیات ۳ تا ۸: علم به معاد:

نه چنین است، زودا که بدانید. (آیه ۳)

یعنی به زودی و با مرگ به آنچه از آن غافل بودید، یعنی معاد، علم پیدا می کنید.

باز هم نه چنین است، زودا که بدانید. (آیه ۴)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۱.

با توجه به این که اصل بر تاسیس است، می توان نتیجه گرفت که ظرف این علم با ظرف علمی که در آیه گذشته مطرح شده بود، متفاوت است، به عنوان مثال آیه قبل ناظر به علم آنان به هنگام مرگ است و این آیه ناظر به علم آنان به هنگام قیامت؛

هرگز چنین نیست، اگر علم الیقین داشتید! (آیه ۵)

به یقین دوزخ را می دیدید. (آیه ۶)

یعنی اگر علم الیقین داشتید، که ندارید به یقین دوزخ را در دنیا با چشم بصیرت می دیدید.^۱

سپس آن را قطعاً به عین الیقین درمی یابید. (آیه ۷)

یعنی به یقین دوزخ را در قیامت به عین الیقین، که یقین محض است خواهید دید.^۲

سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید

شد. (آیه ۸)

برخی از مردم با اشتغال به نعمات پروردگار از او غافل می شوند و در روز قیامت از آنان درباره

همین نعمات پرسیده خواهد شد.^۳

^۱ همان.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۳۵۲.

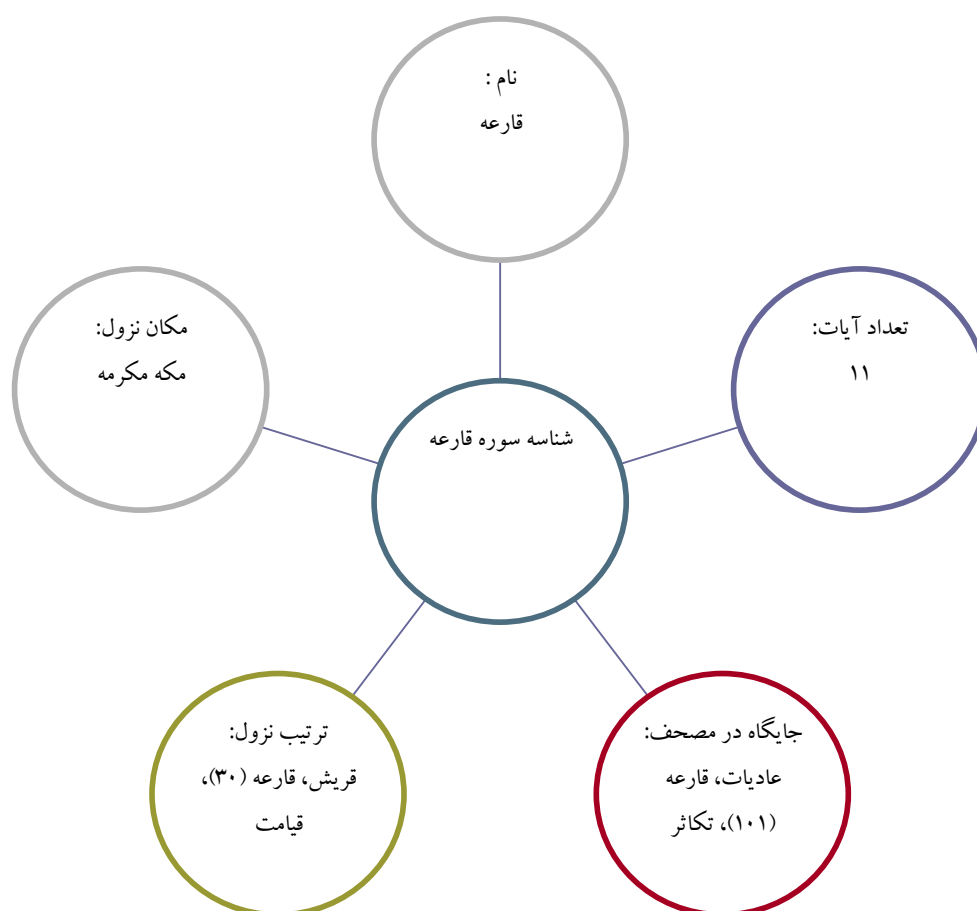
۲-۴-۲- تدبر سوره مبارکه قارعه (متن درسی)

۲-۴-۱- شناسه سوره

نام: قارعه: که در نخستین و دومین آیه سوره به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مبارکه مکی است^۱ و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، سیمین سوره فرود

آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره قریش و پس از آن سوره قیامت نازل شده است؛^۲



نمودار شماره ۳۳- شناسه سوره قارعه

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۸ و مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۰۶

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.

۲-۴-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره انداز و تبشیر نسبت به قیامت است و جانب انداز در آن غلبه دارد.^۱

این سوره با تعبیراتی کوبنده و بیانی تکان دهنده و انداز و هشدار صریح و روشن از قیامت سخن می گوید و سرانجام انسانها را به دو گروه تقسیم می کند! گروهی که موازینشان ثقیل است و پاداششان زندگانی سراسر رضایت بخش در جوار رحمت حق و گروهی که موازینشان خفیف است و سرنوشتشان آتش داغ و سوزان جهنم.^۲

بر این اساس می توان غرض سوره را اینگونه تبیین کرد: «توجه به اهمیت قیامت موجب توجه به

موازین ثقیل»؛

گفتنی است، موازین جمع میزان است و میزان هم معیار و ملاک سنجش است، بنابراین موازین مجموعه ملاکها و معیارهای آدمی است، یعنی همان نظام ارزشی که انسان به آن قائل است و خوب و بد را با آن می سنجد. از نظر قرآن برخی نظام ارزشی ثقیل (سنگین) دارند و برخی نظام ارزشی (خفیف) سبک؛ مراد از نظام ارزشی ثقیل آن است که در میزان سنجش الهی به حساب آید و مورد تایید باشد و منظور از نظام ارزشی خفیف آن است که در میزان سنجش الهی وزنی نداشته باشد و تایید نگردد. باید گفت نظام ارزشی خفیف، آن است که مبنای آن ترجیح دنیا و منافع مادی بر خدا است و نظام ارزشی ثقیل آن است که بر مبنای ترجیح رضای خدا بر منافع مادی و زودگذر بنا شده است.

۲-۴-۳- نکات آموزشی:

۱. در سیر آموزشی این کتاب، این سوره مبارکه نخستین سوره ای است که محتوای آن به دو قسمت تقسیم شده است. مریی گرامی توجه دارد که قرآن آموز تا کنون با هیچ یک از اصطلاحات مربوط به تقسیم بندی سور (مانند مطلب، کلام، قول، فصل و بخش) آشنا نشده است و مطلب،

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۸.

^۲ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۵۸.

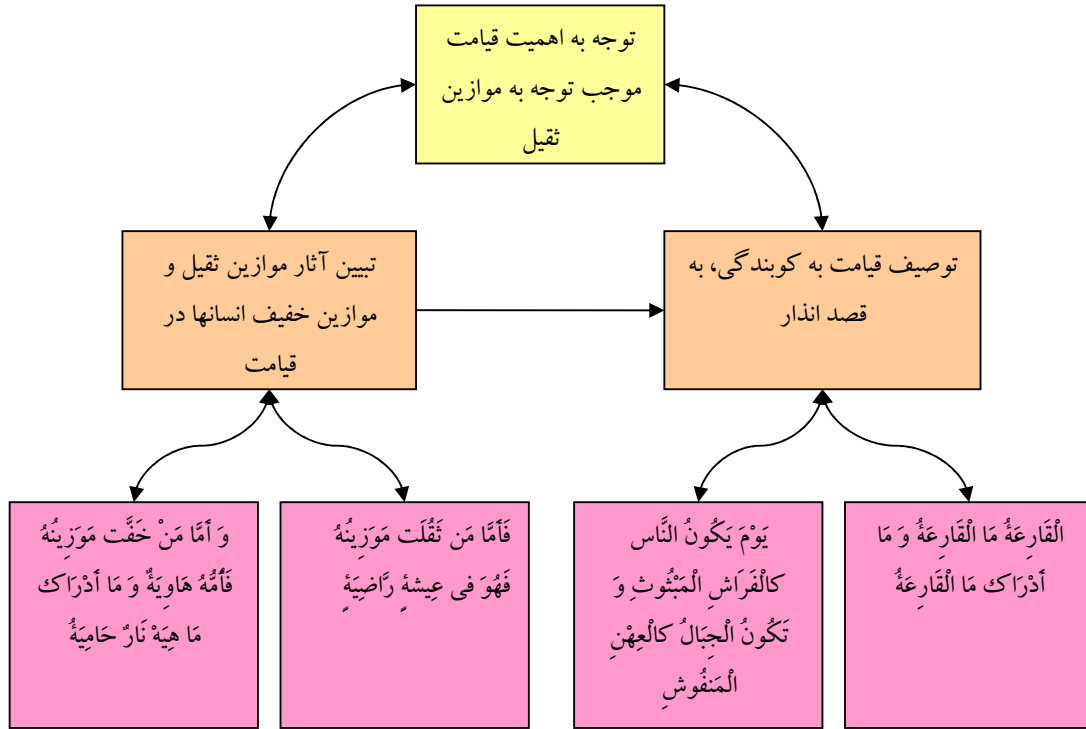
نخستین اصطلاحی است که او فرا می‌گیرد، بنابراین در این درس لازم نیست که او را با تفاوت مطلب و کلام آشنا کنیم و یا به او بگوییم که کلام، نخستین واحد رسمی در تدبر و مطلب، تقسیماتی برای ارائه منظم محتوای یک کلام است و حتی اشاره به سیاق و ... هم لازم نیست.

۲. وجه تقسیم آیات این سوره به دو مطلب آن است که آیات ۱ تا ۵ به طور پیوسته در مقام توصیف قیامت به کوبندگی و شدت است: آیه ۲، با طرح پرسشی از چیستی قارعه، در مقام بیان عظمت قارعه مطرح شده در آیه نخست است. آیه ۳ نیز معطوف به آیه ۲ و از نظر محتوایی مانند آن است. آیه ۴ در مقام پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در آیات ۲ و ۳ درباره قارعه است. آیه ۵ هم عطف به مضاف لیه یوم در آیه ۴ و همانند آن توصیف گر قارعه است؛ آیه ۶ سرآغاز محتوایی خارج از این چارچوب و شروع تفصیل اقسام انسان‌ها در قارعه است. آیه ۷ به منزله جواب آیه ۶ است. آیه ۸ عطف به آیه ۶ و به لحاظ محتوایی مکمل آن است. نسبت آیه ۹ به آیه ۸ مانند نسبت آیه ۷ به آیه ۶ است. آیه ۱۰ مطرح کننده پرسشی برای تبیین عظمت هاویه مذکور در آیه ۹ است و آیه ۱۱ در مقام پاسخ به پرسش مطرح شده در آیه ۱۰ است.

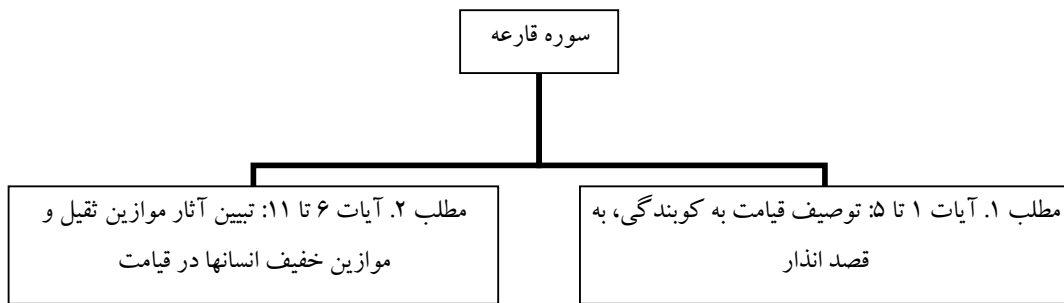
۳. غرض این سوره، با نگرش مجموعی به آیات آن به دست می‌آید. برای کشف غرض این سوره نخست، محتوای مطلب اول سنجیده می‌شود که همان توصیف قیامت به کوبندگی است. سپس محتوای مطلب دوم فهمیده می‌شود که بینش و انگیزه لازم را برای اعتقاد به موازین ثقیل و دوری از موازین خفیف به انسان می‌دهد. توجه به همراه کردن این دو مطلب در سوره نیز بیانگر این حقیقت است که سوره با توصیف کوبندگی قیامت در صدد تقویت انگیزه انسان برای توجه به موازین ثقیل است. از این رو با نگاه به محتوای دو مطلب، غرض را به این شکل بیان می‌کنیم: «توجه به اهمیت قیامت موجب توجه به موازین ثقیل»؛

۴. لازم به ذکر است، این سوره مبارکه از جهتی شبیه به سوره زلزال است؛ و آن اینکه هر دو سوره دارای قالب ظرف و مظروف هستند و در چنین اسلوبی، اصل معنی در مظروف است، بنابراین بخش دوم این دو سوره که بیانگر مظروف است، نسبت به بخش نخست که مبین ظرف است، از

اهمیت بیشتری در کشف غرض برخوردار است. گفتنی است در سوره زلزله سه آیه نخست و در سوره قارعه پنج آیه اول مبین ظرف و آیات بعدی بیانگر مظلوف است.



نمودار شماره ۳۵- سیر هدایتی سوره قارعه



نمودار شماره ۳۶- ساختار سوره قارعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ (۱)

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

يَوْمَ

- يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)
- وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَّةٌ (۱۰)

نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

مطلب ۱. آیات ۱ تا ۵: توصیف قیامت به کوبندگی، به قصد انذار:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

کوبنده، (آیه ۱)

چیست کوبنده؟ (آیه ۲)

و توجه دانی که کوبنده چیست؟ (آیه ۳)

گفته شده که قیامت را از آن جهت قارعه می نامند که قلبها را با فزع و مجرمان را با عذاب

می کوبد.^۱

روزی که

- مردم چون پروانه[های] پراکنده گردند، (آیه ۴)
- و کوهها مانند پشم زده شده رنگین شود. (آیه ۵)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۸.

مطلب ۲. آیات ۶ تا ۱۱: تبیین آثار موازین ثقیل و موازین خفیف انسانها در قیامت: پس از اینکه آیات پیشین با رویکرد انذار، قیامت را با وصف کوبندگی توصیف کرد، این آیات به تقسیم انسانها در قیامت می پردازد و باز هم با شرح بیشتری که از احوال مجرمان دارد، رویکرد انذاری را ادامه می دهد.

اما هر که موازینش سنگین برآید، (آیه ۶)

پس وی در زندگی خوشی خواهد بود! (آیه ۷)

و اما هر که موازینش سبک برآید، (آیه ۸)

پس جایش «هاویه» باشد. (آیه ۹)

و تو چه دانی که آن چیست؟ (آیه ۱۰)

آتشی است سوزنده. (آیه ۱۱)

۲-۴-۳- تدبر سوره مبارکه عادیات (متن درسی)

۲-۴-۳-۱- شناسه سوره

نام: عادیات: که در نخستین آیه سوره به کار رفته است.

دانستنیهای نزول: این سوره با توجه سوگندهایی که در صدر آن آمده است، مدنی است، چون این سوگندها ظهور در لشرکشی رزمندگان اسلام دارد و می دانیم که جهاد بعد از هجرت آغاز شد. از اهل بیت عصمت و طهارت نیز روایاتی وارد شده است که نشان می دهد این سوره در شأن علی (علیه السلام) سریه او در غزوه ذات السلاسل نازل شده است، برخی از روایات اهل سنت نیز این مطلب را تایید می کند.^۱

ابن عباس و قتاده نیز این سوره را مدنی دانسته اند^۲ و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول چهاردهمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره عصر و پس از آن سوره کوثر نازل شده است؛^۳

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۵.

^۲ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۰۱.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۰.



نمودار شماره ۳۷-شناسه سوره عادیات

۲-۴-۳-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: این سوره بیانگر کفران انسان در مقابل نعم الهی و علاقه شدید او به مال است؛ آگاهی انسان از این کفران حجتی علیه اوست و او به زودی بر این امر محاسبه خواهد شد.^۱

این سوره با چند سوگند پر طنین، از ناسپاسی انسان در برابر پروردگار خبر داده است و پس از اینکه خود انسان را بر این امر گواه دانسته، از مال دوستی او سخن گفته است تا بدانیم که این وصف ناپسند

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۵.

انسان، ریشه در دنیاگرایی او دارد و در انتها با یادآوری بعث و آگاهی خدا از راز دلها، فهمانده است که غفلت از آگاهی خدای متعالی در قیامت موجب این دنیاگرایی و به دنبال آن ناسپاسی است. این آیات، به طور تلویحی انسان را از عذاب قیامت نیز ترسانده است.

بر این اساس غرض این سوره مبارکه را می توان به این بیان نوشت: «غفلت از آگاهی خدا در معاد موجب ناسپاسی در مقابل پروردگار» پنج آیه نخست، سوگندی برای تاکید اخبار از وصف ناسپاسی است و سه آیه آخر نیز، اندازی برای صاحبان آن؛

۲-۴-۳- نکات آموزشی:

۱. توجه تقسیم این سوره به دو مطلب از این قرار است: آیه نخست، قسم است، آیه دوم عطف به آیه اول است و همینطور آیات سوم تا پنجم همه به آیه پیش از خود عطف شده اند. آیه ششم سرآغاز جواب قسم است و آیه هفتم و هشتم به آیه ششم عطف شده اند، بنابراین آیات ۱ تا ۸ در این سوره قسم و جواب قسم است، اما آیه نهم آغازگر محتوایی خارج از چارچوب قسم و جواب قسم است و به همین دلیل، سرآغاز مطلب جدید دانسته شده است؛ آیه دهم به شرط «بعثر ما فی القبور» در آیه نهم عطف شده است و آیه یازدهم، جواب شرط مطرح شده در آیه نهم و دهم است.

۲. برای کشف غرض سوره ابتدا باید لب معنی هر قسمت از آن را بدست آوریم و سپس با توجه به هر دو قسمت غرض را مشخص کنیم:

برای فهم معنی اصلی در قسمت نخست اینگونه عمل می کنیم: این قسمت متشکل از قسم و جواب قسم است و ما قبلا دانسته ایم که از میان این دو اصل معنی در جواب قسم نهفته است. حال به بررسی جواب قسم می پردازیم. این جواب از سه جمله اسمیه که هر سه با «إن» آغاز می شود تشکیل شده است. جمله دوم به وسیله اسم اشاره «ذلک» و با توجه به محتوایی که دارد، متفرع بر جمله نخست است، بنابراین برای تشخیص اصل معنی باید به بررسی جمله نخست و سوم پردازیم. محتوای جمله اول از ناسپاسی انسان خبر می دهد و محتوای جمله سوم از دنیاگرایی او و رابطه میان این دو

علت و معلولی است، بدین بیان که دنیاگرایی علت ناسپاسی است، اما پرسش اینجاست که آیا سوره قصد تاکید علت را دارد یا معلول؟ تقدیم ناسپاسی بر دنیاگرایی نشان می‌دهد که سوره در مقام بررسی ناسپاسی انسان است و علت آن را در مقام ریشه‌یابی مطرح کرده است، نه اینکه در مقام بررسی دنیاگرایی باشد و ناسپاسی را به عنوان نتیجه آن مطرح کند.

فهم معنی قسمت دوم سوره نیز بسیار ساده است. این قسمت با اسلوب «أفلا يعلم...» می‌فهماند که بی توجهی به آگاهی خدا از اعمال در قیامت (که موجب حسابرسی است) ریشه اصلی دنیاگرایی و آن هم مسبب ناسپاسی است.

اینک با نگرش مجموعی به محتوای دو قسمت سوره می‌توانیم غرض آن را بیان کنیم و بگوییم سوره در مقام هشدر به این حقیقت است که: «غفلت از آگاهی خدا در معاد موجب ناسپاسی در مقابل پروردگار» است.

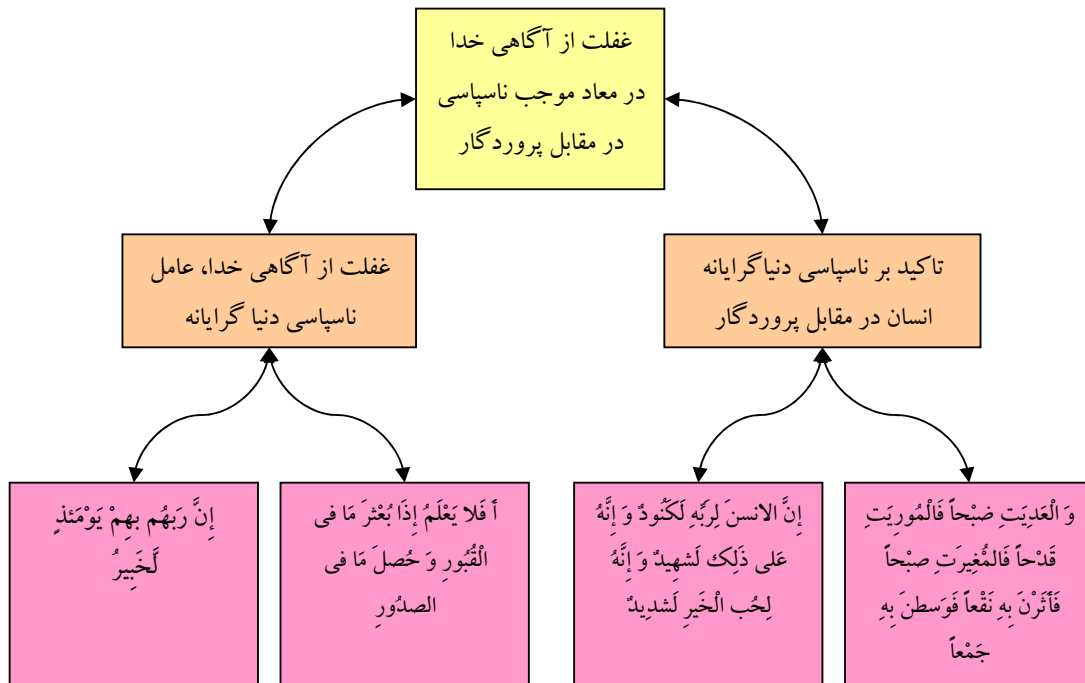
۳. ممکن است در این سوره از مربی محترم بپرسند که چه تناسبی میان سوگندهای مطرح شده در ابتدای سوره با محتوای جواب قسم آن هست؟ مربی در پاسخ باید دو مسئله زیر را گوشزد کند و سپس پاسخ دهد:

أ. قسم در عرف محاوره برای تاکید محتوای جواب قسم استفاده می‌شود و عرف از قسم انتظاری بیش از این ندارد و عدم وجود تناسب محتوایی بین قسم و جواب آن در فرهنگ محاوره دلیلی بر این مدعاست. معمولاً به مواردی سوگند یاد می‌شود که دارای ارزشی زیاد است و می‌تواند با اهمیت خود محتوای سخن را تاکید کند.

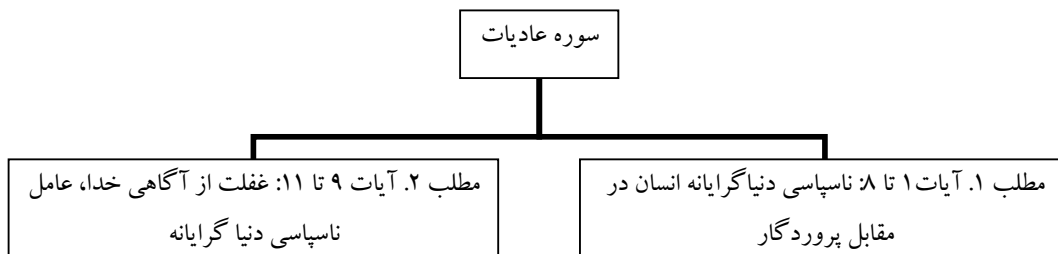
ب. از آنجا که زبان قرآن کریم نیز اعجازی الهی است، می‌توان گفت که میان قسم و جواب آن تناسب را کرده رعایت است. اما این بدان معنی نیست که در همه جا این تناسب به آسانی قابل فهم باشد، بنابراین در چنین مواردی برای تعیین تناسب بین قسم و محتوای آن نباید به تکلف افتاد و باید با فرمول‌های تفسیری و ... آن را کشف نمود و این مطلب خللی به همه فهم بودن قرآن وارد نمی‌کند، به دلیل نکته‌ای که در قسمت «أ» بیان شد.

و اما پاسخ پرسش: آیات ابتدایی این سوره نیز، افزون بر اینکه سوگندی برای تاکید اخبار از وصف ناپسند ناسپاسی انسان است، به لحاظ محتوایی بیانگر نشاط رو به افزایش است، زیرا صحنه‌ای را به تصویر کشیده است، که مرحله به مرحله بر نشاط آن افزوده می‌شود: «وَالْعَدِيَّتِ ضَبْحاً * فَالْمُورِيَّتِ قَدْحاً * فَالْمُعْيِرَتِ صَبْحاً * فَاتْرُنَ بِهِ نَقْعاً * فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً»: ۱. مادیانهایی که با همه تازانند! ۲. با سم [های] خود برق [از سنگ] می جهانند ۳. صبحگاهان هجوم آرند ۴. با آن [یورش]، گردی برانگیزند ۵. بدان [هجوم]، در دل گروهی در آیند؛ این نشاط روز افزون همان است که انسان کنود و ناسپاس به آن بی توجهی می کند و آن را از جانب خویش می بیند و در برابر فاعل اصلی آن ناسپاسی می کند.

از سوی دیگر این آیات، هشدار و اندازی نسبت به صاحبان این وصف نیز هست، چون در این آیات سخن از رزمندگان پرصلابتی است که بی‌امان بر دشمنان اسلام یورش می‌برند.



نمودار شماره ۳۸- سیر هدایتی سوره عادیات



نمودار شماره ۳۹- ساختار سوره عادیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• وَالْعَدِيَّتِ صَبْحًا (۱)

• فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا (۲)

• فَالْمُغِيرَتِ صَبْحًا (۳)

فَأَثَرُنَ بِهِ تَقَعًا (۴)

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵)

○ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)

○ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)

○ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹) وَ حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

مطلب ۱. ناسپاسی دنیاگرایانه انسان در مقابل پروردگار:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- سوگند به مادیانهایی که با همهمه تازانند! (آیه ۱)
- و با سم‌های [خود برق] از سنگ [می جهانند]، (آیه ۲)
- و صبحگاهان هجوم آرند، (آیه ۳)

و با آن [یورش]، گردی برانگیزند، (آیه ۴)

و بدان [هجوم]، در دل گروهی در آیند، (آیه ۵)

○ که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است، (آیه ۶)

علامه طباطبایی (ره) می فرماید: این آیه را می توان مشیر به همان قومی دانست که در آیات مربوط به سوگند، سخن از یورش بردن به آنها بود، که در این صورت مراد از کفران انسان در مقابل پروردگار در این آیه، کفران به نعمت اسلام خواهد بود که اعظم نعمات است زیرا در آن حیات طیبه دنیوی و سعادت حیات ابدی اخروی هست؛^۱ اما همانطور که گفته شد این آیه را می توان ناظر به ناسپاسی انسان در مقابل نشاط روز افزون مطرح شده در آیات ۱ تا ۵ دانست، چنانکه بیان آن گذشت.

○ و او خود بر این [امر]، نیک گواه است. (آیه ۷)

○ و راستی او به خاطر حب مال سخت و بخیل است. (آیه ۸)

یعنی حب مال سبب شده است که شدید و بخیل باشد.^۲

مطلب ۲. غفلت از آگاهی خدا عامل ناسپاسی دنیاگرایانه: این آیات بی توجهی به آگاهی خدا را علت ناسپاسی دنیاگرایانه مطرح در آیات گذشته دانسته و ناسپاسان را به طور تلویحی از عذاب آخرت می ترساند.

مگر نمی داند که چون آنچه در گورهاست بیرون ریخته گردد، (آیه ۹) و آنچه در سینه هاست فاش شود، (آیه ۱۰)

در چنان روزی پروردگارشان به [حال] ایشان نیک آگاه است؟ (آیه ۱۱)

یعنی آیا انسان نمی داند که ناسپاسی او در مقابل خدا و کفرانش در مقابل پروردگار، عاقبتی دارد که به زودی به او خواهد رسید و مجازات خواهد شد.^۳

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۶.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۷.

^۳ همان.

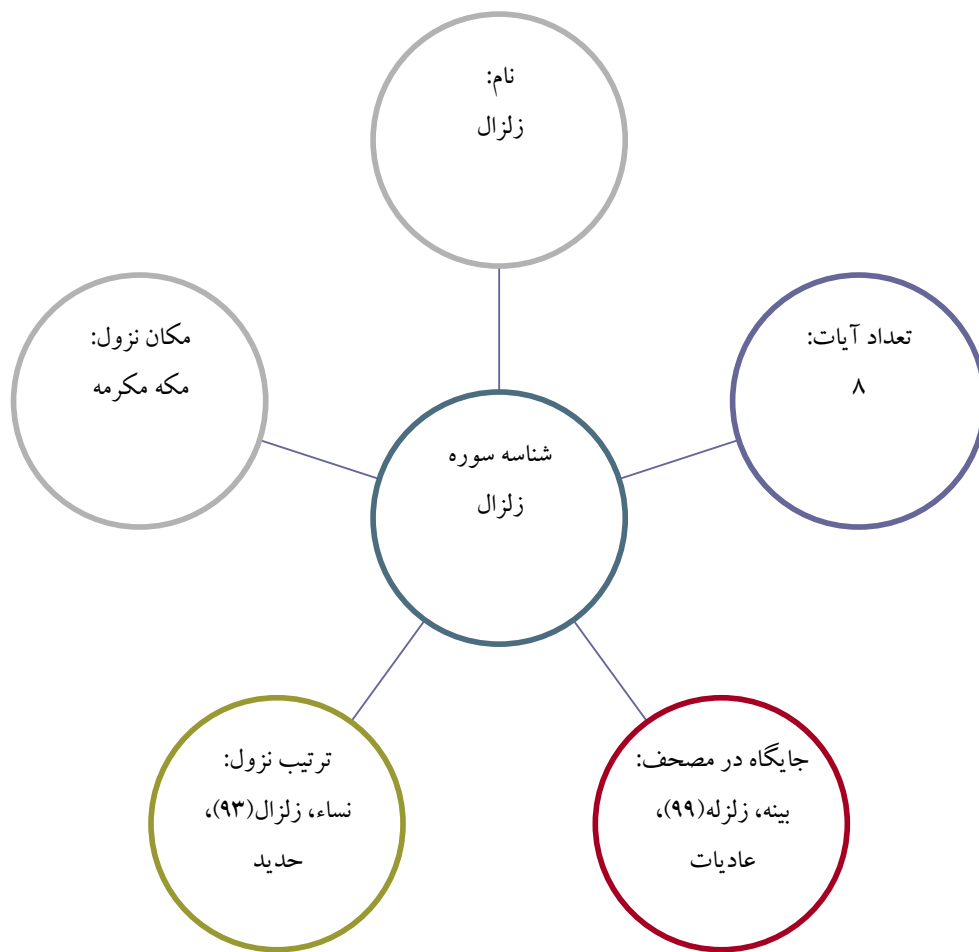
۲-۴-۴- تدبیر سوره مبارکه زلزال (کار در خانه)

۲-۴-۴-۱- شناسه سوره

نام: زلزال: که در نخستین آیه سوره به کار رفته است.

دانستنیهای نزول: این سوره مدنی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، نود و سومین سوره فرود

آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره نساء و پس از آن سوره حدید نازل شده است؛^۱



نمودار شماره ۴۰- شناسه سوره زلزال

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۴-۴-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره مبارکه بیانگر قیامت و برانگیخته شدن انسانها برای جزا است و به بعضی از اشراط ساعت نظیر زلزله زمین و شهادت آن بر اعمال نیز اشاره کرده است.^۱

هنگامی که زلزله هولناک روز قیامت واقع شود و زمین مردگان را از قبرها بیرون ریزد و انسان از مشاهده این صحنه در حیرت ماند، زمین به اذن خدای خود از اعمال بنی آدم خبر می‌دهد و انسانها برای مشاهده نتیجه اعمال خود روانه بهشت و جهنم می‌شوند و هر کس به اندازه ذره‌ای خوبی یا بدی کرده باشد، آن را خواهد دید.

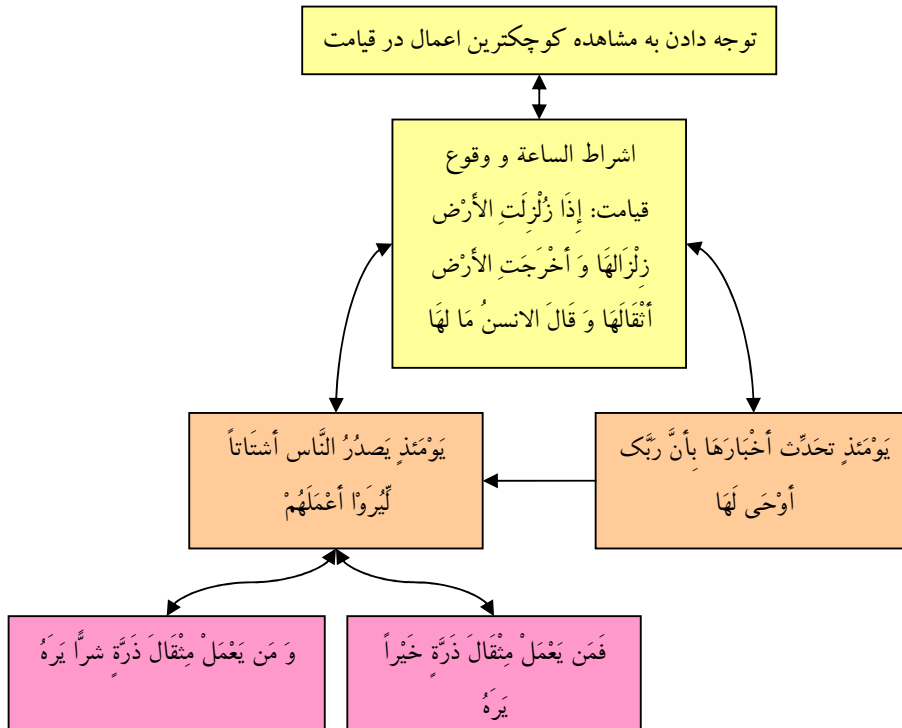
بر این اساس می‌توان غرض سوره را اینگونه تبیین کرد: «توجه دادن به مشاهده کوچکترین اعمال در قیامت»؛ انسان باید بداند که همه هستی حتی موجود جامد و به ظاهر بی‌روحي چون زمین، از اعمال او آگاه می‌شود و در روز قیامت به اجازه خدا درباره او شهادت می‌دهد، پس به جاست که به طور دقیق مواظب کوچکترین اعمال خود باشد و بداند که در این نظام متقن هستی، حتی عملی به اندازه ذره، از قلم نخواهد افتاد و همه کس و همه چیز حتی زمین بر عمل او شهادت خواهد داد و او راه گریزی نخواهد داشت.

۲-۴-۴-۳- نکته آموزشی:

• نخستین قاعده‌ای که برای کشف غرض در این سوره به کار می‌رود، این است که از میان شرط و جزاء، اصل کلام در جزاء متمرکز است، بنابراین قله سوره را باید در آیات ۴ تا ۸ جستجو کنیم که نقش جزاء شرط را دارند. این آیات نیز معارف خود را در دو فراز که هر یک با «يَوْمَئِذٍ» آغاز می‌شود، بیان کرده‌اند و باید دید که این دو فراز در یک وزن ایفای نقش می‌کنند، یا یکی مقدمه دیگری است. توجه به محتوا نشان می‌دهد که فراز نخست، یعنی اخبار و شهادت زمین با وحی الهی، مقدمه‌ای برای فراز دوم، یعنی بعث انسانها برای مشاهده اعمال است، بنابراین از میان این دو

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۲.

فراز نیز اصل غرض را در فراز دوم جستجو می کنیم. در فراز دوم نیز محتوای آیه ششم مقدمه‌ای برای نتیجه‌گیری در آیه ۷ و ۸ است، بر این اساس غرض سوره در آیات ۷ و ۸ متمرکز است و سایر آیات نقش مقدمه‌ای برای تبیین این غرض دارند.



نمودار شماره ۱- سیر هدایتی سوره زلزال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا (۱)

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳)

• يَوْمَئِذٍ تَحْدُثُ أَخْبَارَهَا (۴) بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (۵)

• يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ (۶)

▪ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)

▪ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ^(۸)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود، (آیه ۱)

و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند، (آیه ۲)

این آیه شریفه مبین یکی از وقایع اشراط الساعة است و نشان می‌دهد که زمین در آستانه قیامت

اجرام تقیل خود را بیرون می‌افکند.

و انسان گوید: «[زمین] را چه شده است؟» (آیه ۳)

• آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید. (آیه ۴) [همان گونه] که

پروردگارت بدان وحی کرده است. (آیه ۵)

یعنی بر اعمال بنی آدم شهادت می‌دهد^۱، چون خدا به او وحی کرده است.^۲

• آن روز، مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود.

(آیه ۶)

▪ پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. (آیه ۷)

▪ و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. (آیه ۸)

^۱ همان.

^۲ همان.

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه پنجم، شاگردان خود را بر اساس پرسش های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. آیات سوره مبارکه قارعه به چند مطلب تقسیم می شود؟ چرا؟
۲. غرض سوره قارعه چیست؟
۳. غرض سوره مبارکه قارعه چگونه کشف می شود؟
۴. وجه تفکیک آیات سوره عادیات به دو مطلب چیست؟
۵. غرض سوره عادیات چیست؟
۶. نحوه دستیابی به غرض سوره مبارکه عادیات را شرح دهید؟

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته های خود، سوره های تکاثر و زلزال را تدبیر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.
مربی گرامی می تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه ای فوق العاده ارائه دهد.
۲. تدبیر سوره های بینه و قدر را در المیزان مطالعه و در گروه های تدبیر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.
با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبیر این سوره ها ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه پنجم، جمع آوری و بررسی کند و در تدریس تدبیر این سوره ها مورد توجه قرار دهد.

۲-۵-درس پنجم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

۱. آشنایی با نحوه تشخیص و تفکیک کلامها در سوره بینه (نخستین سوره ای که آیات آن به دو قسمت به نام کلام تقسیم می شود.)؛ و توانمندی نسبی تشخیص و تفکیک کلامها در موارد مشابه؛
آشنایی با تفاوت کلام و مطلب؛
آشنایی با چگونگی کشف غرض بر اساس برآیندگی ریاز دو کلام، در سوره بینه؛ و توانایی نسبی استفاده از این فرمول در موارد مشابه؛
انس با سوره مبارکه بینه که ایمان به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و قرآن کریم را فارق بین خیر و شر؛ ایمان و کفر؛ و بهشت و جهنم دانسته است.
۲. شناخت نحوه کشف غرض با اصلی دانستن موضوعی که در سوره ادامه پیدا کرده است، در سوره قدر؛ و توانایی نسبی استفاده از این روش در موارد مشابه؛
انس با سوره مبارکه قدر که در مقام تعظیم شب قدر و ایجاد انگیزه در اهمیت دادن به این شب سرنوشت ساز است.

۲-۵-۱- تدبر سوره مبارکه بینه (متن درسی)

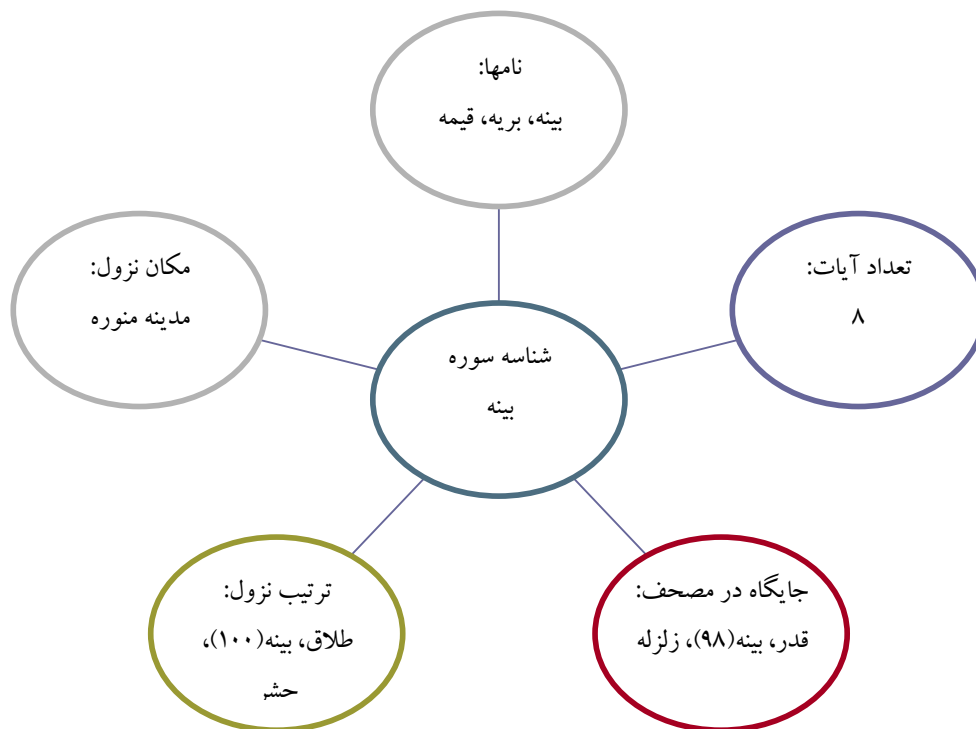
۲-۵-۱-۱- شناسه سوره

نامها^۱

- بینه: به معنی برهان و حجت حق، که این واژه در نخستین آیه سوره به کار رفته است.
- بریه: به معنی خلایق، که این کلمه نیز در آیه شش و هفت آمده است.
- قیمه: به معنی راست، که در آیات سه و پنج به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مدنی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، یکصدمین سوره فرود آمده

از آسمان وحی است که پیش از آن سوره طلاق و پس از آن سوره حشر نازل شده است؛^۲



نمودار شماره ۴۲- شناسه سوره بینه

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۹۱.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۵-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره بر رسالت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برای همه اهل کتاب و مشرکان تاکید می کند و به دیگر بیان مفید رسالت آن حضرت برای عامه بشر است و می فهماند که این امر مقتضای سنت الهی هدایت است، که در این آیات به آن اشاره شده است: «إنا هدیناه السبیل إنا شاکرا و إنا کفوراً»^۱ «و إن من أمة إلا خلا فیها نذیر»^۲ و بر عمومیت دعوت آن حضرت چنین احتجاج می کند که این دعوت شامل چیزی نیست، جز اعتقاد و عملی که جامعه انسانی را به صلاح می رساند.^۳

این سوره مبارکه با بیان اینکه رسالت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، اتمام حجتی بر همه خلائق از جمله کافران اهل کتاب و مشرکان است، آنان را به خاطر بی توجهی به بینه و کفر ورزیدن به دعوت حق او، به عذاب تهدید کرده و بدترین جنندگان معرفی می کند و مومنان نیک کردار را بهترین مخلوقات می داند و به بهشت و رضایت خدا بشارت می دهد.

بر این اساس غرض این سوره را می توان بیان این حقیقت دانست که «ایمان به رسول الله (صلی الله

علیه و آله و سلم) فارق بین کفر و ایمان و پاداش و کیفر است.»

۲-۵-۱-۳- نکات آموزشی:

۱. مربی محترم توجه دارد که در سیر آموزشی این کتاب، ابتدا سوره‌هایی مطرح شد که در درون تقسیم‌بندی نشده بود و سپس سوری ذکر شد که به دو مطلب تقسیم می شدند و بینه نخستین سوره‌ای است که به دو کلام تقسیم شده است، بنابراین لازم است، معنی کلام و تفاوت کلام و مطلب در این درس به قرآن آموز تفهیم شود. بیان پیش‌نهادی بدین شرح است: کلام، مجموعه‌ای از آیات است که در سیاق محتوایی واحد بوده و غرضی واحد دارند، بنابراین وحدت سیاق محتوایی و وحدت غرض، دو قید لازم الجمع تعریف کلام هستند؛ اما مطلب، محصول تقسیمات درونی یک

^۱ سوره انسان، آیه ۳.

^۲ سوره فاطر، آیه ۲۴.

^۳ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۶.

کلام است. توضیح: نخستین واحد رسمی دسته‌بندی آیات در تدبیر، کلام است، نه مطلب؛ گاهی تبیین منظم محتوای یک کلام اقتضا می‌کند که آیات آن را با معیارهای ادبی، محتوایی و موضوعی، در دسته‌های کوچک‌تری تقسیم‌بندی کرده و تبیین کنیم و در چنین مواردی است که سخن از مطلب به میان می‌آید.

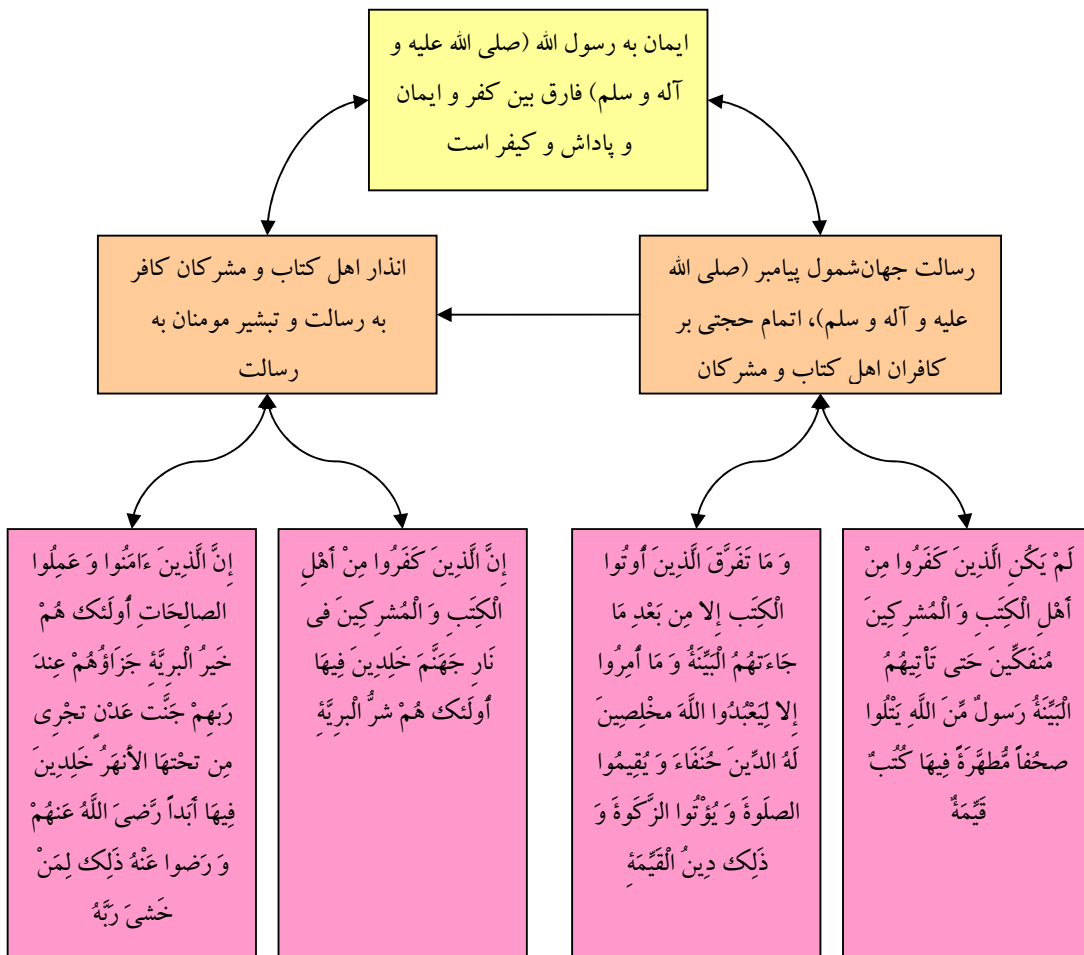
۲. توجه به آیات سوره بینه نشان می‌دهد که این آیات به دو کلام قابل تقسیم هستند. کلام نخست آیات ۱ تا ۵ که از رسالت جهان‌شمول پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را اتمام حجتی برای کافران اهل کتاب و مشرکان دانسته است و آیات ۶ تا ۸ که بر همین اساس به انذار کافران اهل کتاب و مشرکان کافر به رسالت و تبشیر مومنان به رسالت پرداخته است. راهکار تشخیص این دو کلام در این سوره مبارکه توجه به محتوا است: آیه ۲ معرف بینه در آیه ۱ است. آیه ۳ معرف صحف در آیه ۲ است. آیه ۴ ناظر به محتوای آیات ۱ تا ۳ بوده و بیان می‌دارد که تفرق اهل کتاب پس از نزول چنین بینه‌ای بوده است. آیه ۵ ناظر به تفرق مطرح شده در آیه ۴ است. آیه ۶ سرآغاز سیاقی جدید برای تفصیل عاقبت کافران و مومنان است. آیه ۷ در تقابل با آیه ۶ و مکمل محتوای آن است. آیه ۸ جزاء مومنان مطرح شده در آیه ۷ را مطرح می‌کند.

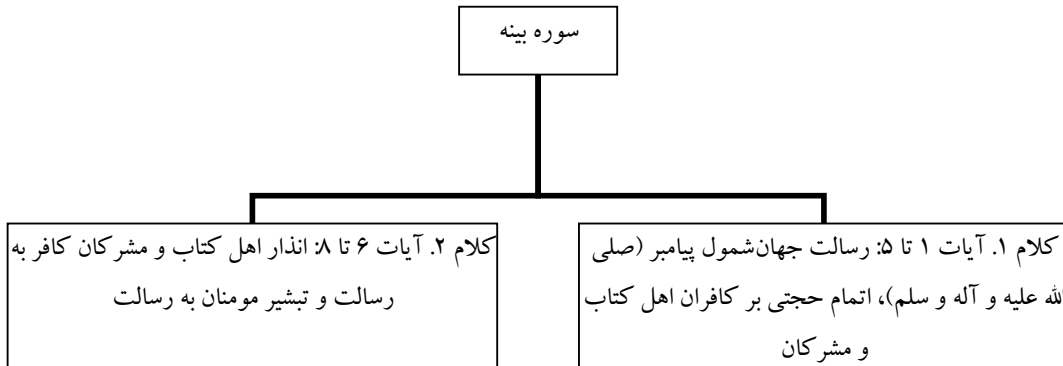
۳. چرا این دو دسته را دو کلام دانستیم، نه دو مطلب؟ زیرا هر دسته از این آیات غرض مستقل و مجزا دارد، هرچند در ارتباط با یکدیگر نیز غرض واحدی دارند. غرض مستقل دسته نخست بیان این حقیقت است که با بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر همه انسانها، اعم از مشرکان و اهل کتاب حجت تمام شده است. غرض مستقل دسته دوم بیان تفاوت عاقبت مومنان اهل عمل صالح و کافران و مشرکان است. غرض واحد هر دو کلام هم، بیان این حقیقت است، که پس از بعثت رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، ایمان به ایشان، فارق کفر و ایمان و بهشت و جهنم است، چون ایشان، مصداق بینه و اتمام حجتی برای همه خلایق هستند.

۴. برای تشخیص غرض این سوره باید معنی هر دو کلام آن را به خوبی درک کرده و ارتباط آنها را با هم کشف کنیم. در کلام نخست، سخن از این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

و دین اسلام با محتویات قیمی که دارد، مصداق اتمام حجت بر کافران اهل کتاب و مشرکان هم هست. در کلام دوم هم سخن از این است که کافران اهل کتاب و مشرکان بدترین جنبندها و اهل آتش اند و مومنان اهل عمل صالح بهترین جنبندها و اهل بهشت اند، توجه به ارتباط این دو کلام نشان می‌دهد که معیار بهترین جنبنده بودن یا بدترین جنبنده بودن و ملاک اهل آتش یا بهشت بودن، ایمان به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و دین قیم اسلام است، زیرا ایشان مصداق بینه الهی و اتمام حجت بر همه بشریت است.

۵. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که از میان دو کلام سوره، کلام نخست نقش پایه و ریشه و کلام دوم نقش پیرو و تابع را دارد، بنابراین نقش کلام اول در تشخیص غرض سوره بیش از کلام دوم است.





کلام ۱. رسالت جهان شمول پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، اتمام حجّتی بر کافران اهل کتاب و مشرکان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لَمْ یَكُنِ الَّذِیْنَ كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ وَ الْمُشْرِكِیْنَ مُنْفَكِّیْنَ حَتّٰی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَةُ (۱)

رَسُوْلٌ مِّنَ اللّٰهِ یَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً (۲)

فِیْهَا كُتُبٌ قَیْمَةٌ (۳)

وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِیْنَ اٰتُوْا الْكِتٰبَ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَیِّنَةُ (۴)

وَ مَا اَمْرُوْا اِلَّا

• لِيَعْبُدُوْا اللّٰهَ مُخْلِصِیْنَ لَهُ الدِّیْنَ حُنَفَآءَ

• وَ یَقِیْمُوا الصَّلٰوةَ

• وَ یُؤْتُوْا الزَّكٰوةَ

وَ ذٰلِكَ دِیْنُ الْقَیْمَةِ (۵)

آیات این کلام به قیام حجّت بر کافران به دعوت اسلامی، اعم از اهل کتاب و مشرکان اشاره می کند و بیانگر این حقیقت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) مصداق حجّت بینه ای است

که بر مردم قائم شده است؛ و سنت الهی جاری بر بندگان موجب قیام این حجت بر ایشان است، همانطور که پیش از این هم، موجب قیام حجت بر آنان شده بود.^۱

به نام خداوند رحمتگر مهربان

کافران اهل کتاب و مشرکان، رها نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید: (آیه ۱)

مراد از کافران، انکارکنندگان دعوت اسلامی هستند و^۲ مراد از رهایی و انفکاک اهل کتاب و مشرکان، جدایی آنان از مقتضای سنت هدایت و بیان است، بدین معنی که سنت الهی هدایت با آنان همراه بود و از آنان جدا نمی شد تا وقتی که بینه و حجت الهی بر آنان اقامه گردد و آنگاه که بینه بر ایشان اقامه شد، این سنت آنان را رها کرد.

فرستاده‌ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه‌هایی پاک را تلاوت کند، (آیه ۲)

این آیه، معرف بینه در آیه پیشین است و با توجه به سیاق، مراد از آن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است و^۳ مراد از صحیفه‌های پاک، اجزاء قرآن کریم است، که از پلیدی باطل که محصول مس شیطان است، پاک و منزّه مانده است.^۴

که در آنها نوشته‌های استوار است. (آیه ۳)

مراد از کتب، احکام و حکم مربوط به اعتقادات و عمل در قرآن است.^۵

آیات پیش در کل چنین معنی می شود: کافران به رسالت و قرآن، از مقتضای سنت الهی هدایت جدا نیستند تا وقتی که بر ایشان بینه و حجت اقامه گردد و این بینه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسول خداست، که صحیفه‌های آسمانی پاک و مطهر از ناپاکی باطل را بر ایشان می خواند و در این صحیفه‌ها، احکام و حکمی هست که امر جامعه انسانی را قوام می بخشد و و مصالح آن را حفظ می کند.^۶

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۶.

^۲ همان، ص ۳۳۷.

^۳ همان.

^۴ همان.

^۵ همان.

^۶ همان.

و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند، مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد. (آیه ۴)

و فرمان نیافته بودند جز اینکه

• خدا را بپرستند، و در حالی که به توحید گراییده‌اند، دین [خود] را برای او خالص

گردانند،

یعنی رسالت رسول و کتب قیمه‌ای که در صحف وحی هست، جز امر آنان به عبادت مخلصانه خدا

شامل چیز دیگری نبود.^۱

• و نماز برپا دارند

• و زکات بدهند؛

اشاره به نماز و زکات در این آیه از قبیل ذکر خاص بعد از عام یا جزء پس از کل است، به این

منظور که اهمیت امر فهمانده شود، چون نماز و زکات بر ارکان اسلام مبتنی هستند و این ارکان توجه

عبودی خاص به خدا و انفاق مال در راه خدا است.^۲

و دین [ثابت و] پایدار همین است. (آیه ۵)

با این آیه شریفه بحث عمومیت رسالت پیامبر و جهان‌شمولی آن کامل می‌شود. بدین بیان که آیه

«لم یکن الذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین...» مشیر به این حقیقت بود که در سنت هدایت الهی

واجب است که حجت بر همگان، از جمله کافران به دعوت اسلامی (بعض از اهل کتاب و مشرکان) تمام

شود؛ و آیه «رسول من الله...» بیان می‌کرد که این حجت و بینه الهی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

رسول خداست؛ و آیه «و ما تفرق...» اشاره می‌کرد که تفرق و کفر قبلی ایشان به حق نیز پس از اقامه

حجت و بینه بوده است؛ و آیه «و ما امروا إلا لیعبدوا الله...» می‌فهماند که آنان به دین قیمی دعوت

شده‌اند که حافظ مصالح مجتمع بشری است، پس بر همه ایشان است که به آن ایمان آورند و کفر

نورزند.^۳

^۱ همان، ص ۳۳۹.

^۲ همان، ص ۳۳۹.

^۳ همان، ص ۳۴۰.

کلام ۲. انذار اهل کتاب و مشرکان کافر به رسالت و تبشیر مومنان به رسالت

○ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶)

○ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)

جَزَاءُ لَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ
ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

پس از فراغ از اشاره به کفر کافران به بینه و دین قیمی که به آن دعوت می کرد، در این کلام انذار و تبشیر را آغاز کرد و به وعید کفار و وعد مومنان پرداخت.^۱

○ کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند، [و] در آن همواره می مانند؛

اینانند که بدترین آفریدگانند. (آیه ۶)

○ در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند،

آنانند که بهترین آفریدگانند. (آیه ۷)

پاداش آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر [درختان] آن،

نهرها روان است، جاودانه در آن همی مانند؛

خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود؛

این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد. (آیه ۸)

^۱ همان، ص ۳۴۰.

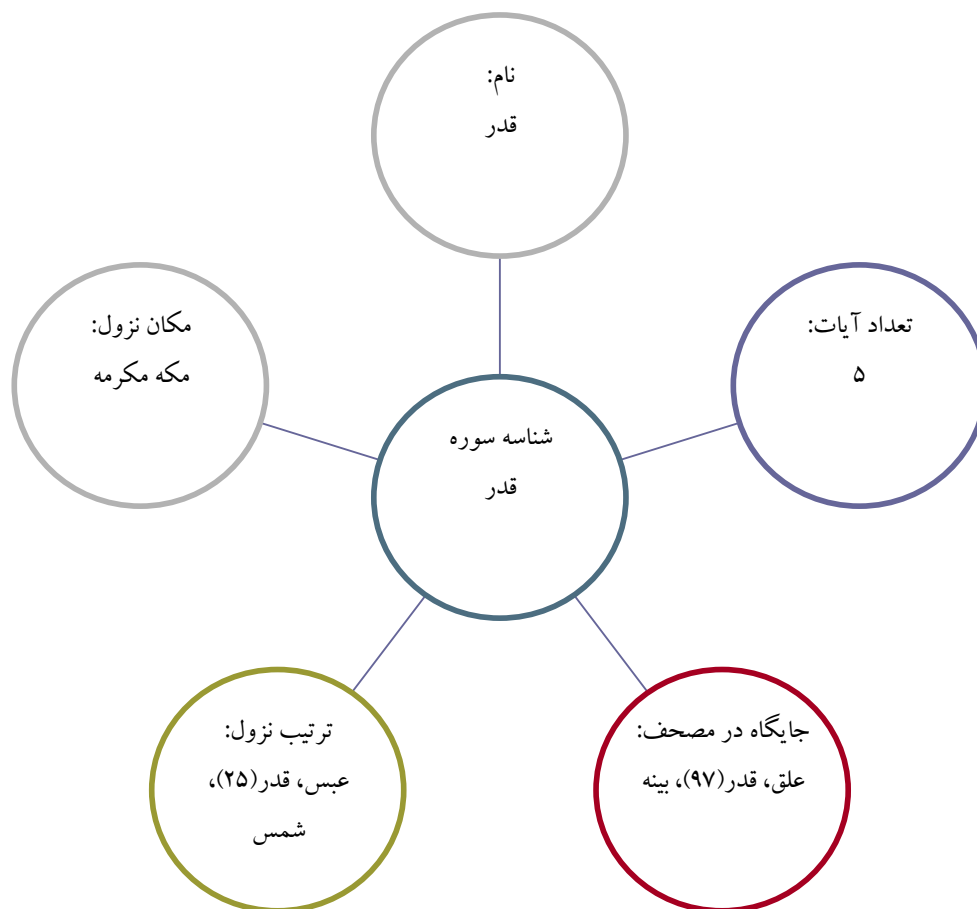
۲-۵-۲- تدبر سوره مبارکه قدر (متن درسی)

۲-۵-۲-۱- شناسه سوره

نام^۱: قدر: این واژه در سه آیه نخست این سوره به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، بیست و پنجمین سوره فرود

آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره عبس و پس از آن سوره شمس نازل شده است؛^۲



نمودار شماره ۴۵- شناسه سوره قدر

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۸۴.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۲-۵-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره یادآور انزال قرآن کریم در شب قدر است و با بیان فضیلت این شب بر هزار ماه و نازل شدن روح و ملائکه در این شب، به بیان عظمت آن می‌پردازد.^۱

این سوره مبارکه از عظمت شب قدر سخن می‌گوید، بنابراین غرض آن «تعظیم و بیان اهمیت شب قدر» است.

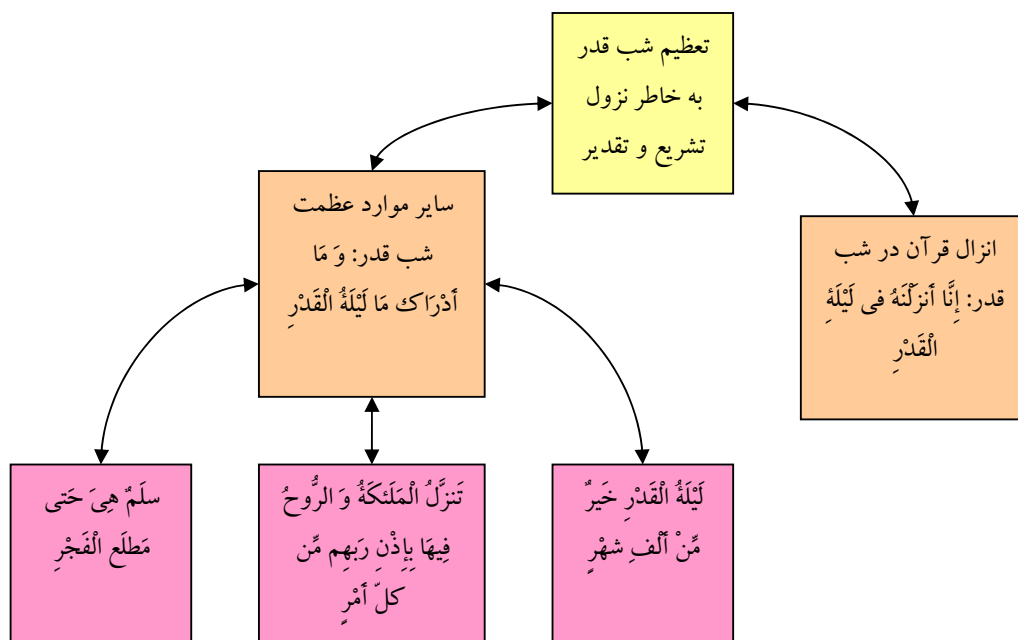
از نکات مهم معرفتی این سوره مبارکه در بیان اهمیت شب قدر آن است که می‌فهماند شب قدر، هم شب نزول تقدیر است: «تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم من كل أمر» و هم شب نزول تشریح: «إنا أنزلناه في ليلة القدر».

۲-۲-۵-۳- نکات آموزشی:

۱. غرض این سوره مبارکه با توجه به عبارت کانونی «ليلة القدر» به دست می‌آید. در آیه نخست سخن از انزال قرآن در شب قدر است، اما از میان دو مفهوم انزال قرآن و شب قدر، آنچه سخن درباره آن ادامه پیدا می‌کند، شب قدر است، نه انزال قرآن و از همین جا به دست می‌آید که «ليلة القدر» در این سوره واژه کانونی است و با توجه به این مطلب، غرض سوره هم در همین راستا تبیین می‌شود.

۲. آیه نخست، یکی از موارد تعظیم شب قدر است و می‌توانست همانند سایر موارد و در وزن آنها مطرح شود، اما در ابتدا آمده تا اهمیت این مورد و شان والای آن نسبت به سایر موارد تعظیم مشخص باشد. اگر کسی بگوید که این آیه نشانی از جهت‌گیری سوره در خصوص قرآن کریم است، باید گفت که این سخن در صورتی صحیح است که رویکرد قرآن در سوره ادامه می‌یافت و یا دست کم در پایان دوباره به قرآن اشاره می‌شد، در حالی که همه آیات بعد به تعظیم شب قدر اختصاص یافته است.

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۰.



نمودار شماره ۶- سیر هدایتی سوره قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

• تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)

• سَلَّمَ هِيَ حَتَّى مَطَّلَعِ الْفَجْرِ (۵)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم. (آیه ۱)

ظاهر این آیه شریفه انزال کل قرآن در شب قدر است و تعبیر انزال نیز موید این معنی است، چون انزال به نزول دفعی اشعار دارد، چنانکه تنزیل به نزول تدریجی؛^۱ با توجه به آیه «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن» می‌توان فهمید که این شب در ماه مبارک رمضان است و بیش از این را باید از اخبار و روایات استفاده کرد؛^۲ خدا این شب را قدر نامید و ظاهر آن است که مراد از قدر، تقدیر است، بدین معنی که خدای متعالی در این شب حوادثی چون حیات و مرگ و رزق و سعادت و شقاء و ... را تا یک سال مقدر می‌کند؛^۳ از روایات استفاده می‌شود که این شب یک شب معین در سالی مشخص نبوده و هر سال تکرار می‌شود و یکی از سه شب نوزده و بیست و یک و بیست و سه ماه مبارک رمضان است.^۴

و از شب قدر، چه آگاهت کرد. (آیه ۲)

شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. (آیه ۳)

این آیه بیان اجمالی عظمت شب قدر است که در آیه قبل به آن اشاره شد و مراد برتری این شب از جهت فضیلت عبادت است.^۵

- در آن [شب] فرشتگان، و روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند؛ (آیه ۴)
- [آن شب] تا دم صبح، صلح و سلام است. (آیه ۵)

این دو آیه به منزله تفسیر آیه سوم هستند.^۶

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۰.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۳۳۱.

^۴ همان، ص ۳۳۴.

^۵ همان.

^۶ همان.

۲-۵-۳- تدبیر سوره مبارکه علق (کار در خانه)

۲-۳-۵-۱- شناسه سوره

نامها^۱

- علق: این واژه در دومین آیه این سوره به کار رفته است.
- اقرأ: این نام به مناسبت نخستین واژه سوره انتخاب شده است.
- قلم: این واژه نیز در آیه چهارم سوره استعمال شده است.

دانستیهای نزول: این سوره قطعا مکی است و سیاق آیات آن با قول به نزول یک باره آن ناسازگار

نیست.^۲

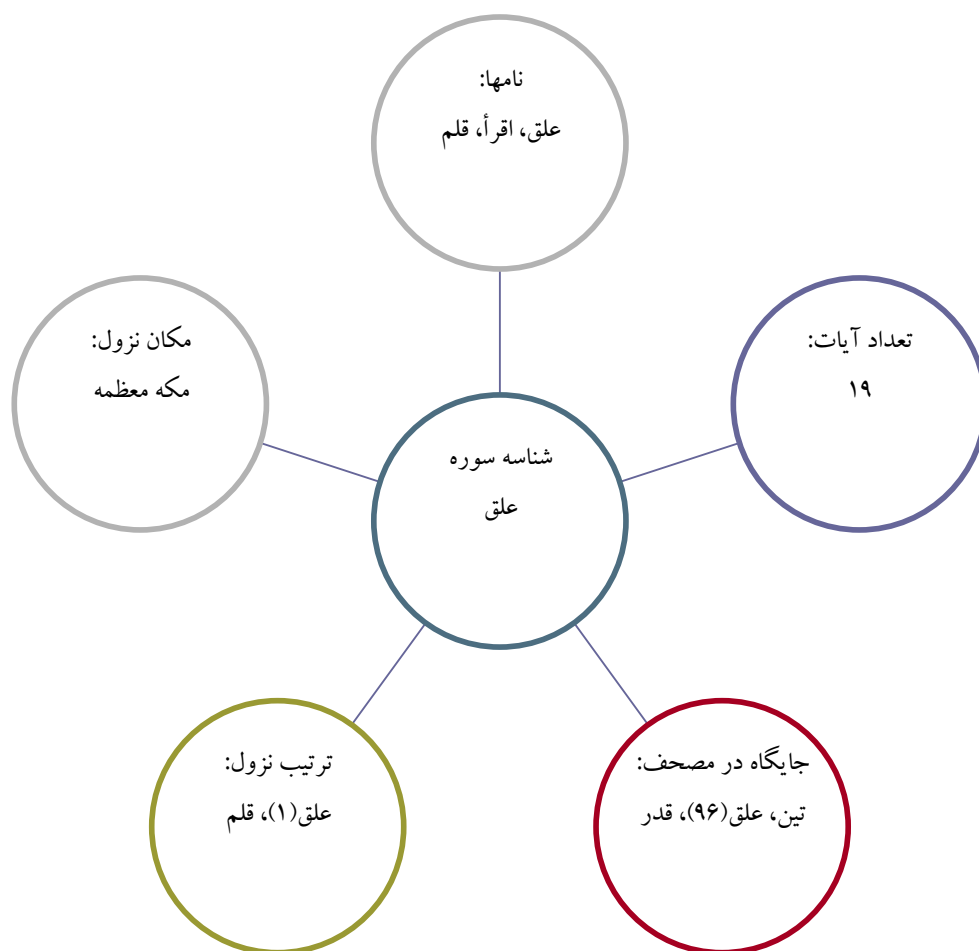
بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول این سوره مبارکه نخستین سوره فرود آمده از آسمان وحی است

که پس از آن سوره قلم نازل شده است؛^۳

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۰.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۲۲.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.



نمودار شماره ۴۷- شناسه سوره علق

۲-۵-۳-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

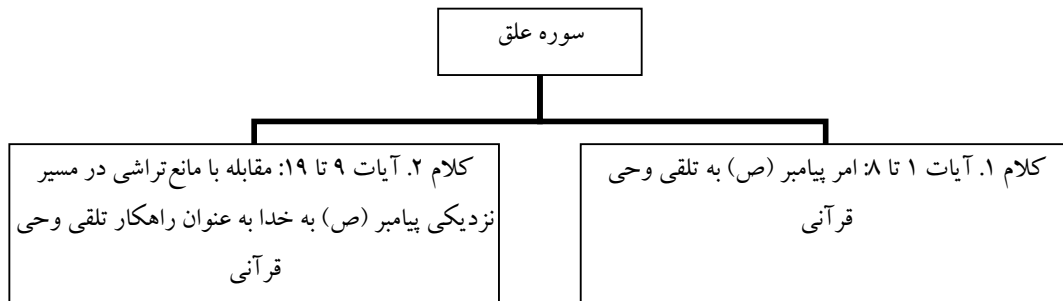
این سوره که آغازگر وحی قرآنی است، در گام نخست، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تلقی قرآن از طریق وحی امر می‌کند^۱ و در این زمینه به تقویت و تثبیت قلب شریف ایشان می‌پردازد. از سوی دیگر و به موازات این امر، انسانی را به تصویر می‌کشد که در مقابل نعمت خلق و تعلیم پروردگار، ناسپاسی کرده و طغیانگری می‌کند و در مسیر تقرب نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار می‌گیرد.

^۱ ر.ک. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۲۲.

سلم) به خدا مانع تراشی می کند و ضمن تهدید او به عذابی سخت، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را از تاجر در مقابل مانع تراشی های او نهی کرده و به سجود و نزدیکی به خدا امر می کند.

توجه به همراه کردن این دو رویکرد در این سوره مبارکه، نشان می دهد که تلقی وحی قرآنی از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جز با تقرب و نزدیکی آن حضرت به خدای سبحان حاصل نمی شود و کافران طغیان پیشه ای در این راه مانع تراشی می کنند و آن حضرت باید در مقابل ایشان ایستادگی کرده و تا می تواند با خضوع و خشوع خود را به خدای خود نزدیک گرداند و وحی قرآنی را از او تلقی کند و رسالت خود را انجام دهد. البته کافران طغیان پیشه مانع از عبادت رسول هم باید بدانند که عذابی سخت در انتظار ایشان است و بهتر است هرچه سریعتر از کار ناشایست خود دست بردارند.

بر این اساس می توان غرض این سوره مبارکه را اینگونه بیان کرد: «امر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به تلقی وحی قرآنی و مقابله با موانع تقرب ایشان به خدا، به عنوان شرط تلقی وحی»



نمودار شماره ۴۸- ساختار سوره علق

کلام ۱. امر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به تلقی وحی قرآنی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْاَكْرَمُ (۳)

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ (۶)

أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (۷)

إِنِّ إِلِيَّ رُجْعُكَ (۸)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (آیه ۱)

مراد از خواندن در این آیه، تلقی وحی قرآنی از فرشته وحی است و مراد از خواندن به نام پروردگار، آن است که خواندنت را با نام پروردگارت آغاز کن.^۱

گفتنی است عبارت «ربك الذی خلق» در این آیه اشاره به قصر ربوبیت در خدای خالق دارد که همان توحید ربوبی است و مقتضی توحید در عبادت هم هست، بر خلاف اعتقاد مشرکان که خدا را تنها خالق می دانستند و در ربوبیت شرک می ورزیدند.^۲

انسان را از علق آفرید. (آیه ۲)

علق خون منجمدی است که نطفه در رحم به آن تبدیل می شود؛ و این آیه به تدبیر الهی موجود در خلق انسان اشاره می کند، از آنجا که خون بسته ای بیش نبوده تا آنجا که انسانی تام و کامل، با صفات و افعال محیر العقول می شود و این جز با تدبیر متعاقب خدای متعالی اتفاق نمی افتد و این تدبیر همان خلق بعد از خلق است، پس خدای متعالی رب مدبر امر انسان است، به همان دلیل که خالق انسان است، پس انسان جز او را نباید رب خود بداند، پس این آیه نیز احتجاج بر توحید ربوبی است.^۳

بخوان، و پروردگارت تو کریمترین [کریمان] است. (آیه ۳)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۲۳.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۳۲۴.

این آیه برای بار دوم و به منظور تاکید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تلقی وحی قرآنی امر می‌کند.^۱

همان کس که به وسیله قلم آموخت. (آیه ۴)

این آیه در صدد تقویت نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ازاله اضطراب از ایشان است، چون ایشان در حالی امر به قرائت می‌شدند که امی و درس نخوانده بوده و کتابت و قرائت نمی‌دانستند. گویا به ایشان چنین گفته می‌شد: بخوان کتاب پروردگارت را که به تو وحی کرده است و نترس چون پروردگار تو کریم‌ترین کریمان است، او همان کسی است که انسان را به واسطه قلم، قرائت آموخت، پس او قادر است که قرائت کتاب خویش را به تو بیاموزد در حالی که تو درس نخوانده هستی و تو را به قرائت امر کرده است و اگر تو را بر خواندن قادر نمی‌کرد، به خواندن هم امر نمی‌کرد.^۲

آنچه را که انسان نمی‌دانست [بندریج به او] آموخت. (آیه ۵)

این آیه با تعمیم دادن نعمت مطرح شده در آیه قبل، سبب فزونی در تقویت قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.^۳

حقاً که انسان سرکشی می‌کند، (آیه ۶)

این آیه شریفه در مقابل محتوای آیات پیشین است، بدین معنی که خدای متعالی برترین نعمات را بر انسان ارزانی داشت و او را از نعمتهایی مانند تعلیم به قلم، تعلیم آنچه نمی‌دانست و تعلیم از طریق وحی بهره‌مند کرد، پس بر انسان است که خدا را به خاطر این نعمات شکر کند ولی او در مقابل این نعمات ناسپاسی کرده و طغیان می‌کند و این طبع انسان است.^۴

همین که خود را بی‌نیاز پندارد. (آیه ۷)

این آیه در مقام تعلیل نسبت به آیه قبل است، یعنی انسان طغیان می‌کند، چون خود را از پروردگار منعم بی‌نیاز می‌بیند، مشغول خود و اسبابی ظاهری است که از آنها برای رسیدن به اهدافش بهره می‌گیرد،

^۱ همان.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان، ص ۳۲۵.

در نتیجه از پروردگار خود غافل شده و احساس نیازی به او نمی کند که او را به ذکر خدا و شکر نعماتش وادار کند، پس او را فراموش می کند و طغیان می کند.^۱

در حقیقت، بازگشت به سوی پروردگار توست. (آیه ۸)

این آیه وعید و تهدید انسان کافر و ناسپاس است که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مطرح می شود.^۲

کلام ۲. مقابله با مانع تراشی در مسیر نزدیکی پیامبر (ص) به خدا به عنوان راهکار تلقی وحی قرآنی

أرءَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۹)

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰)

أرءَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (۱۱)

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (۱۲)

أرءَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳)

أَلَمْ يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴)

كَلَّا لَنْ لَمْ يَنْتَه لَنْسَفَعَا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶)

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷)

سَدْعُ الزَّبَانِيَةِ (۱۸)

كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹) «سجدة واجبة»

^۱ همان.

^۲ همان.

کلام گذشته از طغیان انسان در مقابل پروردگار سخن گفت و آیات این کلام به ذکر بعضی از مصادیق انسان طاغی پرداخته و با تصریح به عقاب، او را تهدید می کند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را از طاعت او نهی کرده و به عبادت خود امر می کند،^۱ چون تقرب به خدا راه تلقی وحی قرآنی است و آن حضرت باید با ایستادگی در مقابل مانع تراشی ها خود را با خشوع و خضوع به خدا نزدیک کند، تا به بهترین وجه وحی قرآنی را از آن منبع کبریایی تلقی کند.

آیا دیدی آن کس را که باز می داشت، (آیه ۹)

بنده ای را آنگاه که نماز می گزارد؟ (آیه ۱۰)

با توجه به آیات آخر که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را از اطاعت این بنده ناهی از نماز نهی می کند، می توان فهمید که مراد از بنده نماز گزار در این آیه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است.^۲

چه پنداری اگر او بر هدایت باشد، (آیه ۱۱)

یا به پرهیزگاری وادارد؟ (آیه ۱۲)

[و باز] آیا چه پنداری [که] اگر او به تکذیب پردازد و روی برگرداند [چه کیفری در پیش دارد]؟

(آیه ۱۳)

مگر ندانسته که خدا می بیند؟ (آیه ۱۴)

محصل معنی آیات ۹ تا ۱۴ اینچنین است:

به من خبر بده از کسی که بنده ای را به هنگام نماز و عبادت خدا نهی می کرد، اگر او بداند که خدا

عمل او را می بیند، چه حالی خواهد داشت؟

به من خبر بده که اگر آن عبد نماز گزار در مسیر هدایت باشد و آمر به تقوی و این ناهی بداند که

خدا می بیند، چه حالی خواهد داشت؟

^۱ همان.

^۲ همان.

به خبر بده آیا این ناهی با علم به دیدن خدا به تکذیب حق و روی برگرداندن از ایمان و نهی بنده

نماز گزار از عبادت و نماز می پردازد؟ آیا مستحق چیزی جز عذاب هست؟^۱

زنهار، اگر باز نایستد، موی پیشانی [او] را سخت بگیریم؛ (آیه ۱۵)

[همان] موی پیشانی دروغزن گناه پیشه را. (آیه ۱۶)

[بگو] تا گروه خود را بخواند. (آیه ۱۷)

بزودی آتشیانان را فرا خوانیم. (آیه ۱۸)

زنهار! فرمانش مبر، و سجده کن، و خود را [به خدا] نزدیک گردان. (آیه ۱۹)

یعنی در نهی از نماز فرمانش نبر.^۲

^۱ همان، ص ۳۲۶.

^۲ همان، ص ۳۲۷.

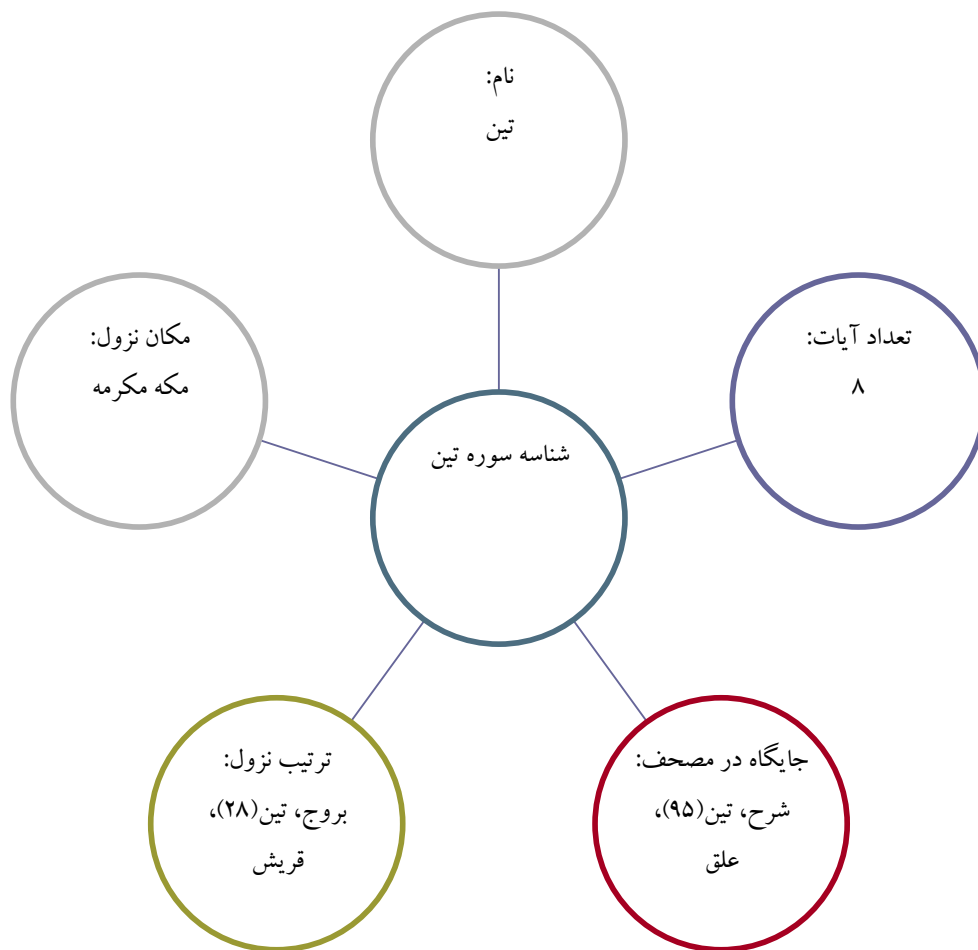
۲-۵-۴- تدبر سوره مبارکه تین (کار در خانه)

۲-۵-۴-۱- شناسه سوره

نام: تین: این واژه در نخستین آیه این سوره به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، بیست و هشتمین سوره فرود

آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره بروج و پس از آن سوره قریش نازل شده است؛^۱



نمودار شماره ۴۹- شناسه سوره تین

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۵-۴-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

علامه طباطبایی (ه) می‌فرماید: این سوره یادآور بعث و جزا است و برای اثبات ضرورت آن از این راه وارد می‌شود که خدای متعالی همه انسانها را در بهترین قوام آفریده است، اما بعضی بر فطرت اولیه خود باقی مانده و بعضی دیگر با انحطاط به اسفل السافلین از آن خارج شده‌اند و مقتضای حکمت ایجاب می‌کند که این دو طایفه به وسیله جزاء و مکافات از یکدیگر تمیز یابند.^۱

باید گفت که تعیین غرض این سوره با توجه به معنی آیه هفتم: «فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ» امکان‌پذیر است، زیرا این آیه شریفه آیه کانونی این سوره است (که البته همانند سوره زلزال در پایان سوره قرار دارد). برخی از مترجمان و مفسران این آیه را اینگونه معنی کرده‌اند: «پس چه چیز، تو را بعد [از این] به تکذیب جزا وامی‌دارد؟» در حالی که به نظر می‌رسد این معنی صحیح نباشد و بهتر است آیه این گونه تبیین شود: «پس چه کسی تو (پیامبر) را به سبب دین (روز جزا یا دین اسلام)، تکذیب می‌کند؟» دلایل صحت این معنی و اشکال معنی پیشین از این قرار است:

۱. ظاهر «يُكَذِّبُكَ» فعل و فاعل و مفعول است، به معنی تو را تکذیب می‌کند، نه تو را به تکذیب وا می‌دارد، خلاف معنی مذکور احتیاج به دلیل بین دارد و استعمالات قرآنی هم آن را تایید نمی‌کند.

۲. سیاق سوره می‌فهماند که در این آیه سخن از تکذیب کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است نه تکذیب روز جزا، چون همه قسمهای صدر سوره مربوط به سرزمین‌های وحی است و به تبع آن آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» نیز نیز بدین معنی خواهد بود که ما انسان را به بهترین قوام آفریده‌ایم به گونه‌ای که فطرت او با پذیرش وحی و رسالت سازگار است... بنابراین «فَمَا

^۱ ر.ک. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۱۸.

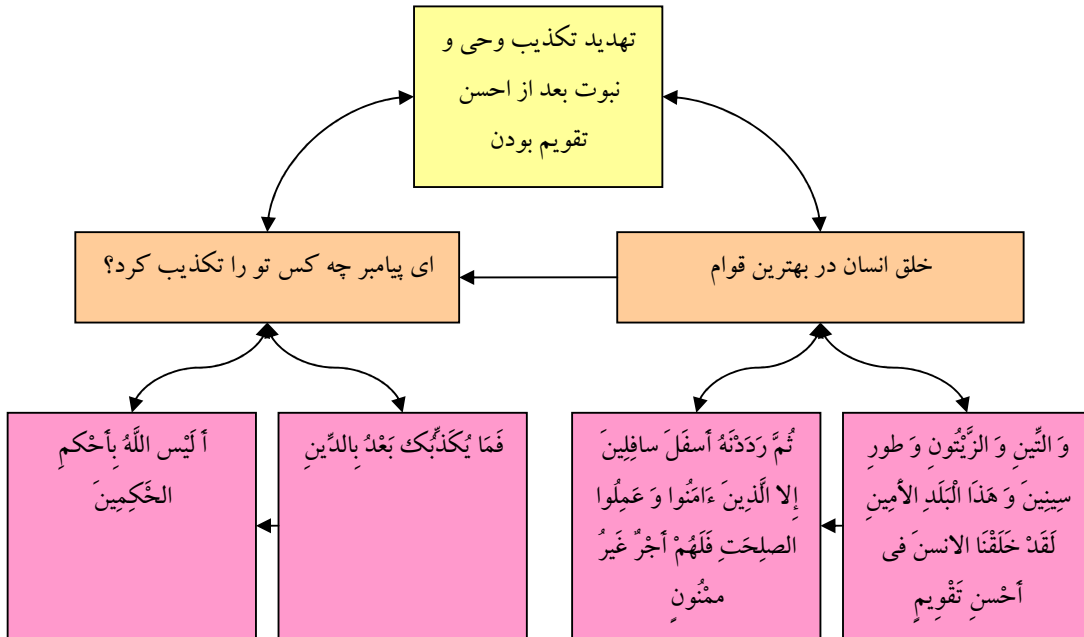
يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ» بدین معنی خواهد بود که با وجود احسن تقویم بودن چه کسانی تو را به سبب دین تکذیب می کنند.

۳. سوره های قبل، یعنی ضحی و شرح و سوره بعد، یعنی علق هم درباره پیامبر گرامی اسلام است و قرار گرفتن این سوره در میان آنها حکایت از هم گرایی این سوره با آن سوره ها می کند و این خود قرینه ای است بر اینکه از میان دو وجه گفته شده، وجه مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تقویت شود.

۴. اگر گفته شود که «ما»ی موصوله برای غیر ذوی العقول به کار می رود، جواب این است که «ما» موصوله در قرآن کریم سه کاربرد دارد: ۱. غیر ذوی العقول: «إِلا ما اضطررتم إليه» ۲. ذوی العقول: «و السماء و ما بناها» و ... ۳. اعم از ذوی العقول و غیر ذوی العقول: «سبح لله ما فی السماوات و الأرض» و ...

اینک با توجه به این مقدمات، غرض و سیر هدایتی سوره بیان می شود: این سوره مبارکه پس از چند سوگند به سرزمین های وحی و رسالت، چنین بیان می دارد که خدای سبحان همه انسانها را بر بهترین قوام آفریده است و اقتضای این خلقت، پذیرش وحی و رسالت و صعود به مقامات عالییه انسانی است، اما واقعیت این است که جز مومنان اهل عمل صالح دیگران از مدار فطرت مستقیم انسانی خارج شده و به پست ترین درکات خسران سقوط می کنند، پس ای رسول ما چه کس تو را به سبب دین تکذیب می کند؟ آیا خدا احکم الحاکمین نیست؟

با توجه به این توضیح غرض این سوره را می توان بدین بیان مطرح کرد: «تهدید تکذیب وحی و نبوت بعد از احسن تقویم بودن»



نمودار شماره ۵۰- سیر هدایتی سوره تین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَالتِّينِ
 - وَالزَّيْتُونِ (۱)
 - وَطورِ سِينِينَ (۲)
 - وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)
- لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)
- ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)
- إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
- فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)
- فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ (۷)
- أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَكَمِينَ (۸)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- سوگند به تین
- و زیتون، (آیه ۱)

در اینکه مراد از تین و زیتون، دو میوه انجیر و زیتون است یا مراد دو کوهی است که بر اولی دمشق و بر دومی بیت المقدس قرار دارد یا مراد دو درخت است، اختلاف نظر وجود دارد^۱ ولی ظهور آیه اقتضا می کند که مراد، دو درخت تین و زیتون باشد؛ و هماهنگی با دو قسم بعدی (طور سینا و مکه) که هر دو از بلاد انبیا است، اقتضا می کند که مراد از این دو درخت نیز، درختان سرزمین هایی باشند که از موطن نزول وحی بوده اند.

- و طور سینا، (آیه ۲)

طور سینین یا طور سینا، کوهی است که در آن خدا با موسی (علیه السلام) سخن گفت.^۲

- و این شهر امن [و امان]، (آیه ۳)

یعنی مکه مکرمه که حرم امن الهی است.^۳

[که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. (آیه ۴)

سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم؛ (آیه ۵)

یعنی او را در پایین ترین درجات اهل شقاوت و خسران و عذاب قرار دادیم.^۴

مگر کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند،

که پاداشی نامقطوع خواهند داشت. (آیه ۶)

پس چه کس، تو را بعد [از این] تکذیب می کند؟ (آیه ۷)^۵

آیا خدا نیکوترین داوران نیست؟ (آیه ۸)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۱۹.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان، ص ۳۲۰.

^۵ معنی این آیه با توجه به توضیحاتی که ذیل بحث غرض و سیر هدایتی درج شد، بیان شده است.

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه ششم، شاگردان خود را بر اساس پرسش‌های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. آیات سوره مبارکه بینه به چند کلام تقسیم می‌شود؟ چرا؟
۲. غرض سوره مبارکه بینه چیست؟
۳. غرض سوره مبارکه بینه چگونه به دست می‌آید؟
۴. تفاوت مطلب و کلام چیست؟
۵. غرض سوره قدر چیست؟
۶. نحوه دست‌یابی به غرض سوره مبارکه قدر را توضیح دهید؟

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته‌های خود، سوره‌های علق و تین را تدبر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.
مربی گرامی می‌تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع‌آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه‌ای فوق‌العاده ارائه دهد.
۲. تدبر سوره‌های ضحی و شمس را در المیزان مطالعه و در گروه‌های تدبر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.
با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبر این سوره‌ها ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه ششم، جمع‌آوری و بررسی کند و در تدریس تدبر این سوره‌ها مورد توجه قرار دهد.

۲-۶- درس ششم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

۱. آشنایی با چگونگی کشف غرض، با توجه به فضای آیات، در سوره ضحی؛ و توانایی نسبی

استفاده از این فرمول در موارد مشابه؛

انس با سوره مبارکه ضحی که در صدد ایجاد امید و نشاط برای کار در راه خدا است.

۲. شناخت نحوه کشف غرض با تشخیص کلام اصلی و توجه به کلام فرعی، در سوره شمس؛

و توانایی نسبی استفاده از این فرمول در موارد مشابه؛

انس با سوره مبارکه شمس که در مقام بازسازی از طغیانگری و دس نفس است.

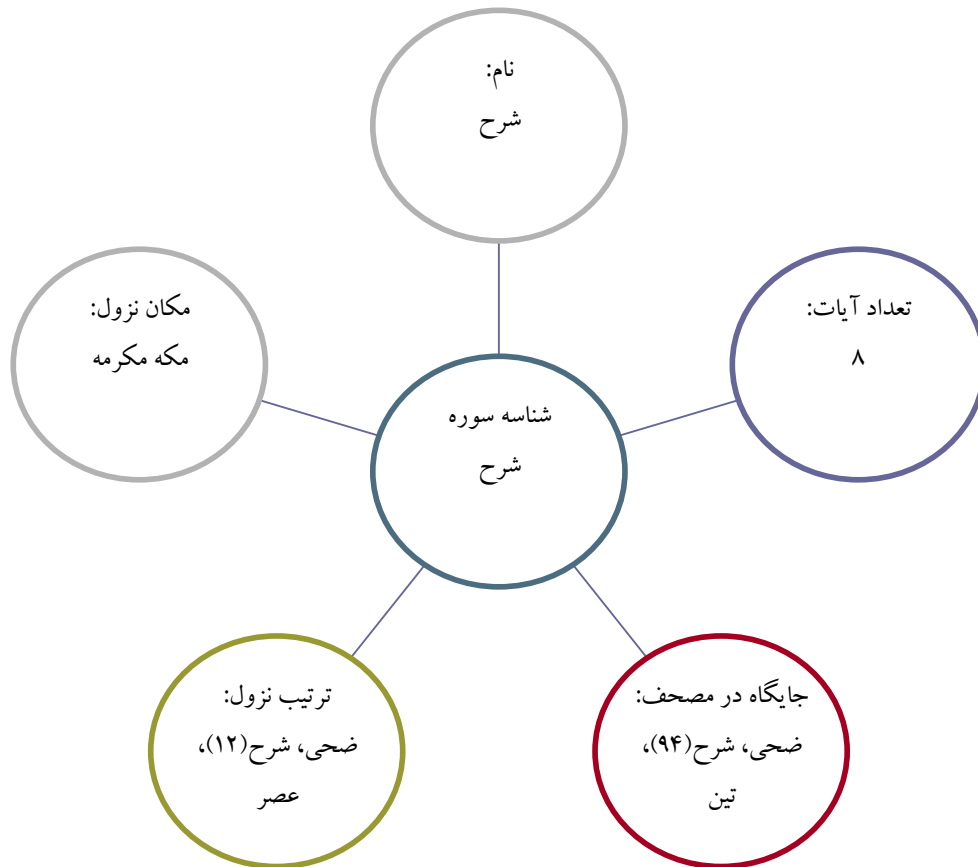
۲-۶-۱- تدبر سوره مبارکه شرح (کار در خانه)

۲-۶-۱-۱- شناسه سوره

نامها

- شرح: این واژه مصدر «ألم نشرح» در نخستین آیه این سوره است.
- ألم نشرح: که نخستین واژه در اولین آیه سوره است.

دانستنیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، دوازدهمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره ضحی و پس از آن سوره عصر نازل شده است؛^۱



نمودار شماره ۵۱- شناسه سوره شرح

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۶-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره با مقدمه امتنان به نعمات، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به طاعت و رو آوردن مشتاقانه به سوی خدا امر می کند؛^۱ و با یادآوری کامیابی های گذشته رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در راه دعوت و رسالت، همه آنها را محصول سنت الهی «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» دانسته و با تاکید بر جریان دائمی این سنت: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»، ایشان را به تلاش و پرکاری در مسیر حق دعوت می کند.

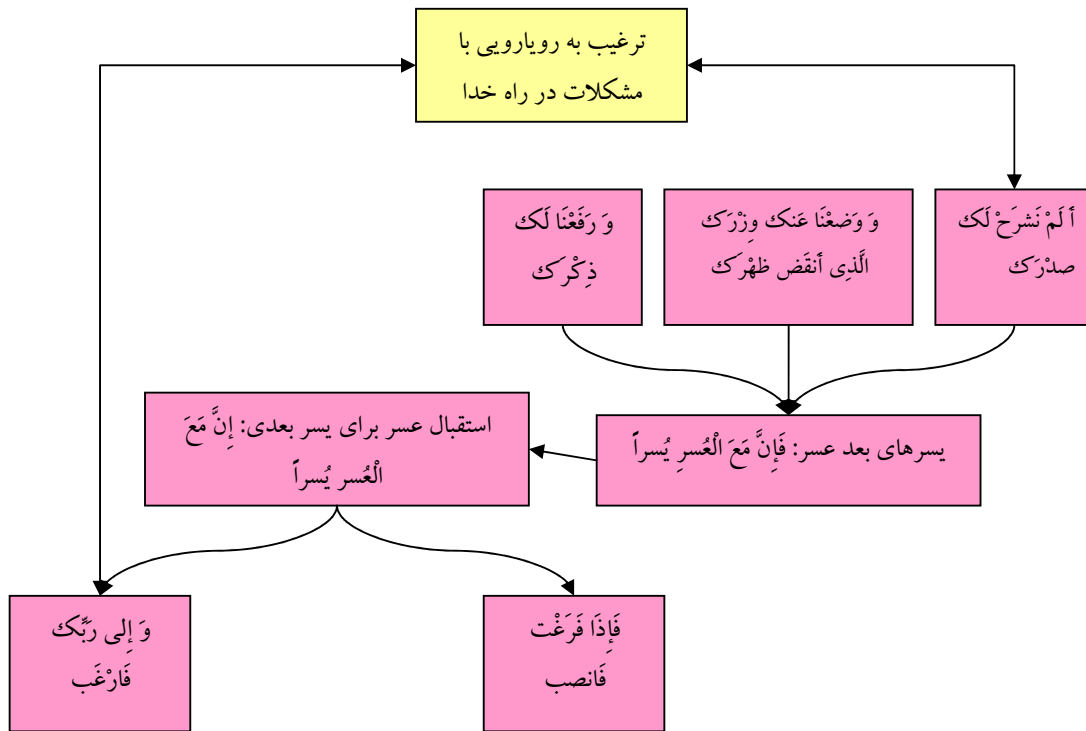
غرض این سوره را می توان اینگونه بیان کرد: «توغیب به رویارویی با مشکلات در راه خدا» آری این درسی برای همه انسانها است که اگر از سختیهای راه بترسند و در راه خدا قدم نگذارند، حرکتی نخواهند کرد و محکوم به رکود و عقب گرد هستند، اما اگر به سنت خدایی «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» ایمان داشته باشند، با توکل بر خدا در طاعت و حرکت مشتاقانه خواهند کوشید و با یاری خدا به مقصد خواهند رسید.

۲-۶-۱-۳- نکات آموزشی:

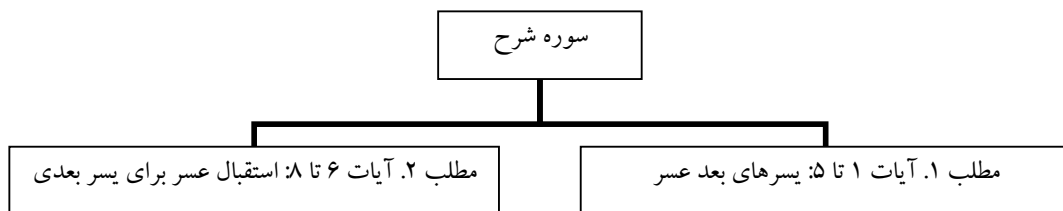
۱. در پایان این سوره مبارکه، به غرض آن تصریح شده است. قرآن آموز باید توجه داشته باشد که تکرار «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» در این سوره، نشانه مبنایی بودن آن در محتوای سوره هست، اما قرینه غرض بودن آن نیست و کاملاً روشن است که سوره مبارکه از این مبنا به عنوان مقدمه استفاده کرده است تا به غرض خود در آیات ۷ و ۸ تصریح کند.
۲. این سوره به دو مطلب قابل تقسیم است. در تشخیص مطالب این سوره، نکته قابل توجهی هست که مرییان محترم می توانند آموزش دهند و آن اینکه در تکرارها تا جایی که ممکن است بنا را بر تاسیس بگذاریم نه تاکید، به عبارت دیگر اصل بر تاسیس معنی جدید است نه تاکید معنی گذشته؛ البته تاسیس معنی جدید گاهی تنها با توجه به حیثیتی دیگر از مطلب پیشین تامین می شود و در این موارد، تکرار افزون بر تاسیس، مفید تاکید هم هست. حال در این سوره مبارکه آیه ششم را تاسیس

^۱ ر.ک. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۱۳.

بدانیم یا تاکید؟ اگر این آیه را تاکید بدانیم، این سوره به دو مطلب تقسیم نخواهد شد، اما اگر به بیانی که در شرح سوره گذشت، آن را تاسیس حیثیتی جدید از معنی بدانیم (که درست هم همین است)، سرآغاز مطلبی جدید خواهد بود، بدین بیان: مطلب ۱: ای رسول ما! موفقیت‌هایی که تا کنون داشته‌ای محصول سنت «فَإِنْ مَعَ الْعَسْرِ يَسِرًا» بوده است. مطلب ۲: این سنت همچنان جریان دارد: «إِنْ مَعَ الْعَسْرِ يَسِرًا» و باز هم موفقیت‌های تو در گرو آن است، پس «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ». همانطور که مشاهده می‌شود این نگاه افزون بر اینکه حیثیت جدیدی از آیه تکرار شده را نشان می‌دهد، تاکید هم هست.



نمودار شماره ۵۲- سیر هدایتی سوره شرح



نمودار شماره ۵۳- ساختار سوره شرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱)

• وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲)

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳)

• وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷)

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

مطلب ۱. آیات ۱ تا ۵: بسرهای بعد عسر:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

• آیا برای تو سینهات را نگشاده‌ایم؟ (آیه ۱)

یعنی آیا دل تو را برای دریافت وحی و تبلیغ آن و تحمل سختیها و مکاره راه خدا، با نور الهی و سکینه و روحی از جانب خدا، وسعت نبخشدیم و نفس مقدس تو را به طور تام و تمام مستعد قبول افاضات الهی نگردانیدیم؟^۱

• و بار گرانت را از [دوش] تو برنداشتیم؟ (آیه ۲)

[باری] که [گویی] پشت تو را شکست. (آیه ۳)

با توجه به سیاق مراد از برداشتن بار گران از دوش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، پیش‌برد دعوت او به سوی خدا و به نتیجه رساندن مجاهدت او در راه خداست، چون رسالت و دعوت به سوی خدا و مسائل متعاقب آن باری سنگین بر دوش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود.^۱

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۱۴.

• و نامت را برای تو بلند گردانیدیم. (آیه ۴)

یعنی نام تو را از نام دیگران بلند آوازه تر کردیم.

از مصادیق رفع ذکر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به دست خدا، همراه کردن اسم او با اسم خدا در شهادتینی است که اساس دین خدا است و بر هر مومنی واجب است که آن را در نمازهای پنجگانه یومیه، بارها تکرار کند.^۲

پس [بدان که] با دشواری، آسانی است. (آیه ۵)

این آیه تعلیل آیات گذشته‌ای است که از وضع وزر و رفع ذکر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن می‌گفت. تکلیف رسالت و دعوت مردم به سوی خدا سنگینترین امری است که حمل آن بر دوش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و کار بر ایشان سخت بود. از سوی دیگر تکذیب دعوت و تحقیر آن حضرت از جانب قوم و تلاش آنها برای پاک کردن نام و مرام ایشان نیز کار را سخت تر کرده بود، اما خدای متعالی سختی حمل بار رسالت را با موفق ساختن مردم به پذیرش دعوت مرتفع ساخت و به رغم تلاش دشمنان، نام و یاد آن حضرت را بلند آوازه کرد و این به خاطر جریان این سنت خدا است که پس از سختی و دشواری، آسانی است.^۳

مطلب ۲. آیات ۶ تا ۸: استقبال عسر برای یسر بعدی:

آری، با دشواری، آسانی است. (آیه ۶)

در دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، این آیه به منظور تاکید و تثبیت تکرار شده است، اما برخی آن را مستانفه دانسته‌اند.^۴ در صورت اول ربط این آیه با ماقبل روشن است، اما در صورت دوم، ارتباط مفهوم به این صورت است: ای پیامبر به یادآور که خدای متعالی در گذشته برای دریافت وحی به تو سینه‌ای فراخ

^۱ همان، ص ۳۱۵.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان، ص ۳۱۶.

عنایت کرد و سنگینی بار رسالت را از دوش تو برداشت و نام تو را به رغم دشمنی‌ها، بلندآوازه ساخت و این همه به خاطر این سنت جاریه خدا بود که «فَإِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»، اینک نیز بدان که این سنت همچنان جاری است: «إِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»، پس از هر کاری که در راه او فراغت یافتی، کاری دیگر در مسیر او آغاز کن و از سختیهای راه مترس.

پس چون فراغت یافتی، به طاعت درکوش؛ (آیه ۷)

و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور. (آیه ۸)

یعنی حال که چنین است و پس از سختی، آسانی است و زمام سختیها و آسانیها تنها در دست خدا است، پس هرگاه که از تکلیفی فارغ شدی خود را در راه خدا به سختی بیانداز و مشتاقانه در راه او بکوش تا او بر تو منت گذارد و خستگی تو را به راحتی و سختی تو را به آسانی تبدیل کند.^۱

^۱ همان، ص ۳۱۷.

۲-۶-۲- تدبر سوره مبارکه ضحی (متن درسی)

۲-۶-۲-۱- شناسه سوره

نام: ضحی: این واژه به معنی روز روشن است و در نخستین آیه این سوره به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، یازدهمین سوره فرود آمده

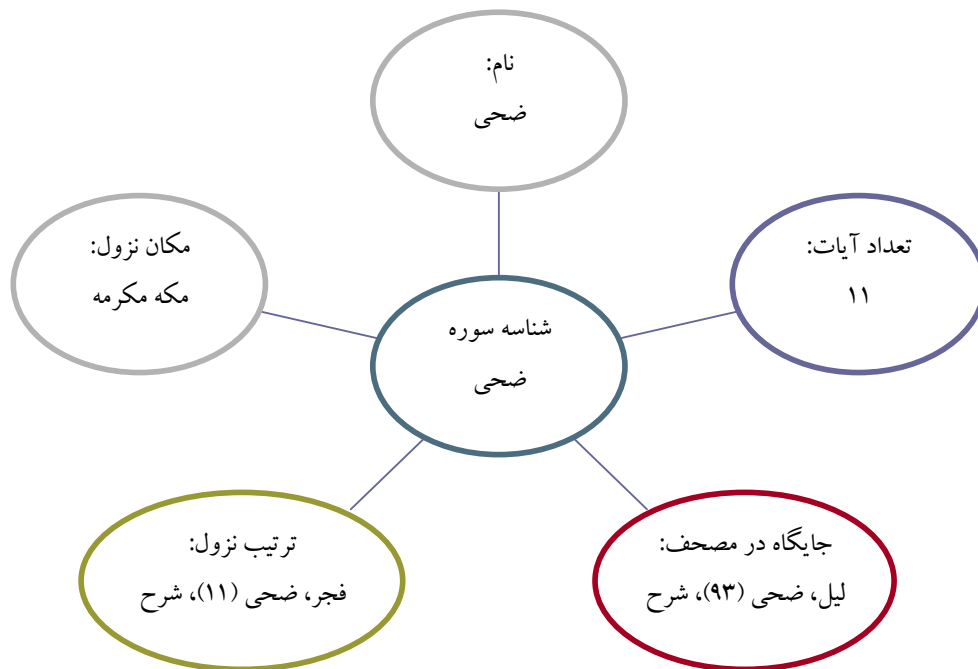
از آسمان وحی است که پیش از آن سوره فجر و پس از آن سوره شرح نازل شده است؛^۱

طبق بعضی از روایات این سوره زمانی نازل شد که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اثر تاخیر و

انقطاع موقت وحی ناراحت بود و زبان دشمنان نیز باز شده بود، سوره نازل شد و همچون باران رحمتی بر

قلب پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نشست و تاب و توان تازه‌ای به او بخشید و زبان بدگویان را قطع

کرد.^۲



نمودار شماره ۵۴- شناسه سوره ضحی

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

^۲ تفسیر نمونه، ص ۹۲ و ۹۵.

۲-۶-۲-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

روایت شده است که چند روزی وحی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قطع شد، تا جایی که دشمنان گفتند پروردگارش او را رها کرده است، پس این سوره نازل شد و کدورت و ناراحتی را از نفس شریف آن حضرت زدود. این سوره مبارکه بیانگر دوام لطف خدا به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است و برای همیشه هر زمزمه‌ای را که از توهم انقطاع لطف خدا به آن حضرت سرچشمه بگیرد، خاموش می‌کند و بدین ترتیب در صدد «ایجاد امید و نشاط برای کار در راه خدا» است.

سوره مبارکه این غرض را بدین صورت تامین می‌کند که ای پیامبر:

- در حال حاضر خدا تو را رها نکرده و بر تو خشم نگرفته است.
 - در آینده وضعیت بهتری در پیش خواهی داشت و خدا آنقدر به تو عطا خواهد کرد که راضی شوی.
 - در گذشته نیز خدا بوده که تو را از فقر شخصیتی (یتیم بودن)، هدایتی (ضال بودن) و مالی (عائل بودن) رها کرده است و اینک تو نیز در گفتار و رفتار به شکرانه این نعمت بکوش، یتیم را مران و در حفظ شخصیت او تلاش کن، سائل هدایت یا مال را دریاب و از درگاه خود طرد مکن و نعمات پروردگارت را بر مردم بخوان.
- گفتنی است که سطحی از این غرض شامل حال همه انسانهاست و همگان باید به الطاف خدا نسبت خود متوجه بوده و در گفتار و رفتار شکر گزار او باشند که این امر به دوام لطف خدا خواهد انجامید.

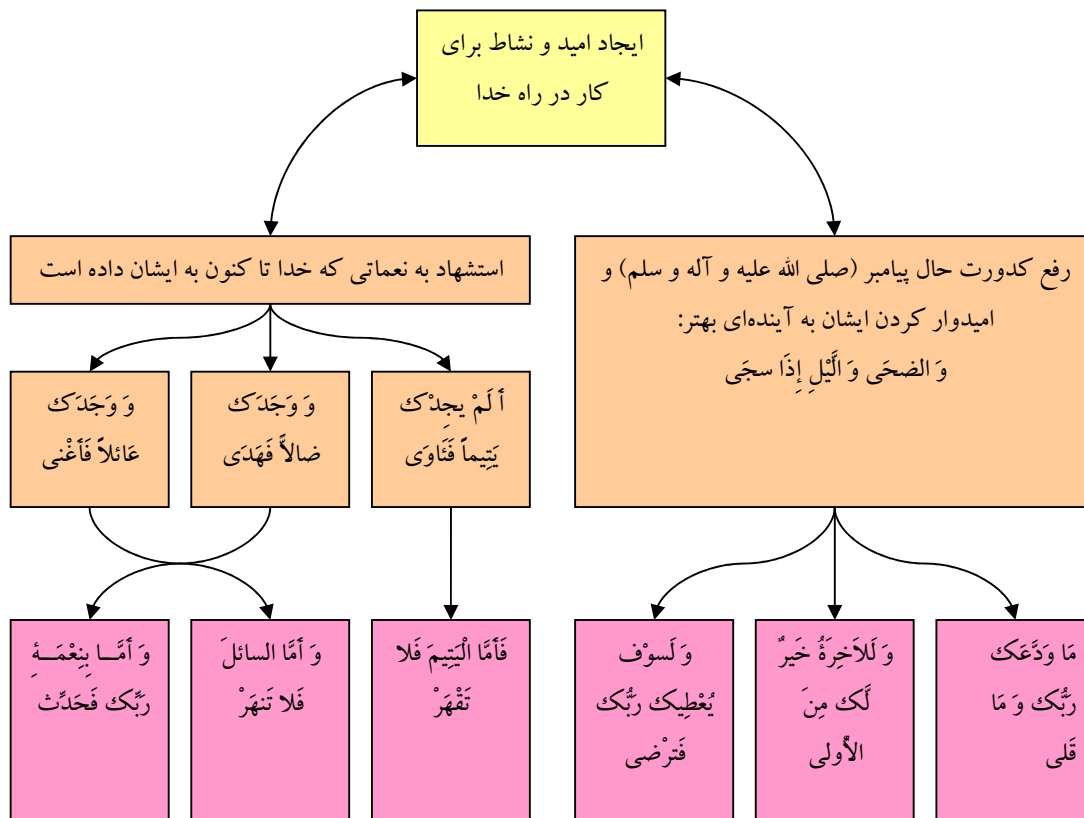
۲-۶-۲-۳- نکات آموزشی:

۱. همانطور که مشخص شد فضای نزول سوره مبارکه ضحی حزن و دلگیری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از انقطاع وحی دانسته شد، اما هیچ یک از آیات سوره با الفاظ و ظواهرش مبین دلگیری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نبود و از لوازم و فضای ترسیمی محتوای آیات می‌توان به

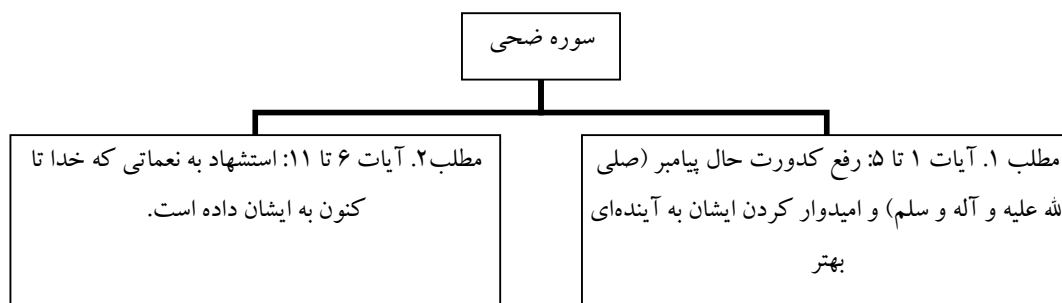
^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۱۰.

این مسئله پی برد و به دنبال آن غرض را کشف نمود، بدین بیان: آیه سوم، افزون بر اینکه بیانگر عدم انقطاع لطف خدای متعالی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، می فهماند که ایشان بنا به دلایلی (مانند تاخیر در نزول وحی، بنا بر آنچه در روایات آمده است) غمگین و دل گرفته بودند و از این رو خدای سبحان به ایشان می فرماید که پروردگار تو با تو وداع نکرده و بر تو خشم نگرفته است. آیات ۴ و ۵ به ایشان می فرماید که آینده برای تو بهتر خواهد بود، یعنی تو در مسیری هستی که به همیشه و هر آن به سمت خیر بیشتر حرکت می کنی و آیات بعد نعمات گذشته را به ایشان یادآوری می کند و در نهایت آیات انتهایی شکر آن نعمات را از ایشان مطالبه می کند. مجموعه این سخنان ترسیم گر فضایی است که نشان می دهد سوره مبارکه به خاطر ایجاد امید و نشاط برای کار در راه خدا نازل شده است.

۲. برای تبیین نحوه تشخیص و تفکیک مطالب سوره نیز این یادآوری مفید است: مطالب این سوره همانند سوره عادیات تشخیص داده می شود. آیات ۱ تا ۵ قسم و جواب قسم است و آیه ۶ آغاز محتوایی خارج از این چارچوب است.



نمودار شماره ۵۵- سیر هدایتی سوره ضحی



نمودار شماره ۵۶- ساختار سوره ضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَالضَّحَىٰ (۱)
- وَالْأَيْلِ إِذَا سَجَىٰ (۲)
- مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۳)

○ وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى (۴)

○ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵)

• أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَتَّوَّأَى (۶)

• وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (۷)

• وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى (۸)

○ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹)

○ وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)

○ وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

مطلب ۱. آیات ۱ تا ۵: رفع کدورت حال پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیدوار کردن ایشان به آینده‌ای بهتر:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

• سوگند به روشنایی روز، (آیه ۱)

• سوگند به شب چون آرام گیرد، (آیه ۲)

مراد از آرام گرفتن شب زمانی است که تاریکی آن همه جا را فرا گیرد، چنانکه مراد از ضحی،

هنگام ظهر، یعنی روشن‌ترین زمان روز است.^۱

○ [که] پروردگارت تو را وانگذاشته، و دشمن نداشته است. (آیه ۳)

مناسبت سوگند و جواب آن روشن است، جریان وحی متناسب با سوگند به روشنایی روز و انقطاع

وحی متناسب با سوگند به تاریکی شب است.^۲

○ و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود. (آیه ۴)

^۱ همان.

^۲ همان.

آیه گذشته فرمود که ای پیامبر نه تنها تو همچنان در همان جایگاه کرامت و عنایت الهی هستی، بلکه حیات آخرت برای تو از حیات دنیا هم بهتر خواهد بود؛^۱ یا آینده برای تو از گذشته هم بهتر خواهد بود، چون آخرت را می توان به آینده هم معنی کرد.

○ **و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد کرد، تا خرسند گردی. (آیه ۵)**

این آیه شریفه تقریر و تثبیت آیه گذشته است و وعده ای به عطای مطلق خدا و به دنبال آن رضای مطلق رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.^۲

مطلب ۲. آیات ۶ تا ۱۱: استشهاد به نعماتی که خدا تا کنون به ایشان داده است:

• **مگر نه تو را یتیم یافت، پس پناه داد؟ (آیه ۶)**

پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زمانی از دنیا رفت که ایشان در بطن مادر بودند، مادرشان به هنگام دوسالگی او دار فانی را وداع گفت و پدر بزرگش کفالت او را به عهده گرفت، اما او نیز در هشت سالگی آن حضرت رخت سفر بربست و از دنیا رفت و عمویشان کفالت او را بر عهده گرفت.^۳

• **و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد؟ (آیه ۷)**

مراد از هدایت در این آیه شریفه، نزول وحی است.

علامه طباطبایی (ره) آیه را اینگونه معنی کرده اند: یعنی با قطع نظر از هدایت الهی تو گمراه بودی، چون هیچ کس جز با هدایت الهی از گمراهی رها نیست؛ و این با هدایت یافتگی آن حضرت از بدو تولد منافاتی ندارد.^۴

• **و تو را تنگدست یافت و بی نیاز گردانید؟ (آیه ۸)**

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فقیر تهی دست بودند و خدا ایشان را بس از ازدواج با خدیجه (سلام الله علیها) غنی ساخت.^۱

^۱ همان.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان.

○ و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار، (آیه ۹)

یعنی یتیم را خوار نکن.^۲

○ و گدا را مَران، (آیه ۱۰)

یعنی با غلظت و سختی مران.^۳

○ و نعمت پروردگار خویش را بر زبان آر. (آیه ۱۱)

گفتنی است این فرمانها به همه مردم مربوط است هرچند که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صادر شده است.

آیات ۹ تا ۱۱ متفرع بر آیات ۶ تا ۸ است، بدین بیان: ای پیامبر ذلت و انکسار یتیم را درک کرده‌ای، پس یتیم را از حیث شخصیتی و مالی خوار نگردان؛ سختی نیاز فقیر به ثروت را درک کرده‌ای پس سائلی را که از تو هدایت یا مال طلب می‌کند به سختی مران؛ و دانستی که خدا با جود و کرم و رحمتش تو را با وحی هدایت کرده و از ضلالت نجات بخشیده است، پس قرآن او را تحدیث کن و در هدایت مردم بکوش.

آیات ۹ تا ۱۱ متفرع بر آیات ۶ تا ۸ است، بدین بیان: ای پیامبر ذلت و انکسار یتیم را درک کرده‌ای، پس یتیم را از حیث شخصیتی و مالی خوار نگردان؛ سختی نیاز فقیر به ثروت را درک کرده‌ای پس سائلی را که از تو هدایت یا مال طلب می‌کند به سختی مران؛ و دانستی که خدا با جود و کرم و رحمتش تو را با وحی هدایت کرده و از ضلالت نجات بخشیده است، پس قرآن او را تحدیث کن و در هدایت مردم بکوش.

^۱ همان، ص ۳۱۱.

^۲ همان.

^۳ همان.

۲-۶-۳- تدبیر سوره مبارکه لیل (کار در خانه)

۲-۶-۳-۱- شناسه سوره

نام: لیل: این واژه به معنی شب است و در نخستین آیه این سوره به آن سوگند یاد شده است.

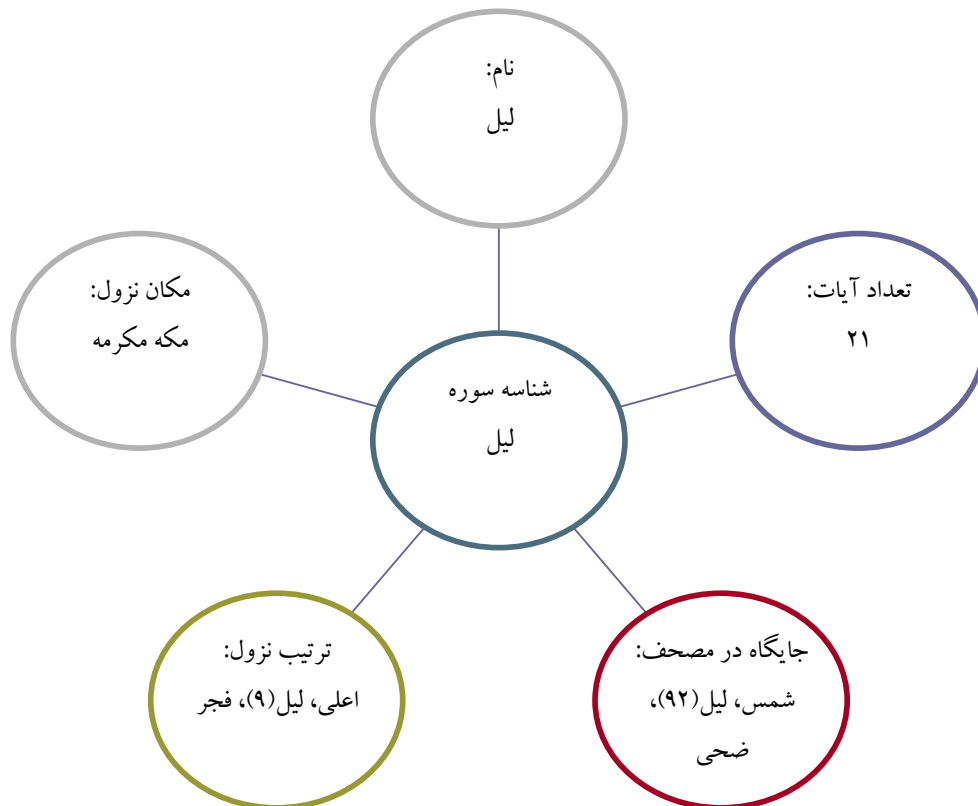
دانستیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، نهمین سوره فرود آمده از

آسمان وحی است که پیش از آن سوره اعلی و پس از آن سوره فجر نازل شده است؛^۱

برخی از مفسران شان نزول این سوره مبارکه را به نقل از مجمع البیان چنین نوشته‌اند: مردی در میان مسلمانان بود که شاخه یکی از درختان خرما را بالای خانه مرد فقیر عیالمندی قرار گرفته بود، هنگامی که صاحب نخل بالای درخت می‌رفت تا خرماها را بچیند، گاهی چند خرما در خانه مرد فقیر می‌افتاد و کودکانش آن را برمی‌داشتند، آن مرد از نخل فرود می‌آمد و خرما را از دستشان می‌گرفت (و آنقدر بخیل و سنگدل بود که) اگر خرما را در دهان یکی از آنها می‌دید انگشتش را در داخل دهان او می‌کرد تا خرما را بیرون آورد! مرد فقیر به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شکایت آورد، آن حضرت فرمود: برو تا به کارت رسیدگی کنم. سپس صاحب نخل را ملاقات کرد و فرمود: این درختی که شاخه‌هایش بالای خانه فلانی آمده است به من می‌دهی تا در مقابل آن نخلی در بهشت از آن تو باشد، مرد گفت: من درختان نخل بسیاری دارم و خرما می‌چکدام به خوبی این درخت نیست (و حاضر به چنین معامله‌ای نیستم). کسی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این سخن را شنید، عرض کرد: ای رسول خدا! اگر من بروم و این درخت را از این مرد خریداری و واگذار کنم، شما همان چیزی را که به او می‌دادید به من عطا خواهی کرد؟ فرمود: آری. آن مرد رفت و صاحب نخل را دید و با او گفتگو کرد، صاحب نخل گفت: آیا می‌دانی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حاضر شد در مقابل این نخل نخلی در بهشت به من بدهد (و من نپذیرفتم) و گفتم من از خرما این بسیار لذت می‌برم و نخل فراوان دارم و هیچکدام خرمايش به این خوبی نیست. خریدار گفت: آیا می‌خواهی آن را بفروشی یا نه؟ گفت:

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

نمی‌فروشم مگر آنکه مبلغی را که گمان نمی‌کنم کسی بدهد به من بدهی گفت چه مبلغی؟ گفت چهل نخل. خریدار تعجب کرد و گفت برای نخلی که کج شده است عجب بهای سنگینی مطالبه می‌کنی، چهل نخل! سپس بعد از کمی سکوت گفت: بسیار خوب، چهل نخل به تو می‌دهم. فروشنده (طمعکار) گفت اگر راست می‌گوئی چند نفر را به عنوان شهود بطلب! اتفاقاً گروهی از آنجا می‌گذشتند آنها را صدا زد و بر این معامله شاهد گرفت. سپس خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد ای رسول خدا! نخل به ملک من در آمد و تقدیم (محضر مبارکتان) می‌کنم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سراغ خانواده فقیر رفت و به صاحب خانه گفت این نخل از آن تو و فرزندان تو است. اینجا بود که سوره و اللیل نازل شد (و گفتنی‌ها را در باره بخیلان و سخاوت‌مندان گفت).^۱



نمودار شماره ۵۷- شناسه سوره لیل

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۶۸.

۲-۶-۳-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) غرض این سوره انذار است، از این رهگذر که به اختلاف سعی و تلاش مردم اشاره می‌کند و می‌فهماند که برخی از انسانها اهل انفاق و تقوا و تصدیق پاداش اخروی هستند و خدا آنان را برای حیات سعادت‌مند ابدی آماده می‌کند و برخی از ایشان اهل بخل و استغناء از روی ثروت‌اندوزی و تکذیب پاداش اخروی هستند و خدا ایشان را به بدعاقبتی گرفتار می‌کند؛ و این سوره اهتمام و عنایت ویژه‌ای به انفاق مالی دارد.^۱

توضیح: بر اساس آیات این سوره مبارکه، مشی انسانها در زندگی متفاوت است، برخی از ایشان اهل انفاق متقیانه بوده و به پاداش اخروی ایمان دارند، یعنی در یک کلام اهل ایمان به خدا و رسول و قیامت‌اند و در راه خدا از مال دنیا انفاق می‌کنند و برخی دیگر اهل بخل و ثروت‌اندوزی و احساس بی‌نیازی از خدای‌اند و به پاداش روز جزا ایمانی ندارند و باز در یک کلام اهل کفر و تکذیبند و حاضر نیستند که در راه خدا از مال دنیا انفاق کنند؛ خدای سبحان به تناسب تفاوت اعتقاد و عملکرد این دو گروه، آنان را به عواقبی متفاوت وعده می‌دهد؛ گروه نخست را به آسان‌سازی پیمودن راه سعادت بر ایشان وعده می‌دهد و گروه دوم را به آسان‌سازی پیمودن راه شقاوت وعید می‌دهد و به آنان می‌فهماند که چون هدایت در قبضه قدرت خداست و دنیا و آخرت از آن اوست، هیچ کس نمی‌تواند در مرتب ساختن نتایج متفاوت اعمال متفاوت مانع او شود، از این رو انسانها را از آتش زبانه کش جهنم می‌ترساند و باز به ایشان می‌فرماید که جز کافران اهل تکذیب کسی در این آتش جاودانه نخواهد بود و متقیان اهل انفاق از این آتش دور خواهند ماند و با گرفتن پاداش راضی خواهند شد.

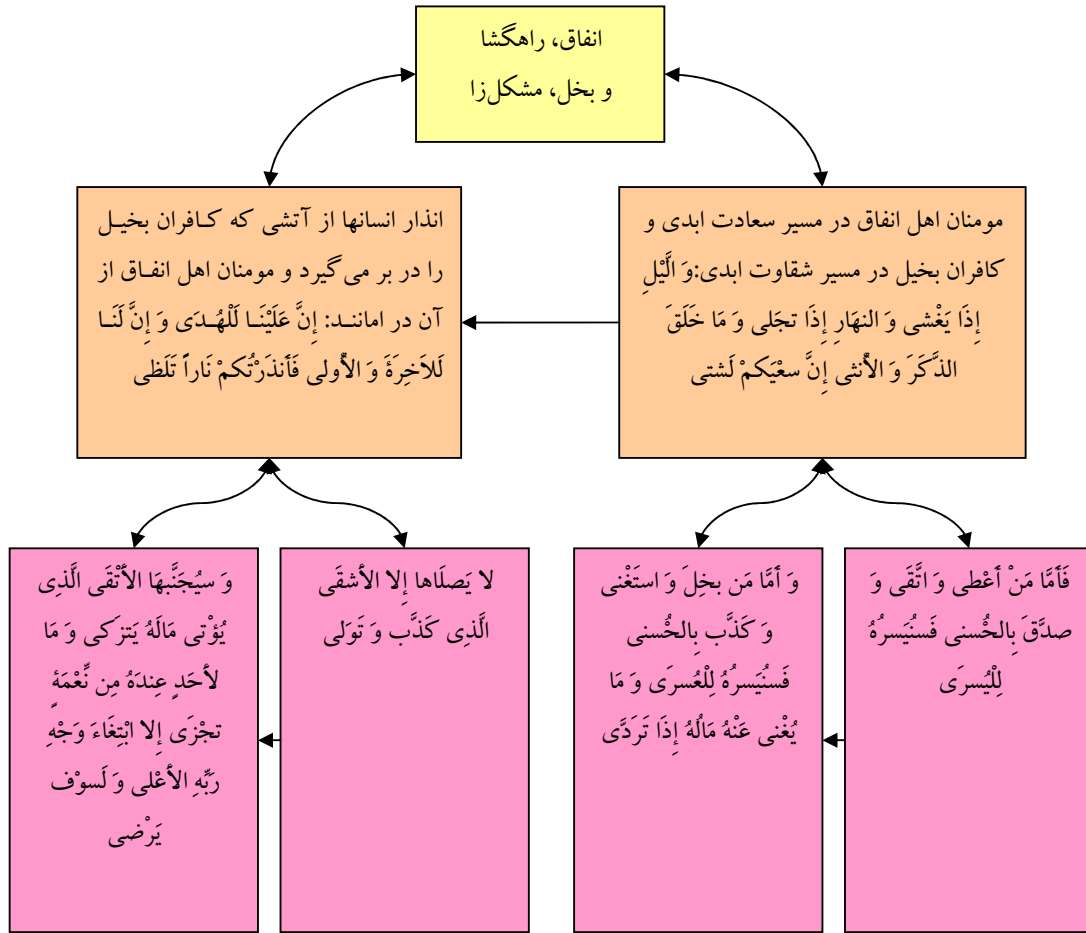
بر این اساس این سوره مبارکه با انذار انسانها از آتشی که کافران بخیل را در برمی‌گیرد و مومنان اهل انفاق از آن در امان‌اند، در صدد بیان این حقیقت است که «انفاق، راهگشا و بخل، مشکل‌زا» است و

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۰۲.

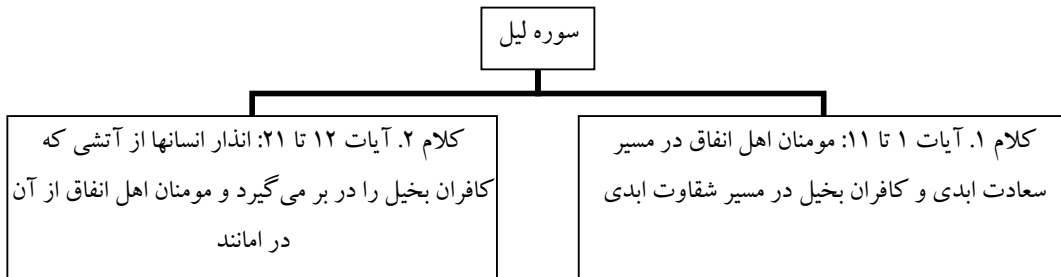
این غرض را از رهگذر لزوم تفرع نتایج متفاوت بر اعمال متفاوت، پی می‌گیرد و این ضرورت را با دو آیه ۱۲ و ۱۳ به اثبات می‌رساند که همانا هدایت بر عهده خداست و دنیا و آخرت از آن اوست.

۲-۶-۳- نکات آموزشی:

۱. درباره تقسیم‌بندی سوره: آیات ۱ تا ۱۱ را می‌توان در حوزه قسم و جواب قسم دانست، اما آیه ۱۲ سرآغاز محتوایی خارج از این چارچوب است، چون این آیه استینافی است و آیه ۱۲ همراه با دو آیه بعد از آن، مقدمه آیه پانزده است. ارتباط و اتصال بقیه آیات نیز روشن است و نیازی به تبیین ندارد، بنابراین این سوره متشکل از دو کلام است: آیات ۱ تا ۱۱؛ آیات ۱۲ تا ۲۱.
۲. این سوره دو کلام دانسته شد؛ و نه دو مطلب، چون جهت بحث در هر دسته از آیات با دیگری متفاوت است در دسته نخست، تبیین شتی بودن و مختلف بودن سعی و تلاش انسانها و نتیجه آن غرض است، اما در دسته دوم، جهت‌گیری انذاری است.
۳. درباره کشف غرض سوره: برای کشف غرض این سوره، ابتدا باید لب محتوای هر کلام آن را بفهمیم، سپس با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از آن غرض سوره را تشخیص دهیم. در این سوره غرض با توجه به هر دو کلام به دست می‌آید و نقش کلام نخست در این میان بیشتر است. کلام نخست انفاق و بخل را در عرض هم مطرح کرده و کلام دوم، جانب انذار نسبت به بخل را تقویت کرده است، با این تفاوت که از تبشیر نسبت به انفاق هم خالی نمانده است؛ و به همین دلیل در عنوان غرض از هر دو (انفاق و بخل) یاد شد.



نمودار شماره ۵۸- سیر هدایتی سوره لیل



نمودار شماره ۵۹- ساختار سوره لیل

کلام ۱. مومنان اهل انفاق در مسیر سعادت ابدی و کافران بخیل در مسیر شقاوت ابدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَ الْيَلِ إِذَا يَغْشَى (۱)
- وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲)
- وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى (۳)
- إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى (۴)
- فَأَمَّا مَنْ
- أُعْطِيَ وَ اتَّقَى (۵)
- وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶)
- فَسُنْبُورُهُ لِّلْیُسْرَى (۷)
- وَ أَمَّا مَنْ
- بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى (۸)
- وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى (۹)
- فَسُنْبُورُهُ لِّلْعُسْرَى (۱۰)
- وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- سوگند به شب چون پرده افکند، (آیه ۱)
- سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد، (آیه ۲)
- و [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید، (آیه ۳)
- که همانا تلاش شما متفاوت است. (آیه ۴)

این آیه جواب قسم است؛ و معنی قسم و جواب اینچنین است: سوگند به مخوقاتی که خلقت متفاوت و آثار متفاوت دارند (شب و روز، مذکر و مؤنث)، که سعی و تلاش شما متفاوت است و آثار

متفاوتی هم دارد. سعی و تلاش عده‌ای، اعطاء و تقوی و تصدیق است و اثر خاص خود را دارد و سعی و تلاش برخی، بخل و استغناء و تکذیب است و این نیز اثر ویژه خود را داراست. آیات بعد نیز، بیان تفصیلی تفاوت سعی و تلاش و اختلاف آثار آن است.^۱

○ اما آنکه

عطا کرد و پروا داشت، (آیه ۵)

یعنی در راه خدا و از روی تقوی، انفاق کرد.^۲

و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، (آیه ۶)

یعنی وعده ثواب خدا بر انفاق خالصانه را تصدیق کرد؛ و این همان تصدیق بعث و ایمان به آن است که با ایمان به وحدانیت خدا در الوهیت و ربوبیت ملازم است؛ چنانکه با ایمان به رسالت نیز ملازم است، چون رسالت، راه فهمیدن وعده خدا به ثواب است.

بر این اساس محصل معنی آیات ۵ و ۶ بدین بیان است: آنکه به خدا و رسول و روز قیامت مومن است و مال را به خاطر خدا و نیل به ثواب موعود از زبان رسول، انفاق می‌کند.^۳

بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. (آیه ۷)

یعنی او را از طریق اعمال صالحه‌ای که انجام می‌دهد، برای ورود به بهشت و حیات سعادت‌مند در پیشگاه پروردگار متعالی، آماده و مهیا می‌سازیم.^۴

○ و اما آنکه

بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید، (آیه ۸)

یعنی انفاق نکرد و با ثروت‌اندوزی خود را بی‌نیاز دید.^۵

و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت، (آیه ۹)

^۱ همان

^۲ همان

^۳ همان، ص ۳۰۳.

^۴ همان

^۵ همان

یعنی وعده ثواب از زبان انبیا را تکذیب کرد، که به انکار بعث برمی گردد.^۱

بزودی راه دشواری به او خواهیم نمود. (آیه ۱۰)

یعنی او را با توفیق ندادن به اعمال صالحه برای عذاب مهیا می کنیم.^۲

و چون هلاک شد، [دیگر] مال او به کارش نمی آید. (آیه ۱۱)

یعنی آنگاه که در حفره قبر یا جهنم سقوط کند و هلاک شود، مال او به فریادش نخواهد رسید.^۳

کلام ۲. انداز انسانها از آتشی که کافران بخیل را در بر می گیرد و مومنان اهل انفاق از آن در امانند

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ (۱۲)

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ (۱۳)

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَىٰ (۱۴)

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ (۱۵)

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۶)

وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ (۱۷)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ (۱۸)

وَ مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ (۱۹)

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ (۲۰)

وَ لَسَوْفَ يَرْضَىٰ (۲۱)

آیات این کلام متفرع بر آیات کلام پیشین است، بدین بیان: حال که دانستید اعمال متفاوت آثار

متفاوت دارند و اگر کسی اهل ایمان به خدا و رسول و قیامت باشد و با باور به پاداش اخروی، متقیانه

^۱ همان

^۲ همان

^۳ همان

انفاق کند، خدا او را با توفیق دادن به اعمال شایسته، برای زندگی سعادت‌مند ابدی آماده می‌کند و برعکس اگر کسی اهل ایمان و انفاق نباشد و پاداش روز جزا را باور نداشته باشد، خدا او را با سلب توفیق از اعمال شایسته، برای ورود به جهنم مهیا می‌سازد، پس انذار خدای متعالی را درباره دین‌گریزان بخیل جدی بگیرید و به روی آوردن به سمت ایمان و انفاق متقیانه خود را از عذاب خدا برهانید.

همانا هدایت بر ماست. (آیه ۱۲)

و در حقیقت، دنیا و آخرت از آن ماست. (آیه ۱۳)

پس شما را به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار دادم. (آیه ۱۴)

جز نگون‌بخت‌ترین مردم در آن درنیاید: (آیه ۱۵)

همان که تکذیب کرد و رُخ بر تافت. (آیه ۱۶)

و پاک‌رفتارترین مردم از آن دور داشته خواهد شد: (آیه ۱۷)

همان که مال خود را می‌دهد [برای آنکه] پاک شود، (آیه ۱۸)

و به گونه‌ای صالح، رشد یابد.^۱

و هیچ کس را در نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود، (آیه ۱۹)

یعنی هیچ کس در نزد او نعمتی ندارد که با انفاق او جبران شود، به دیگر بیان هدف او از انفاق

جبران نعمات دیگران نیست، بلکه او مال را جز برای رضای پروردگارش انفاق نمی‌کند.^۲

جز خواستن رضای پروردگارش که بسی بر تو است [منظوری

ندارد]. (آیه ۲۰)

و قطعاً بزودی خشنود خواهد شد. (آیه ۲۱)

یعنی این انسان متقی به زودی با مواجهه با اجر خدایش، خشنود خواهد شد.^۳

^۱ همان، ص ۳۰۶.

^۲ همان، ص ۳۰۷.

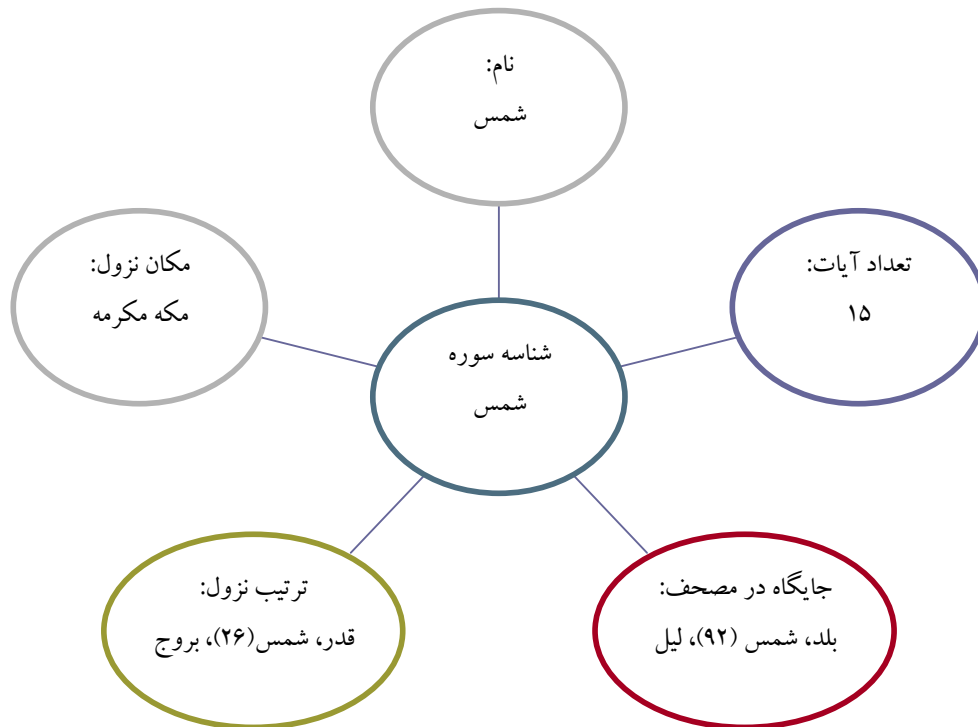
^۳ همان.

۲-۶-۴- تدبر سوره مبارکه شمس (متن درسی)

۲-۶-۴-۱- شناسه سوره

نام: شمس: این واژه به معنی خورشید است و در نخستین آیه این سوره به آن سوگند یاد شده است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است؛^۱ و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، بیست و ششمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره قدر و پس از آن سوره بروج نازل شده است؛^۲



نمودار شماره ۶۰- شناسه سوره شمس

۲-۶-۴-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

انسانی که تقوی و فجور را با الهام باطنی الهی می شناسد، آنگاه به فلاح می رسد که نفس خود را تزکیه کند و با آراستن آن به تقوی و تطهیر آن از فجور، خود را به شیوه‌ای صالح پرورش دهد و اگر نفس خود

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۵۲.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

را آلوده سازد، دچار خسران و محرومیت از سعادت می شود؛ این سوره مبارکه ماجرای ثمود را به عنوان شاهدهی بر این حقیقت مطرح می کند که دس نفس، خسران و عذاب را در پی دارد.^۱

بر این اساس می توان گفت که تزکیه و دس نفس اصلی ترین موضوع این سوره است و آیات شریفه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و «قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» که پس از بیان هفت سوگند مطرح شده اند، در صدد ایجاد این بینش هستند که نفس انسانی با تزکیه به فلاح می رسد و با دفن آن به انواع گناه و طغیان، دچار خسران می شود. این سوره با بیان ماجرای قوم ثمود، نمونه ای عینی از دس نفس کنندگان را معرفی می کند، تا مخاطب از عاقبت آنان عبرت بگیرد و به غرض سوره نائل شود؛ غرض این سوره را می توان به این صورت بیان کرد: «تهدید نسبت به طغیان گری و دس نفس»؛ گرچه در این سوره از تزکیه نفس هم سخن به میان آمده است، اما با توجه به وجود بیان عینی در مورد دس نفس کنندگان، می توان غرض آن را انذار دانست.

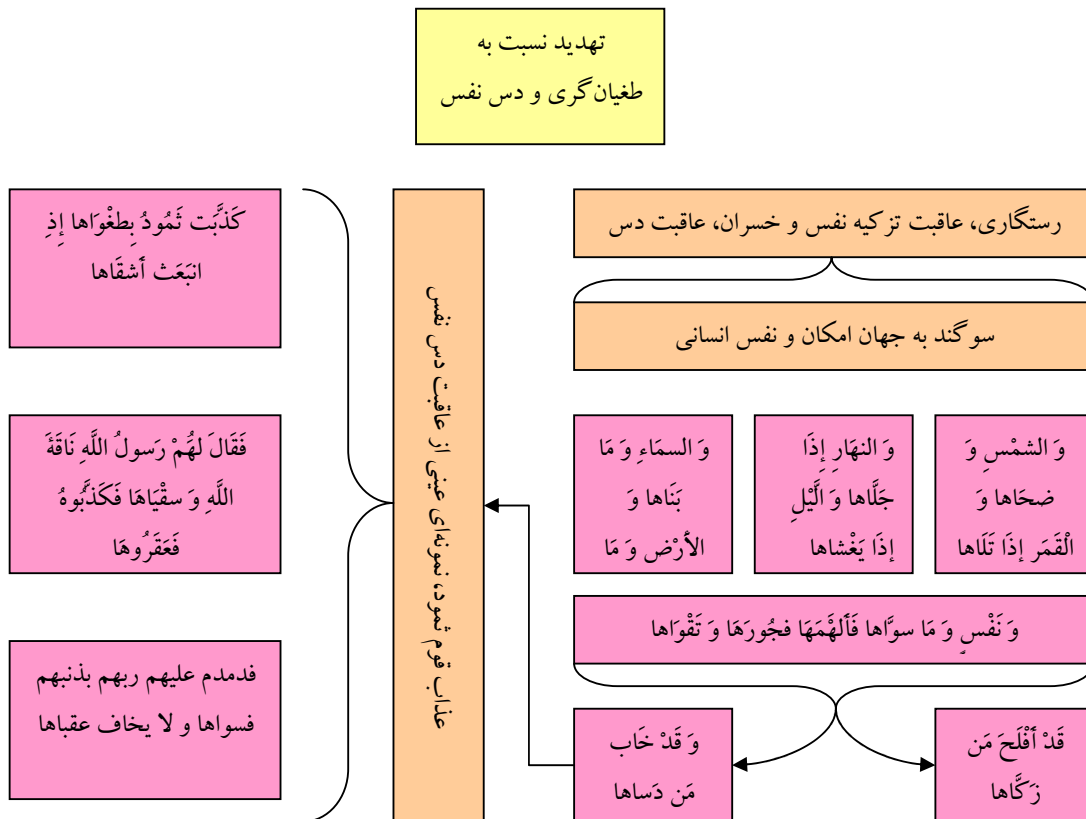
۲-۶-۴-۳- نکات آموزشی:

۱. مربوط به تقسیم بندی سوره به دو کلام: بررسی آیات سوره شمس نشان می دهد که آیه ۱ تا ۱۰ سیاق محتوایی واحد (قسم و جواب قسم) دارند، اما آیه ۱۱ سرآغاز سیاق محتوایی جدید (داستان پی کردن ناقه صالح) است و با آیات گذشته ارتباط مفهومی ندارد. (هر چند در مسیر مطالعات تدبری ارتباط این دو کلام هم کشف خواهد شد و گفته می شود که کلام دوم بیانگر مصداق دس نفس مطرح شده در کلام اول است.) و به همین دلیل آیات این سوره مبارکه به دو کلام تقسیم شد.

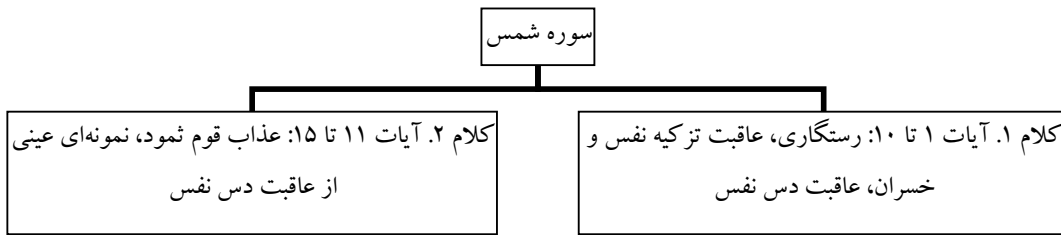
۲. مربوط به کشف غرض سوره: در سوره های چند کلامی ابتدا غرض هر کلام را به دست می آوریم و سپس با بررسی و سنجش ارتباط میان اغراض کلام ها، غرض سوره را کشف می کنیم.

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۹۶.

غرض کلام نخست در سوره شمس، دعوت به فلاح و بازداری از خسران است، با این بیان که فلاح نفس انسانی در گرو تزکیه و خسراش در گرو دس و دفن آن است. اما غرض کلام دوم هم بازداری از طغیان است با این بیان که قوم ثمود به خاطر طغیان گری و سرکشی گرفتار بدترین عذاب ها شدند. توجه به ارتباط این دو غرض متدبر را متوجه می کند که طغیان گری قوم ثمود، مصداق عینی دس نفسی است که در کلام قبل مطرح شد. پس می توان گفت که غرض این سوره، تهدید نسبت به طغیان گری و دس نفس است. اگر بپرسند چرا دعوت به فلاح را در عنوان غرض نیاوردیم؟ بدین خاطر است که کلام دوم نشان گر جهت گیری سوره درباره طغیان گری و دس نفس است، هرچند اصل آموزه دعوت به فلاح از طریق تزکیه در سوره هست، اما غرض اصلی نیست. گفتنی است نقش کلام نخست در کشف غرض این سوره اصلی است و کلام دوم دامنه و شرح آن به شمار می آید.



نمودار شماره ۶۱- سیر هدایتی سوره شمس



نمودار شماره ۶۲- ساختار سوره شمس

کلام ۱. رستگاری، عاقبت تزکیه نفس؛ خسران، عاقبت دس نفس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱)

• وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲)

• وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳)

• وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

• وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵)

• وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّاهَا (۶)

• وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)

○ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)

○ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

این کلام با سلسله سوگندهای منظمی به بیان این حقیقت می‌پردازد که رستگاری در گرو تزکیه نفس است و خسران محصول دس نفس؛ به جهان و انسان سوگند یاد می‌کند و در قسم به جهان، به خورشید و ماه و نظم آن دو؛ به روز و شب و روشنایی و تاریکی آن دو؛ و به آسمان و زمین و بنیان‌گذار

آنها را سوگند یاد می کند و در قسم به انسان به خلقت معتدل او و نفس ملهم به خیر و شرش سوگند یاد می کند.

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- سوگند به خورشید و تابندگی اش، (آیه ۱)
- سوگند به مه چون پی [خورشید] رَوَد. (آیه ۲)
- سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، (آیه ۳)
- سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد، (آیه ۴)
- سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت، (آیه ۵)
- سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد، (آیه ۶)
- سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد؛ (آیه ۷)
- سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد، (آیه ۸)
- که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، (آیه ۹)
- و هر که آلوده اش ساخت، قطعاً در باخت. (آیه ۱۰)

کلام ۲. عذاب قوم ثمود، نمونه ای عینی از عاقبت دس نفس

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا

فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

آیات این کلام استشهاد و تقریری برای آیات کلام سابق است^۱ که در آن از فلاح نفس و خسران آن سخن به میان آمده بود، چون قوم ثمود کسانی بودند که نفس خود را دفن کرده و در نتیجه گرفتار خسران و عذاب الهی شده بودند.

[قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند. (آیه ۱۱)

آنگاه که شقی ترینشان بر [پا] خاست. (آیه ۱۲)

این مرد که قدار بن سالف نام داشته با انتخاب قوم خود برای پی کردن ناقه برخاسته بود، چنانکه ضمائر جمع در آیات یعدی از این واقعیت خبر می دهند.^۲

پس فرستاده خدا به آنان گفت: «زنهار! ماده شتر خدا و [نوبت] آب خوردنش را [حرمت نهد]».

(آیه ۱۳)

مراد از رسول خدا در این آیه، حضرت صالح (علیه السلام)، پیامبر ثمود است.^۳

والی [دروغزش خواندند و آن [ماده شتر] را پی کردند،

و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک

یکسان کرد. (آیه ۱۴)

و از پیامد کار خویش، نمی ترسد. (آیه ۱۵)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۹۹.

^۲ همان.

^۳ همان.

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه هفتم، شاگردان خود را بر اساس پرسش های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. آیات سوره مبارکه ضحی به چند مطلب تقسیم می شود؟ چرا؟
۲. غرض سوره ضحی چیست؟
۳. غرض سوره مبارکه ضحی چگونه کشف می شود؟
۴. وجه تفکیک آیات سوره شمس به دو کلام چیست؟
۵. غرض سوره شمس چیست؟
۶. درباره نحوه کشف غرض سوره مبارکه شمس توضیح دهید؟

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته های خود، سوره های شرح و لیل را تدبر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.
مربی گرامی می تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه ای فوق العاده ارائه دهد.
۲. تدبر سوره فجر را در المیزان مطالعه و در گروه های تدبر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.
با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبر این سوره ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه هفتم، جمع آوری و بررسی کند و در تدریس تدبر این سوره مورد توجه قرار دهد.

۲-۷- درس هفتم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

• آشنایی با تشخیص و تفکیک کلامها و مطلب در سوره فجر؛ و تقویت توانایی انجام این

کار در موارد مشابه؛

شناخت چگونگی کشف غرض با جمع بندی محتوای همه کلامها در سوره فجر؛ و توانایی

نسبی استفاده از این روش در موارد مشابه؛

انس با سوره مبارکه فجر که در مقام انداز دنیاگرایان است.

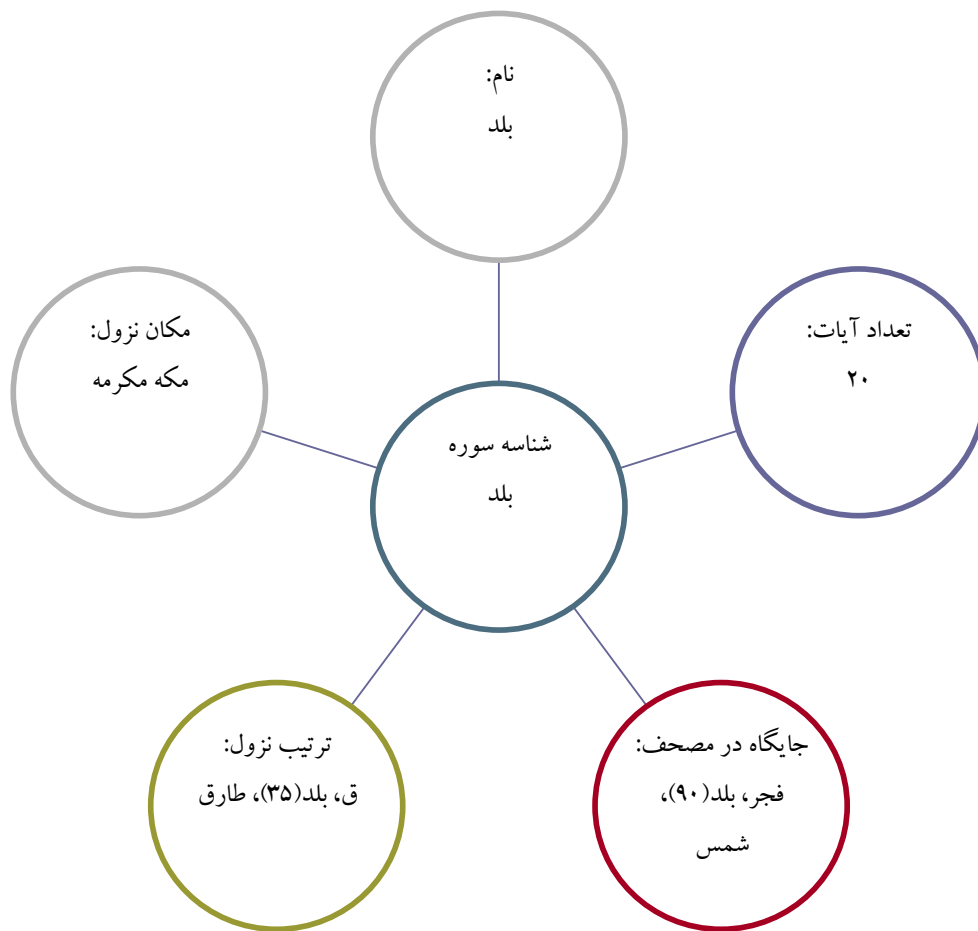
۲-۷-۱- تدبر سوره مبارکه بلد (کار در خانه)

۲-۷-۱-۱- شناسه سوره

نام: بلد: این واژه به معنی سرزمین است و در نخستین آیه این سوره به آن سوگند یاد شده است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است^۱ و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، سی و پنجمین سوره فرود

آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره ق و پس از آن سوره طارق نازل شده است.^۲



نمودار شماره ۶۳- شناسه سوره بلد

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۴۳.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۷-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره می‌فهماند که خلقت انسان مبتنی بر سختی و مشقت است و هیچ شانی از شئون حیات او نیست، مگر اینکه با تلخی رنج و خستگی همراه است. از زمانی که روح به جسم او در می‌آید تا زمانی که بمیرد، همواره در رنج و مشقت و خستگی است و جز در دار آخرت و در نزد خدا به راحتی و سعادت مطلق دست نخواهد یافت، پس باید با صبر بر طاعت و خودداری از معصیت، سنگینی تکالیف الهی را تحمل کند و تا می‌تواند رحمت را بر گرفتاران به سختیهای روزگار مانند یتیمی و فقر و مرض و ... بگستراند، تا از اصحاب میمنت شود و به رستگاری برسد، در غیر این صورت در آخرت نیز در مشقت و بدبختی خواهد بود و از اصحاب مشمت شده و در عذاب الهی می‌سوزد.^۱

این سوره مبارکه اعتقاد و رفتار زشت کسانی را نشانه رفته است که جاهلانه در پی تامین سعادت مطلق، در دنیایی فانی هستند و به خاطر همین نگرش مادی، می‌پندارند که خدا هرگز بر ایشان سخت نخواهد گرفت و مالشان تباہ نخواهد شد و یا خدا بر ایشان مسلط نیست؛ آیات این سوره خطاب به صاحبان این طرز فکر می‌فرماید، بدانند که هیچ‌گاه در دنیا به سعادت مطلق و راحتی و آسایشی که در پی آن هستند، دست نخواهند یافت، چون خلق انسان در رنج و مشقت بوده و حیات او با ناراحتی و سختی ممزوج است، پس بهتر است به جای پایه‌گذاری بنای سعادت در دنیا، به فکر گذر کردن از گردنه‌ای باشند که جز با عبور از آن به سعادت جاودانه آخرت نخواهند رسید و این گردنه انفاق در راه خدا و رسیدگی به کسانی است که با سختیهای طاقت فرسای روزگار دست و پنجه نرم می‌کنند، یعنی گرسنگان و یتیمان و فقیران و ...؛ و جرگه مومنانی وارد شوند که یکدیگر را به صبر در طاعت و مرحمت در حق نیازمندان سفارش می‌کنند، تنها در این صورت است که از اصحاب میمنه شده و به سعادت ابدی خواهند رسید و از سوختن در میان آتش عذاب الهی که مخصوص اصحاب مشمته است، رهایی خواهند یافت. حال این گوی و این میدان....

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۸۹.

بر این اساس سوره مبارکه در صدد «تسویق به تلاش مالی در سختیها، برای رسیدن به سعادت مطلق در آخرت» است و به انسان هشدار می‌دهد تا سعادت مطلق خود را در دنیا بنیان نگذارد و با عبور از گردنه انفاق، به فکر بنیان‌گذاری سعادت آخرت باشد.

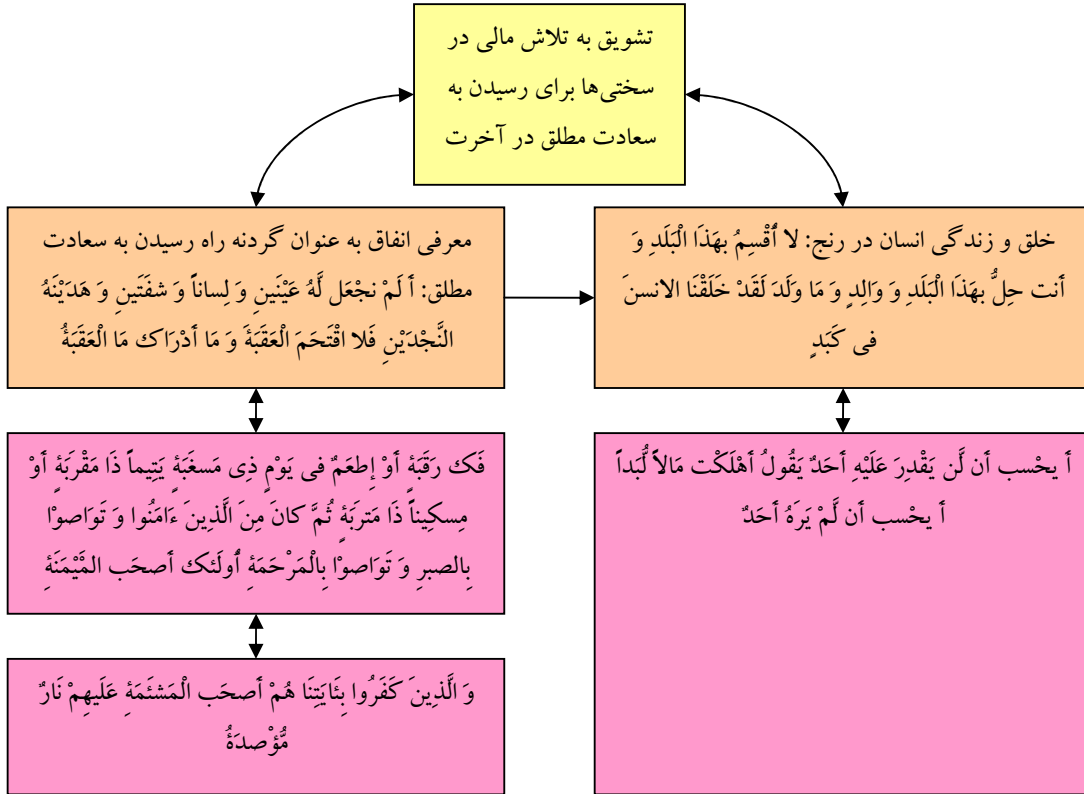
۲-۷-۱-۳- نکات آموزشی:

۱. مربوط به دسته‌بندی: اتصال آیات تا انتهای آیه ۶، آشکار است، از سوی دیگر ارتباط و اتصال سیاقی آیات ۷ تا انتهای سوره نیز محرز است، بنابراین آنچه نتیجه تقسیم‌بندی این سوره را روشن می‌کند، اتصال یا عدم اتصال سیاقی آیه ۷ (ألم نجعل له عینین ...) با آیات پیش از آن است. برای تشخیص این امر باید ببینیم که آیا پرسش و بازخواست این آیه و دو آیه بعد از آن ناظر به محتوای آیات پیشین (أیحسب أن لم یره أحد) است و یا ناظر به محتوای آیات بعد (فلا اقتحم العقبه)؟ وجود فای تفریح در آیات بعد نشان می‌دهد که محتوای آنها متفرع بر محتوای آیات ۷ تا ۹ است و همین قرینه‌ای است بر اینکه آیات ۷ تا ۹ به لحاظ محتوایی ناظر به آیات بعد است؛ بنابراین آیه ۷ سرآغاز دسته جدید آیات است، نه ادامه آیات قبل.

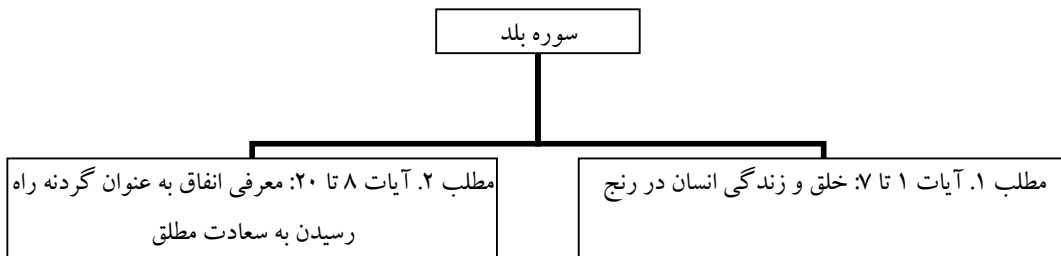
نکته دیگر اینکه دو دسته مزبور در سوره، دو مطلب است نه دو کلام؛ زیرا در آیه «ألم نجعل له عینین» اتصال ادبی با ماقبل قطع نشده است.

۲. مربوط به کشف غرض: برای کشف غرض سوره، باید ابتدا لب محتوای هر دسته از آیات را کشف کرده و سپس با توجه به آنها غرض سوره را کشف کنیم. مطلب نخست خلقت انسان را در رنج تبیین کرده است، تا از این طریق پنداری باطل را از بین ببرد. پندار باطل کسانی که خدا را بر خود مسلط نمی‌دانند و روز سختی و تباه شدن مال را برای خود نمی‌بینند. مطلب دوم در نقطه مقابل این طرز فکر انفاق را گردنه راه رسیدن به سعادت مطلق معرفی می‌کند؛ بر این اساس وجود سختی در خلق و زندگی آدمی؛ و انفاق و سعی و تلاش با مال در راه خدا، در غرض این سوره نقش

محوری دارند و غرض سوره با توجه به مجموع دو دسته آیات اینگونه قابل طرح است: تشویق به تلاش مالی در سختی ها برای رسیدن به سعادت مطلق در آخرت.



نمودار شماره ۶۴- سیر هدایتی سوره بلد



نمودار شماره ۶۵- ساختار سوره بلد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

• لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱)

وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲)

• وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدًا (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (۶)

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷)

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹)

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲)

فَكَرَّجَةً (۱۳)

أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (۱۴)

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵)

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ

• ءَامَنُوا

• وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

• وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِنَائِتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ (۲۰)

مطلب ۱. خلق و زندگی انسان در رنج:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

• سوگند به این شهر، (آیه ۱)

با توجه به سیاق، می توان گفت که مراد از این «بلد» مکه مکرمه است.^۱

و حال آنکه تو در این شهر جای داری؛ (آیه ۲)

این آیه می فهماند که مکه مکرمه با میلاد و اقامت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن سرزمین، شرف یافته است.^۲

• سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد؛ (آیه ۳)

با توجه به لزوم وجود نوعی تناسب بین قسمها می توان نتیجه گرفت که مراد از والد در این آیه ابراهیم (عیله السلام) و مراد از ولد، اسماعیل (علیه السلام) است، چون والد و ولدی که با مکه معظمه نسبت داشته باشند این دو بزرگوار هستند که بانیان خانه خدا و به تبع آن مکه بوده اند؛ در نتیجه این سه آیه را می توان اینگونه معنی کرد: سوگند به مکه مشرفه و به پیامبری که در آن ساکن است و به ابراهیم و اسماعیل (علی نبینا و آله و علیهما السلام) که آن را بنا کرده اند.^۳

براستی که انسان را در رنج آفریده ایم. (آیه ۴)

رنج و سختی در خلقت انسان و همه شئون حیات او، از اموری است که بر هیچ عاقلی مخفی نیست، چون انسان نعمتی از نعمات دنیا را طلب نمی کند، مگر اینکه می خواهد طیب و لذت آن خالص و محض باشد و به چیزی از نعمات دنیا دست نمی یابد، مگر اینکه ممزوج با چیزی است که عیش و لذت آن را

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۸۹.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۲۹۰.

بر هم می‌زند و همراه با سختی و رنج است، گذشته از حوادثی که برای انسان اتفاق می‌افتد و او را به رنج می‌اندازد.^۱

آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت؟ (آیه ۵)

این آیه به منزله نتیجه احتجاجی است که در آیه سابق مطرح شده بود، بدین بیان: از آنجا که انسان در سختی خلق شده و همه شئون حیات او با رنج آمیخته است، به چیزی از مراد خود دست نمی‌یابد، مگر اینکه کمتر از مراد او و یا غیر آن است، پس او در خلق خود، محاط؛ در اراده خود، مغلوب؛ و در تقدیرات خود مقهور خدا است و خدای متعالی از هر جهت بر او مسلط و نسبت به او قادر است، پس بی‌جاست که انسان گمان کند، کسی بر او قادر نیست و بر اساس همین خیال خام، بر خدا برتری بجوید و از عبادت او استکبار بورزد.^۲

گویند: «مال فراوانی تباه کردم.» (آیه ۶)

این آیه ادامه آیه گذشته است، یعنی آیا می‌پندارد کسی بر او تنگ نخواهد گرفت تا جایی که مالش را از دست بدهد) و بگوید مال فراوانی را تباه کردم.

آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟ (آیه ۷)

آنکه انفاق در راه خدا را هلاک کردن و از بین بردن مال می‌داند، گمان می‌کند که خدای متعالی از انفاق او در غفلت و جهل است، اما سخت در اشتباه است، چون خدای متعالی نسبت به انفاق او بصیر و آگاه است، اما این مقدار در رستگاری او کافی نیست، بلکه او باید سختیهای عبودیت را به جان بخرد و گردنه انفاق را بگذراند.^۳

مطلب ۲. معرفی انفاق به عنوان گردنه راه رسیدن به سعادت مطلق: درمطلب گذشته روشن شد که دنیا همواره با سختی و مشقت ممزوج است و هیچگاه نمی‌توان بنای سعادت مطلق را در آن بنیان گذاشت و به تبع آن مشخص شد آنان که انفاق را از بین بردن مال می‌دانند، سخت در اشتباهند، اینک آیات این

^۱ همان، ص ۲۹۱.

^۲ همان.

^۳ همان.

مطلب انفاق را به عنوان گردنه راه رسیدن به سعادت مطلق معرفی می کند و به انسان سفارش می کند که خود را برای عبور از این گردنه مهیا سازد و به فکر ورود به جرگه مومنان اهل تواصی به صبر و مرحمت باشد.

آیا دو چشمش نداده ایم؟ (آیه ۸)

که با آن از دیدنیها آگاه شود.^۱

و زبانی و دولب. (آیه ۹)

که با آن سخن بگوید و از آنچه در درونش می گذرد و از چشم پنهان است، خبر دهد.^۲

و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم. (آیه ۱۰)

محتوای این آیات مقدمه‌ای برای آیات بعد است، بدین بیان که انسان به رغم وجود این نعمات بزرگ، از گردنه عبودیت بالا نرفت.

این آیات در عین حال حجتی بر محتوای آیه ۷ هم هست، بدین بیان: خدا کسی است که انسان را با دو چشم از دیدنیها آگاه کرد، حال چگونه ممکن است که انسان را از چیزی آگاه کند که خود از آن آگاهی ندارد؟ او کسی است که انسان را به واسطه کلام از آنچه در درون می گذرد و دیدنی نیست آگاه کرد، پس چگونه متصور است، امری را برای دیگران عیان کند که از خودش پنهان است؟ او خدایی است که راه خیر و شر و تشخیص آن دو را از هم به انسان آموخت، چطور ممکن است که خود او به آن آگاه نباشد و آن دو را از هم تمییز ندهد؟ پس او اعمال انسان را می بیند، از نیات درونی او آگاه است و خوب و بد آن را تشخیص می دهد.^۳

والی [نخواست از گردنه بالا رود!] (آیه ۱۱)

مراد از گردنه، انفاقی است که بر منفق سخت می آید.^۴

^۱ همان.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان.

و توجه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟ (آیه ۱۲)

بنده‌ای را آزاد کردن، (آیه ۱۳)

یا در روز گرسنگی، طعام‌دادن: (آیه ۱۴)

به یتیمی خویشاوند، (آیه ۱۵)

یا بینوایی خاک‌نشین. (آیه ۱۶)

علاوه بر این از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش

کرده‌اند؛ (آیه ۱۷)

صبر و شکیبایی در طاعت خدا و مهربانی و مرحمت در حق نیازمندان و مستمندان.

گفتنی است آیه ۱۷ به آیه ۱۱ عطف شده است: یعنی نخواست از گردنه انفاق بالا رود و در زمره

مومنان اهل توأسی به صبر و مرحمت باشد.^۱

اینانند خجستان. (آیه ۱۸)

و کسانی که به انکارِ نشانه‌های ما پرداخته‌اند، آنانند ناخجستان شوم. (آیه ۱۹)

بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد. (آیه ۲۰)

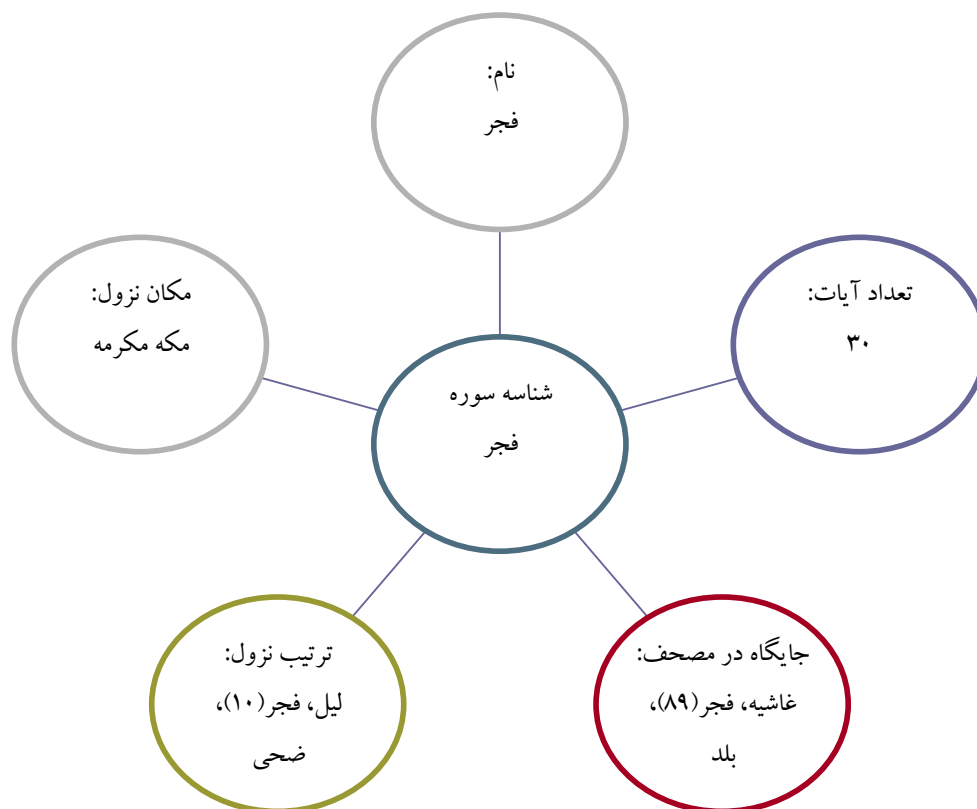
^۱ همان، ص ۲۹۳.

۲-۷-۲- تدبر سوره مبارکه فجر (متن درسی)

۲-۷-۲-۱- شناسه سوره

نام: فجر: این واژه به معنی سپیده دم است و در نخستین آیه این سوره به آن سوگند یاد شده است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است؛^۱ و سیاق آیات آن، گواه مکی بودن آن است.^۲ بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه دهمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره لیل و پس از آن سوره ضحی نازل شده است؛^۳



نمودار شماره ۶۶- شناسه سوره فجر

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۳۰.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۷-۲-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

در این سوره تعلق به دنیا، که طغیان و کفران را در پی دارد، مذمت شده است و اهل آن به شدیدترین عذاب خدا در دنیا و آخرت تهدید شده‌اند.

این سوره بیان می‌کند که انسان به خاطر کوتاه‌نظری و کج‌اندیشی، گمان می‌کند، نعماتی که خدا به او داده است، به خاطر ارزش و کرامت او در نزد خداست و فقر و ناداری که به آن گرفتار می‌شود، به خاطر خاری و پستی او در پیشگاه خداست، از این رو به هنگام دارایی، طغیان کرده و در زمین فساد می‌کند و به هنگام ناداری، کفران می‌ورزد، در حالی که امر بر او مشتبه شده است؛ و قدرت و ثروتی که به او می‌رسد و یا فقر و تنگ‌دستی که دچار آن می‌شود، امتحان و ابتلای الهی است، تا آنچه از دنیا برای آخرت می‌فرستد، آشکار گردد.

پس امر آنگونه نیست که انسان گمان می‌کند و بر زبان می‌آورد، بلکه حقیقت آن است که انسان به هنگام وقوع حساب و حضور عذاب خواهد فهمید که فقر و غنا، یا قوت و ضعفی که به او می‌رسد، امتحانی الهی بود و او می‌توانست که از امروز خود چیزی برای فردای خود از پیش فرستد، ولی این کار را نکرد و عقاب را بر ثواب ترجیح داد، پس به حیات سعادت‌مند آخرت نمی‌رسد، مگر نفسی که به پروردگار خود مطمئن است و تسلیم امر اوست و با تندبادهای ابتلائات نمی‌لرزد و دارایی او را به طغیان نمی‌آورد و ناداری او را به کفران وانی دارد.^۱

بر این اساس می‌توان گفت این سوره مبارکه از رهگذر اصلاح نگرش انسان نسبت به دنیا و انعام و

امساک الهی در آن، در صدد «انذار دنیا گویان» است.

۲-۷-۲-۳- نکات آموزشی:

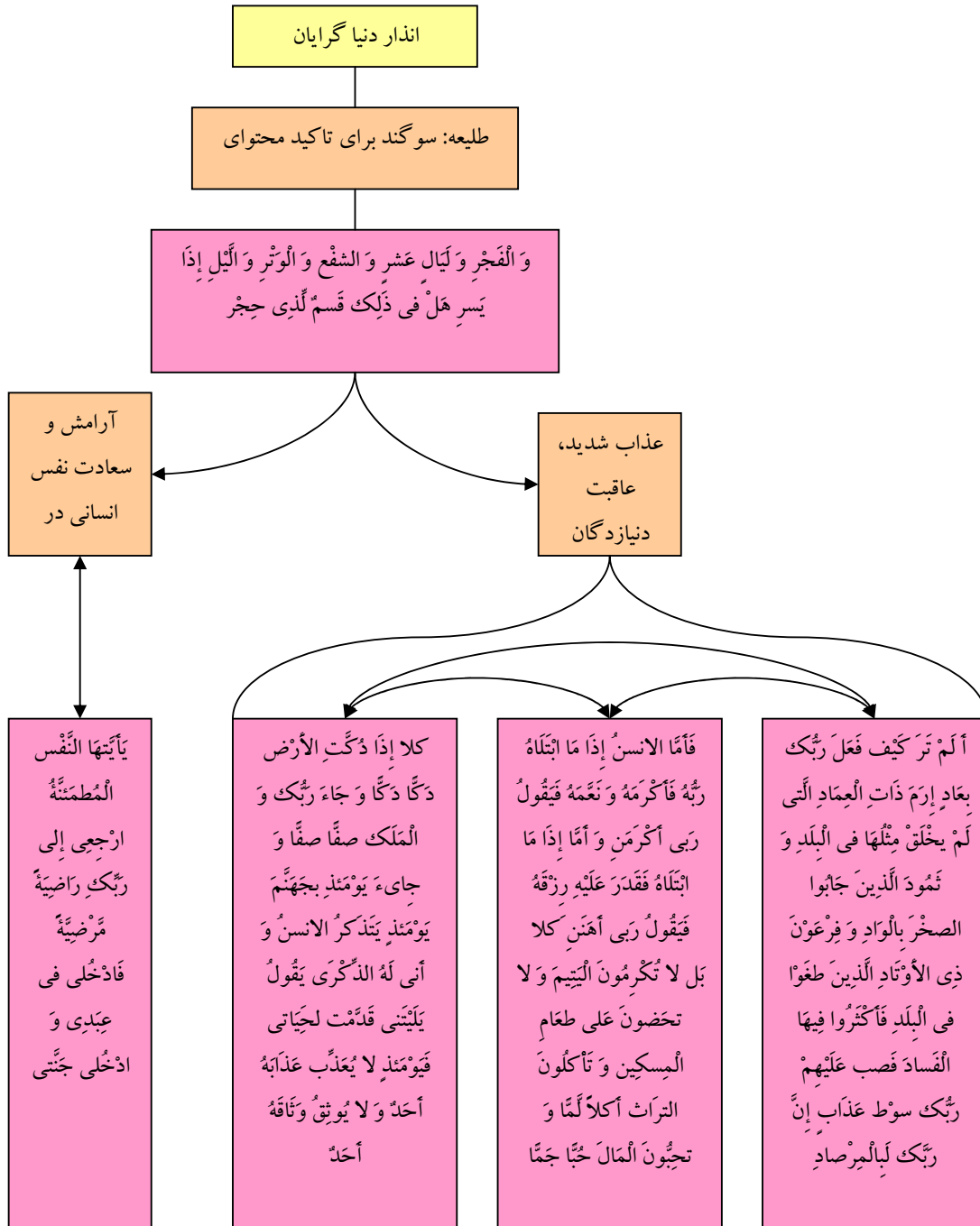
^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۸.

۱. درباره دسته‌بندی سوره: نحوه دسته‌بندی این سوره مبارکه از این قرار است: آیات ۱ تا ۴ قسم است. آیه ۵ از اهمیت این سوگندها خبر می‌دهد. سلسله این قسم‌ها بدون تصریح به جواب قسم در آیه ۵ به پایان می‌رسد، بنابراین تا آیه ۵ یک دسته است. آیه ۶ سرآغاز سیاق و محتوایی جدید است. آیات ۷ و ۸ عاد را در آیه ۶ توصیف می‌کند. آیه ۹ به عاد در آیه ۶ عطف شده است و آیه ۱۰ هم همینطور. آیات ۱۱ و ۱۲ درباره عاد و ثمود و فرعون در آیات قبل توضیح می‌دهد و آیه ۱۳ نتیجه طغیان‌گری مطرح شده در آیات قبل را مطرح می‌کند و آیه ۱۴ تعلیل محتوای آیه ۱۳ است، بنابراین از آیه ۶ تا ۱۴ نیز یک دسته است. آیه ۱۵ سرآغاز مطلبی جدید درباره پندار باطل انسان نسبت به انعام و امساک الهی است. محتوای آیه ۱۶ در تقابل با مفهوم آیه ۱۵ و مکمل آن است. آیات ۱۷ تا ۲۰ نیز به وسیله کلا به ماقبل نظارت دارد، بنابراین از آیه ۱۵ تا ۲۰ هم یک دسته است. آیه ۲۱ دوباره با کلا به ماقبل نظارت دارد، اما سخن در این است: آیا ناظر به آیات ۱۷ تا ۲۰ است و یا ناظر به آیات ۱۵ تا ۱۷ است و یا ناظر به آیات ۶ تا ۱۴ است و یا ناظر به مجموعه آیات ۶ تا ۲۰ است؟ با توجه به اینکه این آیات بیان عذاب اخروی است و اقتضاء آن در هر سه دسته قبل وجود دارد، نظارت آن به مجموعه آیات ۶ تا ۲۰ مناسب‌تر است، پس آیه ۲۱ تا ۲۶ عذاب اخروی دنیاگرایانی را مطرح می‌کند که در آیات ۶ تا ۲۰ سخن از آنان بود. از سوی دیگر، اگر بنا باشد که آیات ۲۱ تا ۲۶، به یکی از دو مجموعه ۶ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۲۰ مرتبط باشد، مجموعه نخست، اولی است، به دلیل تناسب محتوایی بین شدت عذاب مطرح شده در آیات ۲۱ تا ۲۶ با شدت طغیان مطرح شده در آیات ۶ تا ۱۴؛ پس چون نظارت آیات ۲۱ تا ۲۶ به آیات ۶ تا ۱۴ روشن است و محتوای آیات ۱۵ تا ۲۰ هم اقتضای انذار دارد، بهتر است که آیات ۲۱ تا ۲۶ را ناظر به هر دو مجموعه بدانیم. همین امر (نظارت آیات ۲۱ تا ۲۶ به آیات ۶ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۲۰) باعث می‌شود که سه مجموعه ۶ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۲۰ و ۲۱ تا ۲۶ را یک کلام بدانیم که دارای سه مطلب است: قرینه دیگر یک کلام دانستن این مجموعه، وجود فابری سر آیه ۱۵ است. آیه ۲۷ هم به طور آشکار سرآغاز سیاق و محتوایی تازه است که تا انتهای سوره ادامه دارد و این هم روشن است.

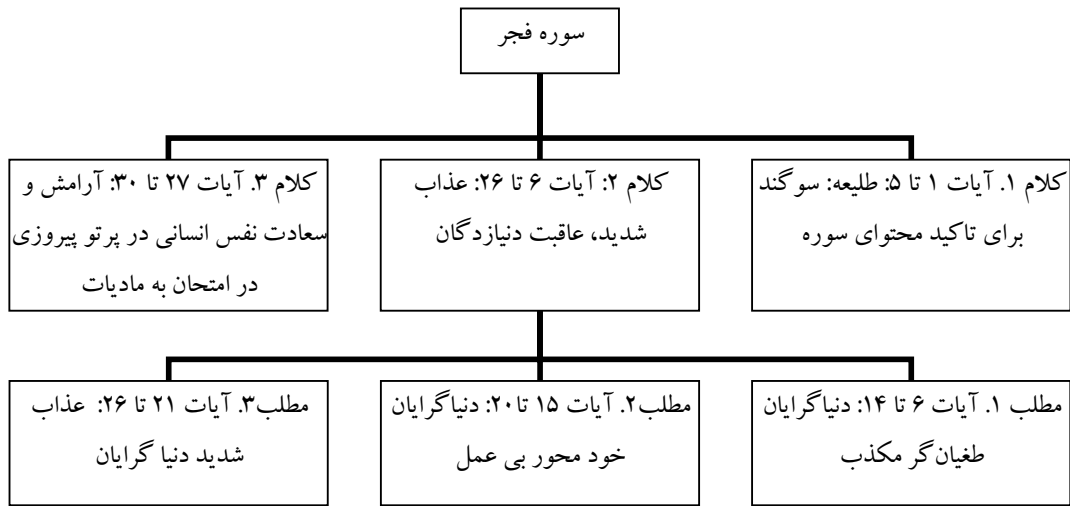
بر این اساس کلام این سوره به این صورت است: آیات ۱ تا ۵؛ ۶ تا ۲۶؛ ۲۷ تا ۳۰.

گفتنی است مربی محترم در این سوره و سوره‌های بعد، لازم نیست که ارتباط ادبی بین تک تک آیات را طبق بیان بالا ارائه دهد، بلکه می‌تواند با توجه به سطح کلاس خویش به مقدار مورد نیاز اکتفا کند.

۲. درباره نحوه غرض‌یابی سوره: برای غرض‌یابی هر سوره‌ای ابتدا باید لب محتوا و غرض کلام‌های آن به دست آید و در قدم بعد، کشف ارتباط آنها با یکدیگر راه را برای رسیدن به غرض سوره باز می‌کند. کلام نخست که قسم بدون جواب است. در چنین مواردی قسم را برای تاکید محتوای کل سوره می‌دانیم، چنانکه همه سوره را جایگزین جواب آن در نظر می‌گیریم. در کلام دوم سرکشی و طغیان و فساد دنیاگرایانی مغرور به قدرت و ثروت است: عاد، ثمود و فرعون؛ توجه به توصیفاتی که از این سه ارائه شده است، بیانگر غره شدنشان به ثروت و قدرت است؛ و نیز با تبیین طبیعت انسان، دنیاگرایی او را عامل ناسپاسی و طغیانش معرفی می‌کند این کلام در ادامه عذاب دنیا گرایان را مطرح می‌کند. کلام سوم هم از عاقبت نیکوی نفس مطمئنه سخن می‌گوید. در جمع‌بندی به این نتیجه می‌رسیم که کلام میانی با غرض نفی و انذار دنیاگرایی است. کلام ابتدایی هم برای تاکید همین محتوا است و کلام انتهایی، نقطه مقابل، آن را تبیین می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت غرض اصلی سوره انذار دنیاگرایان است.



نمودار شماره ۶۷- سیر هدایتی سوره فجر



نمودار شماره ۶۸- ساختار سوره فجر

کلام ۱. طلیعه: سوگند برای تاکید محتوای سوره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

- وَ الْفَجْرِ (۱)
- وَ لَيَالٍ عَشْرٍ (۲)
- وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ (۳)
- وَ الْاَيْلِ اِذَا يَسِر (۴)
- هَلْ فِيْ ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِيْ حِجْرِ (۵)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- سوگند به سپیده دم، (آیه ۱)
- ممکن است مراد، سپیده دم روز دهم ذی الحججه، یعنی روز عید قربان باشد.^۱
- و به شبهای دهگانه، (آیه ۲)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۹.

ممکن است مراد، ده شب نخست ذی حجه باشد.^۱

• و به جُفت و تاق، (آیه ۳)

با توجه به احتمالاتی که در آیات سابق مطرح شد، می توان جفت را بر روز عید قربان و فرد را بر روز عرفه تطبیق داد.^۲

• و به شب، وقتی سپری شود. (آیه ۴)

آیا در این، برای خردمند [نیاز به] سوگندی [دیگر] است؟ (آیه ۵)

یعنی قسمهایی که مطرح شد برای انسان خردمند کافی است.

گفتنی است، جواب این قسمها از باب تاکید انذار و تبشیر حذف شده است و آنچه به عنوان عذاب ظغیان و کفران و ثواب نفوس مطمئنه و ابتلا و امتحان بودن انعام و امساک الهی در سوره هست، بر جواب این قسمها دلالت می کند.^۳

در خصوص تناسب سوگندهای این سوره با محتوای آن می توان چنین گفت: در این طلیعه ابتدا به فجر سوگند یاد شده است، که روشنایی پس از ظلمت است. سپس به شبهای ده گانه (ده ظلمت) و سپس به شفع و وتر (سه ...) و سپس به شب (یک ظلمت) چون برود. فجر را می توان، نشان خداگرایی و ظلمات مطرح شده را نشان دنیاگرایی دانست که با چنین لطافتی تبیین شده است: ظلمت اگر ده باشد، یا سه و یا یک، رفتنی است: «إِذَا يَسِر»

کلام ۲. عذاب شدید، عاقبت دنیازدگان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

○ بِعَادٍ (۶)

إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)

^۱ همان.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۲۸۰.

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَدِ (٨)

○ وَ تَمُودَ

الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (٩)

○ وَ فِرْعَوْنَ

ذِي الْأَوْتَادِ (١٠)

الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَدِ (١١)

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ (١٢)

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (١٣)

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (١٤)

• فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ

فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (١٥)

• وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ (١٦)

كَلَّا بَلْ

○ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (١٧)

○ وَ لَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (١٨)

○ وَ تَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (١٩)

○ وَ تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (٢٠)

كَلَّا إِذَا

• دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (٢١)

• وَ جَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

• وَ جَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ

يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ

وَ أَنِي لَهُ الذِّكْرَى (۲۳)

يَقُولُ يَلَيِّنَنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵)

وَ لَا يُوثِقُ وَتَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

مطلب نخست این کلام، معرفی دنیاگرایان و مطلب دوم آن، تبیین توهمات دنیاگرایان انسان در خصوص انعام و امساک الهی است و مطلب سوم آن، عذاب شدید اخروی دنیاگرایان را بیان می‌دارد.

مطلب ۱. آیات ۶ تا ۱۴: دنیاگرایان طغیان‌گر مکذب:

مگر ندانسته‌ای که پروردگارت چه کرد؟

○ با عاد (آیه ۶)

عاد، قوم هود نبی (علیه السلام) است، که در احقاف بود و بارها و بارها قصه آن در قرآن کریم آمده است.^۱

صاحب ارم که دارای ستونهایی بود، (آیه ۷)

ارم، شهر آباد و بی نظیری بوده است که دارای قصرهای عالی و ستونهای کشیده شده بوده است.^۲

که مانندش در شهرها ساخته نشده بود؟ (آیه ۸)

○ و با ثمود،

همانان که در درّه، تخته سنگها را می‌بریدند؟ (آیه ۹)

و از آنها برای خود خانه می‌ساختند.^۱

^۱ همان. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر سوره هود، قصه این قوم را به طور مفصل بیان فرموده‌اند.

^۲ همان.

○ و با فرعون،

صاحب میخها؟ (آیه ۱۰)

فرعون را «ذی الاوتاد» گویند، چون هنگامی که میخواست کسی را عذاب کند او را بر زمین یا تخته چوبی قرار می داد و دو دست و دو پای او را با میخ بر آن می کوبید.^۲

همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند، (آیه ۱۱)

الذین در این آیه به عاد و ثمود و فرعون اشاره دارد.^۳

و در آنها بسیار تبهکاری کردند. (آیه ۱۲)

[تا آنکه] پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را فرونواخت، (آیه ۱۳)

یعنی آنان را به دنبال طغیان و فسادشان، پی در پی و به شدت عذاب کرد.^۴

زیرا پروردگار تو سخت در کمین است. (آیه ۱۴)

این آیه تعلیلی بر عذاب مطرح شده در آیه قبل است، بدین بیان که خدای متعالی در کمین، مراقب

اعمال بندگان خویش است، تا زمانی که ظغیان و فساد می کنند، آنان را به اشد عذاب گرفتار کند.^۵

مطلب ۲. آیات ۱۵ تا ۱۶: دنیاگرایان خود محور بی عمل:

• اما انسان، هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید، و عزیزش می دارد و نعمت

فراوان به او می دهد،

می گوید: «پروردگرم مرا گرامی داشته است.» (آیه ۱۵)

• و اما چون وی را می آزماید و روزی اش را بر او تنگ می گرداند،

می گوید: «پروردگرم مرا خوار کرده است.» (آیه ۱۶)

ولی نه، بلکه

^۱ همان، ص ۲۸۱.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان.

^۵ همان.

طبیعت انسان، کرامت را در غنی و تنعم می بیند و فقر و فقدان را نشانه خواری و مذلت می داند، خدای متعالی در این آیه این دیدگاه را با «کلا» نفی می کند، بدین معنی که انعام و امساک الهی جز برای امتحان و ابتلای شما در عبودیت نیست؛ گذشته از اینکه شما گرفتار رذائلی هستید که هرگز با کرامت در پیشگاه خدا جمع نمی شود، شما یتیم را^۱

○ یتیم را نمی نوازید؛ (آیه ۱۷)

مراد از عدم اکرام یتیم، محروم کردن او از ارث پدر است، همانگونه که فرزندان کوچک را از ارث محروم می کردند و آنها را دست خای رها می کردند.^۲

○ و بر خوراک [دادن] بینوا همدیگر را بر نمی انگیزید؛ (آیه ۱۸)

ریشه این رذیله در حب مال است.^۳

○ و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می خورید؛ (آیه ۱۹)

این آیه تفسیر آیه هفدهم است، همانطور که قبلا هم گذشت.^۴

○ و مال را دوست دارید، دوست داشتنی بسیار. (آیه ۲۰)

این آیه تفسیر آیه هجدهم است همانطور که پیشتر هم گذشت.^۵

مطلب ۳. آیات ۲۱ تا ۲۶: عذاب شدید دنیاگرایان:

این آیات مبین عذاب اخروی دنیاگرایان مطرح شده در آیات پیشین است و به لحاظ محتوایی در درجه اول دنیاگرایان طغیانگر معرفی شده در مطلب نخست این کلام را شامل است.

نه چنان است، آنگاه که

^۱ همان، ص ۲۸۳.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان.

^۵ همان.

«کلا» رد دنیاگرایی مطرح شده در آیات پیشین است و مطالب پس از آن هم که مربوط به قیامت است، در مقام تعلیل این رد است.^۱

- زمین، سخت در هم کوبیده شود، (آیه ۲۱)
- و [فرمان] پروردگارت و فرشته[ها] صف در صف آیند، (آیه ۲۲)
- و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند،
آن روز است که انسان پند گیرد؛

یعنی آن روز به روشنی متذکر می شود که آنچه در دنیا به او داده می شد و یا از او گرفته می شد تنها جنبه ابتلا و امتحان داشت.^۲

والی [کجا او را جای پند گرفتن باشد؟ (آیه ۲۳)]

یعنی پند گرفتن سودی به حال او ندارد، چون دیگر فرصتی برای جبران نیست.^۳

گوید: «کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم.» (آیه ۲۴)

یعنی کاش برای زندگی خود در آخرت، عمل صالح از پیش می فرستادم.^۴

پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او، عذاب نکند. (آیه ۲۵)

و هیچ کس چون دربند کشیدن او، دربند نکشد. (آیه ۲۶)

کلام ۳. آرامش و سعادت نفس انسانی در پرتو پیروزی در امتحان به مادیات

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷)

• ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸)

• فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

• وَادْخُلِي جَنَّاتٍ (۳۰)

^۱ همان، ص ۲۸۴.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان، ص ۲۸۵.

سیاق آیات سوره بین این نفس با اوصافی که برای او ذکر می شود و عاقبت نیکویی که در انتظار اوست، با انسان دنیازدهی که پیشتر صحبت از او بود، مقابله برقرار کرده است، بدین بیان: نفس مطمئنه با گرویدن به سمت خدا آرام است و به مرضیات خدا راضی است، پس خود را عبد خدا می بیند و خیر و شر و نفع و ضرر خود را در دست خدا می داند و دنیا را دار مجاز می بیند و غنی و فقر و نفع و ضرر آن را ابتلا و امتحان الهی می داند، در نتیجه انعام پی در پی خدای متعالی او را به طغیان و فساد و علو و استکبار نمی کشاند و فقر و فقدان او را به کفر و ترک شکر وادار نمی کند، بلکه او در عبودیت خود مستقر است و با افراط و تفریط از راه مستقیم آن منحرف نمی گردد.^۱

ای نفس مطمئنه، (آیه ۲۷)

- خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد، (آیه ۲۸)
- و در میان بندگان من در آی، (آیه ۲۹)
- و در بهشت من داخل شو. (آیه ۳۰)

^۱ همان.

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه هشتم، شاگردان خود را بر اساس پرسش‌های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. ساختار سوره فجر را همراه با شماره آیات و عناوین ترسیم کنید.

۲. غرض سوره فجر چیست؟

۳. غرض سوره مبارکه فجر چگونه کشف می‌شود؟

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته‌های خود، سوره بلد را تدبر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.

مربی گرامی می‌تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع‌آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه‌ای فوق‌العاده ارائه دهد.

۲. تدبر سوره اعلی را در میزان مطالعه و در گروه‌های تدبر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.

با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبر این سوره ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه هشتم، جمع‌آوری و بررسی کند و در تدریس تدبر این سوره مورد توجه قرار دهد.

۲-۸- درس هشتم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

- آشنایی با نحوه تشخیص و تفکیک کلامها در سوره اعلی؛ و تقویت این توانایی در

موارد مشابه؛

شناخت چگونگی کشف غرض، براساس سیر کلامها، در سوره اعلی؛ و تقویت این توانایی در

موارد مشابه؛

انس با سوره مبارکه اعلی که فلاح را نتیجه پذیرش هدایت قرآنی رسول الله (صلی الله علیه و

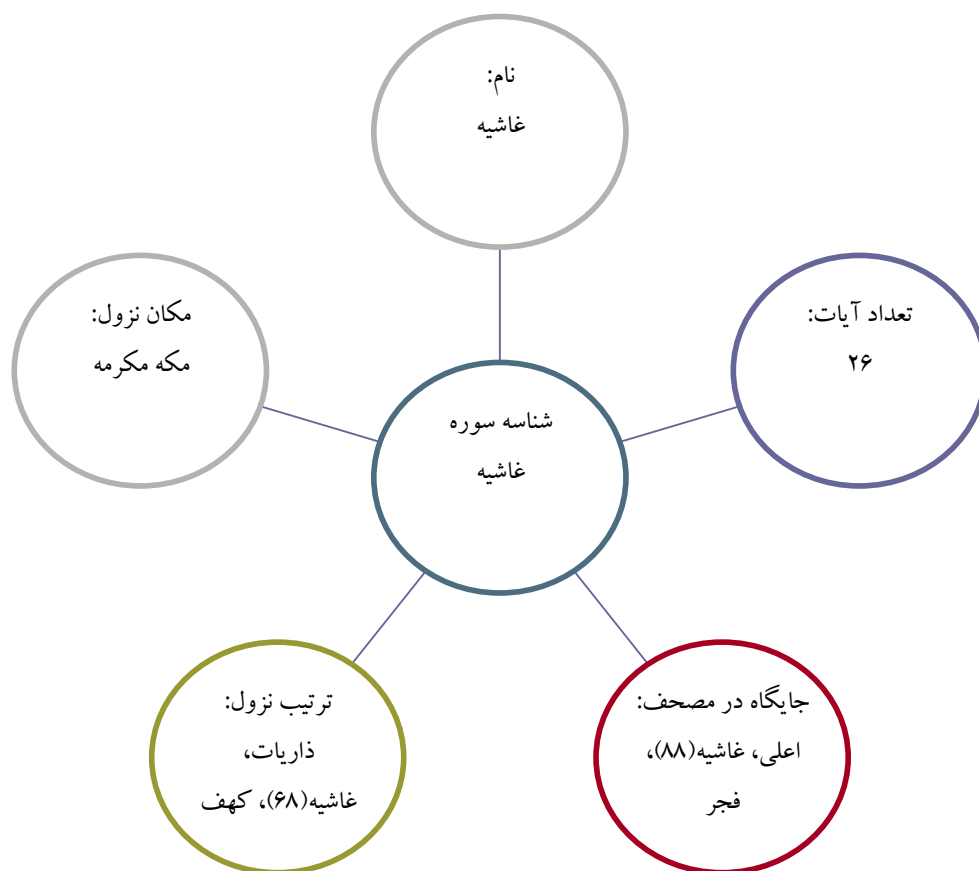
آله و سلم) دانسته است.

۲-۸-۱- تدبر سوره مبارکه غاشیه (کار در خانه)

۲-۸-۱-۱- شناسه سوره

نام: غاشیه

دانستیهای نزول: این سوره مکی است؛^۱ و سیاق آیات آن، گواه مکی بودن آن است.^۲ بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه شصت و هشتمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره ذاریات و پس از آن سوره کهف نازل شده است؛^۳



نمودار شماره ۶۹- شناسه سوره غاشیه

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۲۳.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۳.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۸-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره مبارکه سوره انذار و تبشیر است که غاشیه را توصیف می کند. غاشیه روز قیامت است که بر انسانها محیط است.

این سوره ابتدا بیان می کند که انسانها در غاشیه به دو گروه تقسیم می شوند: سعدا و اشقیاء؛ گروه نخست در بهشت و گروه دوم در جهنم جای می گیرند. سپس رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را امر می کند که مردم را به جلوه های متنوع تدبیر ربوبی در عالم متذکر کند، چون این تجلیات ربوبیت آنان را به ربوبیت الهی بر مردم و رجوع حساب اعمال به سوی خدا راهنمایی می کند.^۱

توضیح: این سوره مبارکه ابتدا به توصیف غاشیه می پردازد، روزی که هیچ کس را گریزی از آن نیست، چون بر همگان محیط است. در آن روز انسانها تنها به دو دسته تقسیم می شوند: انسانهایی خائب و خاسر که از تلاش خود در دنیا بهره ای نمی برند و به عذاب خدا گرفتار می شوند و انسانهایی رستگار و سعادت مند که نتیجه اعمال صالح خود را می بینند و به بهشت برین ره می یابند.

در ادامه با بیان جلوه هایی از ربوبیت الهی، می فهماند که تنها با پرستش خدای سبحان است که می توان در جرگه صالحان به بهشت برین راه یافت و از عذاب دردآور کافران رهایی یافت.

بنابراین معاد حقیقی انکارناپذیر است که انسانها را در جایگاه سعادت ابدی و یا شقاوت ابدی قرار می دهد و این خداپاوری و خداپرستی انسانهاست که جایگاه آنان را در معاد مشخص می کند، از این روی خدای متعالی نبی گرامی خود را موظف کرده است که این حقیقت را بی هیچ اکراه و اجباری به انسانها یادآوری کند، اما انسانهایی که از این یادآوری روی گردانند باید بدانند که خواه ناخواه به سوی خدا خواهند رفت و با عذاب بزرگ الهی روبرو خواهند شد.

بر این اساس غرض این سوره مبارکه را می توان به این صورت بیان کرد: «تاکید بر وقوع ایاب و

حساب (معاد)»

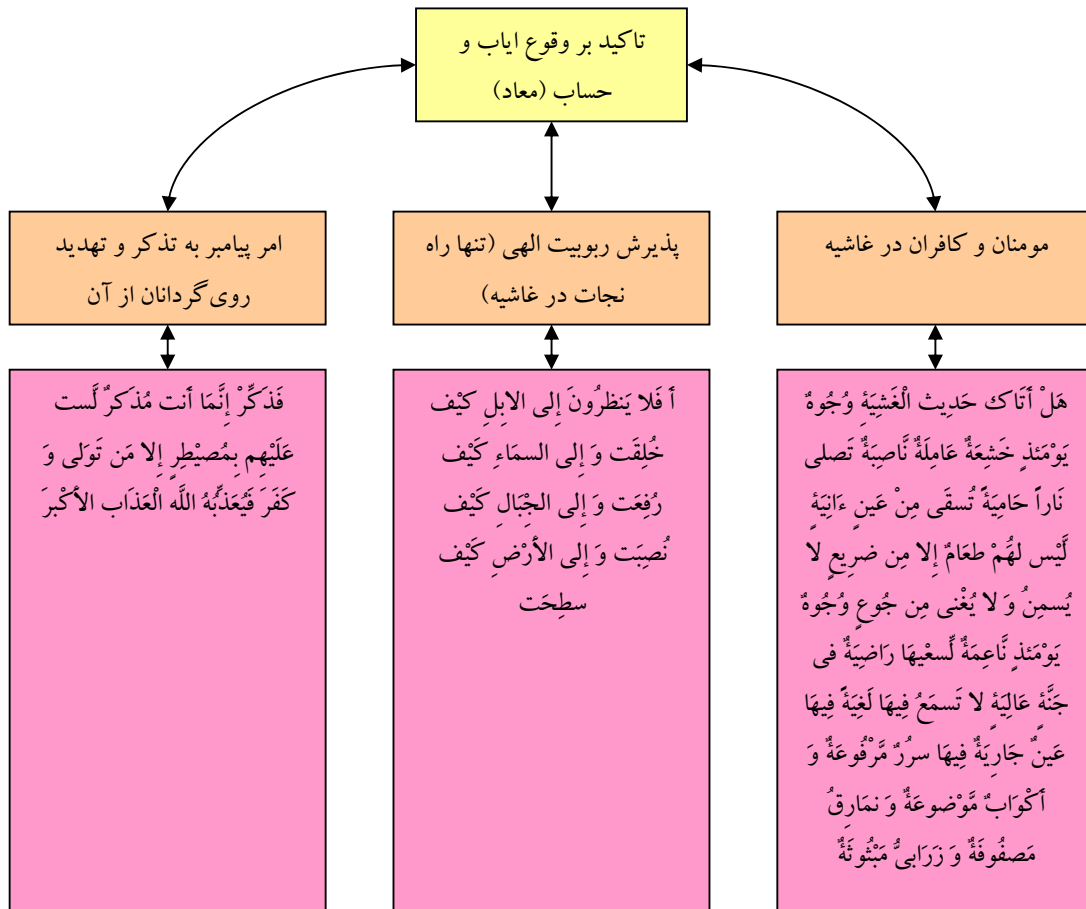
۲-۸-۱-۳- نکات آموزشی:

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۲.

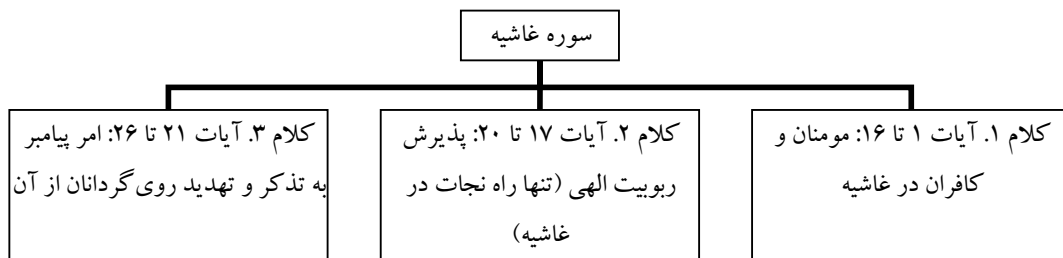
۱. درباره دسته‌بندی: آیه نخست، طرح پرسشی برای تبیین اجمالی عظمت غاشیه (روز قیامت) است. آیه ۲ ناظر به آیه ۱ و سرآغاز تفصیل غاشیه است. آیات ۳ تا ۶ هر یک در مقام توصیف وجوه در آیه ۲ هستند. آیه ۷ هم وصف ضریح در آیه ۶ است. آیه ۸ در تقابل با آیه ۲ و مکمل آن است. آیات ۹ و ۱۰ در مقام توصیف وجوه در آیه ۸ هستند. آیات ۱۱ تا ۱۳ در مقام توصیف جنت در آیه ۱۰ هستند. آیات ۱۴ تا ۱۶ معطوف به سرر مرفوعه در آیه ۱۳ هستند؛ بدین ترتیب از آیه ۱ تا ۱۶ یک کلام واحد است. آیه ۱۷ سرآغاز سیاقی جدید درباره جلوه‌های ربوبیت است. آیات ۱۸ تا ۲۰ هم به «إلی الإبل کیف خلقت» در همین آیه معطوفند. اما آیه ۲۱: این آیه با فای تفریح آغاز شده و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تذکر دادن فرمان داده است. اگر این آیه را تنها متفرع بر آیات ۱۷ تا ۲۰ بدانیم، مطلب دوم همان کلام خواهد بود و نه کلام جدید؛ اما اگر آن را متفرع بر هر دو مجموعه قبل (یعنی آیات ۱ تا ۱۶؛ و آیات ۱۷ تا ۲۰) بدانیم، خود کلامی مستقل و متفرع بر هر دو کلام قبل خواهد بود. از میان این دو گزینه، دومی مناسب‌تر است، زیرا به لحاظ محتوایی تذکر با هر دو سازگار است و ناظر نداستن فرمان تذکر به دسته نخست، وجهی ندارد، افزون بر اینکه دو آیه پایانی این مجموعه تصریح به ایاب و حساب، یعنی همان جریان معاد مطرح در آیات ۱ تا ۱۶ است؛ بنابراین آیات ۲۱ تا ۲۶ هم یک کلام مستقل است.

۲. درباره کشف غرض: برای کشف غرض در این سوره ابتدا باید ببینیم از میان مباحث مطرح شده در کلام‌ها کدام یک اصلی است؟ معاد، ربوبیت یا تذکر؟ صدر و ذیل سوره درباره معاد است. از ۲۶ آیه سوره ۱۹ آیه با محتوای مربوط به معاد است. (۱۶ آیه نخست و ۳ آیه آخر) و همین قرائن خود نشان‌دهنده اصلی بوده معاد در میان موضوعات سوره است. اما ربوبیت: با توجه به اینکه جلوه‌های ربوبی با اسلوب «أفلا ينظرون» و بعد از مباحث معاد مطرح شده است، می‌توان نتیجه گرفت که مباحث ربوبیت در راستای ایجاد باور به معاد و یا تبیین راه نجات در آن روز مطرح شده است. اما تذکر: تذکر موضوعی است که محتوای آن می‌تواند متفاوت باشد و در اینجا محتوای اصلی تذکر معاد و در راستای آن ربوبیت است.

بر این اساس می بینیم که دو آیه انتهایی سوره، به منزله تصریح به غرض سوره هستند.



نمودار شماره ۶۹- سیر هدایتی سوره غاشیه



نمودار شماره ۷۰- ساختار سوره غاشیه

کلام ۱. مومنان و کافران در غاشیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَشِيِّ (۱)

- وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَشِيعَةٌ (۲)
- عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (۳)
- تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً (۴)
- تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (۵)
- لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ (۶)
- لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷)
- وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ (۸)
- تُسْعِيهَا رَاضِيَةٌ (۹)
- فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)
- لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً (۱۱)
- فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲)
- فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ (۱۳)
- وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ (۱۴)
- وَنَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ (۱۵)
- وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۱۶)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آیا خبر «غاشیه» به تو رسیده است؟ (آیه ۱)

مراد از غاشیه، روز قیامت است و آن را غاشیه نامیده است، چون انسانها را می پوشاند و بر ایشان

محیط است.^۱

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۳.

• در آن روز، چهره‌هایی زبونند، (آیه ۲)

که تلاش کرده، رنج [بیهوده] برده‌اند. (آیه ۳)

یعنی در دنیا تلاش کرده‌اند به این امید که به سعادت و هدف برسند، ولی در قیامت می‌فهمند که

اعمالشان خبط و باطل بوده و سودی به حالشان ندارد.^۱

[ناچار] در آتشی سوزان درآیند. (آیه ۴)

از چشمه‌ای داغ نوشانیده شوند. (آیه ۵)

خوراکی جز خارِ خشک ندارند، (آیه ۶)

[که] نه فربه کند، و نه گرسنگی را باز دارد. (آیه ۷)

• در آن روز، چهره‌هایی شادابند. (آیه ۸)

از کوشش خود خشنودند. (آیه ۹)

یعنی از تلاش و کوشش خود در دنیا راضی و خشنودند.^۲

در بهشت برین‌اند. (آیه ۱۰)

سخن بیهوده‌ای در آنجا نشنوند. (آیه ۱۱)

در آن، چشمه روان باشد. (آیه ۱۲)

تختهایی بلند در آنجاست. (آیه ۱۳)

و قدحهایی نهاده شده. (آیه ۱۴)

و بالشهایی پهلوی هم [چیده]. (آیه ۱۵)

و فرشهایی [زربفت] گسترده. (آیه ۱۶)

کلام ۲. پذیرش ربوبیت الهی (تنها راه نجات در غاشبه)

أَفَلَا يَنْظُرُونَ

• إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

• وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

^۱ همان.

^۲ همان.

• وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِيتَ (۱۹)

• وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سَطِحتَ (۲۰)

این آیات به دنبال توصیف غاشیه با بیان حال دو گروه مومنان و کافران در آن روز، اشاره‌ای اجمالی به تدبیر ربوبی دارد، که بیانگر ربوبیت خدای متعالی است. ربوبیت خدای سبحان نیز مقتضی وجوب عبادت اوست، که لازمه آن حساب اعمال است، تا مومن به خاطر ایمان و عبادتش پاداش داده شود و کافر به خاطر کفرش عذاب گردد؛ و ظرف این مکافات غاشیه است؛^۱

گفتنی است در کلام قبل سخن از تناسب عملکرد دنیوی انسانها با عاقبت اخروی ایشان بود و جلوه‌های ربوبی مطرح شده در این آیات نیز به نحوی گزینش و تبیین شده‌اند که از تناسب میان مخلوقات الهی خبر می‌دهند. نکته قابل توجه در خلق شتر، سازگاری و تناسب او با کویر است. رفعت آسمان و تسطیح زمین هم دو مفهوم اضافی متناسب‌اند. نصب کوه‌ها نیز به عنوان لنگرگاه زمین و متناسب با آن است. اگر کسی به این وجوه تناسب و هماهنگی در جلوه‌های ربوبیت الهی توجه کند، هماهنگی و تناسب عملکرد دنیوی و اخروی مطرح شده در آیات کلام قبل را تایی می‌کند. (این آیات می‌فهماند که خلقت و ربوبیت ملازم است.)

آیا نمی‌نگرند

- به شتر که چگونه آفریده شده؟ (آیه ۱۷)
- و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ (آیه ۱۸)
- و به کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده؟ (آیه ۱۹)
- و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ (آیه ۲۰)

^۱ همان، ص ۲۷۴.

همه اینها تدبیراتی است که بی شک مستند به خداست، پس او پروردگار آسمانها و زمین و مابین آنهاست، پس او پروردگار عالم انسانی نیز هست و بر انسانها واجب است که او را پروردگار واحد خود بدانند و او را بپرستند، در حالی که در پیش روی خود غاشیه را دارند که روز حساب و جزاست.^۱

کلام ۳. امر پیامبر به تذکر و تهدید روی گردانان از تذکر آن حضرت

فَذَكِّرْ

إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲)

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ (۲۳)

فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

آیات این کلام متفرع بر دو کلام پیشین است، بدین بیان: حال که خدا پروردگار انسانهاست و جز او پروردگاری نیست و انسانها غاشیه را در پیش رو دارند که روز حساب و جزاست، پس ای رسول من! وظیفه تو آن است که این حقایق را به آنان یادآوری کنی.^۲

پس تذکر ده

که تو تنها تذکردهنده‌ای. (آیه ۲۱)

بر آنان تسلطی نداری؛ (آیه ۲۲)

یعنی تو باید به امید استجاب و ایمان به آنان تذکر دهی و نیازی به اکراه و اجبار نیست.^۳

^۱ همان، ص ۲۷۵.

^۲ همان.

^۳ همان.

مگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد، (آیه ۲۳)

علامه طباطبایی (ره) این آیه را ناظر به آیه ۲۱ دانسته و اینگونه معنی کرده‌اند: لازم نیست، آن را که از تذکر روی برمی گرداند و کفر می‌ورزد، دوباره تذکر دهی، زیرا در مورد چنین کسی لغو و بی‌اثر است؛^۱ اما باید گفت اشکالی در نظارت معنی این آیه به آیه ۲۲ نیست و محتوای آیه ۲۴ هم موید همین وجه است و حاصل معنی چنین می‌شود: تو بر آنان مسلط نیستی، مگر کسی که روی بگرداند و کفر بورزد، خدا بر او مسلط است و او را عذاب خواهد کرد.

که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند. (آیه ۲۴)

در حقیقت، بازگشت آنان به سوی ماست؛ (آیه ۲۵)

آنگاه حساب [خواستن از] آنان به عهده ماست. (آیه ۲۶)

^۱ همان.

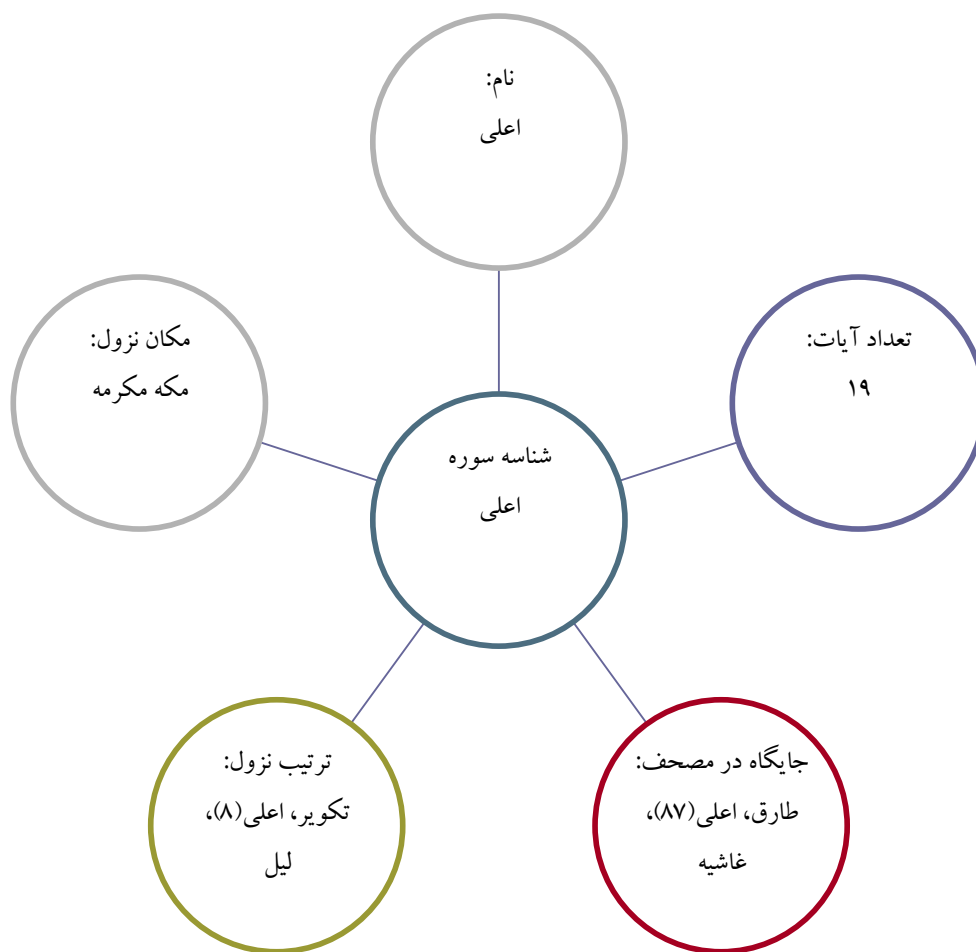
۲-۸-۲- تدبر سوره مبارکه اعلی (متن درسی)

۲-۸-۲-۱- شناسه سوره

نام: اعلی: این واژه در نخستین آیه این سوره به کار رفته است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، هشتمین سوره فرود آمده از

آسمان وحی است که پیش از آن سوره تکویر و پس از آن سوره لیل نازل شده است؛^۱



نمودار شماره ۷۱- شناسه سوره اعلی

^۱ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۸-۲-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

علامه طباطبایی (ره) این سوره مبارکه را فرمانی به توحید پروردگار و تنزیه ذات متعالی او؛ و وعده‌ای به علم و حفظ و فراهم‌سازی راهی آسان و مناسب برای تبلیغ و دعوت به اسلام دانسته‌اند. گفتنی است فرمان و وعده مطرح شده در این سوره خطاب به نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است.^۱

توجهی به این سوره مبارکه نشان می‌دهد که فرمان تسبیح موحدانه (سبح اسم ربك الأعلى) و وعده کمک به تلقی و حفظ وحی (سنقرئک فلا تنسی) و آسان‌سازی تبلیغ آن (و نیسرک للیسری)، هر دو مقدمه‌ای بوده است تا خدای متعالی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تذکر دادن فرمان دهد (فذكر إن نفع الذکری)، حال ممکن است پرسیده شود وجه مقدمه بودن امر و وعده پیش گفته برای دستور به تذکر چیست، پاسخ آن است که فرمان نخست، محتوای تذکری است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باید به انسانها بدهد، به این دلیل که در ادامه سوره آمده است: «قد أفلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی»، یعنی نتیجه تذکر پیامبر به مردمان تذکر پذیر، آن است که به یاد اسم خدا باشند، همان اسمی که آن حضرت در ابتدای سوره به تسبیح آن فرمان داده شده بود: «سبح اسم ربك الأعلى»؛ و وعده دوم هم پشتوانه آن حضرت در اقامه رسالت ایشان، یعنی تذکر به توحید است، چون از یک سو تلقی وحی قرآنی، امری بسیار سنگین است و به یاری ویژه الهی نیاز دارد و از سوی دیگر نگرانی از مردمانی است که تذکر آن حضرت را نپذیرند و بخواهند در برابر تذکر به توحید و دعوت به اسلام مانعیت ایجاد کنند، از این رو پیش از ابلاغ دستور تذکر به آن حضرت، وعده آسان‌سازی رسالت به ایشان داده می‌شود، تا پشتوانه لازم را در امر تذکر داشته باشند.

این سوره مبارکه از بعدی دیگر نیز مسئله تذکر را بررسی کرده است و آن جنبه مردمی آن است؛ در این زمینه از سویی عکس العمل انسانها را در مقابل تذکر بررسی کرده و از سوی دیگر نتیجه و ریشه

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۶۳.

آن را نیز مطرح کرده است؛ آری بر اساس این فراز از سوره عکس العمل انسانها در مقابل تذکر به توحید دو گونه است: برخی متذکر می شوند و برخی از آن دوری می کنند، ریشه تذکر پذیری دسته نخست، خشیت آنها و نتیجه آن تزکیه و یاد خدا و نماز است که به رستگاری آنها منتهی می شود و ریشه تذکر ناپذیری گروه دوم، دنیاگرایی آنهاست که آنها را بدبخت کرده است، چون قطعاً آخرت بهتر و باقی تر از دنیاست و نتیجه تذکر ناپذیری آنان شقاوت و عذاب ابدی است. اینها حقایقی است که در کتب آسمانی پیشین نیز آمده است، کتب ابراهیم (علیه السلام) و موسی (عله السلام)؛

۲-۸-۲-۳- نکات آموزشی:

۱. مربوط به دسته بندی: نحوه کشف دسته بندی این سوره از این قرار است: آیات ۲، ۳ و ۴ وصف رب در آیه ۱ هستند و آیه ۵ هم ادامه آیه چهار است، بنابراین تا آیه پنج، دسته بندی وجود ندارد، اما آیه ۶ افزون بر اینکه سرآغاز جمله ای جدید است، آغازگر سیاقی با محتوای جدید هم هست، با اندک توجهی به ترجمه آیات می توان این مطلب را به فراگیر تفهیم کرد. آیه ۷ استثناء از آیه ۶ است، چنانکه آیه ۸ هم عطف بر آیه ۶ است. آیه ۹ امری است که به لحاظ محتوایی متفرع بر مفهوم آیات ۶ تا ۸ است. با توجه به مفهوم تذکر معلوم می شود که محتوای آیه ۱۰ هم ناظر به آیه ۹ است. آیه ۱۱ از نظر مفهومی در تقابل با آیه ۱۰ و مکمل آن است. آیات ۱۲ و ۱۳ نیز اشقی را در آیه ۱۱ توصیف می کنند، بنابراین از آیه ۶ تا آیه ۱۳ نیز یک کلام است. توجهی به این آیات نشان می دهد که آیه ۶ تا ۸، وعده های خدای متعالی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و آیات ۹ تا ۱۳ فرمان الهی به او و بررسی نتیجه آن است، به همین دلیل می توان این کلام واحد را در مقام تبیین به دو مطلب تقسیم کرد. (مربی محترم می تواند ضمن بیان این مطالب، بر تفاوت کلام و مطلب تاکید کند). آیه ۱۴ آغازگر جمله ای جدید و سیاقی با محتوای تازه است. آیه ۱۵ عطف به ترکی در آیه ۱۴ است. آیه ۱۶ با توجه بل به ماقبل نظارت دارد. آیه ۱۷ در مقابل آیه ۱۶ و مکمل آن است، اما آیه ۱۸ دارای هذا است و این ادات اشاره است و مشار الیه آن ماقبل است، اما باید بینیم که آیه به

محتوای آیات ۱۴ تا ۱۷ اشاره دارد، یا به محتوای کل سوره؟ در پاسخ باید گفت، اشاره به محتوای آیات ۱۴ تا ۱۷ مناسب تر است، زیرا ابلاغ فرمان تذکر به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ربطی به صحف ابراهیم (علیه السلام) و موسی (علیه السلام) ندارد و به همین دلیل این دو آیه را کلامی مستقل در نظر نمی گیریم، اما این قابلیت را دارد که مطلب مستقل در کلام آخر به شمار آید.

بر این اساس این سوره مبارکه به سه کلام تقسیم شد: آیات ۱ تا ۵؛ ۶ تا ۱۳؛ ۱۴ تا ۱۹.

۲. مربوط به کشف غرض: برای کشف غرض سوره باید ابتدا غرض و لب محتوای هر کلام را کشف نموده و با نسبت سنجی میان آنها غرض سوره به دست آوریم. می بینیم کلام نخست، پس از فرمان دادن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به تسبیح پروردگار بلندمرتبه، در چهار آیه یادآور هدایت تکوینی الهی می شود. کلام دوم با دو مقدمه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تذکر دادن و هدایت تشریحی مردم فرمان می دهد. کلام سوم هم بیان می دارد که رسیدن به سعادت و فلاح در پرتو تذکر پذیری و ترکیه است. پس این سوره با مقدمه هدایت تکوینی، فرمان هدایت تشریحی را صادر کرده و فلاح را نتیجه پذیرش آن دانسته است؛

نکته: آیات طلعه این سوره (۱ تا ۵) از وجوه ربوبیت خدا دو جنبه را مطرح کرده است: ۱. خلق فسوی، قدر فهدی ۲. أخرج المرعى فجعله غناء أحوی در مورد نخست، به نتیجه رساندن و هدایت کردن؛ و در مورد دوم، از بین بردن و در جریان هدایت تشریحی نیز با توجه به اختیار انسان، هر یک از این دو رویکرد ربوبیت الهی تصور دارد: ۱. تذکر پذیری سعادت: «سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى» ۲. تذکر گریزی و شقاوت: «وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى»

پس می بینیم که آیات طلعه که از تنزیه ذات پاک باری در هدایت تکوینی سخن به میان آورده است، هم مقدمه ای برای کلام دوم (فرمان دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هدایت تشریحی) و هم مقدمه ای برای کلام سوم (عکس العمل انسان ها در برابر هدایت تشریحی) است و به همین دلیل طلعه سوره به شمار آمده است.

این سوره بحث هدایت تشریحی (کلام ۲ و ۳) را با مقدمه بحث هدایت تکوینی آورده است،

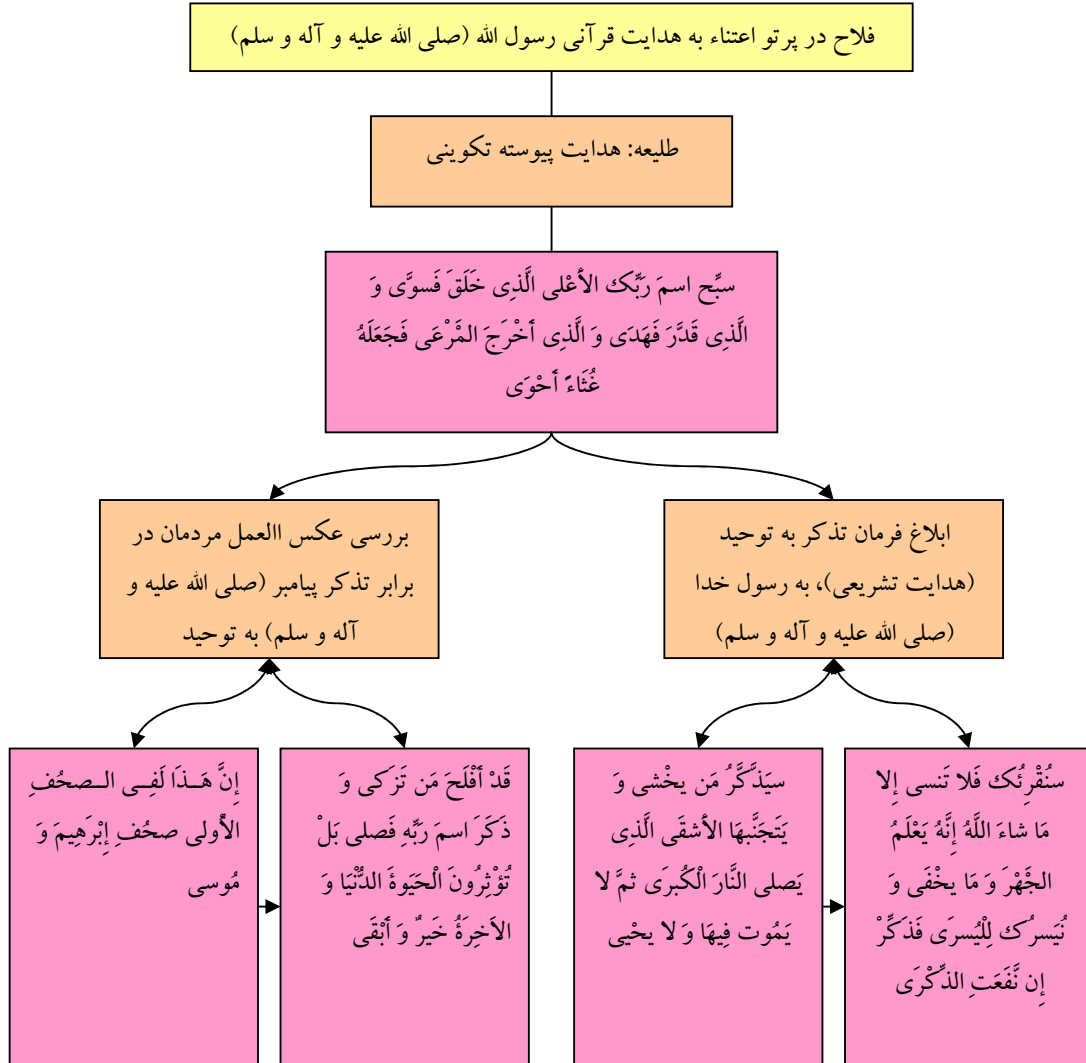
چرا؟

زیرا، دأب قرآن این است که از با تبیین امور محسوس بدیهی، زمینه تبیین امور غیر محسوس نظری را فراهم آورد؛ در اینجا هم بحث هدایت تکوینی الهی (با دو رویکرد به ثمر رسیدن و از بین رفتن) نمونه‌ای محسوس و عینی برای تبیین هدایت تشریحی و تفاوت رویکرد ربوبی با توجه به اختیار انسان‌هاست.

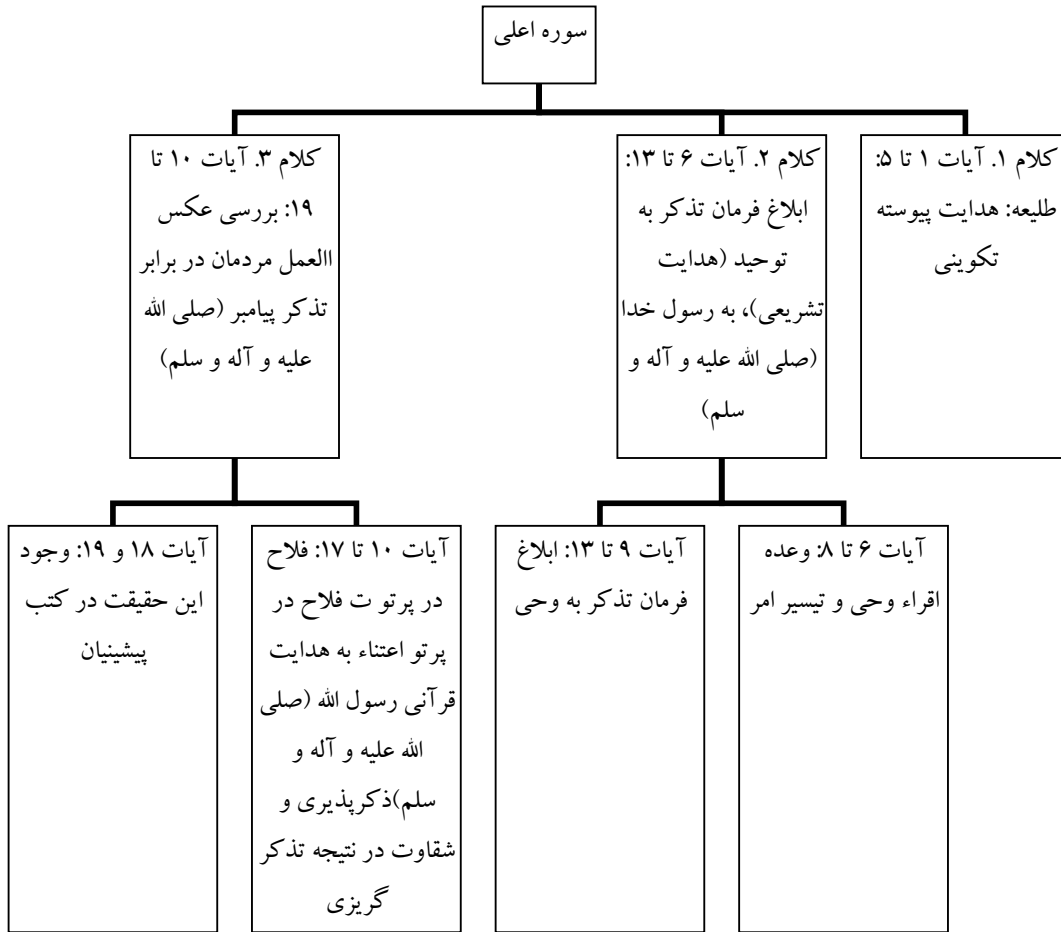
پس غیر از طلوعه که با هر دو کلام سوره مرتبط است، در نیمی از سوره، سخن از ذکر بودن قرآن و مذکر بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و در نیمی دیگر سخن از عکس العمل انسان‌ها در برابر این ذکر و مذکر؛ و نتیجه آن است و سوره می‌خواهد بگوید از سویی هدایت تشریحی نبی امری ضروری است و از سوی دیگر شرط نتیجه‌بخشی آن و رسیدن به فلاح، تذکر پذیری انسان‌هاست.

با توجه به همه این مطالب، غرض سوره می‌توان اینگونه بیان کرد: «فلاح در پرتو اعتناء به

هدایت قرآنی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)»



نمودار شماره ۲۲- سیر هدایتی سوره اعلی



نمودار شماره ۷۳- ساختار سوره اعلی

کلام ۱. طلیعه: هدایت پیوسته تکوینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

• الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲)

• وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (۳)

• وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (۴)

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (۵)

آیات این کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تسبیح اسم پروردگار بلند مرتبه فرمان می‌دهد و این فرمان با تبیین هدایت پیوسته تکوینی او تعلیل می‌کند.

به نام خداوند رحمتگر مهربان

نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای: (آیه ۱)

این آیه شریفه به تنزیه و تقدیس اسم خدای متعالی فرمان می‌دهد و با توجه به سیاق می‌توان گفت که مراد از تنزیه اسم در این آیه تنزیه فعل پروردگار است که جلوه ربوبیت اوست و به همین جهت اسم بر آن هم اطلاق می‌شود. فعل خارجی پروردگار، اسم الاسم الاسم است، چنانکه اسمائی نظیر خالق یا رب، اسم الاسم است و نام جلاله الله، اسم است.

مراد از تنزیه اسم آن است، که آنچه خدای متعالی از آن منزّه است با آن ذکر نشود، مانند ذکر آلهه و شرکاء و شفعاء و نسبت دادن ربوبیت به آنها؛ و افعال و شئون مختص خدای متعالی به دیگران نسبت داده نشود، مانند خلق و ایجاد و رزق و احیاء و اماته و؛ و آنچه لایق ساحت مقدس خدای سبحان نیست، به او نسبت داده نشود، مانند عجز و جهل و ظلم و غفلت و^۱

• همان که آفرید و هماهنگی بخشید. (آیه ۲)

این آیه و آیات بعدی تا انتهای آیه پنجم، توصیف تدبیر الهی است که برهانی بر ربوبیت مطلقه خدای متعالی به شمار می‌رود.^۲

• و آنکه اندازه‌گیری کرد و راه نمود. (آیه ۳)

• و آنکه چمنزار را برآورد؛ (آیه ۴)

و پس از چندی آن را خاشاکی تیره‌گون گردانید. (آیه ۵)

کلام ۲. ابلاغ فرمان تذکر (هدایت تشریحی)، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

سُنْقُرُکَ فَلَا تَنْسَى (۶)

^۱ همان، ص ۲۶۴.

^۲ همان، ص ۲۶۵.

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى (۷)

وَنُيْسِرُكَ لِلْيُسْرَى (۸)

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى (۹)

سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى (۱۰)

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱)

الَّذِي يَصِلِي النَّارَ الْكُبْرَى (۱۲)

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۱۳)

آیات این کلام در پرتو وعده کمک در تلقی وحی و آسان سازی رسالت، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تذکر بر اساس وحی قرآنی فرمان می دهد.

مطلب ۱. آیات ۶ تا ۸: وعده اقراء وحی و تیسر امر:

ما بزودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند، تا فراموش نکنی؛ (آیه ۶)
اقراء (مصدر سنقرءک) که در آیه آمده است، بدین معنی است که کسی قرائت دیگری را به منظور اصلاح گوش فرا دهد و اشکالاتش را به وی گوشزد کند، ولی با توجه به اینکه وجود اشکال در قرائت آن حضرت منتفی است، مراد از اقراء الهی قرآن به آن جناب، تمکین ایشان از قرائت قرآن است، به گونه ای که دقیقاً مطابق وحی باشد، بدون هیچ تغییری که ناشی از کم و زیاد کردن و یا تحریف از روی نسیان باشد؛

بر این اساس معنی آیه آن است که قرآن را همانگونه که نازل شده است، به تو می آموزیم و آن را به حفظ تو در می آوریم بدون اینکه آن را فراموش کنی؛ و این ملاک تبلیغ وحی است.^۱

^۱ همان، ص ۲۶۶.

جز آنچه خدا خواهد،

این استثناء برای آن است که بفهماند قدرت خدای متعالی مطلق است و هرگاه که بخواهد می تواند تو را به فراموشی قرآن دچار کند، هرچند که این را نمی خواهد.^۱

که او آشکار و آنچه را که نهان است می داند. (آیه ۷)

این جمله در مقام تعلیل آیه قبل است، بدین بیان: ما در تلقی و حفظ وحی تو را یاری می کنیم، چون ظاهر و باطن اشیا را می دانیم و در نتیجه ظاهر و باطن حال تو را نیز می دانیم و از اهتمام تو به امر وحی و علاقه شدید تو به طاعت فرامین الهی خبر داریم.^۲

و تو را برای یسری مهیا می گردانیم. (آیه ۸)

با توجه به آیات قبل که از خواندن وحی بر رسول خدا سخن می گفت: «سنقرئک فلا تنسی»، می توان نتیجه گرفت که مراد از یسری در این آیه، قرآن کریم است و اطلاق یسری بر قرآن کریم، بر اساس آیه «و لقد یسرنا القرآن للذکر» قابل توجیه است.

گفتنی است علامه طباطبایی (ره) آیه را اینگونه معنی کرده اند: تو را به گونه ای قرار می دهیم که همیشه آسانترین راه را برای تبلیغ و دعوت برگزینی و در نتیجه عده ای را هدایت کنی و برای دیگران اتمام حجت نمایی و بر آزار آنان صبر کنی.^۳

مطلب ۲. آیات ۹ تا ۱۳: ابلاغ فرمان تذکر به وحی:

پس پند ده، اگر پند سود بخشد. (آیه ۹)

آیات پیشین پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تنزیه اسم پروردگار فرمان داده بود و در ادامه آن حضرت را به تلقی بدون فراموشی آیات وحی و فراهم سازی آسانترین راه برای تبلیغ و دعوت وعده داده بود؛ امثال فرمان تسبیح موحدانه اسم پروردگار و تحقق وعده های پیش گفته، برای

^۱ همان.

^۲ همان، ص ۲۶۷.

^۳ همان.

پیروزی دعوت دینی ضروری است، از این رو در این مقطع از کلام آن حضرت را به تذکر دادن فرمان می دهد.^۱

آن کس که خشیت خدا دارد، بزودی عبرت گیرد. (آیه ۱۰)

و نگون بخت، خود را از آن دور می دارد؛ (آیه ۱۱)

به قرینه مقابله، مراد از نگون بخت کسی است که خشیت خدا ندارد.^۲

همان کس که در آتشی بزرگ در آید؛ (آیه ۱۲)

آنگاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد. (آیه ۱۳)

کلام ۳. بررسی عکس العمل مردمان در برابر تذکر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (هدایت قرآن)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ

تَزَكَىٰ (۱۴)

وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ

فَصَلَّىٰ (۱۵)

بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶)

وَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ (۱۷)

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ (۱۸)

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ (۱۹)

پس از اینکه کلام گذشته رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به تذکر فرمان داد این کلام با بررسی عکس العمل مردمان و ریشه و نتیجه آن در صدد توصیه به تذکر پذیری انسانها از آن حضرت است.

^۱ همان، ص ۲۶۸.

^۲ همان.

مطلب ۱. آیات ۱۴ تا ۱۷: فلاح در پرتو تذکر پذیری و شقاوت در نتیجه تذکر گریزی:

رستگار شد آن کس که

خود را پاک گردانید؛ (آیه ۱۴)

یعنی از آلودگیهای تعلقات دنیوی بازدارنده از آخرت، خود را پاک کرد.^۱

و نام پروردگارش را یاد کرد

و نماز گزارد. (آیه ۱۵)

لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می گزینید؛ (آیه ۱۶)

با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است. (آیه ۱۷)

با توجه به تقابل آیات ۱۴ و ۱۵ با آیات ۱۶ و ۱۷ می توان تقدیر این آیات را اینگونه نوشت: قَدْ أَفْلَحَ

مَنْ تَزَكَّى (۱۴) وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵) [و آثر الحیوة الأخری * لأنها خیر و أبقى (این جمله ها به

قرینه آیات ۱۶ و ۱۷ به آیات ۱۴ و ۱۵ ملحق شد) * و لكن أنتم لا تتذكرون اسم ربکم فلا تصلون (این

جمله به قرینه آیه ۱۵ بر آیه ۱۶ داخل شد) * [بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶) وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷)

مطلب ۲: وجود این حقیقت در کتب پیشینیان:

قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنی] هست، (آیه ۱۸)

صحیفه های ابراهیم و موسی. (آیه ۱۹)

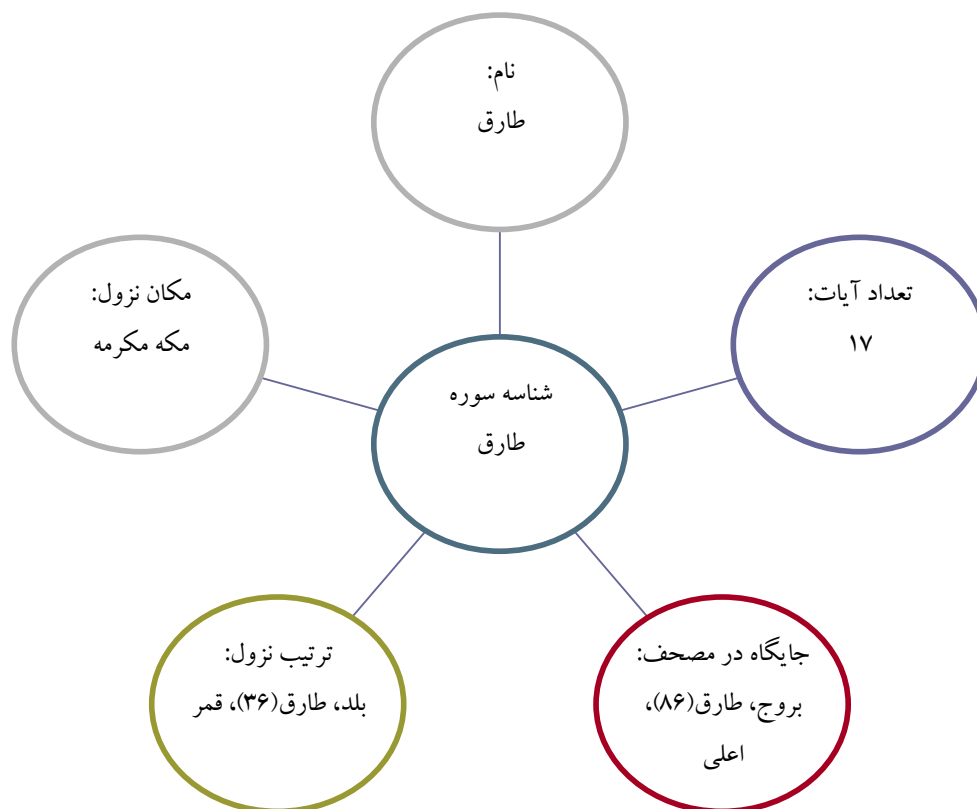
^۱ همان، ص ۲۶۹.

۲-۸-۳- تدبیر سوره مبارکه طارق (کار در خانه)

۲-۸-۳-۱- شناسه سوره

نام: طارق: این واژه در نخستین آیه سوره به کار رفته و به آن سوگند یاد شده است.

دانستیهای نزول: این سوره مبارکه مکی است؛^۱ و سیاق آن دلیل مکی بودن آن است. بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه سی و ششمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره بلد و پس از آن سوره قمر نازل شده است؛^۳



نمودار شماره ۷۴- شناسه سوره طارق

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۱۲.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۸.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۸-۳-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره مبارکه حاوی انذار به معاد است و با بیان قدرت مطلق الهی بر معاد استدلال می کند و اشاره ای به حقیقت روز قیامت دارد و با وعید کفار پایان می پذیرد.^۱

توضیح: این سوره مبارکه با طرح حقایق درباره حتمیت معاد و خاصیت افشاگرانه آن روز در صدد است، تا بفهماند فرصتی که به اغواگران کافر داده شده است، تنها از باب امهال و استدراج است و دلیل بر حقانیت دیدگاه آنان درباره حقایق دین نیست، از این رو پس از بیان دلیل مبتنی بر قدرت مطلق خدای متعالی برای باز گرداندن انسان و محاسبه اعمال او و بیان خاصیت افشاگرانه معاد، با سوگندهایی پرطنین از حقانیت گفته قرآن کریم در این باره خبر می دهد و انکار کافران را مکرری معرفی می کند که محکوم به مکر غالب الهی، یعنی امهال و استدراج است، نه رها ساختن آنان، یا فراموش کردن ایشان و یا حقانیت دیدگاه های کافرانه شان؛

بر این اساس غرض این سوره مبارکه بیانگر این حقیقت است که «اثبات معاد، ملازم حقانیت قرآن کریم» است، یعنی حقانیت معاد نشانه حقانیت قرآن است، چنانکه حقانیت قرآن دلیل حقانیت معاد است.

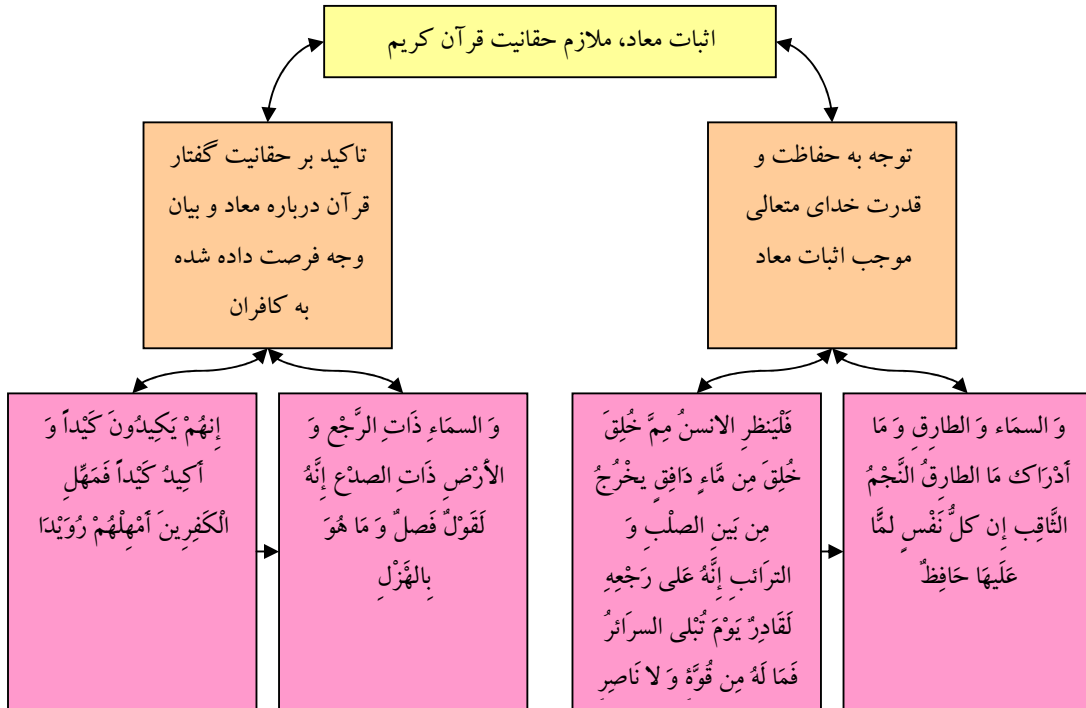
۲-۸-۳-۳- نکات آموزشی:

۱. درباره دسته بندی: آیه ۱ سوگند است و آیه ۲ اهمیت این سوگند را بیان می کند. آیه ۳، پاسخی است به پرسش مطرح شده از باب تعظیم، در آیه ۲. آیه ۴، جواب سوگند است و آیه ۵ نتیجه گیری از ماقبل است. آیه ۶، در مقام پاسخ به پرسش مطرح شده در آیه ۵ است. آیه ۷ توصیف «ماء» در آیه ۶ است. آیه ۸ نتیجه گیری از آیات ۵ تا ۷ است. آیه ۹ ظرف زمانی محتوای مطرح شده در آیه ۸ را تبیین می کند. آیه ۱۰ از وضعیت انسان در ظرف زمانی مطرح شده در آیه ۹ خبر می دهد، بنابراین از آیه ۱ تا ۱۰، یک دسته است. آیه ۱۱ سوگند دوباره و سرآغاز سیاقی جدید است. آیه ۱۲ عطف به آیه ۱۱ و سوگندی دیگر است. آیه ۱۳ جواب سوگند است و آیه ۱۴ به آن عطف شده

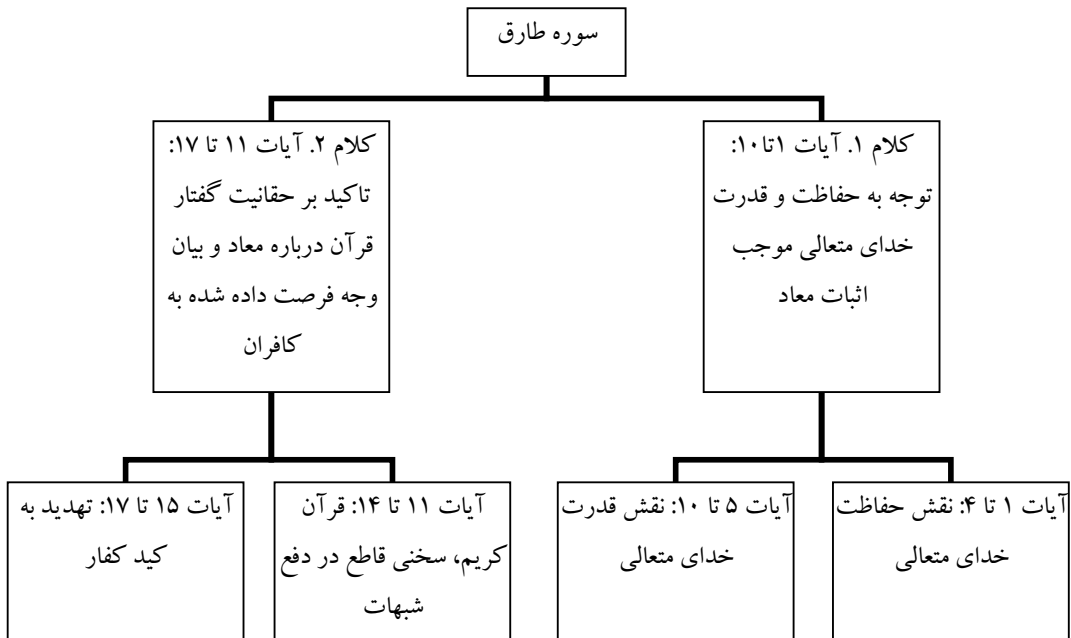
^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۸.

است. آیات ۱۵ تا ۱۷ نتیجه گیری از ماقبل است، بنابراین آیات ۱۱ تا ۱۷ نیز یک دسته دیگر از آیات این سوره است.

۲. درباره نحوه کشف غرض: قرآن آموز در کشف غرض این سوره، با نکته جدیدی رو به رو است و آن اینکه هر یک از کلام های این سوره موضوعی مستقل دارد. یکی مربوط به معاد است و دیگری مربوط به قرآن؛ از این رو متدبر باید برآیندی از غرض هر دو کلام را به عنوان غرض سوره معرفی کند، بر خلاف سوره هایی که کلام های آنها اغراض جداگانه ای در یک چارچوب موضوعی داشتند. (مثلا همه یا غالب دسته های آنها مربوط به معاد بود.) حال نحوه برآیند گیری از غرض دو کلام این سوره بدین شرح است: سوره در کلام نخست بر حقانیت معاد و قدرت خدای متعالی بر برگرداندن انسان ها و حسابرسی از آنها استدلال می کند و پیرو آن در کلام دوم، از حقانیت قرآن کریم و جدی بودن پیام های آن خبر می دهد و این نشان می دهد که حقانیت معاد خود نشانه حقانیت قرآن است. ترتیب دو کلام نیز مؤید همین محتواسست و نشان می دهد و می فهماند که این سوره مبارکه از اثبات معاد به عنوان نشانه حقانیت قرآن بهره گرفته است و باز از همین جا می فهمیم که مخاطب این سوره کسانی هستند که به بهانه ناحق بودن معاد و عدم قدرت خدا بر بازگرداندن و حسابرسی انسان ها، قرآن را انکار می کردند، چون قرآن محتوی این پیام مهم بود. با توجه به آیات آخر می شود فهمید که این نابخردان، فرصت داده شده به ایشان را نشانی از حقانیت خویش می پنداشتند. سوره در چنین فضایی نازل شد. ابتدا از حقانیت معاد و سیستم نظارت و حسابرسی الهی خبر داد و متفرع بر آن از حقانیت قرآن که حاوی پیام معاد است، خبر داده و آن را تاکید کرده است و در نهایت فرصت داده شده به منکران را نشانی از مکر الهی در مقابل مکر کافران دانسته است.



نمودار شماره ۷۵- سیر هدایتی سوره طارق



نمودار شماره ۷۶- ساختار سوره طارق

کلام ۱. توجه به حفاظت و قدرت خدای متعالی موجب اثبات معاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَالسَّمَاءِ
- وَالطَّارِقِ (۱)
- وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)
- النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)
- إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴)
- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)
- خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶)
- يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)
- إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸)
- يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹)
- فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰)

مطلب ۱. آیات ۱ تا ۴: نقش حفاظت خدا:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- سوگند به آسمان
- و آن اختر شبگرد. (آیه ۱)

لفظ طارق که در آیه شریفه آمده است به معنی ستاره‌ای است که شب طلوع می‌کند.^۱

و تو چه دانی که اختر شبگرد چیست؟ (آیه ۲)

آن اختر فروزان. (آیه ۳)

این دو آیه شریفه پاسخ تفخیم و تعظیم شأن و معرفی طارق است، که به آن سوگند یاد شده است.^۱

^۱ همان.

هیچ کس نیست مگر اینکه نگاهبانی بر او [گماشته شده] است. (آیه ۴)

این آیه جواب قسم است و مراد از نگاهبان ملکی است که روح انسان را حفظ و اعمال خوب و بد او را ثبت و ضبط می کند، تا در قیامت مورد محاسبه قرار گیرد و جزا داده شود.^۲

مطلب ۲. آیات ۵ تا ۱۰: نقش قدرت خدا:

پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ (آیه ۵)

این آیه متفرع بر آیه پیشین است، بدین بیان: حال که هر انسانی به همراه اعمالش حفظ می شود و نابود نشده و فراموش نمی گردد، پس باید اذعان کند که به سوی پروردگارش باز خواهد گشت و به آنچه عمل کرده است جزا داده خواهد شد و این امر بعیدی نیست، کافی است انسان برای رسیدن به این باور بنگرد که از چه چیز آفریده شده است، از آبی جهنده که از بین صلب مردان و استخوان سینه زنان بیرون می آید؛ آری قادر مطلقى که او را از آبی با این ویژگی آفریده است، می تواند او را برگرداند و پس از مرگ زنده گرداند.^۳

از آب جهنده ای خلق شده، (آیه ۶)

[که] از صُلبِ مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می آید. (آیه ۷)

در حقیقت، او [خدا] بر بازگردانیدن وی بخوبی تواناست. (آیه ۸)

آن روز که رازها [همه] فاش شود، (آیه ۹)

این آیه شریفه ظرف بازگرداندن در آیه قبل است.^۴

پس او را نه نیرویی مانند و نه یاری. (آیه ۱۰)

یعنی نه خودش می تواند مانع عذاب خدا شود و نه کسی می تواند عذاب خدا را از او دفع کند.^۵

^۱ همان.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۲۵۹.

^۴ همان، ص ۲۶۰.

^۵ همان.

کلام ۲. تاکید بر حقانیت گفتار قرآن درباره معاد و بیان وجه فرصت داده شده به کافران

• وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱)

• وَ الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲)

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳)

وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵)

وَ أَكِيدُ كَيْدًا (۱۶)

فَمَهَّلِ الْكُفْرِينَ

أَمْهَلُهُمْ رُؤْيَا (۱۷)

پس از اینکه در کلام سابق بر حقانیت رجوع و حساب تاکید و استدلال شد، این کلام با بیانی قاطع از قطعی بودن گفتار قرآن کریم درباره معاد خبر می دهد و فرصت داده شده به کافران را نشانی از مکر کیفری خدا با آنان می داند که به خاطر مکر خویش به آن گرفتار آمده اند. گفتنی است مکر الهی چیزی جز فرصت دادن به آنان نیست، تا مستحق شدیدترین عذابها گردند و این از آن روست که حق را می شنوند و نمی پذیرند.

مطلب ۱. قرآن کریم سخنی قاطع در دفع شبهات:

• سوگند به آسمان بارش انگیز، (آیه ۱۱)

• سوگند به زمین شکافدار [آماده کشت]، (آیه ۱۲)

[که] در حقیقت، قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است؛ (آیه ۱۳)

و آن شوخی نیست. (آیه ۱۴)

یعنی آنچه درباره حتمیت بعث و جزا به شما گفته شد، گفتاری قاطع است نه هزل و یاوه و شک و تردیدی در آن نیست؛^۱

مطلب ۲. آیات ۱۵ تا ۱۷: تهدید به کید کفار:

آنان دست به نیرنگ می‌زنند. (آیه ۱۵)

یعنی کفار با انکار معاد در صدد مکر و نیرنگ برای خاموش کردن نور الهی و ابطال دعوت به دین هستند و من نیز به عین اعمالشان و از طریق امهال و استدراج با ایشان مکر می‌کنم، تا ایشان را به عذاب جهنم سوق دهم.^۲

و [من نیز] دست به نیرنگ می‌زنم. (آیه ۱۶)

پس کافران را مهلت ده،

و کمی آنان را به حال خود واگذار. (آیه ۱۷)

یعنی حال که آنان مکر می‌کنند و من نیز به عین اعمال ایشان با آنان مکر می‌کنم و خدا بر امر خود غالب است، پس کمی منتظر باش و برای عذاب آنان عجله نکن که نزدیک است.^۳

^۱ همان، ص ۲۶۱.

^۲ همان.

^۳ همان.

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه نهم، شاگردان خود را بر اساس پرسش های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. ساختار سوره اعلی را همراه با شماره آیات و عناوین ترسیم کنید.
۲. غرض سوره اعلی چیست؟
۳. غرض سوره مبارکه اعلی چگونه کشف می شود؟

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته های خود، سوره های غاشیه و طارق را تدبیر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.
- مربی گرامی می تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه ای فوق العاده ارائه دهد.
۲. تدبیر سوره انشاق را در میزان مطالعه و در گروه های تدبیر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.
- با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبیر این سوره ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه نهم، جمع آوری و بررسی کند و در تدریس تدبیر این سوره مورد توجه قرار دهد.

۲-۹- درس نهم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

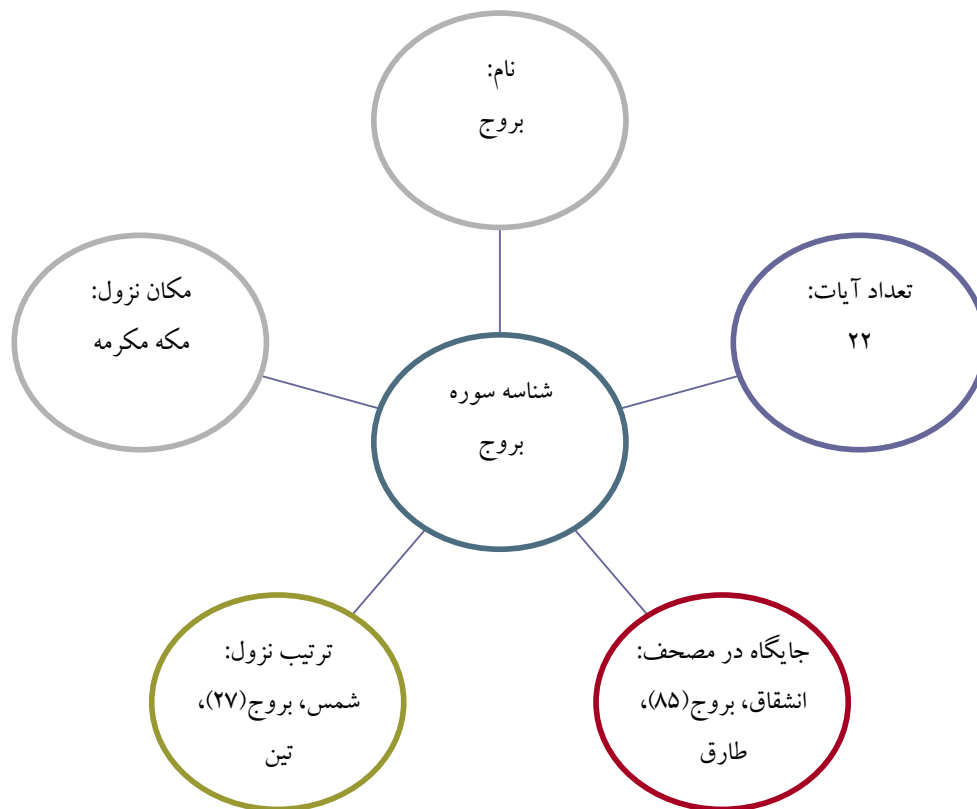
- آشنایی با تشخیص و تفکیک کلامها در سوره انشقاق؛ و تقویت این توانایی در موارد مشابه؛
- شناخت چگونگی کشف غرض با توجه به غرض مستقل هر کلام و جمع بندی آنها، در سوره انشقاق؛ و تقویت این توانایی در موارد مشابه؛
- انس با سوره مبارکه انشقاق که در صدد تهدید کسانی است که ملاقات با خدا را جدی نمی-گیرند و خود را برای آن آماده نمی کنند.

۲-۹-۱- تدبیر سوره مبارکه بروج (کار در خانه)

۲-۹-۱-۱- شناسه سوره

نام: بروج: این واژه در نخستین آیه سوره به کار رفته است.

دانستنیهای نزول: این سوره مکی است؛^۱ و سیاق آن، دلیل مکی بودن آن است. بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول این سوره مبارکه بیست و هفتمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره شمس و پس از آن سوره تین نازل شده است؛^۲



نمودار شماره ۷۷- شناسه سوره بروج

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۰۳.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۹.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۹-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

سوره انذار و تبشیر است. در آن تهدیدی شدید نسبت به کسانی است که با مردان و زنان مومن به خاطر ایمان به خدا فتنه می کنند، همان کاری که مشرکان مکه با مومنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کردند و آنان را عذاب کردند تا دست از ایمان بکشند و به شرک سابق خویش باز گردند...

خدای سبحان پیش از مطلب بالا، به قصه اصحاب اخدود اشاره فرموده است که برای تحریض مومنان به صبر در راه خدا است؛ و در ادامه مطلب بالا، به جریان جنود فرعون و قوم ثمود اشاره داشته که برای تطیب نفس شریف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به وعده نصر و تهدید مشرکان است.^۱

توضیح: مؤمنان در مکه به ویژه در آغاز دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سخت در رنج و فشار بودند و دائم از طرف دشمنان شکنجه های روحی و جسمی می شدند تا از ایمان خود باز گردند، گروهی مقاومت کرده و بعضی از افراد ضعیف تسلیم می شدند و باز می گشتند.

با توجه به اینکه این سوره از سوره های مکی است چنین به نظر می رسد که در صدد تقویت روحیه مؤمنان در برابر این جریان و تشویق آنان به پایداری و استقامت است.

این سوره در کلام نخست (آیات ۱ تا ۳)، چند سوگند را بیان می کند که جواب آنها محذوف است و کلام سوم سوره بر آن دلالت دارد، و با توجه به این که کلام سوم، قسمت اصلی سوره به حساب می آید، این سوگندها نیز ناظر به قسمت اصلی یا همان غرض این سوره هستند و از این رو طلیعه سوره به شمار می روند.

در کلام دوم (آیات ۴ تا ۹) داستان اصحاب اخدود را نقل می کند، همانها که خندقها کردند و آتشی عظیمی در آن افروختند و مؤمنان را به شکنجه با آتش تهدید کردند، گروهی را زنده زنده در آتش سوزاندند، اما آنها از ایمانشان بازنگشتند.

در کلام بعد (آیات ۱۰ تا ۲۲) کافران اهل آزار مومنان را سخت مورد حمله قرار داده و آنها را به عذاب سوزان جهنم تهدید می کند، در حالی که مؤمنان را به باغهای پر نعمت بهشتی بشارت می دهد؛ و

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۸.

در مقام تاکید وعید کافران آنها را به گذشته تاریخ باز می گرداند و داستان فرعون و ثمود و اقوام زورمند و گردنکش را در برابر دیدگانشان مجسم می سازد که چگونه در مقابل فرمان عذاب الهی به زانو درآمدند و نابود شدند؛ تا کفار مکه که نسبت به آنها قدرت ناچیزی داشتند، حساب خود را بکنند و هم مایه تسلی خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مؤمنان باشد؛ و سپس به تکذیب لجوجانه کافران و عظمت قرآن مجید و اهمیت فوق العاده این وحی الهی اشاره می کند و سوره را با آن پایان می دهد.

به طور کلی این سوره، سوره استقامت و پایمردی و شکیبائی در برابر فشارهایی است که از ظالمان و مستکبران بر مؤمنان وارد می شود و در لابلای آیات آن وعده نصرت الهی نهفته است؛^۱ و غرض آن «تاکید بر تحقق وعده عذاب» (به ویژه درباره مشرکان اهل آزار مومنان) است.

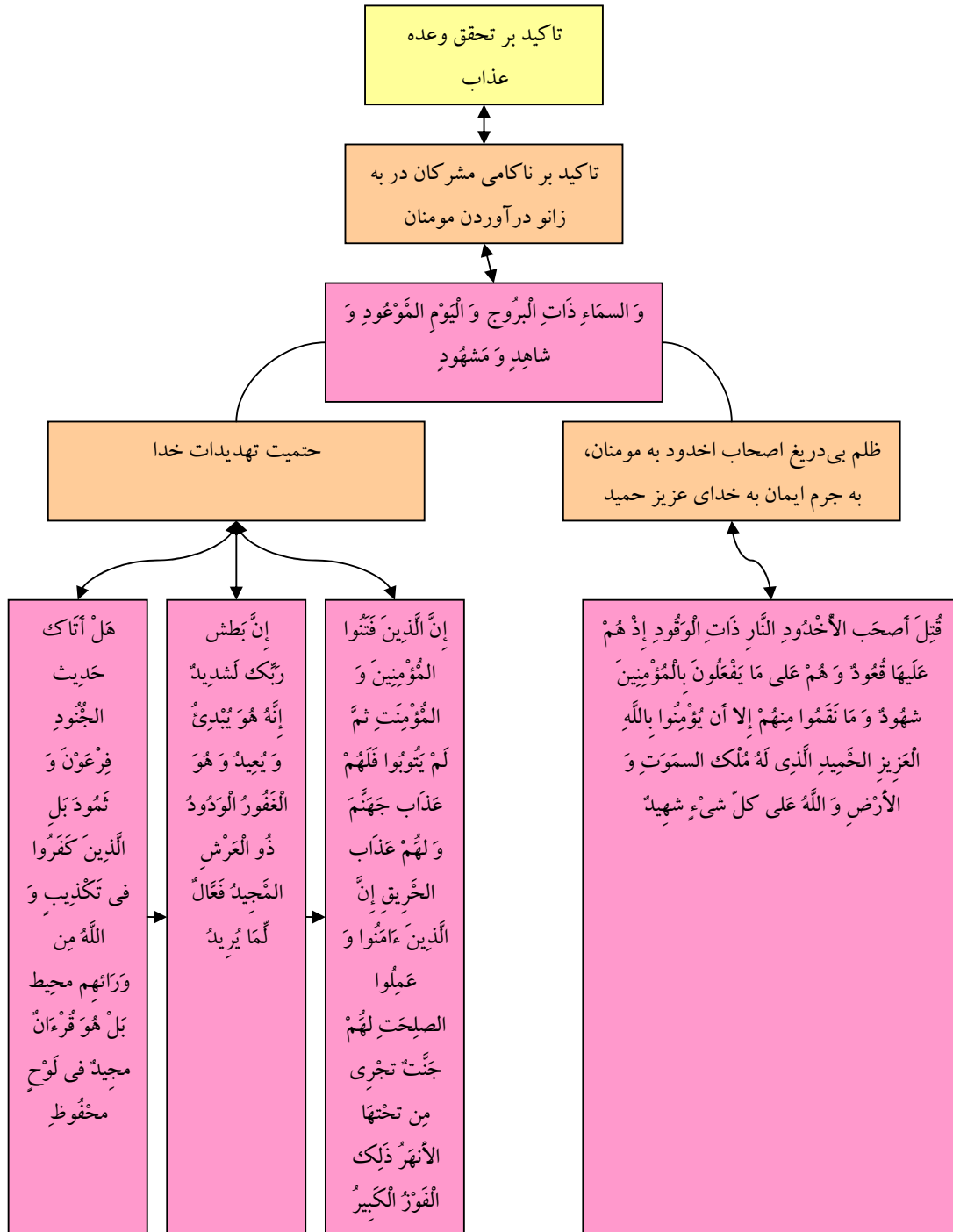
۲-۹-۱-۳- نکات آموزشی:

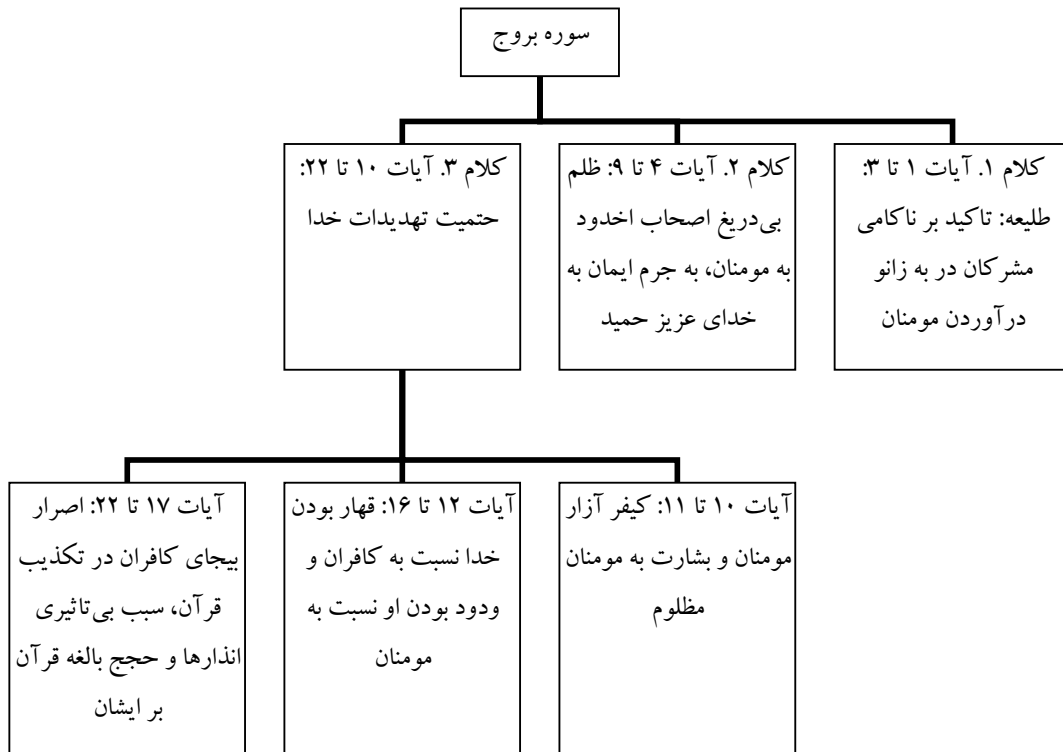
۱. درباره دسته بندی: آیات ۱ تا ۳ سه سوگند را مطرح کرده و جواب قسم محذوف است، بنابراین این آیات را یک کلام مستقل و به منزله طلعه می دانیم. (جهت یادآوری به سوره فجر مراجعه شود). آیه ۴ سرآغاز سیاقی جدید درباره اصحاب اخدود است. آیه ۵ توصیف اخدود در آیه ۴ است. آیات ۶ تا ۸ اجمالی از ماجرای صحاب اخدود را بیان می کند و آیه ۹ هم وصف الله در آیه ۸ است، بنابراین آیه ۴ تا ۸ یک کلام است. اما آیه ۱۰ سرآغاز سیاقی جدید با اعطای قاعده ای کلی درباره اهل فتنه است. آیه ۱۱ در تقابل با آیه ۱۰ و مکمل آن است. آیات ۱۲ تا ۱۶ اوصافی از خدا را مطرح می کند که با محتوای آیات ۱۰ و ۱۱ مرتبط است. آیات ۱۷ و ۱۸ نمونه ای عینی از وعده داده شده در آیه ۱۰ را به تصویر کشیده و آیه ۱۹ عکس العمل مکذبانه مشرکان در برابر وعده های داده شده در آیات ۱۰ تا ۱۸ را مطرح می کند. آیه ۲۰ تاکید بر وعده عذاب مطرح شده در آیات ۱۰ تا ۱۸ و پاسخی به عکس العمل مطرح شده در آیه ۱۹ است. آیات ۲۱ و ۲۲ هم اضرابی از محتوای غیر مذکور، ولی ملازم با تکذیب مطرح شده در آیه ۱۹ است. بدین بیان: آنان قرآن را تکذیب می کنند

^۱ ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۲۴.

چون آن را دروغ می‌پندارند، ولی این طور نیست، بنابراین آیات ۱۰ تا ۲۲ هم يك کلام است، که قابلیت تقسیم به چند مطلب را دارد.

۲. درباره کشف غرض: موضوع مستمر در این سوره مقابله با آزار و اذیت مشرکان نسبت به مومنان است. کلام ۲ و ۳ به راحتی موید همین ادعا هستند و کلام ۱ هم، طلیعه‌ای برای تاکید است و با این ادعا منافات ندارد، اما سوره از چه راهی به مقابله با این پدیده پرداخته است؟ تهدید به عذاب؛ و این هم در کلام‌های ۲ و ۳ به روشنی قابل استفاده است. اما باز هم در کلام انتهایی می‌بینیم که خدای متعالی بر حتمیت وقوع عذاب وعده داده شده تاکید می‌کند، زیرا این وعده‌ها در قرآن بوده و اینان قرآن را تکذیب می‌کردند و آن را دروغ می‌انگاشتند، لذا خدای سبحان آنان را تهدید می‌کند، سپس از قادریت مطلق خود برای عملی کردن این وعیدها خبر می‌دهد و در ادامه تکذیب آنان نسبت به قرآن و این وعیدهای مطرح شده در آن را نشانه رفته و آن را هم رد کرده است، پس می‌توان گفت غرض سوره در انتهای آن متمرکز است، که تاکید بر حتمیت وقوع عذاب‌های وعده داده شده برای مشرکان اهل آزار و اذیت مومنان است.





نمودار شماره ۷۹- ساختار سوره بروج

کلام ۱. طلیعه: تاکید بر ناکامی مشرکان در به زانو در آوردن مومنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)
- وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲)
- وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)

آیات این کلام سوگندهای پرتیننی است که ناظر به غرض سوره است؛ و کلام سوم سوره به طور

صریح بر جواب این سوگندها دلالت دارد.^۱

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- سوگند به آسمان آکنده ز برج، (آیه ۱)

^۱ ر.ک. المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۰.

برج بنایی است که به منظور دفاع، بر دیوار شهر ساخته می شود. در این آیه نیز مراد از بروج مواضع ستارگان در آسمان است که سبب حفظ آسمان از شر شیاطین است، بنابراین معنی آیه چنین است: سوگند به آسمانی که به وسیله برجها حفظ می شود.^۱

• و به روزِ موعود، (آیه ۲)

مراد از روز موعود، روزی است که خدای متعالی در آن روز وعده حسابرسی اعمال را داده است.^۲

• و به گواه و مورد گواهی، (آیه ۳)

مراد از گواه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مراد از مورد گواهی آزار مشرکان نسبت به مومنان است.^۳

کلام ۲. ظلم بی دریغ اصحاب اخدود به مومنان، به جرم ایمان به خدای عزیز حمید

قُتِلَ أَصْحَابَ الْأُخْدُودِ (۴)

النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ (۵)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶)

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷)

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)

^۱ همان، ص ۲۴۹.

^۲ همان.

^۳ همان.

آیات این کلام به منزله توطئه و تمهیدی برای محتوای کلام بعدی است.^۱ این آیات به قصه اصحاب اخدود اشاره می کند، همانان که مومنان را به شکنجه با آتش تهدید کردند و عده ای را زنده زنده در آتش سوزاندند.

مرگ بر آدم سوزانِ خندق. (آیه ۴)

همان آتش مایه دار [و انبوه]. (آیه ۵)

آنگاه که آنان بالای آن [خندق به تماشا] نشسته بودند. (آیه ۶)

و خود بر آنچه بر [سر] مؤمنان می آوردند، گواه بودند. (آیه ۷)

و بر آنان عیبی نگرفته بودند جز اینکه به خدای ازجمند ستوده ایمان آورده بودند. (آیه

۸)

یعنی آنها را به جرم ایمان به خدا سوزاندند.^۲

همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست

و خدا [است که] بر هر چیزی گواه است. (آیه ۹)

این آیه با توصیف اسم جلاله حجتی بر حقانیت مومنان و مظلومیت آنها در جریان اصحاب اخدود است و می فهماند که خدا ایشان را به بهترین وجه جزا خواهد داد؛ چنانکه حجتی بر باطل بودن آن جباران جری در برابر خدا است و می فهماند که خدا ایشان را به نتیجه اعمالشان خواهد رسانید.^۳

کلام ۳. حتمیت تهدیدات خدا

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ شِمَّ لَمْ يَتُوبُوا

فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ

وَلَهُمْ عَذَابٌ الْحَرِيقِ (۱۰)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

^۱ همان، ص ۲۵۱.

^۲ همان.

^۳ همان.

ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱)

- إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲)
- إِنَّهُ هُوَ بِيَدِيٍّ وَيُعِيدُ (۱۳)
- وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴)
- ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵)
- فَعَالَ لَمَّا يُرِيدُ (۱۶)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثَ الْجُنُودِ (۱۷)

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (۱۸)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹)

وَاللَّهُ مِنْ ورائِهِمْ مَحِيطٌ (۲۰)

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ (۲۱)

فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ (۲۲)

در این کلام کافران اهل آزار مومنان را سخت مورد حمله قرار داده و آنها را به عذاب سوزان جهنم تهدید می کند، در حالی که مؤمنان را به باغهای پر نعمت بهشتی بشارت می دهد؛ و در مقام تاکید وعید کافران آنها را به گذشته تاریخ باز می گرداند و داستان فرعون و ثمود و اقوام زورمند و گردنکش را در برابر دیدگانشان مجسم می سازد که چگونه در مقابل فرمان عذاب الهی به زانو در آمدند و نابود شدند؛

مطلب ۱. آیات ۱۰ تا ۱۱: کیفر آزار مومنان و بشارت به مومنان مظلوم:

کسانی که مردان و زنان مؤمن را آزار کرده و بعد توبه نکرده اند،

ایشان راست عذاب جهنم،

و ایشان راست عذاب سوزان. (آیه ۱۰)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن جویها روان است؛

این است [همان] رسنگاری بزرگ. (آیه ۱۱)

مطلب ۲. آیات ۱۲ تا ۱۶: قهار بودن خدا نسبت به کافران و ودود بودن او نسبت به مومنان:

- آری، عقاب پروردگارت سخت سنگین است. (آیه ۱۲)
- از این آیه تا پایان آیه هجدهم تحقیق و تاکید وعد و وعیدی است که در آیات پیشین مطرح شد.^۱
- هم اوست که [آفرینش را] آغاز می‌کند و باز می‌گرداند. (آیه ۱۳)
- این آیه تعلیلی برای آیه پیش است.^۲
- و اوست آن آمرزنده دوستدار [مؤمنان]. (آیه ۱۴)
- این آیه ناظر به وعده‌ای است که به مومنان داده شد.^۳
- صاحب ارجمند عرش. (آیه ۱۵)
- هر چه را بخواهد انجام می‌دهد. (آیه ۱۶)

مطلب ۳. آیات ۱۷ تا ۲۲: اصرار بیجای کافران در تکذیب قرآن، سبب بی‌تاثیری انذارها و حجج بالغه قرآن بر ایشان:

آیا حدیث [آن] سپاهیان: (آیه ۱۷)

فرعون و ثمود بر تو آمد؟ (آیه ۱۸)

این دو آیه تقریر شدت عقاب خدا است که در آیات پیش مطرح شد و در عین حال مفید تطیب

نفس شریف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز هست.^۴

[نه،] بلکه آنان که کافر شده‌اند در تکذیب‌اند؛ (آیه ۱۹)

^۱ همان، ص ۲۵۲

^۲ همان، ص ۲۵۳.

^۳ همان.

^۴ همان، ص ۲۵۴.

یعنی به ایمان مشرکان در اثر این آیات بینات امیدی نیست، زیرا آنان در تکذیب خود مصرند و از موعظه و حجت نفعی نمی‌برند.

بعید نیست که با توجه به سیاق مراد از کافران مشرکان قوم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد.^۱

با آنکه خدا از هر سو برایشان محیط است. (آیه ۲۰)

و آنان نمی‌توانند خدای متعالی را به عجز درآورند.^۲

آری، آن قرآنی ارجمند است، (آیه ۲۱)

که در لوحی محفوظ است. (آیه ۲۲)

این دو آیه اضرابی از اصرار مشرکان بر تکذیب قرآن است و بدین معنی است: آنگونه که آنان ادعا

می‌کنند نیست، بلکه قرآن کتابی است^۳

^۱ همان.

^۲ همان.

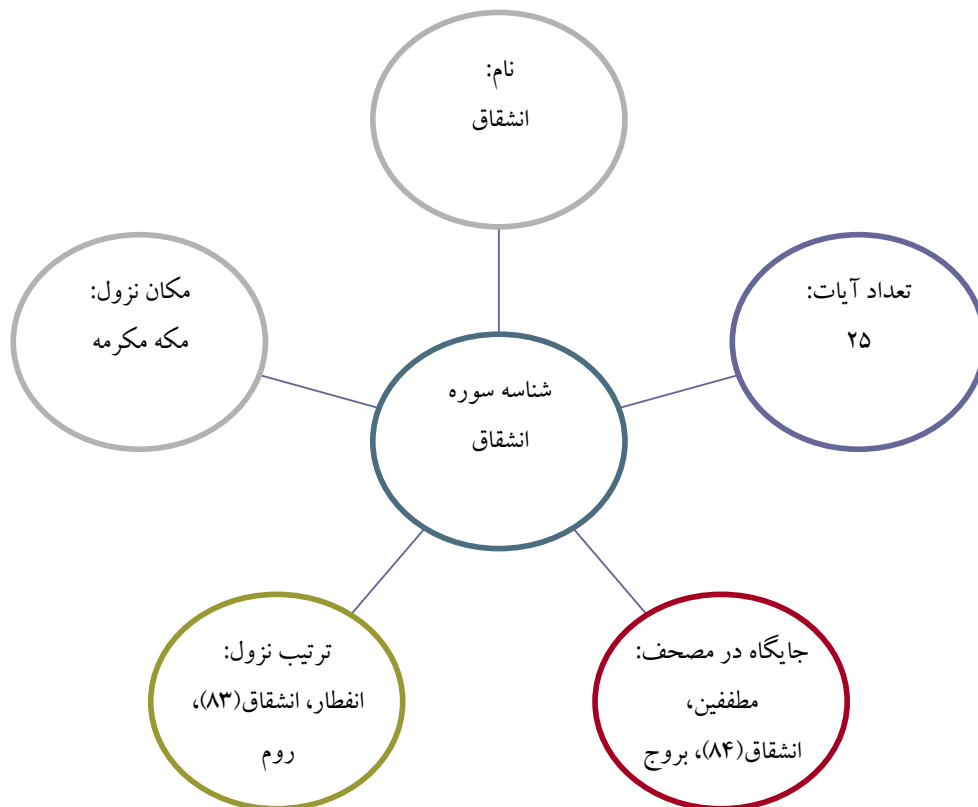
^۳ همان.

۲-۹-۲- تدبر سوره مبارکه انشقاق (متن درسی)

۲-۹-۲-۱- شناسه سوره

نام: انشقاق: این واژه مصدر فعل «انشقت» در نخستین آیه سوره است.

دانشتهای نزول: این سوره مکی است؛^۱ و سیاق آیات آن گواهی بر این مطلب است. بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول این سوره مبارکه هشتاد و سومین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره انفطار و پس از آن سوره روم نازل شده است؛^۳



نمودار شماره ۸۰-شناسه سوره انشقاق

^۱ همان.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۱.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۹-۲-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره به قیام ساعت اشاره می کند و یادآوری می کند که برای انسان سیری به سوی خداست تا او را ملاقات کند و به اقتضای کتاب خویش محاسبه گردد. سوره در این باره با تاکید سخن گفته و جانب انذار آن بر جانب تبشیر غلبه دارد.^۱

توضیح: این سوره مبارکه دارای دو کلام است. آیات ۱ تا ۱۵ و آیات ۱۶ تا ۲۵؛

در کلام نخست پس از ترسیم صحنه قیامت و تاکید بر فرمانبرداری آسمان و زمین در برابر خدای متعالی، انسان را مخاطب قرار داده و با تاکید رسا به او یادآور می شود که خواه نا خواه به سوی پروردگار خویش در حرکت است و در هنگام قیامت او را ملاقات خواهد کرد و بر اساس اعمال خود محاسبه و مجازات خواهد شد، جز آنکه نامه اعمال برخی به دست راست آنها داده می شود و نامه اعمال عده ای از پشت سر داده می شود. گروه نخست محاسبه ای آسان و سروری ابدی خواهند داشت و گروه دوم هلاکت خویش را از خدا خواهند خواست، زیرا در دنیا سرخوشی می کردند و بعثت و جزا را باور نداشتند.

سپس در کلام دوم بار دیگر با چند سوگند تکان دهنده همان حرکت مرحله به مرحله به سوی خدای سبحان را با بیانی دیگر مورد تاکید قرار می دهد و با این مقدمه از لجاجت عده ای در عدم ایمان به قرآن و خضوع در برابر ساحت مقدس خدا، اظهار تعجب و توبیخ می کند و یادآور می شود که این لجاجت و عناد ناشی از قصور بیان قرآن نیست، بلکه به خاطر ریشه دار بودن تکذیب معاندانه آنان است، از این رو آنان را عذابی دردناک بشارت می دهد و مومنان اهل عمل صالح را از این عذاب استثنا می کند. بر این اساس می توان غرض سوره را اینگونه بیان داشت: «تهدید و توبیخ نسبت به جدی نگرستن

ملاقات با خدای متعالی»

۲-۹-۲-۳- نکات آموزشی:

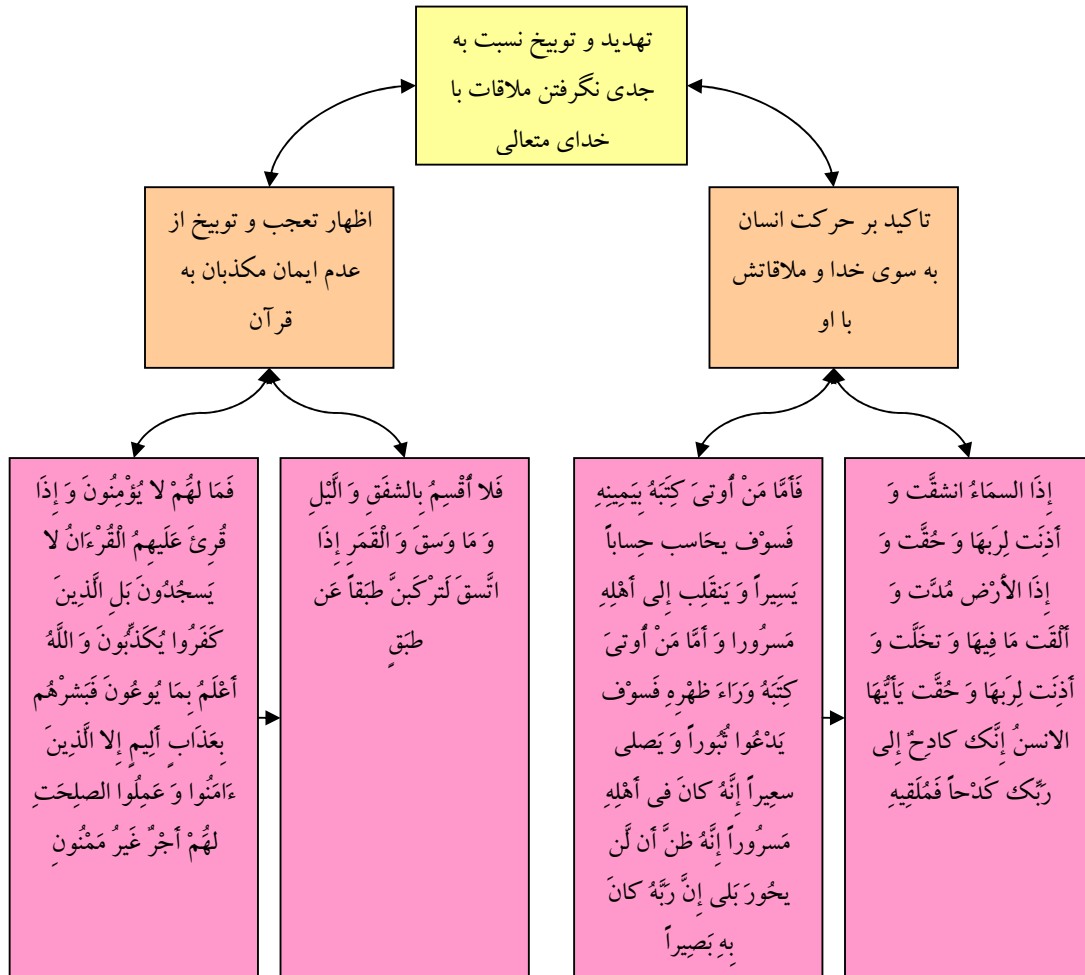
^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۱.

۱. درباره دسته‌بندی: توجهی به ظواهر آیات سوره مبارکه نشان می‌دهد که این سوره محتوی دو اسلوب آغازین کلام است: یکی شرطهای مکرر در آیات ۱ تا ۵؛ و دیگری سوگندهای مکرر در آیات ۱۶ تا ۱۸؛ بنابراین این سوره با توجه به ظواهر الفاظ، به دو قسمت اصلی (مطابق با کلام) تقسیم می‌شود: آیات ۱ تا ۱۵؛ و آیات و آیات ۱۶ تا ۲۵. اینک به بررسی تقسیم‌بندی هر یک از این مقاطع می‌پردازیم: آیات ۱ تا ۵، با دو «إِذَا»، مواردی از اشراط الساعة را بر می‌شمارد و بدین ترتیب از برپایی قیامت خبر می‌دهد. آیه ۶ با شروع خطاب به انسان مطلب جدیدی به شمار می‌آید، اما تغییر دهنده سیاق نیست، زیرا در همین آیه از ملاقات انسان با خدا خبر داده شده است و آیات پس از آن تا آیه ۱۵ نیز تفصیل انحاء ملاقات انسان با خدا است و اینها در ادامه همان آیاتی است که از برپایی قیامت، یعنی ظرف ملاقات انسان با خدا خبر می‌داد. آیه ۷ آغاز تفصیل نحوه ملاقات انسان با خدا است که در آیه ۶ مطرح شده بود. آیه ۸ و ۹ عطف به آیه ۷ است. آیه ۱۰ به لحاظ محتوایی در تقابل با آیه ۷ و مکمل آن است. آیات ۱۱ و ۱۲ عطف به آیه ۱۰ هستند و آیات ۱۳ و ۱۴ تعلیل محتوای آیات قبل‌اند. آیه ۱۵ هم استدراک‌ی از ظن مطرح شده در آیه ۱۴ است، بنابراین سیاق واحد ۱ تا ۱۵ به دو مطلب تقسیم شد: آیات ۱ تا ۵؛ و آیات ۶ تا ۱۵.

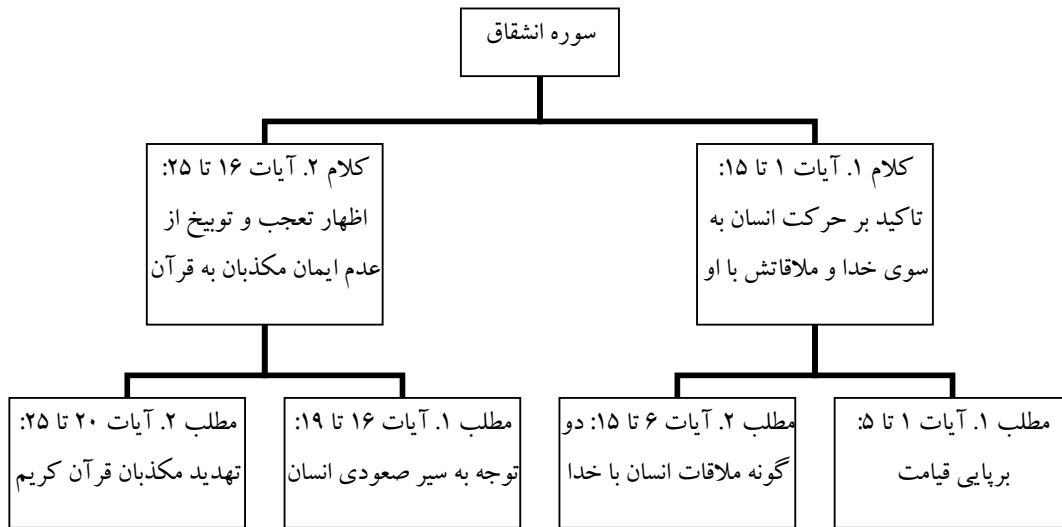
آیات ۱۶ تا ۱۹ سه قسم و جواب قسم است، سرآغاز محتوایی خارج از چارچوب قسم و جواب قسم است و به همین دلیل سرآغاز مطلب جدید به شمار می‌آید، اما ابتدای کلام و یا سیاق جدید نیست، زیرا متفرع بر محتوای قسم و جواب قسم مطرح شده در آیات قبل است. آیه ۲۱ عطف به لا یؤمنون در آیه ۲۰ است و آیه ۲۲ استدراک‌ی از ماقبل است و آیه ۲۳ عطف به آیه ۲۲ و به لحاظ محتوای ناظر به آن است. آیه ۲۴ بیان عاقبت محتوای مطرح شده در آیات قبل است و آیه ۲۵ استثناء از آیه ۲۴ است، بنابراین این سیاق واحد نیز، به دو مطلب تقسیم شد: آیات ۱۶ تا ۱۹؛ و آیات ۲۰ تا ۲۵.

۲. درباره کشف غرض: برای کشف غرض سوره باید میان اغراض کلام‌های آن نسبت‌سنجی شود. کلام نخست با مقدمه برپایی قیامت از حتمیت ملاقات انسان با خدا و تفصیل انحاء آن سخن

گفت. کلام دوم هم با یادآوری همین حقیقت انسان‌ها را به خاطر عدم ایمان و تکذیب حقایق قرآنی تویخ کرد و به عذاب بشارت داد، به این ترتیب می‌توان گفت غرض این سوره در چارچوب هشدار دادن نسبت به حقانیت حرکت انسان به سوی خدا و ملاقاتش با او است.



نمودار شماره ۸۱- سیر هدایتی سوره انشاق



نمودار شماره ۸۲- ساختار سوره انشقاق

کلام ۱. تاکید بر حرکت انسان به سوی خدا و ملاقاتش با او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)
- وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲)
- وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)
- وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴)
- وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۵)
- يَأْتِيهَا الْانْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلْقِيهِ (۶)
- فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)
- فَسَوْفَ يَحْسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸)
- وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)
- وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وِرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰)

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا (۱۱)

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا (۱۲)

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳)

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴)

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵)

در این کلام ابتدا به ترسیم صحنه قیامت پرداخته، سپس انسان را مخاطب قرار می‌دهد و یادآور می‌شود که خواه نا خواه به سوی پروردگار خویش در حرکت است و در هنگامه قیامت او را ملاقات خواهد کرد و بر اساس اعمال خود محاسبه و مجازات خواهد شد.

مطلب ۱. برپایی قیامت:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- آنگاه که آسمان زهم بشکافد، (آیه ۱)

این شرطی است که جزای آن محذوف است و آیه شش بر آن دلالت می‌کند و تقدیر آن چنین است: آنگاه که آسمان شکافته شود ... انسان پروردگارش را ملاقات می‌کند و خدا او را بر اعمالش محاسبه و مجازات می‌کند.^۱

و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد. (آیه ۲)

- و آنگاه که زمین کشیده شود، (آیه ۳)

و آنچه را که در آن است بیرون افکند و ثهی شود، (آیه ۴)

و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد. (آیه ۵)

مطلب ۲. دو گونه ملاقات انسان با خدا:

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۱.

ای انسان، حقاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاش و حرکتی، و او را ملاقات خواهی کرد. (آیه ۶)

این آیه متضمن حجتی بر معاد است، چون ربوبیت جز با عبودیت تمام نیست و آن هم جز با مسئولیت تمام نیست و آن هم جز با رجوع و حساب اعمال تمام نیست و آن هم جز با جزاء تمام نیست.^۱

○ اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، (آیه ۷)

این آیه سرآغاز تفصیلی مترتب بر آیه پیشین است.^۲

بزودی‌اش حسابی بس آسان کنند، (آیه ۸)

و شادمان به سوی کسانی بازگردد. (آیه ۹)

○ و اما کسی که کارنامه‌اش از پشت سرش به او داده شود، (آیه ۱۰)

زوداً که هلاک [خویش] خواهد، (آیه ۱۱)

و در آتش فروخته درآید. (آیه ۱۲)

او در [میان] خانواده خود شادمان بود. (آیه ۱۳)

او می‌پنداشت که هرگز برنخواهد گشت. (آیه ۱۴)

آری، در حقیقت، پروردگارش به او بینا بود. (آیه ۱۵)

کلام ۲. اظهار تعجب و توبیخ از عدم ایمان مکذبان به قرآن

• فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶)

• وَ اللَّيْلِ

• وَ مَا وَسَقَ (۱۷)

• وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸)

• لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (۱۹)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

^۱ همان، ص ۲۴۲.

^۲ همان، ص ۲۴۳.

وَ إِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ (۲۲)

وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳)

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

در این کلام بار دیگر پس از چند سوگند تکان دهنده، با بیانی دیگر حرکت مرحله به مرحله به سوی خدای سبحان را مورد تاکید قرار داده و با این مقدمه از لجاجت عده‌ای در عدم ایمان به قرآن و خضوع در برابر ساحت مقدس خدا، اظهار تعجب و توییح می‌کند.

مطلب ۱. توجه به سیر صعودی انسان:

- نه، نه، سوگند به شَفَق، (آیه ۱۶)
 - سوگند به شب
 - و آنچه [شب] فروپوشاند، (آیه ۱۷)
 - سوگند به ماه چون [بَدْر] تمام شود، (آیه ۱۸)
- که قطعاً از حالی به حالی بر خواهید نشست. (آیه ۱۹)

این آیه جواب قسم و خطاب به مردم است؛ و مراد آن است که شما انسانها در تلاش و حرکتتان به سوی خدا مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارانید: حیات دنیا، سپس مرگ، سپس حیات برزخ، سپس انتقال به آخرت، سپس حیات آخرت و سپس حساب و جزاء.

بر این اساس این قسمها برای تاکید آیه «يا أيها الإنسان إنك كادح إلى ربك كدحاً فملاقيه» و

خبر بعثت پس از آن است و در عین حال مقدمه‌ای برای تعجیب و توییح در آیات بعد است.^۱

مطلب ۲. تهدید مکذبان قرآن:

^۱ همان، ص ۲۴۶.

پس چرا آنان باور نمی‌دارند؟ (آیه ۲۰)

و چون بر آنان قرآن تلاوت می‌شود چهره بر خاک نمی‌سایند؟ (آیه ۲۱)

[نه!] بلکه آنان که کفر ورزیده‌اند، تکذیب می‌کنند. (آیه ۲۲)

یعنی آنان ایمان را به خاطر قصور در بیان یا انقطاع برهان ترک نگفته‌اند، بلکه تابع اسلاف و رؤسای

خویشند و در کفر رسوخ دارند و بر تکذیب پافشاری می‌کنند.^۱

و خدا به آنچه در سینه دارند داناتر است. (آیه ۲۳)

پس آنان را از عذابی دردناک خبر ده، (آیه ۲۴)

مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، که آنان را

پاداشی بی‌منت خواهد بود. (آیه ۲۵)

^۱ همان.

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه دهم، شاگردان خود را بر اساس پرسش های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. ساختار سوره انشقاق را همراه با شماره آیات و عناوین ترسیم کنید.

۲. غرض سوره انشقاق چیست؟

۳. غرض سوره مبارکه انشقاق چگونه کشف می شود؟

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته های خود، سوره بروج را تدبیر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.

مربی گرامی می تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه ای فوق العاده ارائه دهد.

۲. تدبیر سوره مطففین را در میزان مطالعه و در گروه های تدبیر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.

با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبیر این سوره ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه دهم، جمع آوری و بررسی کند و در تدریس تدبیر این سوره مورد توجه قرار دهد.

۲-۱۰- درس دهم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

- آشنایی با نحوه تشخیص و تفکیک کلامها در سوره مطفین؛ و تقویت توانایی این عمل در موارد مشابه؛
- شناخت چگونگی کشف غرض در سوره مطفین؛ و تقویت توانایی انجام این کار در موارد مشابه؛
- انس با سوره مبارکه مطفین که تاثیر تکذیب یوم الدین در تطهیر حقوق مادی و معنوی دیگران را بررسی کرده است.

۲-۱۰-۱- تدبر سوره مبارکه مطففین (متن درسی)

۲-۱۰-۱-۱- شناسه سوره

نامها

- مطففین: این واژه در نخستین آیه این سوره مبارکه به کار رفته است.
- تطفیف: این واژه مصدر مطففین در آیه نخست این سوره است.^۱

دانستیهای نزول: این سوره مکی است، گرچه برخی آن را مدنی دانسته‌اند و عده‌ای برخی از آیات آن را مکی و برخی دیگر را مدنی دانسته‌اند؛^۲ طبق دیدگاه علامه طباطبایی (ره) نیز، متناسب با سیاق آن است که ابتدای سوره، یعنی بخش مربوط به تهدید کم‌فروشان را مدنی بدانیم، البته از نظر ایشان آیات دیگر سوره قابل انطباق بر سیاقهای مکی و مدنی است.^۳

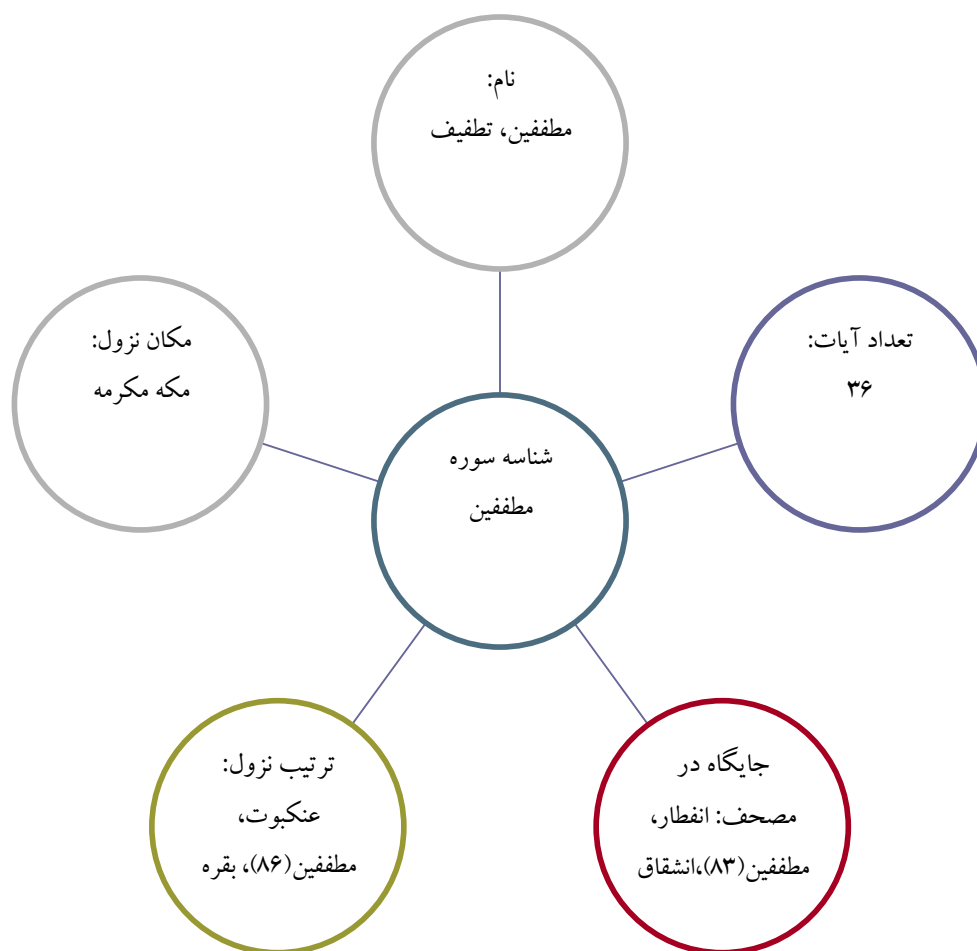
بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه هشتاد و ششمین سوره فرود آمده از آسمان وحی و آخرین سوره نازل شده در مکه مکرمه است که پیش از آن سوره عنکبوت و پس از آن سوره بقره نازل شده است؛^۴

^۱ مجمع البیان، ج ۱۹، ص ۶۸۵.

^۲ همان.

^۳ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۳۰.

^۴ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.



نمودار شماره ۸۳- شناسه سوره مبارکه مطففین

۲-۱-۱۰-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره مبارکه با تهدید کم‌فروشان آغاز می‌شود و آنان را به این بیان انذار می‌کند که در روزی عظیم مبعوث خواهند شد، که روز قیامت است؛ سپس به تفصیل از عاقبت فجار و ابرار در آن روز سخن می‌گوید.^۱

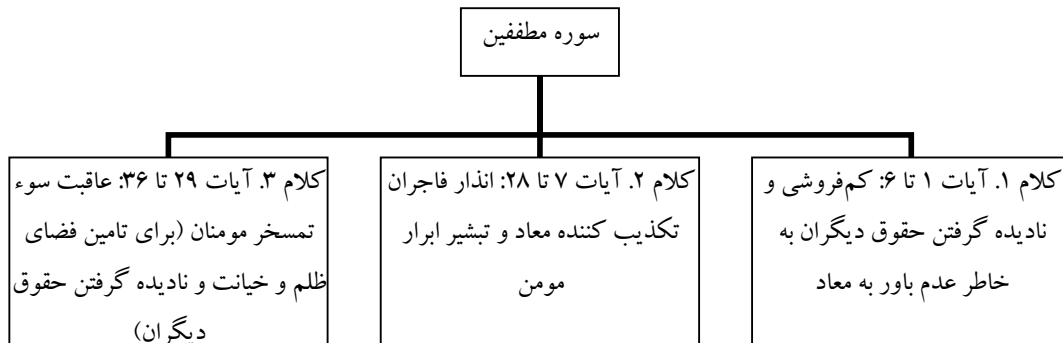
^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۳۰.

توضیح: در آیات ابتدایی این سوره مبارکه سخن از کم‌فروشی و نادیده گرفتن حقوق دیگران است، رذیله‌ای که سبب فساد در جامعه انسانی است. این آیات در ضمن تهدید شدید صاحبان این صفت زشت، عدم ایمان به بعث و جزا را ریشه آن معرفی می‌کند. همین آیات که به منزله طلعه‌ای برای سوره است، نشان می‌دهد که این سوره سوء رفتار ناشی از عدم باور به معاد را مد نظر قرار داده است و کم‌فروشی و تضییع حقوق دیگران را در این میان برجسته کرده است.

پس از آنکه در کلام نخست، تکذیب معاد به عنوان ریشه کم‌فروشی و تضییع حقوق دیگران شناخته شد، کلام دوم با بیانی اندازی به توصیف نتیجه رقت‌بار تکذیب روز قیامت از جانب فاجران پرداخته و در مقابل با بیانی تبشیری حسن عاقبت ابرار را بیان کرده است.

کم‌فروشی یکی از مظاهر رذیله نادیده گرفتن حقوق دیگران است، که گفته شد ریشه در عدم باور به رستاخیز دارد؛ اما یکی دیگر از مظاهر این رذیله فسادانگیز، به سخره گرفتن مومنان پارسا و متهم ساختن آنان به گمراهی است، که به منظور تامین فضایی آزاد برای ظلم و خیانت و نادیده گرفتن حقوق دیگران صورت می‌گیرد، کلام آخر این سوره این مظهر ناپسند رذیله پیش گفته را مورد توجه قرار داده و با بیانی انداز آمیز از سوء عاقبت این عمل در قیامت سخن می‌گوید.

بر این اساس این سوره مبارکه در راستای مقابله با پدیده سوء اجتماعی نادیده گرفتن حقوق دیگران که ریشه در عدم باور به معاد دارد، به بیان «تاثیر تکذیب یوم الدین در تطفیف حقوق مادی و معنوی دیگران» پرداخته است.



کلام ۱. کم‌فروشی و نادیده گرفتن حقوق دیگران به خاطر عدم باور به معاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ

إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴)

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵)

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)

این آیات در ضمن تهدید شدید کم‌فروشان، عدم ایمان به بعث را ریشه وصف ناپسند آنان معرفی

می‌کند.

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وای بر کم‌فروشان، (آیه ۱) همانان که

چون از مردم [برای خود] پیمان‌ه ستانند، تمام ستانند؛ (آیه ۲)

و چون برای آنان پیمان‌ه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. (آیه ۳)

مضمون این دو آیه آن است که کم‌فروشان، کسانی هستند که حق خویش را مراعات می‌کنند، اما

حق دیگران را رعایت نمی‌کنند و به عبارت دیگر حق دیگران را مانند حق خویش مراعات نمی‌کنند؛ و

این عملی است که به افساد اجتماع انسانی منتهی می‌شود، زیرا جامعه انسانی مبتنی بر تعادل حقوق متقابل

است و همه فسادها ریشه در افساد جامعه انسانی دارد.^۱

مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد؟ (آیه ۴)

[در] روزی بزرگ: (آیه ۵)

روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند. (آیه ۶)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۳۰.

کلام ۲. انذار فاجران تکذیب کننده معاد و تبشیر ابرار مومن

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ (۷)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ (۸)

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۹)

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۱۱)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلٌّ مُعْتَدٍ أَثِيمٌ (۱۲)

إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسْطِرُّ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّخُجُونَ (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيِّينَ (۱۸)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ (۱۹)

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۲۰)

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۲۳)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴)

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (۲۵)

خَتَمَهُ مِسْكٌ

وَ فِي ذَلِكَ فَلَيْتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ (۲۶)

وَ مِرْأَجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

پس از آنکه در کلام نخست، تکذیب معاد به عنوان ریشه سوء رفتار کم‌فروشی و تضييع حقوق ديگران شناخته شد، اين کلام با بياني انذاري به توصيف نتيجه رقت‌بار تکذیب روز قيامت از جانب فاجران پرداخته است.

نه چنين است [که می‌پندارند]؛ که کتاب بدکاران در «سَجِين» است. (آیه ۷)
اين آیات رد کم‌فروشی و غفلت از بعث و حساب است، که در کلام پيش مطرح شد.^۱
مراد از کتاب بدکاران، جزايی است که خدای متعالی برای ايشان مقدر داشته و با قضاء حتمی اثبات کرده است.^۲

و تو چه دانی که «سَجِين» چیست؟ (آیه ۸)

کتابی است نوشته‌شده. (آیه ۹)

يعنی سرنوشتی است که هيچ ابهامی در آن نيست و قضاء حتمی الهی است.^۳

وای بر تکذیب‌کنندگان در آن هنگام: (آیه ۱۰)

آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند. (آیه ۱۱)

و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی‌گیرد. (آیه ۱۲)

[همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: «[اینها] افسانه‌های

پيشينيان است.» (آیه ۱۳)

^۱ همان، ص ۲۳۱.

^۲ همان، ص ۲۳۲.

^۳ همان.

یعنی آنگاه که آیاتی از قرآن بر ایشان خوانده می شود که آنان را از معصیت باز دارد و به بعث و جزا انداز کند، می گود: اینها اباطیل است.^۱

نه چنین است، بلکه آنچه مرتکب می شدند زنگار بر دلهایشان بسته است.

(آیه ۱۴)

این آیه رد گفتار مکذبان در آیه پیش است.^۲

زهی پندار، که آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت محجوبند.

(آیه ۱۵)

و این به خاطر گناهایی است که در آیه قبل به آن اشاره شد.

آنگاه به یقین، آنان به جهنم درآیند. (آیه ۱۶)

سپس [به ایشان] گفته خواهد شد: «این همان است که آن را به دروغ

می گرفتید.» (آیه ۱۷)

در مقابل آیات قبل که با بیانی اندازی سوء عاقبت فجار را بیان کرده بود، این آیات با بیانی تبشیری

حسن عاقبت ابرار را تبیین می کند.

نه چنین است، در حقیقت، کتاب نیکان در «علیون» است. (آیه ۱۸)

این آیه ردی است در وزان ردی که در آیه هفت گذشت.^۳

و توجه دانی که «علیون» چیست؟ (آیه ۱۹)

کتابی است نوشته شده. (آیه ۲۰)

توضیح این آیات سه گانه مانند توضیح آیات هفت تا نه است.^۴

مقربان آن را مشاهده خواهند کرد. (آیه ۲۱)

براستی نیکوکاران در نعیم [الهی] خواهند بود. (آیه ۲۲)

بر تختها [نشسته] می نگرند. (آیه ۲۳)

^۱ همان، ص ۲۳۳.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۲۳۴.

^۴ همان.

از چهره‌هایشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی‌یابی. (آیه ۲۴)

از باده‌ای مُهر شده نوشانیده شوند. (آیه ۲۵)

[باده‌ای که] مُهر آن، مُشک است،

و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند. (آیه ۲۶)

و ترکیبش از [چشمه] «تسنیم» است: (آیه ۲۷)

چشمه‌ای که مقربان [خدا] از آن نوشند. (آیه ۲۸)

کلام ۳. عاقبت سوء تمسخر مومنان (برای تامین فضای ظلم و خیانت و نادیده گرفتن حقوق دیگران)

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا

كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹)

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰)

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱)

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲)

وَ مَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَفِظِينَ (۳۳)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵)

هَلْ تُؤْتُونَ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

کم‌فروشی یکی از مظاهر رذیله نادیده گرفتن حقوق دیگران است، که گفته شد ریشه در عدم باور به رستاخیز دارد؛ اما یکی دیگر از مظاهر این رذیله فسادانگیز به سخره گرفتن مومنان پارسا و متهم ساختن آنان به گمراهی است، که به منظور تامین فضایی آزاد برای ظلم و خیانت و نادیده گرفتن حقوق دیگران

صورت می گیرد، این کلام این مظهر ناپسند رذیله پیش گفته را مورد توجه قرار داده و با بیانی انداز آمیز از سوء عاقبت این عمل در قیامت سخن می گوید.

[آری، در دنیا] کسانی که گناه می کردند،

آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می گرفتند. (آیه ۲۹)

و چون بر ایشان می گذشتند، [در مقام تمسخر] اشاره چشم و ابرو با هم رتّه و بدل

می کردند. (آیه ۳۰)

و هنگامی که نزد خانواده [های] خود بازمی گشتند، به شوخ طبعی می پرداختند. (آیه ۳۱)

یعنی از آنچه با مومنان انجام داده بودند خرسند بودند و آن را به صورت فکاهی برای اهل خویش

بازگو می کردند.^۱

و چون مؤمنان را می دیدند، می گفتند: «اینها [جماعتی] گمراهند.» (آیه ۳۲)

و حال آنکه آنان [مجرمان] برای بازرسی [کار]شان [مومنان] فرستاده نشده

بودند. (آیه ۳۳)

والی [امروز،

مؤمنانند که بر کافران خنده می زنند. (آیه ۳۴)

بر تختها [ی خود نشسته]، نظاره می کنند. (آیه ۳۵)

[تا ببینند] آیا کافران به پاداش آنچه می کردند رسیده اند؟ (آیه ۳۶)

^۱ همان، ص ۲۳۹.

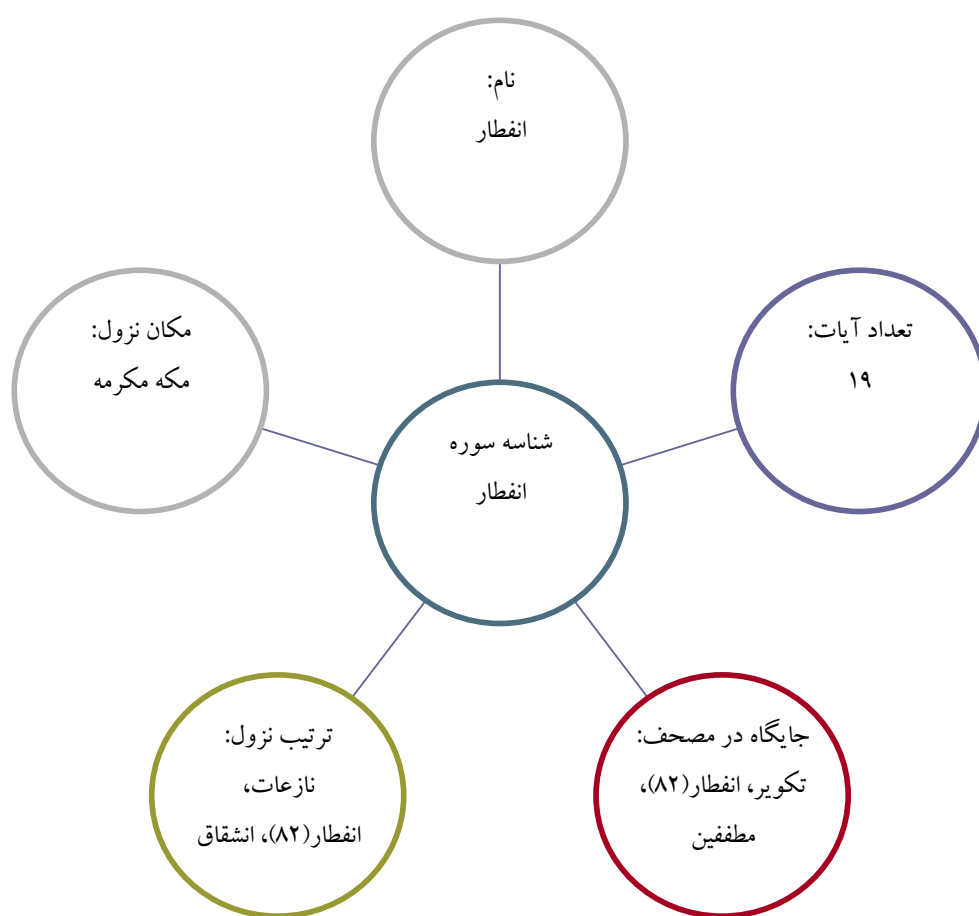
۲-۱۰-۲- تدبر سوره مبارکه انفطار (کار در خانه)

۲-۱۰-۲-۱- شناسه سوره

نام: انفطار: این واژه مصدر فعل «انفطرت» در نخستین آیه این سوره مبارکه است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است؛^۱ و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، هشتاد و دومین سوره فرود

آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره نازعات و پس از آن سوره انشقاق نازل شده است؛^۲



نمودار شماره ۸۵- شناسه سوره انفطار

^۱ همان.

^۲ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۱۰-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره بیانگر روز قیامت است و در این راستا بعضی از مقدمات قیامت (اشراط الساعة) را مطرح کرده و به توصیف برخی وقایع قیامت می پردازد، که عبارت است از آگاهی انسان از اعمال حسنه و سیئه خویش و جزای او بر اساس اعمالش، که اگر نیک باشد به نعیم و اگر اهل فجور و تکذیب باشد به جحیم خواهد بود.

سپس در ادامه وصف روز قیامت را اینگونه از سر می گیرد: روزی است که هیچ کس برای دیگری اختیاری ندارد و در آن روز فرمان از آن خداست.^۱

غرض این سوره «توجه دادن به اثر مثبت اعمال» است و به مقابله با تکذیب روز حساب پرداخته است، تکذیبی که در ناباوری انسان به ثبت و ضبط اعمال ریشه دارد و موجب اغترار انسان و کفران و عصیان او در مقابل پروردگار کریمش می شود:

۱. این سوره از ابتدا تا انتها از قیامت سخن گفته و در آیه نهم مخاطب خویش را، مکذبان روز قیامت برشمرده است، اما از نظر این سوره ریشه تکذیب قیامت، ناباوری انسان به ثبت و ضبط اعمال است، بدان دلیل که در آیه پنجم، یعنی آیه پایانی طلعه که جواب «إِذَا»ها در آیات قبل است از علم انسان در روز قیامت به اعمال خود خبر داده و در آیات ده تا دوازده که دامنه آیه نهم هستند، از ثبت و ضبط اعمال توسط فرشتگان مامور سخن گفته است.

۲. این سوره می فهماند که تکذیب، موجب اغترار انسان و کفران و عصیان او در مقابل پروردگار کریمش می شود، زیرا در آیه ششم از این حقیقت خبر داده شده است؛ آیه ای که در سرآغاز کلام دوم یا همان متن سوره بوده و با تاکید رسا بیان شده و سایر آیات دامنه آن محسوب می شوند.

۲-۱۰-۳- نکات آموزشی:

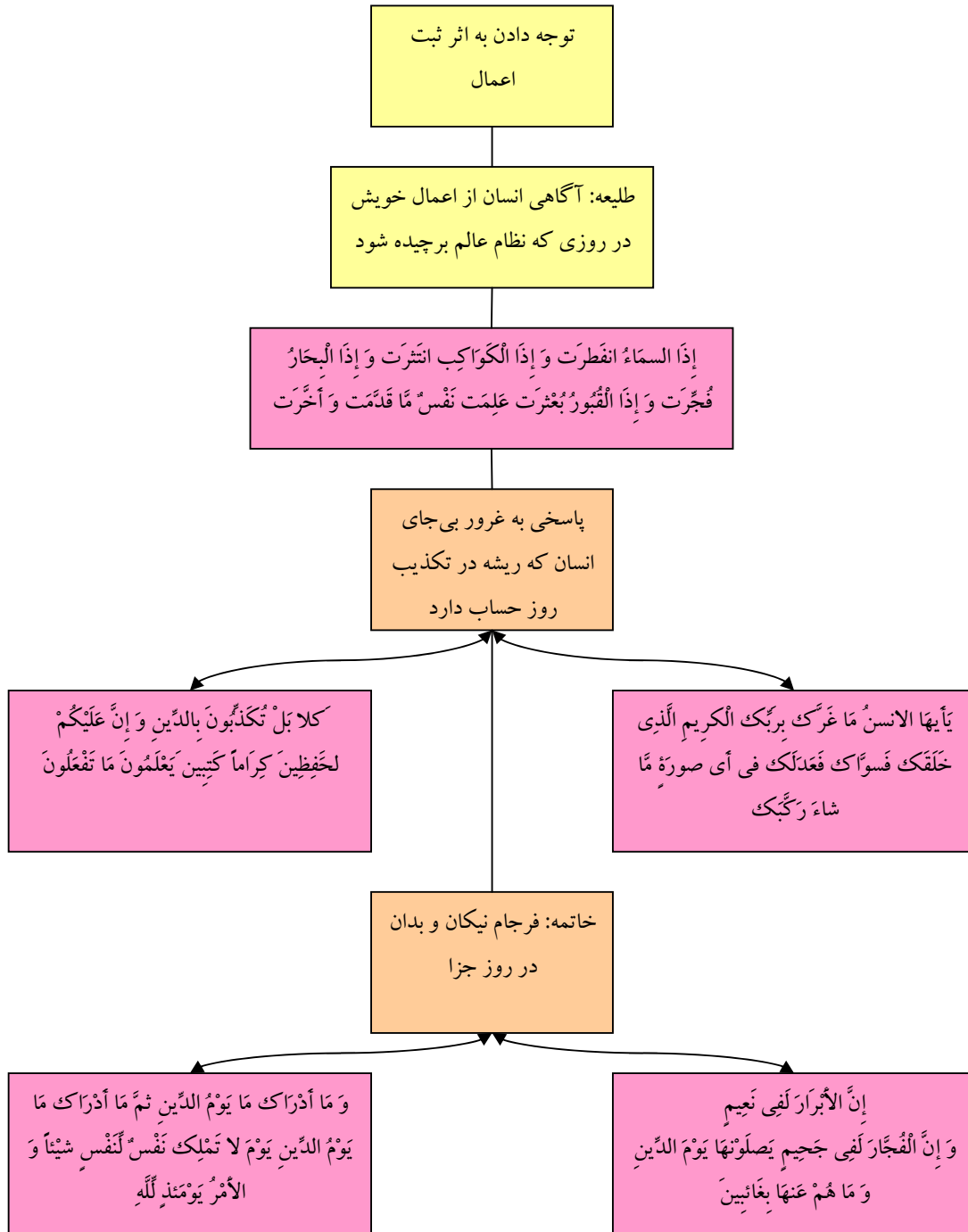
^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۲۲.

۱. درباره دسته‌بندی سوره: آیات این سوره به سه کلام تقسیم شده است. وجه این تقسیم‌بندی از این قرار است: آیات ۱ تا ۵ شرط و جواب آن است، اما آیه ۶ سرآغاز محتوایی خارج از این چارچوب است. آیات ۶ تا ۸ یک جمله است و آیات ۹ تا ۱۲ هم یک جمله است که به وسیله ادات «کلا» با جمله قبل مرتبط شده است، اما آیه ۱۳ سرآغاز جمله‌ای است که ارتباط محتوایی با جملات گذشته ندارد. از آیه ۱۳ تا انتهای سوره نیز، ارتباط روشن ادبی و محتوایی دارند. در نتیجه آیات این سوره به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته نخست، آیات ۱ تا ۵؛ دسته دوم، آیات ۶ تا ۱۲؛ دسته سوم، آیات ۱۳ تا ۱۹. حال می‌خواهیم بدانیم این سه دسته، سه کلام هستند یا مطالب یک کلام؟ با توجه به اینکه میان این دسته‌ها، سیاق محتوایی پیوسته وجود ندارد و هر یک سیاق محتوایی مستقلی دارد - هر چند اغراض این سه دسته کاملاً با هم مرتبط هستند - این سه قسمت را سه کلام می‌دانیم.

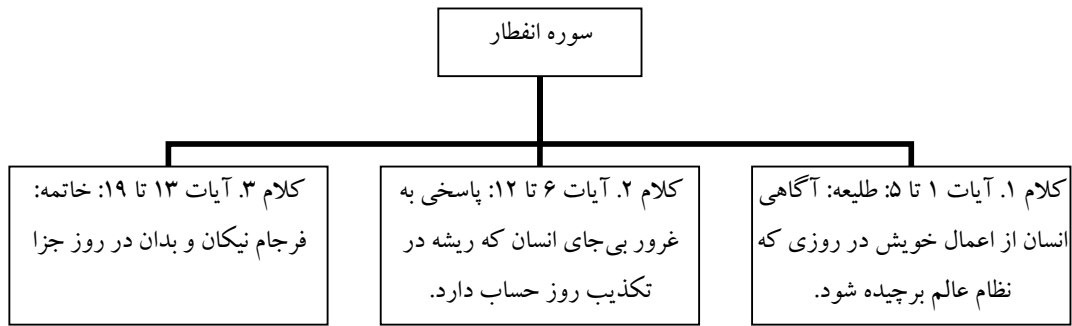
۲. در خصوص کشف غرض سوره: برای کشف غرض در سوره‌های چند کلامی، ابتدا باید غرض هر کلام را جمع‌بندی کنیم و سپس با سنجش ارتباط میان اغراض کلام‌ها، غرض سوره را به دست آوریم. برای فهم غرض کلام نخست، از قاعده شرط و جزا استفاده می‌شود (اصل معنی در جزا است)، بنابراین غرض این کلام، بیان آگاهی انسان از اعمال خویش در روز قیامت است. کلام دوم هم از دو جمله تشکیل شده است که جمله دوم آن به وسیله «کلا» به جمله نخست نظارت دارد، بنابراین اصل غرض را در جمله نخست، جستجو می‌کنیم. در جمله نخست هم هدف بیان غرور بی-جای انسان در مقابل پروردگار خویش است و جمله دوم هم تکذیب روز جزا را ریشه این غرور و وجود فرشتگان ناظر بر اعمال را پاسخ آن می‌داند. کلام سوم نیز فرجام نیکان و بدان را در روز جزا مطرح کرده است. حال برای کشف غرض سوره ابتدا باید ببینیم این سه کلام چگونه با هم ارتباط دارند؟ آیا در عرض یکدیگرند و یا اصل و فرع دارند و به گونه مقدمه و متن و نتیجه چیده شده‌اند؟ در نگاه نخست می‌فهمیم که عامل اتصال هر سه کلام را باید در مسئله روز جزا جستجو کرد، چون موضوعی است که در هر سه کلام وجود دارد. حال باید دید هر یک از این سه کلام کدام جنبه این موضوع را بررسی کرده‌اند؟ کلام نخست: آگاهی انسان از اعمال خویش در روز جزا؛ کلام دوم:

تکذیب روز جزا عامل غرور انسان و گماردن فرشتگان ناظر، پاسخی به این غرور بی جا؛ کلام سوم: وضعیت فجار و ابرار در روز جزا. توجهی به این رویکردها به خوبی نشان می دهد که بستر سوره تکذیب روز قیامت است و این مهم را معلول ناباوری به ثبت و ضبط اعمال؛ و علت غرور بی جای انسان در برابر پروردگارش معرفی کرده است.

کلام نخست این سوره با قسم و جواب قسمی که ارائه کرده است، می فهماند که موضوع اصلی مورد بحث، ایجاد باور به ثبت و ضبط اعمال است. کلام دوم می فهماند که مخاطبان این آیات مغروران مکذیبی هستند که توجهی به حقیقت ثبت و ضبط اعمال ندارند و کلام سوم هم از نتیجه ثبت و ضبط اعمال در قیامت خبر داده است، بنابراین در این سوره هم همانند سوره شمس، کلام نخست، از جایگاه ویژه ای نسبت به کلام دو سه برخوردار است.



نمودار شماره ۸۶- سیر هدایتی سوره انفطار



نمودار شماره ۸۷- ساختار سوره انفطار

کلام ۱. طلوعه: آگاهی انسان از اعمال خویش در روزی که نظام عالم برچیده شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱)

• وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَشَرَتْ (۲)

• وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

• وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵)

آیات این کلام که طلوعه سوره به شمار می روند، پس از اخبار از برچیده شدن نظام عالم در روز حساب بر آگاهی انسان در آن روز از اعمال خویش تاکید کرده است، زیرا مکذبان روز قیامت نسبت به ثبت و ضبط اعمال خود برای حسابرسی مردد بودند.

به نام خداوند رحمتگر مهربان

• آنگاه که آسمان زهم بشکافد، (آیه ۱)

• و آنگاه که اختران پراکنده شوند، (آیه ۲)

• و آنگاه که دریاها از جا برکنده گردند، (آیه ۳)

• و آنگاه که گورها زیر و زبر شوند، (آیه ۴)

هر نفسی آنچه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته، بداند. (آیه ۵)

مراد علم تفصیلی انسان است، نسبت به آنچه در دنیا انجام داده است.^۱

کلام ۲. پاسخی به غرور بی جای انسان که ریشه در تکذیب روز حساب دارد

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ (۹)

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَفَظِينَ (۱۰)

كِرَامًا كَتَبِينَ (۱۱)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (۱۲)

این آیات غرور بی جای انسان را نشانه رفته است، اغترار و کفرانی که ریشه در تکذیب روز قیامت دارد و تکذیبی که به خاطر ناباوری ثبت و ضبط اعمال است.

ای انسان، چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟ (آیه ۶)

این آیه عتاب و توبیخی خطاب به انسان است و توجه به سیاق نشان می دهد مراد انسان مکذب روز قیامت است: «بل تکذیبون بالذین»؛ تکذیب روز قیامت متضمن کفر و انکار تشریح دین است و انکار دین ملازم با انکار ربوبیت پروردگار متعالی است.^۲

همان کس که تو را آفرید، و [اندام] تو را درست کرد، و [آنگاه] تو را سامان بخشید.

(آیه ۷)

و به هر صورتی که خواست، تو را ترکیب کرد. (آیه ۸)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۲۳.

^۲ همان، ص ۲۲۴.

این دو آیه بیانی از ربوبیت کریمانه خدا برای انسان است.^۱

با این همه، شما منکر [روز] جزایید. (آیه ۹)

چون انسان را به خاطر جرأت بر معصیت و کفران نعمتهای پروردگار کریمش بدون ترس از جزا، مورد عتاب و توبیخ قرار داد، در این آیه خطاب به انسان و همه کافران می فرماید: بلکه شما منکر روز جزا هستید.^۲

و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده] اند: (آیه ۱۰)

[فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند؛ (آیه ۱۱)

آنچه را می کنید، می دانند. (آیه ۱۲)

کلام ۳. خاتمه: فرجام نیکان و بدان در روز جزا

○ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)

○ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴)

يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۵)

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (۱۶)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۷)

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۸)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

آیات این کلام با رویکرد انذار و تبشیر به بیان نتیجه ثبت و ضبط اعمال در روز حساب پرداخته است.

^۱ همان، ص ۲۲۵.

^۲ همان، ص ۲۲۶.

- قطعاً نیکان به بهشت اندرند. (آیه ۱۳)
- و بی شک، بدکاران در دوزخند. (آیه ۱۴)
- روز جزا در آنجا درآیند، (آیه ۱۵)
- و از آن [عذاب] دور نخواهند بود. (آیه ۱۶)
- و تو چه دانی که چیست روز جزا. (آیه ۱۷)
- باز چه دانی که چیست روز جزا؟ (آیه ۱۸)
- روزی که کسی برای کسی هیچ اختیاری ندارد؛
- و در آن روز، فرمان از آن خداست. (آیه ۱۹)

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه یازدهم، شاگردان خود را بر اساس پرسش های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. ساختار سوره مطففین را همراه با شماره آیات و عناوین ترسیم کنید.

۲. غرض سوره مطففین چیست؟

۳. غرض سوره مبارکه مطففین چگونه کشف می شود؟

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته های خود، سوره انفطار را تدبیر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.

مربی گرامی می تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه ای فوق العاده ارائه دهد.

۲. تدبیر سوره عبس را در المیزان مطالعه و در گروه های تدبیر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.

با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبیر این سوره ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه یازدهم، جمع آوری و بررسی کند و در تدریس تدبیر این سوره مورد توجه قرار دهد.

۲-۱۱- درس یازدهم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

- آشنایی با تشخیص و تفکیک کلامها و مطالب در سوره عبس؛ و تقویت این توانایی در

موارد مشابه؛

شناخت چگونگی کشف غرض با توجه به سیر کلامها در سوره عبس؛ و تقویت این توانایی در

موارد مشابه؛

انس با سوره مبارکه عبس که گریز از تذکر قرآنی را نشانه سر باز زدن از بندگی خدای

رحمان و مایه بدعاقبتی انسان می داند.

۲-۱۱-۱- تدبیر سوره مبارکه تکویر (کار در خانه)

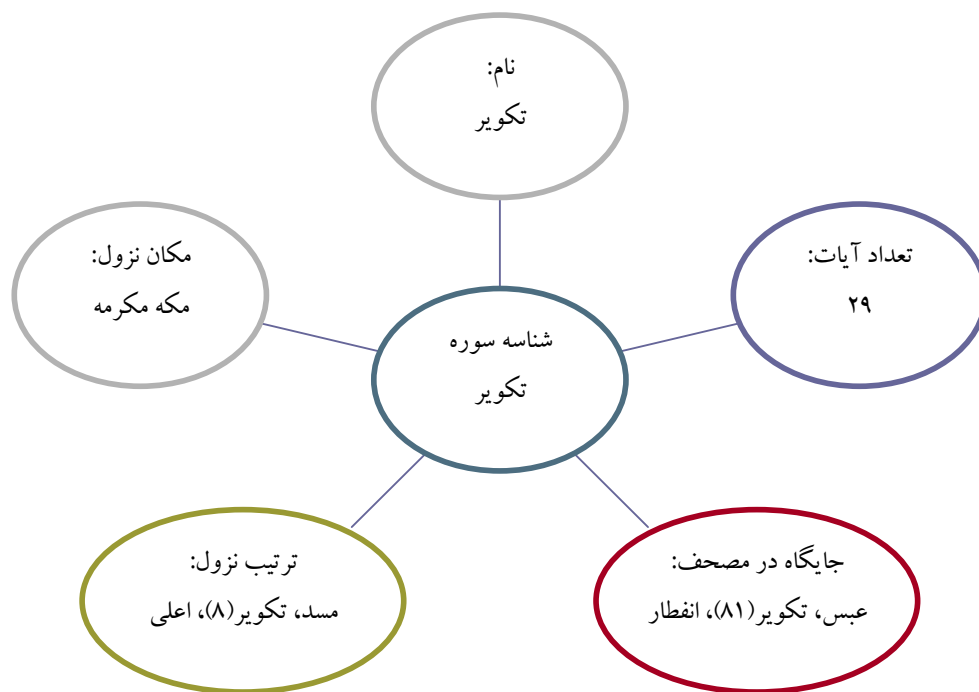
۲-۱۱-۱-۱- شناسه سوره

نام: تکویر: این واژه مصدر فعل «کورت» در نخستین آیه این سوره مبارکه است.

دانشتهای نزول: این سوره مکی است؛^۱ و شبیه عتائق سور است که در اوائل بعثت بر رسول خدا نازل شده است؛ و گواه این مطلب تنزیه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در این سوره از اتهام جنون است، زیرا ایشان را در اوائل دعوت به جنون متهم کرده بودند.^۲

بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه هفتمین سوره فرود آمده از آسمان وحی

است که پیش از آن سوره مسد و پس از آن سوره اعلی نازل شده است؛^۳



نمودار شماره ۸۸- شناسه سوره تکویر

^۱ همان.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۱۳.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۲-۱۱-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره یادآور قیامت است و بعضی از وقایع آن (اشراط الساعه) را بیان می‌کند و قیامت را اینگونه توصیف می‌کند: روزی است که اعمال انسان برای او آشکار می‌گردد؛ سپس به توصیف قرآن کریم می‌پردازد، به این بیان که قرآن را پیکری آسمانی یعنی فرشته وحی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) القا کرده است و القاء شیطانی نیست و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هم مجنون شیطان زده نیست.^۱

صدر این سوره از معاد و روز قیامت سخن می‌گوید و ذیل آن از قرآن و رد اتهاماتی که به ساحت آورنده قرآن وارد کرده‌اند. فلسفه همراه ساختن این صدر و ذیل در یک سوره، بدین بیان است: پیام مهم قرآن کریم برای مشرکان آن بود که از پس این دنیای فانی، رستاخیزی است که هر کس در آن از اعمال خویش آگاه خواهد شد و به جزای اعتقادات و اعمال خود خواهد رسید و همین پیام مهم بود که مشرکان را در رد دعوت قرآن به توحید، دچار مشکل می‌ساخت و نمی‌توانستند از کنار دعوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سادگی بگذرند، از این رو معاندان آنان به ناچار باید معاد و رستاخیز را انکار می‌کردند. آنان که برای انکار معاد از پس رد استدلالها و حجج بالغه قرآن بر نمی‌آمدند، به فکر مقابله با اصل وحی و قرآن و رسول می‌افتادند، زیرا این قرآن و رسول‌اند که از معاد دم می‌زنند و با انکار اینها معاد هم به طریق اولی انکار خواهد شد. اینان در پندار خام خویش اینگونه تصور کردند که می‌توانند قرآن را القاء شیاطین معرفی کنند و رسول را مجنونی شیطان زده! (اعاذنا الله).

با توجه به این فضا روشن می‌شود که این سوره مبارکه در راستای ممانعت از انکار معاد، به بهانه رد قرآن گام برداشته و برای این غرض، ابتدا به ترسیم روز قیامت پرداخته و سپس از حقیقت قرآن و رسول دفاع کرده است، اما نکته مهم دیگر آن است که در بحث معاد از «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أُخْضِرَتْ» سخن گفته است، که عبارت دیگر مشاهده اعمال در قیامت است، بنابراین غرض سوره عبارت است از: «تاکید بر حقایق قرآن کریم به منظور اثبات مشاهده اعمال در قیامت»

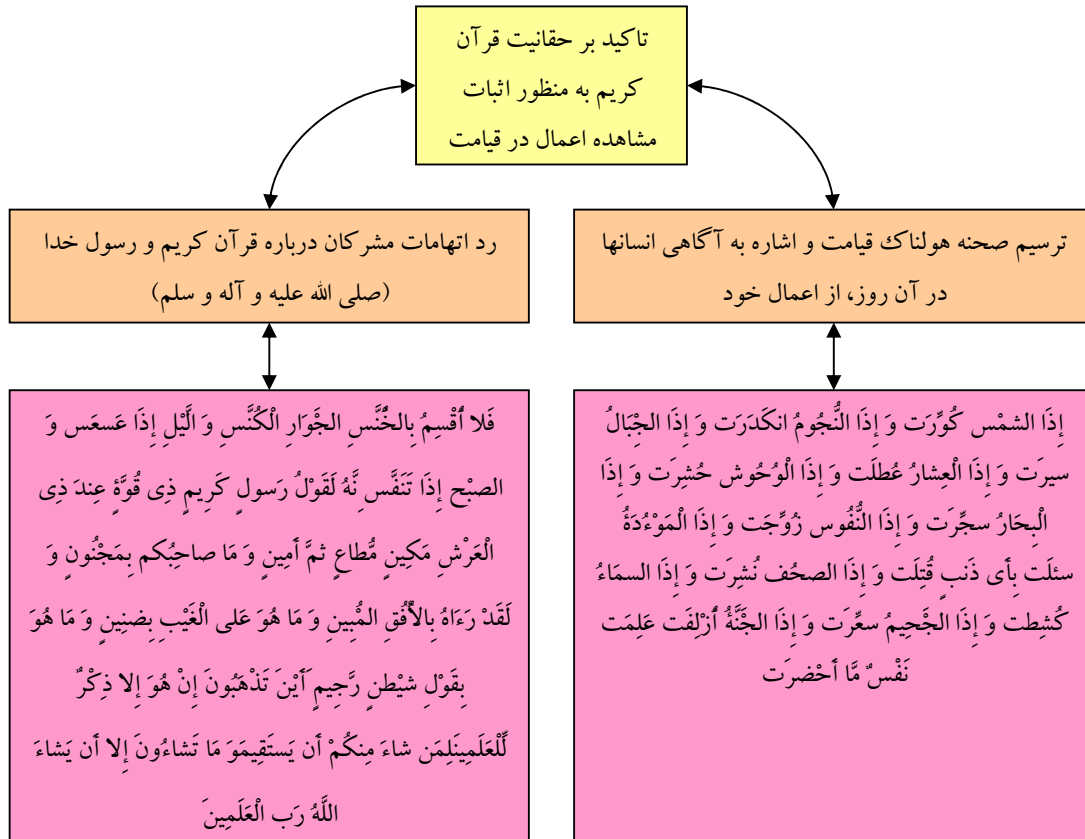
^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۱۳.

۲-۱۱-۱-۳- نکات آموزشی:

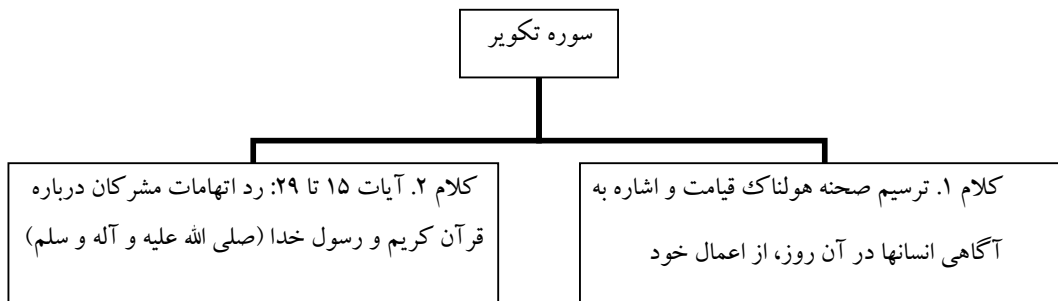
۱. درباره دسته بندی: این سوره نیز دارای دو اسلوب آغاز است: «إِذَا» های مکرر از آیه ۱ تا ۱۳؛ قسم های مکرر از آیه ۱۵ تا ۱۸. همین اسلوب در نگاه نخست، سوره را به دو قسمت تقسیم می کند. محتوای سوره نیز به طور کامل این تقسیم بندی را تایید می کند، زیرا همه آیات قسمت نخست، مربوط به قیامت است و آیات قسمت دوم مربوط به وحی و رسالت، مانند سوره طارق. اما ارتباط آیات در هر یک از این مقاطع به این شرح است: آیات ۱ تا ۱۳ از طریق واو عطف و وحدت اسلوبی با هم متصل اند و صحنه هولناک قیامت را ترسیم می کنند. آیه ۱۴ در مقام جواب «إِذَا» های مطرح شده در سیزده آیه قبل، از آگاهی انسان از آنچه برای خود مهیا کرده است، خبر می دهد؛ و قله این سیاق به شمار می آید.

آیات ۱۵ تا ۱۸ نیز با عطف به یکدیگر متصل بوده و قسم هستند. آیه ۱۹ جواب قسم است. آیه ۲۰ توصیف رسول در آیه ۱۹ است. آیه ۲۱ نیز همینطور. آیه ۲۲ عطف به جواب «إِنْ» در آیه ۱۹ است. آیات ۲۳ و ۲۴ عطف به آیه ۲۲ است. آیه ۲۵ مانند آیه ۲۲ عطف به جواب «إِنْ» در آیه ۱۹ است. آیه ۲۶ در مقام نتیجه گیری از مطالب قبل است. آیه ۲۷ تعلیلی بر نهی مستفاد از آیه ۲۶ است. آیه ۲۸ از متعلقات با واسطه ذکر در آیه ۲۷ است و آیه ۲۹ به لحاظ محتوایی ناظر به آیه ۲۸ است.

۲. درباره کشف غرض: برای کشف غرض این سوره ابتدا غرض هر کلام را کشف نموده و با نسبت سنجی میان آنها، غرض سوره را نتیجه می گیریم. غرض کلام نخست با محوریت آیه ۱۴ و مقدمیت آیات ۱ تا ۱۳ فهمیده می شود، زیرا از میان شرط و جزاء اصل در جزا است، بنابراین غرض کلام نخست چنین است: آگاهی انسان از کرده های خود به هنگام برپایی قیامت؛ در کلام دوم هم به سراغ جواب قسم می رویم که تبیین نزاهت ساحت وحی و رسالت از نفوذ هرگونه سستی و باطل است. پیش تر از نسبت سنجی میان این دو غرض سخن به میان آمد.



نمودار شماره ۸۹- سیر هدایتی سوره تکویر



نمودار شماره ۹۰- ساختار سوره تکویر

کلام ۱. ترسیم صحنه هولناک قیامت و اشاره به آگاهی انسانها در آن روز، از اعمال خود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱)

- وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲)
- وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)
- وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴)
- وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵)
- وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶)
- وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷)
- وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹)
- وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰)
- وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)
- وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۱۲)
- وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْلِفَتْ (۱۳)
- عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ (۱۴)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

- آنگاه که خورشید به هم درییچد، (آیه ۱)
- و آنگاه که ستارگان همی تیره شوند، (آیه ۲)
- و آنگاه که کوهها به حرکت آیند. (آیه ۳)
- وقتی شتران ماده وانهاده شوند، (آیه ۴)

یعنی بدون ساریان رها شوند، با اینکه از نفائس اموال محسوب می گردند؛ و این حکایت از شدت

هولناک آن روز دارد، که هرکس را به خود مشغول داشته است.^۱

- و آنگاه که وحوش گرد هم آیند، (آیه ۵)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۱۳.

این آیه اینگونه معنی شده بود: آنگاه که وحوش را همی گرد آرند و به بیان بالا اصلاح شد. دلیل بیان بالا سیاق است. آیات در مقام تبیین هیبت و دهشت روز قیامت است و یکی از نشانه‌های این هیبت و دهشت، آن است که وحوش که اهل گریز از هم‌اند، از ترس آن روز گرد هم آیند، نه اینکه در محشر حاضر می‌شوند، توجهی به جریان بحار و جبال و عشار در آیات قبل موید همین برداشت است.

• دریاها آنگه که جوشان گردند، (آیه ۶)

• و آنگاه که جانها به هم درپیوندند، (آیه ۷)

یعنی نفوس اهل سعادت با زنان بهشت و نفوس اهل شقاوت با شیاطین؛^۱

• پرسند چو زان دخترک زنده به‌گور: (آیه ۸) به کدامین گناه کشته شده است؟ (آیه

۹)

عرب از ترس ننگ، دختران خویش را زنده به گور می‌کرد.^۲

• و آنگاه که نامه‌ها زهم بکشایند، (آیه ۱۰)

مراد نامه‌های اعمال انسانها است.^۳

• و آنگاه که آسمان زجا کنده شود، (آیه ۱۱)

• و آنگه که جحیم را برافروزانند، (آیه ۱۲)

• و آنگه که بهشت را فرا پیش آرند، (آیه ۱۳)

هر نفس بداند چه فراهم دیده. (آیه ۱۴)

این آیه جواب «إِذَا» در آیات قبل است.^۴

کلام ۲. رد اتهامات مشرکان درباره قرآن کریم و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

• فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (۱۵)

• الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶)

^۱ همان، ص ۲۱۴.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۲۱۵.

^۴ همان.

• وَ الْيَلِّ إِذَا عَسَّسَ (۱۷)

• وَ الصَّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

وَ مَا صَاحِبِكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲)

وَ لَقَدْ رَأَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ (۲۳)

وَ مَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴)

وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵)

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸)

وَ مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

آیات این کلام به منظور ممانعت از انکار معاد به بهانه متهم کردن قرآن و رسول، از حقانیت آنها

سخن می گوید و به رد اتهامات وارد شده بر ایشان می پردازد:

آنگاه که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قرآن را آورد، گفتند که این قرآن القاء شیاطین

است و پیامبر مجنونی است که مورد مس شیاطین قرار گرفته است (نعوذ بالله)؛ این آیات ساحت رسول

مکرم اسلام را (صلی الله علیه و آله و سلم) را از اتهام جنون تنزیه می کند و می فرماید که قرآن کلام

خدای متعالی است و فرشته وحی آن را بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) القاء کرده است، پیکری

که هیچگاه در رسالت خویش خیانت نمی کند، آری قرآن ذکر للعالمین است و به اذن خدا طالبان هدایت را هدایت می کند.^۱

- نه، نه! سوگند به اختران گردان، (آیه ۱۵)
- [کز دیده] نهران شوند و از نو آیند، (آیه ۱۶)
- سوگند به شب چو پشت گرداند، (آیه ۱۷)
- سوگند به صبح چون دمیدن گیرد، (آیه ۱۸)
- که [قرآن] سخن فرشته بزرگواری است. (آیه ۱۹)

مراد از این فرشته جبرئیل (علیه السلام) است.^۲

نیرومند [که] پیش خداوند عرش، بلندپایگاه است. (آیه ۲۰)

در آنجا [هم] مُطاع [و هم] امین است. (آیه ۲۱)

یعنی فرشتگانی هستند که از او فرمان می برند؛ و او در رسالت خویش خیانت نمی کند.^۳

و رفیق شما مجنون نیست؛ (آیه ۲۲)

یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)؛^۴

و قطعاً آن [فرشته وحی] را در اُفق رخشان دیده. (آیه ۲۳)

مراد از این افق، افقی مناسب با عالم ملائکه است.^۵

و او در امر غیب بخیل نیست. (آیه ۲۴)

یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به وحی که بر او نازل می شود، بخیل نیست، آن را

پنهان نمی کند، از آن نمی کاهد و آن را تغییر نمی دهد.^۶

و [قرآن] نیست سخن دیو رجیم. (آیه ۲۵)

^۱ همان، ص ۲۱۶.

^۲ همان، ص ۲۱۸.

^۳ همان.

^۴ همان.

^۵ همان، ص ۲۱۹.

^۶ همان.

خدای متعالی در آیات قبل حق را درباره قرآن بیان فرمود، تا ارتیاب مشرکان را درباره قرآن و آورنده آن برطرف کند، بنابراین ابتدا فرمود که قرآن کلام خداست (که اتکاء این حقیقت بر آیات تحدی است)؛ دوم اینکه فرشته‌ای آسمانی و جلیل القدر و بلند مرتبه، یعنی امین وحی جبرئیل (علیه السلام) قرآن را آورده است، فرشته‌ای که بین او خدا از یک سو و بین او و رسول خدا از سوی دیگر، حاجز و مانعی نیست و هیچ مانع درونی یا بیرونی او را از اخذ و حفظ و تبلیغ وحی باز نمی‌دارد؛ سوم اینکه، آنکس که قرآن بر او نازل می‌شود مصاحب چندین ساله شما است و حال او بر شما مخفی نیست، او مجنون نیست و فرشته حامل وحی را دیده است و وحی را از او گرفته است، نه آن را پنهان می‌کند و نه تغییر می‌دهد؛ و چهارم آنکه قرآن تسویل ابلیس و جنود او نیست، چنانکه القاء بعضی از اشرار جنیان هم نیست.

بر این اساس قرآن کتاب هدایت است و هر کس خواهان استقامت بر حق باشد با آن هدایت

می‌شود، پس به کجا می‌روید و چرا حق را رها می‌کنید؟!^۱

پس به کجا می‌روید؟ (آیه ۲۶)

این [سخن] بجز پندی برای عالمیان نیست؛ (آیه ۲۷)

برای هر یک از شما که خواهد به راه راست رَوَد. (آیه ۲۸)

و تا خدا، پروردگار جهانیان، نخواهد، [شما نیز] نخواهید خواست. (آیه

۲۹)

^۱ همان، ص ۲۱۹.

۲-۱۱-۲- تدبر سوره مبارکه عبس (متن درسی)

۲-۱۱-۲-۱- شناسه سوره

نامها

• عبس: این کلمه صیغه نخست فعل ماضی و به معنی «چهره در هم کشید» است؛ این نام از نخستین واژه سوره اتخاذ شده است.

• سفره: این واژه جمع «سفیر» و مراد از آن فرشتگان وحی است؛ این نام از آیه پانزدهم این سوره برگرفته شده است.^۱

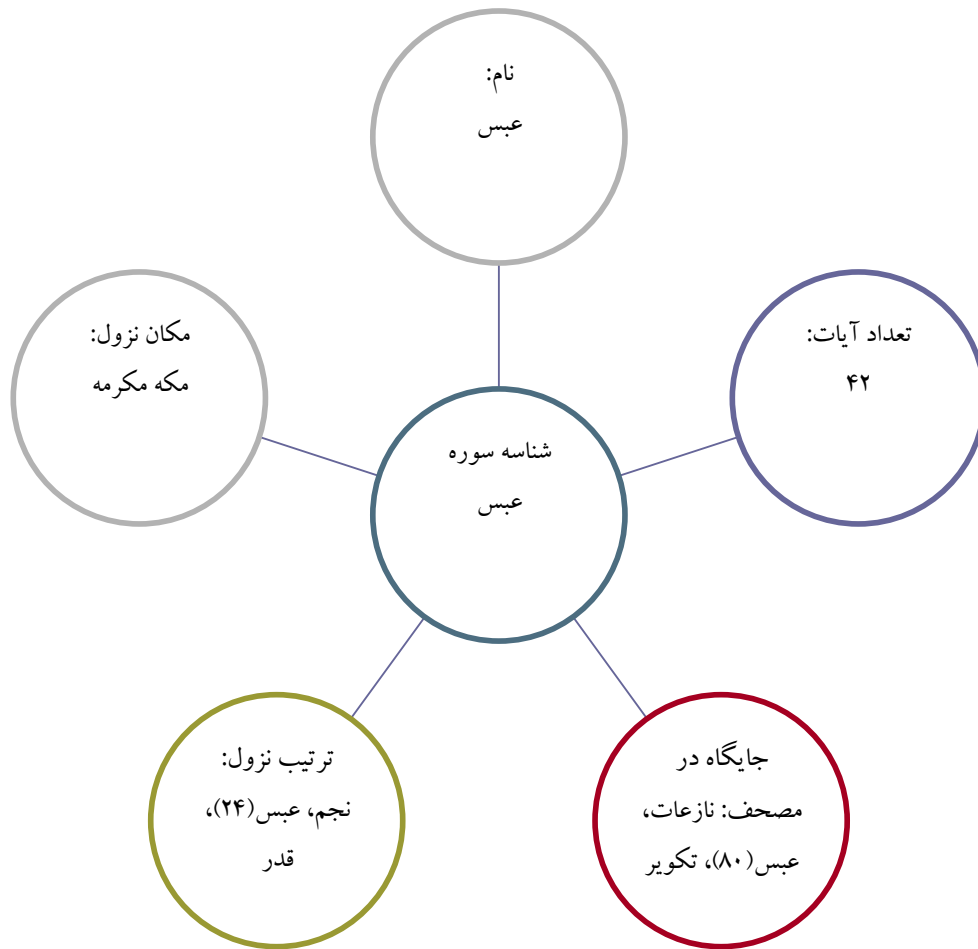
دانستیهای نزول: این سوره مکی است؛^۲

بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه بیست و چهارمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره نجم و پس از آن سوره قدر نازل شده است؛^۳

^۱ مجمع البیان، ج ۱۹، ص ۶۶۱.

^۲ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۶۱؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۹۹.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.



نمودار شماره ۹۱- شناسه سوره عبس

۲-۱۱-۲-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، در این سوره عتاب کسی است که اغنیا و مترفین را بر مومنان ضعیف و مسکین مقدم داشته، اهل دنیا را بالا برده و اهل آخرت را وانهاده است، سپس رشته کلام بدانجا کشیده شده که خدای متعالی به خواری و بی‌مقداری انسان در خلقتش اشاره می‌کند و اینکه در تدبیر

امورش سراپا حاجت است و با این حال به نعمت پروردگار و تدبیر عظیم او کفران می‌ورزد؛ و در نهایت سخن را با ذکر قیامت و جزاء و تهدید مردم خاتمه می‌دهد.^۱

خدای متعالی ابتدا صحنه‌ای از غرور در مقابل ضعف را به تصویر می‌کشد و متناسب با آن فرمان می‌دهد که بدون لحاظ موقعیت اجتماعی افراد، به تزکیه تشنه کامان هدایت اهمیت داده شود و آنان بر مشرکان مغرور و متکبر مقدم داشته شوند، زیرا قرآن تذکره اهل ذکر است، بنابراین کسی در مقابل حق‌گریزان متکبر مسئولیتی ندارد، که بخواهد به خاطر هدایت ایشان، تقاضای حق‌پذیران ضعیف را به تاخیر بیندازد، هرچند که این اهتمام به خاطر بهبود بخشیدن شرایط اجتماعی برای ایمان و مومنان باشد.

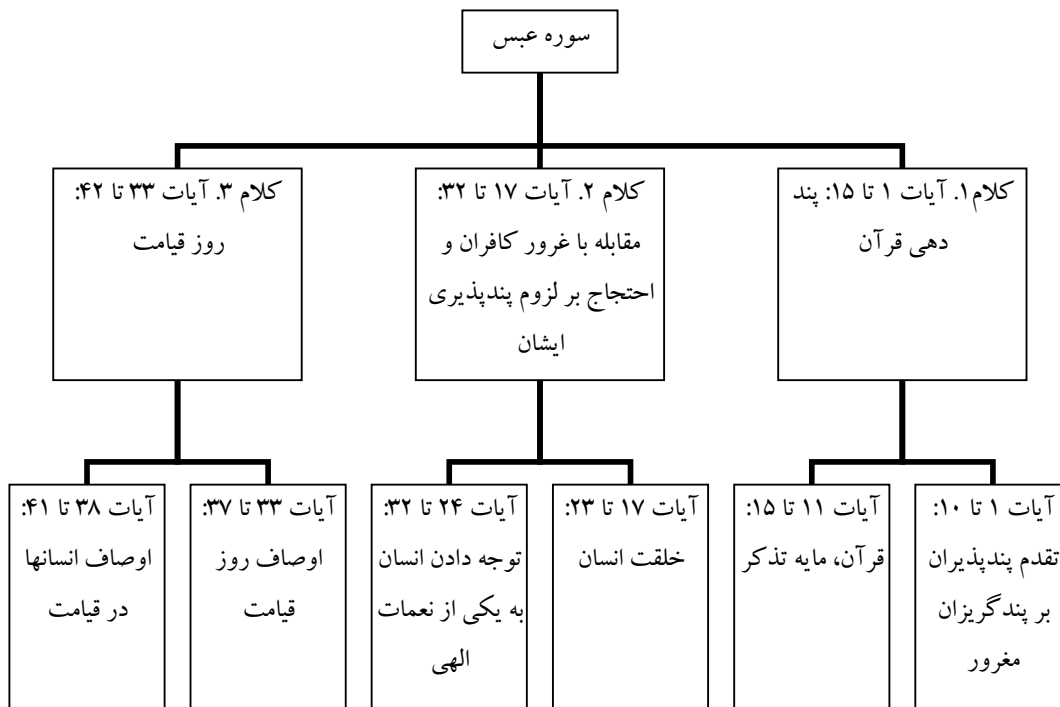
در کلام بعد در قالب یک نفرین به اظهار تعجب از کفر و ناسپاسی انسان در مقابل پروردگار خویش می‌پردازد و پس از بیانی تکبر شکن از خلق انسان، اجمالی از تدبیر امر او را از آغاز تا انجام مطرح می‌فرماید و او را به نظاره‌گری غذای خویش دعوت می‌کند، که تنها یک جنبه از تدبیر خدا درباره اوست. قله مطالب مطرح شده در این کلام، آن است که انسان به رغم اینکه مالک هیچ شأنی از شئون خویش نیست، اما باز هم نسبت به فرامین مالک و رب خویش بی‌توجه است: «کلا لما یقض ما أمره». ارتباط این کلام به کلام گذشته از همین رهگذر تبیین می‌شود، بدین بیان: انسان به خاطر مخلوق و مملوک بودن خود، بنده خالق و مالک خویش یعنی خداست، او باید به فرامین او عمل کند و نباید نسبت به هدایت الهی استغنا بورزد: «أما من استغنی...»، بلکه لازم است که طالب هدایت و تذکره‌خدايي، یعنی قرآن باشد: «کلا إنها تذکرة فمن شاء ذکره».

در کلام انتهایی با یادآوری معاد و شدت هولناک آن روز، به بیان سعادت مومنان و شقاوت کافران فاجر می‌پردازد، تا زمینه تذکر پذیری را در انسان تقویت کند، با توجه به سیاق اغراض، از این کلام فهمیده می‌شود که در کلام نخست که از تذکر بودن قرآن کریم سخن به میان آمد، حیثیت تذکر

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۹۹.

به معاد مد نظر بوده است. بر این اساس غرض سوره را می توان «متذکر ساختن انسان به معاد، به منظور

فراهم سازی زمینه بندگی او و آماده سازی او برای معاد» دانست.



نمودار شماره ۹۲- سیر هدایتی سوره عبس

کلام ۱. پند دهی قرآن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱)

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِي (۳)

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذُّكْرَى (۴)

• أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى (۵)

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَكِّيَ (۷)

• وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)

وَهُوَ يَخْشَى (۹)

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرَهُ (۱۲)

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳)

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

مطلب ۱. آیات ۱ تا ۱۰: تقدم پندپذیران بر پندگريزان مغرور: از طريق اهل سنت روایاتی وارد شده، مبنی بر اینکه این آیات در قصه عبد الله ابن ام مکتوم نابینا نازل شده است؛ گفتنی است که روایاتی از طریق شیعه نیز به این ماجرا اشاره کرده است.

جریان چنین بوده است که ابن ام مکتوم روزی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شد، در حالی که آن جناب با عتبۀ بن ربیع و ابو جهل بن هشام و عباس بن عبد المطلب و ابی و امیۀ بن خلف نشسته بود و ایشان را به دین توحید دعوت می کرد، بدین امید که اسلام بیاورند، ابن ام مکتوم عرضه داشت: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) از قرآن برایم بخوان تا حفظ کنم و (چون نابینا بود) مکرر آن جناب را صدا می زد، تکرار او باعث شد که کراهت و ناراحتی در سیمای آن حضرت هویدا گردید. ابن ام مکتوم مرتب کلام ایشان را قطع می کرد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با خود فکر می کرد، این چند نفر که از بزرگان قریشند تصور می کنند پیروان او همه از قبیل ابن ام مکتوم، یا کورند و یا برده اند، لذا از او روی بگردانید و به آن صناید رو کرد، اینجا بود که این آیات در عتاب و سرزنش آن جناب

نازل شد و از آن به بعد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) همواره ابن ام مکتوم را احترام می کرد، هر وقت به او بر می خورد می فرمود: مرحبا به کسی که خدای تعالی به خاطر او مرا عتاب فرمود و آنگاه می پرسید: آیا کار و حاجتی داری؟ و دو نوبت او را در مدینه جانشین خود کرد و خود به جنگ رفت.

علامه طباطبایی (ره) پس از ذکر این شان نزول، فرموده اند: آیات سوره مورد بحث دلالت روشنی ندارد بر اینکه مراد از شخص مورد عتاب، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است، بلکه صرفا خبری می دهد و از صاحب خبر سخنی نمی گوید، بالاتر اینکه شواهدی هست که می فهماند شخص معاتب، غیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است، چون همه می دانیم که صفت عبوس از صفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نبوده و آن جناب حتی با کفار هم چهره در هم نمی کشیده، تا چه رسد به مؤمنان رشد یافته!

افزون بر این اشکال سید مرتضی رحمه الله علیه بر این روایات وارد است، ایشان می فرماید: از اخلاق رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نبوده و در طول حیات شریفش سابقه نداشته که دل اغنیاء را به دست آورد و از فقراء روگرداند.

خدای متعالی قبل از نزول سوره مورد بحث، خلق آن جناب را عظیم شمرده و فرموده است: «و انک لعلی خلق عظیم»؛ چطور ممکن است که خدای سبحان او را بطور مطلق به این صفت بستاید، سپس بخاطر پاره ای اعمال خلقی، او را مذمت کند و چنین خلق نکوهیده ای را به او نسبت دهد که تو به اغنیاء متمایل هستی، هر چند کافر باشند و برای به دست آوردن دل آنان از فقراء روی می گردانی، هر چند که مؤمن و رشد یافته باشند؟^۱

با توجه به این ادله روشن است که ضمائر فاعلی «عبس و توئی» و ضمیر مفعولی «أن جاءه الأعمی» به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر نمی گردد، یعنی آنکه در مقابل مردی ضعیف و نابینا روترش کرده و به او پشت کرده است، وجود مطهر آن حضرت نیست، بلکه مردی از بنی امیه است،

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۲. گفتنی است علامه طباطبایی (ره) ادله دیگری هم در رد این شان نزول اقامه فرموده است.

که نام او در برخی از روایات شان نزول آمده است؛ و هر کس با قرآن و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) آشنا باشد، به خوبی می تواند بفهمد که استناد چنین عملی به شخصیتی با آن جایگاه والای اخلاقی قابل تصور نیست.

به نام خداوند رحمتگر مهربان

[آن مشرک] چهره درهم کشید و روی گردانید، (آیه ۱)

[زیرا] که آن مرد نابینا پیش او آمد؛ (آیه ۲)

و [ای پیامبر] تو چه دانی، شاید آن [فرد نابینا] به پاکی گراید، (آیه ۳)

یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد. (آیه ۴)

• اما آن کس که خود را بی نیاز می پندارد، (آیه ۵)

تو بدو می پردازی؛ (آیه ۶)

با آنکه اگر پاک نگردد، بر تو [مسئولیتی] نیست. (آیه ۷)

• و اما آن کس که شتابان پیش تو آمد، (آیه ۸)

در حالی که [از خدا] می ترسید، (آیه ۹)

تو از او به دیگران می پردازی. (آیه ۱۰)^۱

مطلب ۲. آیات ۱۱ تا ۱۵: قرآن مایه تذکر:

زلفهار [چنین مکن] این [آیات] پندی است. (آیه ۱۱)

تا هر که خواهد، از آن پند گیرد. (آیه ۱۲)

در صحیفه‌هایی ارجمند، (آیه ۱۳)

والا و پاک شده، (آیه ۱۴)

به دست فرشتگانی، (آیه ۱۵)

ارجمند و نیکوکار. (آیه ۱۶)

کلام ۲. مقابله با غرور کافران و احتجاج بر لزوم پندپذیری ایشان

^۱ ترجمه این آیات، با توجه به توضیحات پیش گفته تغییر یافته است.

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)

مِنْ أَى شَىءٍ خَلَقَهُ (۱۸)

مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ (۱۹)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ (۲۰)

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲)

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)

وَعِنَبًا وَقَضْبًا (۲۸)

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)

وَفَكْهَةً وَأَبًّا (۳۱)

مَتَعًا لَكُمْ وَلِنُؤْمِكُمْ (۳۲)

این آیات نفرینی بر انسان و بیان تعجیبی از اصرار او در کفر به ربوبیت پروردگار خویش است، انسانی که نه مالک خلق خویش است و نه مدبر امر خویش، بلکه خدای سبحان او را از نطفه‌ای پست آفریده و مقدر ساخته، سپس راه را بر او هموار کرده و سرانجام او را میرانده و به قبر درآورده و هرگاه که بخواهد او را بر خواهد انگیخت، پس تنها او پروردگار خالق او مدبر امر او است، اما این انسان در

طول حیات خود فرامین پروردگار خود را اطاعت نکرده و با هدایت او هدایت نیافته است و اگر این انسان تنها به غذای خویش بنگرد که یکی از مظاهر تدبیر خدای متعالی و شاخه‌ای از دریاهاى رحمت اوست، وسعتی از تدبیر و لطافتی از صنع خدا را خواهد یافت که عقل او را متحیر و جان او را مدهوش می‌کند؛ و غیر از این نعماتی هست که شمرده نمی‌شود: «و إن تعدوا نعمة الله لا تحصوها» پس پوشاندن تدبیر پروردگار و ترک شکر نعمت او عجیب است و همانا انسان موجودی بسیار ظالم و بسیار ناسپاس است.^۱ غرض از این کلام احتجاج بر لزوم پندپذیری انسان است و از همین رهگذر ارتباط این کلام با کلام قبل که مربوط به پنددهی قرآن بود، روشن می‌شود:

مطلب ۱. آیات ۱۷ تا ۲۳: خلقت انسان:

کشته باد انسان، چه ناسپاس است! (آیه ۱۷)

او را از چه چیز آفریده است؟ (آیه ۱۸)

که او به خود حق کفر و ناسپاسی و طغیان و استکبار از ایمان می‌دهد.^۲

از نطفه‌ای خلقش کرد و اندازه مقرّرش بخشید. (آیه ۱۹)

او که از نطفه‌ای پست آفریده شده، چطور به خود اجازه کفر و طغیان می‌دهد.^۳

سپس راه را بر او آسان گردانید. (آیه ۲۰)

این آیه برای نفی عذر از انسان در کفر خویش است و می‌فهماند که خدای متعالی راه اطاعت و

ایمان را بر او آسان کرده و او را در پیمودن مسیر مخیر گذارده است.^۴

آنگاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد. (آیه ۲۱)

سپس چون بخواهد او را برانگیزد. (آیه ۲۲)

ولی نه! هنوز آنچه را به او دستور داده، به جای نیاورده است. (آیه ۲۳)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۵.

^۲ همان، ص ۲۰۶.

^۳ همان.

^۴ ر.ک. همان.

این آیه شریفه به سؤالی مقدر و برآمده از سیاق آیات پیشین پاسخ می‌دهد، بدین بیان که گویا پس از بیان خلق و تدبیر انسان از جانب خدا، پرسیده می‌شود که آیا انسان شکر این همه نعمت و لطف را به جای آورده است و در جواب گفته می‌شود: هرگز! نه تنها او شکر نکرده بلکه کفر ورزیده و طغیان کرده است.^۱

مطلب ۲: آیات ۲۴ تا ۳۲: توجه دادن انسان به یکی از نعمات الهی:

پس انسان باید به خوراک خود بنگرد، (آیه ۲۴)

آیات پیشین به طور اجمال به تدبیر ربوبی اشاره کرد و این آیه به بیان تفصیلی یکی از مظاهر بی‌شمار تدبیر ربوبی برای رفع نیازهای انسان در زندگی می‌پردازد، تا انسان در آن تأمل کند و وسعت تدبیر پروردگار را مشاهده کند، وسعتی محیر العقول و مدهوش کننده جان؛ و بر تعلق عنایت الهی به صلاح حال و استقامت امر خویش نظاره کند.^۲

که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم؛ (آیه ۲۵)

آنگاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم؛ (آیه ۲۶)

پس در آن، دانه رویانیدیم. (آیه ۲۷)

و انگور و سبزی، (آیه ۲۸)

و زیتون و درخت خرما، (آیه ۲۹)

و باغهای انبوه، (آیه ۳۰)

و میوه و چراگاه، (آیه ۳۱)

[تا وسیله] استفاده شما و دامهایتان باشد. (آیه ۳۲)

کلام ۳. روز قیامت

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)

^۱ ر.ک. همان، ص ۲۰۸.

^۲ همان.

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵)

وَصَحْبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)

لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

• وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)

ضاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

• وَوُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ عَلِيهَا غَبْرَةٌ (۴۰)

تَرَاهُمْ قَتَرَةٌ (۴۱)

أُولَئِكَ هُمُ الْكُفْرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)

این آیات بیانگر قیامت است که تدبیر عام ربوبی پیش گفته به آن منتهی می شود، زیرا این تدبیر متضمن امری ربوبی و الهی به عبودیت انسان است، چه انسان آن را به جا آورد و چه ترک گوید و در روز قیامت جزاء اعمال انسان به طور کامل ایفا می گردد.^۱

مطلب ۱. آیات ۳۳ تا ۳۷: اوصاف روز قیامت:

پس چون فریاد گوش خراش دررسد؛ (آیه ۳۳)

روزی که آدمی از برادرش، (آیه ۳۴)

و از مادرش و پدرش. (آیه ۳۵)

و از همسرش و پسرانش می گریزد، (آیه ۳۶)

شدت آن روز به حدی است که انسان به هیچ چیز جز خودش متوجه نیست و از نزدیکترین

نزدیکان خویش فرار می کند.^۲

^۱ همان، ص ۲۱۰.

^۲ ر.ک. همان.

در آن روز، هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول

می‌دارد. (آیه ۳۷)

مطلب ۲. آیات ۳۸ تا ۴۲: اوصاف انسانها در قیامت:

- در آن روز، چهره‌هایی درخشانند، (آیه ۳۸)
خندان [و] شادانند. (آیه ۳۹)
- و در آن روز، چهره‌هایی است که بر آنها غبار نشسته، (آیه ۴۰)
[و] آنها را تاریکی پوشانده است؛ (آیه ۴۱)
آنان همان کافران بدکارند. (آیه ۴۲)

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در ابتدای جلسه دوازدهم، شاگردان خود را بر اساس پرسش‌های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. ساختار سوره عبس را همراه با شماره آیات و عناوین ترسیم کنید.

۲. غرض سوره عبس چیست؟

۳. غرض سوره مبارکه عبس چگونه کشف می‌شود؟

تکلیف:

۳. با توجه به آموخته‌های خود، سوره تکویر را تدبر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه آینده در اختیار مربی قرار دهید.

مربی گرامی می‌تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع‌آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه‌ای فوق‌العاده ارائه دهد.

۴. تدبر سوره نبأ را در میزان مطالعه و در گروه‌های تدبر مباحثه کنید و یک روز پیش از برگزاری کلاس، نتایج آن را به صورت مکتوب به استاد خود تحویل دهید.

با توجه به اینکه در جلسه آینده، تدبر این سوره ارائه خواهد شد، مربی محترم نتایج این تکلیف را پیش از برگزاری جلسه دوازدهم، جمع‌آوری و بررسی کند و در تدریس تدبر این سوره مورد توجه قرار دهد.

۲-۱۲- درس دوازدهم

اهداف آموزشی، انگیزشی و مهارتی:

- آشنایی با نحوه تشخیص و تفکیک کلامها در سوره نبأ؛ و تقویت توانایی انجام این کار

در موارد مشابه؛

شناخت چگونگی کشف غرض در سوره نبأ؛ و تقویت توانایی استفاده از این شیوه در موارد

مشابه؛

ایجاد انس با سوره مبارکه نبأ که در مقام اثبات یوم الفصل و آثار پذیرش و انکار آن است.

۲-۱۲-۱- تدبیر سوره مبارکه نازعات (کار در خانه)

۲-۱۲-۱-۱- شناسه سوره

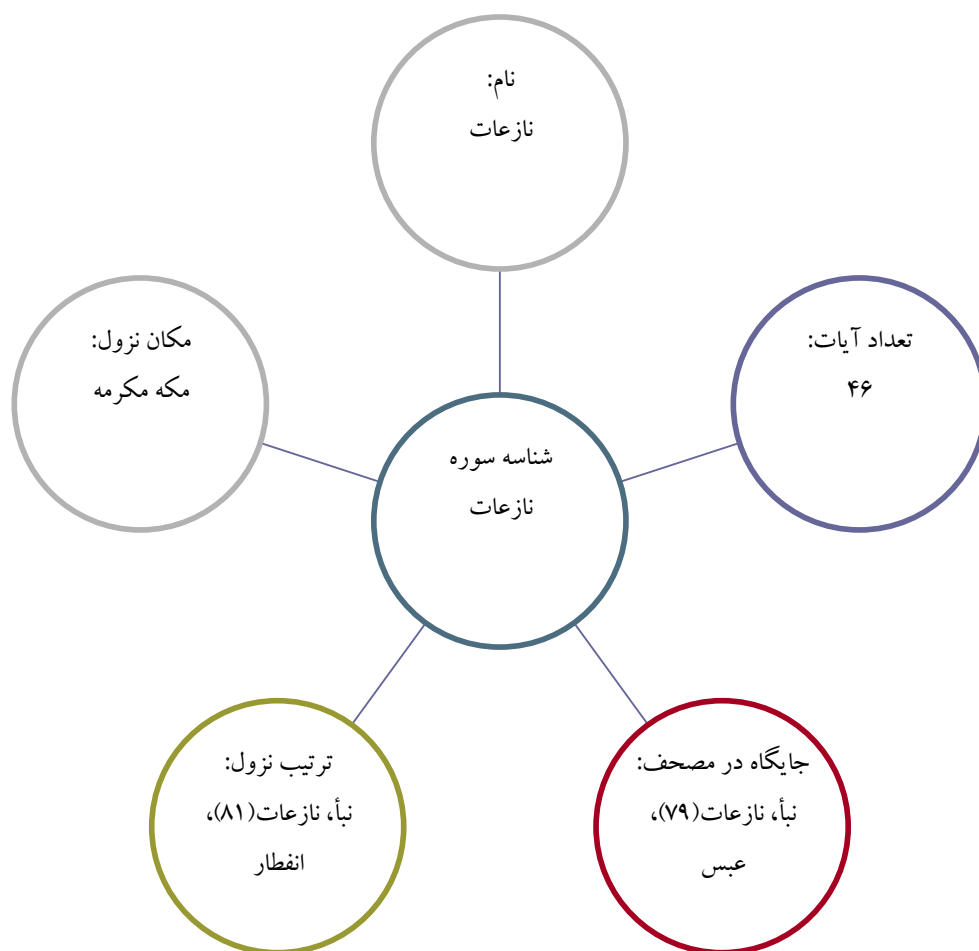
نام: نازعات: مراد از این واژه فرشتگانی هستند که به هنگام صدور فرمانی از جانب خدا، برای تدبیر امری از امور عالم، در راستای امتثال حرکت را آغاز می کنند؛ و در نخستین آیه این سوره به آن سوگند یاد شده است.

دانستیهای نزول: این سوره مکی است؛^۱ و سیاق آیات آن بر این مسئله گواهی می دهد.^۲ بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه هشتاد و یکمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره نبأ و پس از آن سوره انفطار نازل شده است؛^۳

^۱ همان.

^۲ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۷۹.

^۳ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.



نمودار شماره ۹۳- شناسه سوره نازعات

۲-۱۲-۱-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره حاوی اخباری پر تاکید بر وقوع بعث و قیامت است و بر این حقیقت از راه تدبیر ربوبی احتجاج می کند و چنین نتیجه می گیرد که مردم در روز بعث به دو طایفه بهشتیان و دوزخیان تقسیم خواهند شد؛ سوره با اشاره به سوال مشرکان از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره وقت وقوع قیامت و جواب آن، پایان می پذیرد.^۱

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۷۸.

در این سوره مبارکه مانند بسیاری از سوره مکی، با پدیده انکار معاد مقابله می‌شود، با این قید که در این سوره، آن دسته از منکران معاد مورد نظراند که در تکذیب حقیقت بعث و جزا تا جایی پیش رفته‌اند که سر به طغیان برداشته و با تمسک به پندار خام عجز خدای سبحان از حیات بخشیدن به مردگان، معاد را به استهزاء گرفته‌اند و در مقام مسخره خویش از وقت معاد می‌پرسند.

بیانات فوق با مطالعه سوره و توجه به این قرائن تایید می‌شود:

۱. در آیه ده، استبعاد؛ در آیه یازده، استصعاب؛ و در آیه دوازده، استهزاء منکران معاد نسبت به

این حقیقت مطرح شده است.

۲. خدای متعالی برای منکران معاد به فرعون مثال می‌زند که «إنه طغی» یعنی سر به طغیان

برداشته بود؛

۳. این سوره انسانها را در قیامت به دو گروه طغیانگران و اهل خشیت تقسیم می‌کند: «فأما من

طغی...»

۴. در نقطه مقابل طغیان و هواپرستی، از خوف و خشیت سخن به میان می‌آورد: «و أهدیک

إلی ربک فتخشی»، «إن فی ذالک لعبرة لمن یخشی»، «و أما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن

الهی»، «إنما أنت منذر من یخشیها»

بر این اساس این سوره مبارکه با تبیین این حقیقت که «طغیان باعث تکذیب تحقق معاد» است به

مقابله با سرکشان منکر معاد و پاسخ به استبعاد و استصعاب و استهزاء ایشان پرداخته است که این غرض

ملازم با انذار منکران معاد از طغیان و هواپرستی و تشویق همگان به خداترسی است.

آیات ابتدایی سوره در مقام احتجاج برای معاد، بیانگر ربوبیت عام الهی و به ویژه ناظر به اثبات

قدرت مطلق و نافذ خدای متعالی است، بدین بیان، که نخست با ذکر چند سوگند به فرشتگان مطیع اوامر

الهی در تدبیر عالم، به حتمیت وقوع روز هولناک قیامت اشاره می‌کند و در برابر استبعاد و استهزاء

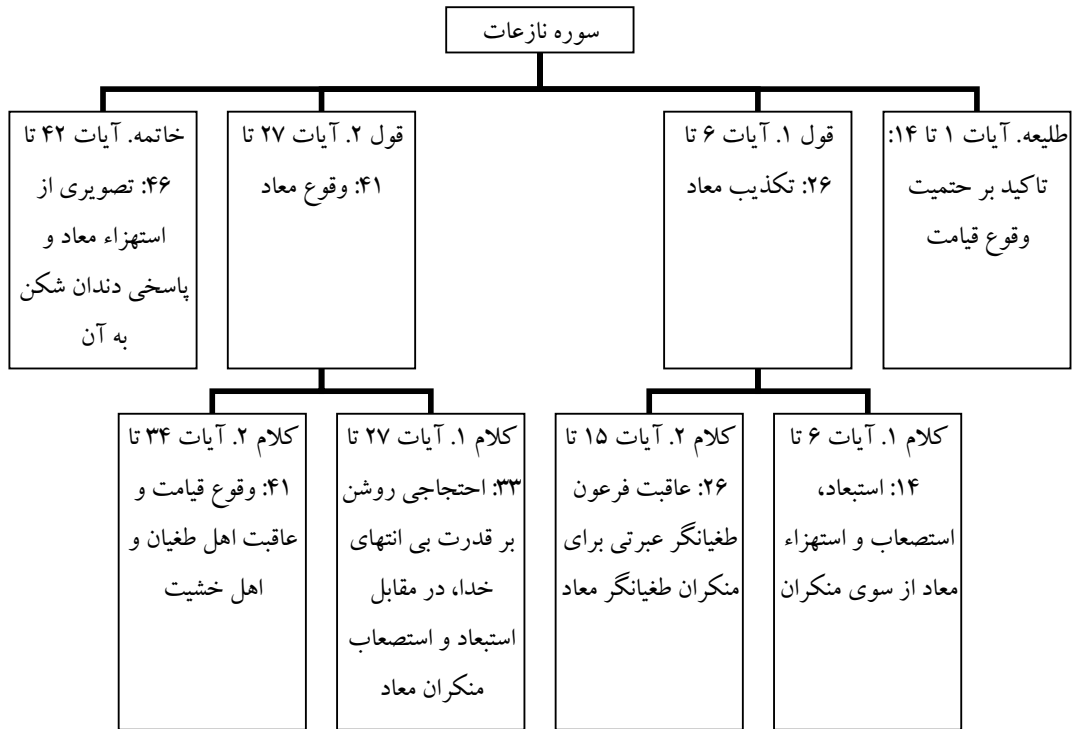
مشرکان منکر معاد می‌ایستد؛ در سپس همگان را به عبرت‌گیری از عاقبت خفت‌بار فرعون طغیانگر مدعی

قدرت دعوت می کند و قدرت خویش سخن می گوید؛ سپس با ناچیز شمردن خلق دوباره انسان در برابر خلق آسمانها و زمین و ... همگان را به قدرت لا یتناهی خود متوجه می کند.

در ادامه، از وقوع قیامت و دو گروه اهل طغیان و اهل خشیت در آن روز سخن می گوید تا اندازی برای مشرکان باشد و تبشیری برای مومنان.

در نهایت با بیان اصرار منکران بر پرسش لجوجانه از وقت قیامت و پیامبر خویش را از اهتمام به پاسخ گویی به ایشان باز می دارد و به انداز اهل خشیت دعوت می کند و در آیه ای کوتاه صحنه ای تکان دهنده را به تصویر می کشد، صحنه ای از قیامت که مشرکان مکث و درنگ پیش از قیامت خویش را بسیار اندک می شمردند.

تذکره: مربی محترم توجه داشته باشد که دسته بندی این سوره تا حد تفکیک اقوال پیش رفته است. این در حالی است که قرآن آموزان گرامی هنوز با اصطلاح قول و تعریف آن آشنا نیستند. شما می توانید با لحاظ سطح کیفی فراگیران به این اصطلاح و تعریف اجمالی آن اشاره کنید و یا در جمع بندی این سوره، از طرح اقوال و عناوین آنها صرف نظر بفرمایید و سوره را با شش کلام تبیین نمایید. تعریف قول از این قرار است: مجموعه کلام هایی که همگرایی موضوعی دارند.



نمودار شماره ۹۳- ساختار سوره نازعات

طلوعه. تاکید بر حتمیت وقوع قیامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• وَالنَّزِعَاتِ غَرْقًا (۱)

• وَالنَّشِيطَاتِ تَشِيطًا (۲)

• وَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۳)

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴)

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

• سوگند به فرشتگانی که با جد و جهد تمام حرکت [برای امتثال فرمان خدا] را آغاز

می کنند. (آیه ۱)

- و به فرشتگانی که [برای امتثال فرمان خدا] از موقف خود خارج می شوند (آیه ۲)
- و به فرشتگانی که [در امتثال فرامین الهی] شناکنان شناورند (سرعت گیرنده اند)، (آیه

(۳)

پس در پیشی گرفتن [در فرمان خدا] سبقت گیرنده اند، (آیه ۴)

و امر عالم را تدبیر می کنند. (آیه ۵)^۱

این آیات سوگند به صفات فرشتگان است، در آن هنگام که برای تدبیر امری از امور نظام جاری عالم، فرمان می گیرند، از آن مرحله که حرکت به سمت تدبیر را آغاز می کنند، تا اتمام تدبیر؛^۲ گفتنی است، جواب سوگندهای مطرح شده در آیات بالا برای تفخیم و تعظیم، حذف شده است و تقدیر آن با توجه به سیاق، چنین است: سوگند به ... که **حتما مبعوث خواهید شد.**^۳

قول ۱. آیات ۶ تا ۲۶: تکذیب معاد

این قول دارای دو کلام است. در کلام نخست از استبعاد و استصواب و استهزاء مشرکان نسبت به معاد و در کلام دوم از تکذیب فرعون و عاقبت آن سخن می گوید، جامع میان این دو کلام موضوع محوری تکذیب معاد است.

کلام ۱. استبعاد، استصواب و استهزاء معاد از سوی منکران

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّأْجِفَةَ (۶)

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةَ (۷)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)

أَبْصَرُهَا خَشِيعَةً (۹)

^۱ ترجمه این آیات پنج گانه، بر اساس دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی (ره) تنظیم شده است. برای مطالعه بیشتر در این باره به این آدرس مراجعه شود: المیزان، ج ۲۰، ص ۱۸۲.

^۲ همان، ص ۱۸۲.

^۳ همان، ص ۱۷۹ و ۱۸۵.

يَقُولُونَ أَءَنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (۱۰)

أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا نَخِرَةً (۱۱)

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳)

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (۱۴)

در آن روز که لرزنده بلرزد، (آیه ۶)

و از پی آن لرزه‌ای [دگر] افتد، (آیه ۷)

این دو آیه بر نفخ صور اول و دوم منطبق است.^۱

در آن روز، دلهایی سخت هراسانند. (آیه ۸)

دیدگان آنها فروافتاده. (آیه ۹)

گویند: «آیا [باز] ما به [مغاک] زمین برمی گردیم؟ (آیه ۱۰)

آیا وقتی ما استخوان ریزه‌های پوسیده شدیم [زندگی را از سر می گیریم؟]» (آیه

(۱۱)

[از روی استهزاء] گویند: «در این صورت، این برگشتی زیان آور است.» (آیه ۱۲)

این آیات (۱۰ تا ۱۲) از سخن آنان در دنیا خبر می دهد و اشاره می کند که این بدحالان روز قیامت،

همان کسانی هستند که در دنیا از روی استبعاد منکر بعث و جزاء بودند و ...^۲

و[لی] در حقیقت، آن [بازگشت، بسته به] یک فریاد است [و بس]. (آیه ۱۳)

و بناگاه آنان در زمین هموار [زنده] خواهند بود. (آیه ۱۴)

این دو آیه در محل جواب از مدلول قول کافران در استبعاد و استصعاب [و استهزاء] بعث است.^۳

کلام ۲. عاقبت فرعون طغیانگر عبرتی برای منکران طغیانگر معاد

^۱ همان، ص ۱۸۴.

^۲ همان، ص ۱۸۵.

^۳ همان.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (۱۵)

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۶)

أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (۱۷)

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى (۱۸)

وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى (۱۹)

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى (۲۰)

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱)

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (۲۲)

فَحَشَرَ فَنَادَى (۲۳)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (۲۴)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۲۵)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى (۲۶)

این آیات اشاره‌ای اجمالی به قصه موسی (علیه السلام) و رسالت او به سوی فرعون؛ و رد دعوت موسی (علیه السلام) از جانب فرعون و عذاب دنیا و آخرت فرعون از جانب خدای متعالی است؛ در این آیات پند و اندازی برای مشرکان منکر بعث است، همانان که با توسل به انکار بعث دعوت دینی را رد می‌کردند، چون اگر معاد نباشد تشریح دینی معنی ندارد. این آیات در عین حال مایه تسلی خاطر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از تکذیب قوم خویش؛ و تهدید آنان است، چنانکه خطاب «هل أتاک» مؤید این معنی است.

این قصه با همه این شئون، حجتی بر وقوع بعث و جزا نیز هست، چون هلاکت هولناک فرعون و لشکریان او، دلیلی بر حقانیت رسالت موسی (علیه السلام) از جانب خدای متعالی به سوی مردم است و

رسالت موسی (علیه السلام) از جانب خدا جز با ربوبیت خدا بر مردم معنی ندارد، بر خلاف پندار مشرکان مبنی بر اینکه خدای سبحان، رب مردم نیست و تنها رب الارباب است و نه چیز دیگر.^۱

آیا سرگذشت موسی بر تو آمد؟ (آیه ۱۵)

آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدّس «طوی» ندا درداد: (آیه ۱۶)

«به سوی فرعون برو که وی سر برداشته است؛ (آیه ۱۷)

و بگو: آیا سر آن داری که به پاکیزگی گرای، (آیه ۱۸)

و تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا پروا بداری؟» (آیه ۱۹)

پس معجزه بزرگ [خود] را بدو نمود. (آیه ۲۰)

[ولی فرعون] تکذیب نمود و عصیان کرد. (آیه ۲۱)

سپس پشت کرد [و] به کوشش برخاست، (آیه ۲۲)

و گروهی را فراهم آورد [و] ندا درداد، (آیه ۲۳)

و گفت: «پروردگار بزرگتر شما منم!» (آیه ۲۴)

و خدا [هم] او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار کرد. (آیه ۲۵)

در حقیقت، برای هر کس که [از خدا] بترسد، در این [ماجرا]

عبرتی است. (آیه ۲۶)

قول ۲. آیات ۲۷ تا ۴۱: وقوع معاد

این قول نیز دارای دو کلام است و موضوع مشترک هر دو کلام وقوع قیامت است.

کلام ۱. احتجاجی روشن بر قدرت بی انتهای خدا، در مقابل استبعاد و استصعاب منکران معاد

ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ

• بِنَاهَا (۲۷)

• رَفَعَ سَمَكَهَا

^۱ همان، ص ۱۸۶.

- فَسَوَّاهَا (۲۸)
- وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا
- وَأَخْرَجَ ضِعَاهَا (۲۹)
- وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (۳۰)
- أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (۳۱)
- وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (۳۲)
- مَتَعًا لَكُمْ وَلِنُعْمِكُمْ (۳۳)

آیات این کلام، خطابی توییخی و عتاب آمیز به مشرکان منکر بعث است، همانان که حیات دوباره پس از مرگ را بعید می شمردند و آن را به مسخره می گرفتند؛ این آیات استبعاد و استصعاب و استهزاء آنان را که در آیات ده تا دوازده مطرح شده بود، اینگونه جواب می دهد که خدای متعالی مخلوقاتی دارد که آفرینش آنها از شما شدیدتر است، پس او بر خلق و انشاء دوباره شما قادر است.

این آیات افزون بر این، متضمن حجتی بر وقوع بعث و جزا است، چون یادآور تدبیر عام جهانی و ارتباط آن با عالم انسانی است و لازمه این تدبیر ربوبیت خدا است و لازمه ربوبیت خدای متعالی، صحت نبوت و جعل تکالیف است و لازمه آن هم جزائی است که موطن آن بعث و حشر است؛ از این روست که حدیث بعث در کلام بعدی، متفرع بر این آیات است.^۱

آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او]

- آن را برپا کرده است؟ (آیه ۲۷)
- سقش را برافراشت
- و آن را [به اندازه معین] درست کرد، (آیه ۲۸)
- و شبش را تیره
- و روزش را آشکار گردانید، (آیه ۲۹)

^۱ همان، ص ۱۸۹.

- و پس از آن، زمین را با غلتانیدن گسترده، (آیه ۳۰)
 - آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد، (آیه ۳۱)
 - و کوهها را لنگر آن گردانید، (آیه ۳۲)
- [تا وسیله] استفاده برای شما و دامهایتان باشد. (آیه ۳۳)

کلام ۲. وقوع قیامت و عاقبت اهل طغیان و اهل خشیت

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (۳۴)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵)

وَبُرُزَّتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (۳۶)

○ فَأَمَّا مَنْ طَغَى (۳۷)

وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۳۸)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹)

○ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱)

ارتباط این کلام با ماقبل در توضیحات کلام پیشین روشن شد.

پس آنگاه که آن هنگامه بزرگ (قیامت) دررسد، (آیه ۳۴)

[آن روز است که انسان آنچه را که در پی آن کوشیده است به یاد آورد (آیه ۳۵)

و جهنم برای هر که ببند آشکار گردد. (آیه ۳۶)

○ اما هر که طغیان کرد، (آیه ۳۷)

و زندگی پست دنیا را برگزید، (آیه ۳۸)

پس جایگاه او همان آتش است. (آیه ۳۹)

○ و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید،

و نفس [خود] را از هوس باز داشت، (آیه ۴۰)
پس جایگاه او همان بهشت است. (آیه ۴۱)

خاتمه. تصویری از استهزاء معاد و پاسخی دندان شکن به آن

يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲)

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا (۴۳)

إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا (۴۴)

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا (۴۵)

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبِتُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضَحَاهَا (۴۶)

مشرکان پس از آنکه حدیث قیامت را شنیدند، به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مراجعه می کردند و با اصرار از ایشان می خواستند که وقت آن را مشخص کند و قرآن بارها به این مسئله اشاره کرده است.^۱

در باره رستاخیز از تو می پرسند که فرارسیدنش چه وقت است؟ (آیه ۴۲)

تو را چه به گفتگو در آن. (آیه ۴۳)

علم آن با پروردگار تو است. (آیه ۴۴)

تو فقط کسی را که از آن می ترسد هشدار می دهی. (آیه ۴۵)

روزی که آن را می بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند. (آیه ۴۶)

^۱ همان، ص ۱۸۹.

۲-۱۲-۲- تدبر سوره مبارکه نبأ (متن درسی)

۲-۱۲-۲-۱- شناسه سوره

نامها

- نبأ: این واژه به معنی خبر است و در دومین آیه سوره به کار رفته است.
- معصرات: این کلمه به معنی ابرهای باران‌زا است و در چهاردهمین آیه سوره به کار رفته است.^۱
- تساؤل: این واژه مصدر فعل یتساءلون در نخستین آیه این سوره مبارکه است.^۲

دانستیهای نزول: این سوره مکی است؛^۳ و سیاق آیات آن بر این مسئله گواهی می‌دهد.^۴ بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول هم این سوره مبارکه هشتادمین سوره فرود آمده از آسمان وحی است که پیش از آن سوره معارج و پس از آن سوره نازعات نازل شده است؛^۵

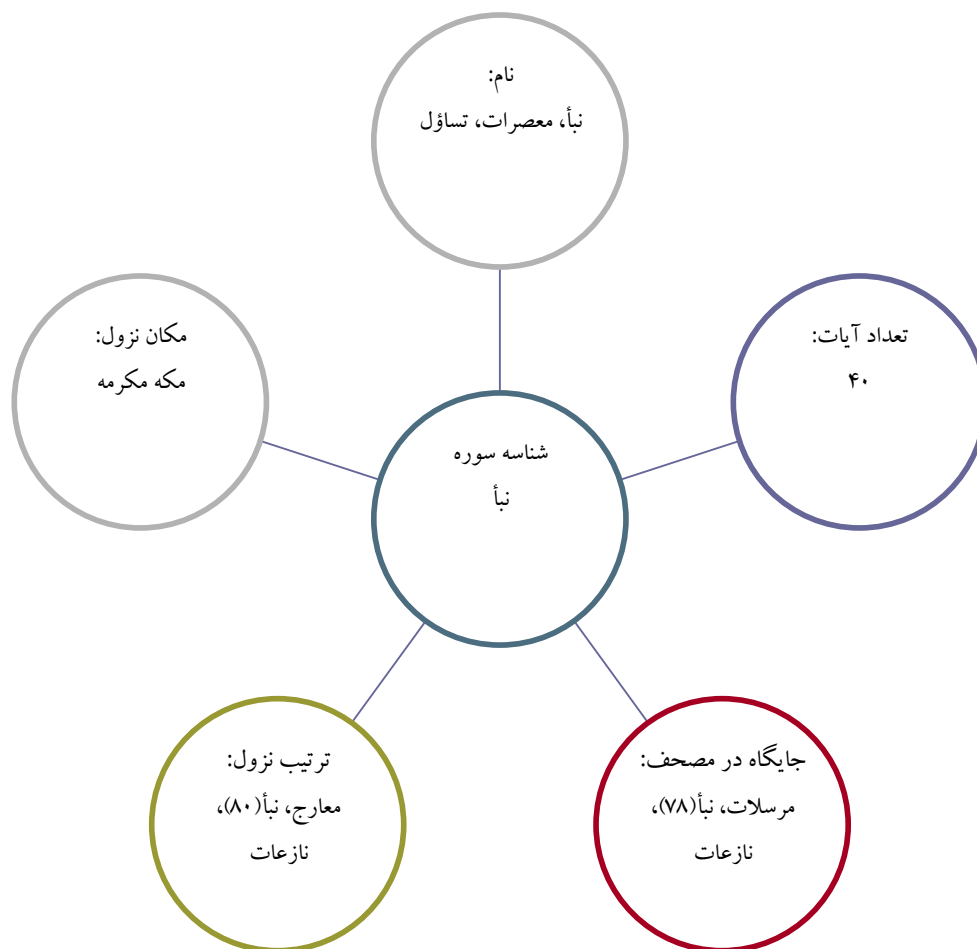
^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۳۷.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

^۵ علوم قرآنی محمد هادی معرفت، ص ۹۱.



نمودار شماره ۹۴- شناسه سوره نبا

۲-۱۲-۲-۲- موضوعات، غرض، سیر هدایتی سوره

این سوره از آمدن روز حساب و جزا (یوم الفصل) خبر داده و بر حقانیت عاری از شک و تردید آن احتجاج می کند؛

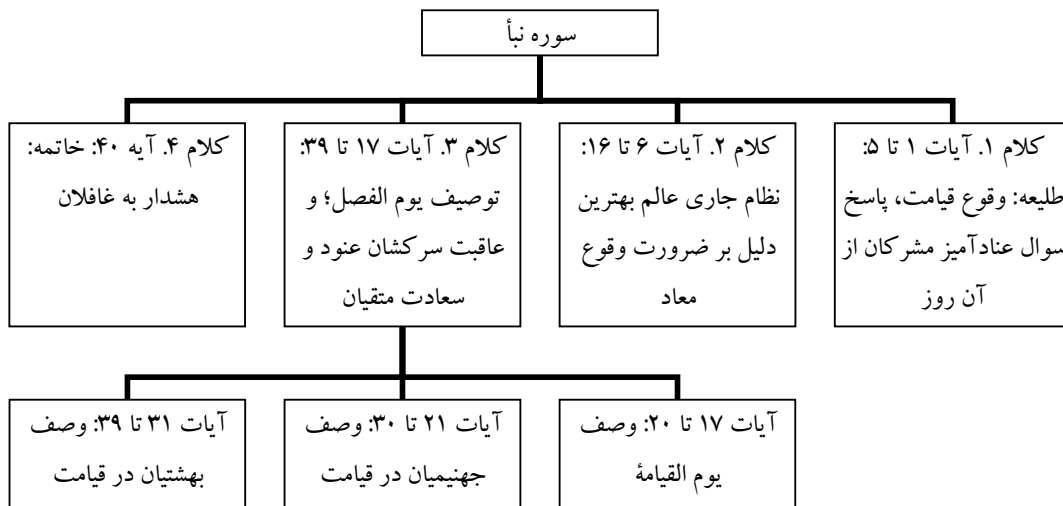
در ابتدا فضایی را ترسیم می کند که انسانها از یکدیگر درباره خبر آن روز بزرگ می پرسند، سپس در مقام جواب و با لحن تهدید بیان می کند که به زودی خواهند فهمید و در ادامه برای حقانیت آن روز بزرگ، از راه اشاره به تدبیر موجود در نظام عالم، احتجاج می کند، زیرا این تدبیر حکیمانه، به روشنی بر

این حقیقت دلالت دارد که آن سوی این نشئه متغیر و فناپذیر، نشئه‌ای ثابت و باقی هست و به دنبال سرایی که در آن عمل هست و جزا نیست، سرایی هست که در آن جزا هست و عمل نیست، پس این نظام موجود از روز حساب پرده بر می‌دارد.

سوره در ادامه به توصیف آن روز می‌پردازد، بدین بیان که از احضار انسانها در آن روز و از عذاب دردناک سرکشان و تنعم دائمی متقیان خبر می‌دهد و کلام خود را با انذار پایان می‌دهد.^۱

بر این اساس غرض سوره را می‌توان اینگونه بیان کرد: «اثبات معاد و ثمره پذیرش و عدم پذیرش

آن»



نمودار شماره ۹۵- ساختار سوره نبا

کلام ۱. طلیعه: وقوع قیامت، پاسخ سوال عنادآمیز مشرکان از آن روز

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ (۲)

الَّذِی هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴)

تُمْ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)

آنچه از سیاق آیات این کلام فهمیده می‌شود، آن است که مشرکان وقتی انذار قرآن را درباره بعث و جزاء روز قیامت (یوم الفصل) می‌شنیدند، این امر بر آنان سنگین می‌آمد و از یکدیگر درباره این خبر عجیب می‌پرسیدند، چون تا آن روز چنین خبری به گوش آنان نرسیده بود و گاهی هم به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مومنان مراجعه کرده و در این خصوص از ایشان می‌پرسیدند و گاهی نیز به اهل کتاب و به خصوص یهودیان رجوع نموده و از آنان خبر می‌گرفتند.

خدای متعالی در این سوره جریان تساؤل آنها را در قالب سوال و جواب زیر مطرح فرموده است.^۱

به نام خداوند رحمتگر مهربان

درباره چه چیز از یکدیگر (یا از پیامبر) می‌پرسند؟ (آیه ۱)

پرسشگران مشرکان مکه هستند، چون سیاق سوره که در جواب این پرسش آمده است سیاقی آکنده از انذار است.^۲

از آن خبر بزرگ، (آیه ۲)

مراد از خبر بزرگ، خبر بعث و قیامت است که قرآن عظیم در سور مکی اهتمام خاصی به آن دارد، به خصوص در سوری که اوائل بعثت نازل شده است.^۳

که درباره آن با هم اختلاف دارند. (آیه ۳)

پرسندگان در نفی قیامت همگی با هم موافقت و اختلاف آنها در کیفیت انکار قیامت است، بدین بیان که برخی از ایشان آن را محال می‌دانند و انکار می‌کنند و برخی آن را بعید می‌شمردند و انکار

^۱ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۶۰.

^۲ همان، ص ۱۵۹.

^۳ همان.

می کنند و برخی در آن شك دارند و آن را انکار می کنند و برخی به آن یقین دارند و از روی عناد به آن ایمان نمی آورند و آن را انکار می کنند.^۱

نه چنان است، به زودی خواهند دانست. (آیه ۴)

یعنی باید دست از سؤال بردارند، چون به زودی حقیقت این خبر با وقوع آن بر آنها روشن خواهد شد.^۲

باز هم نه چنان است، بزودی خواهند دانست. (آیه ۵)

کلام ۲. نظام جاری عالم، بهترین دلیل بر ضرورت وقوع معاد

- أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا (۶)
- وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)
- وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸)
- وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (۹)
- وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰)
- وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱)
- وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (۱۲)
- وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا (۱۳)
- وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (۱۴)
- لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵)
- وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶)

^۱ همان.

^۲ همان، ص ۱۶۰.

آیات یازده گانه این کلام در سیاق احتجاج بر ثبوت بعث و جزا و تحقق این خبر بزرگ است و تقریر این حجت بدین بیان است: همانا این عالم مشهود با این زمین و آسمان و شب و روز و انسانهای که نسل به نسل می آیند و با این نظام جاری و تدبیر متقن دقیق، محال است که بازیچه و باطل باشد و هدفی ثابت و باقی برای آن وجود نداشته باشد، پس ضروری است که به دنبال این نظام متغیر متحول فانی، عالمی با نظام ثابت و باقی وجود داشته باشد، تا در آن عالم اثر صلاح مقتضای فطرت انسانی و فساد مخالف با فطرت آدمی آشکار شود، چون سعادت متقین و شقاوت مفسدین در نظام جاری این دنیا آشکار نمی گردد و محال است که خدا در فطرت انسان دعوتی غریزی یا بازدارنده غریزی قرار دهد و اثری در عالم واقع نداشته و بهره ای از واقعیت نداشته باشد، پس باید روزی باشد که انسان در آن روز نتیجه اعمال خیر و شر خویش را ببیند، پس جا ندارد که مشرکان در کیفیت نفی چنین روزی با هم اختلاف کنند و برخی به خاطر شک و عده ای از روی استبعاد و گروهی به خاطر استحاله و بعضی به جهت عناد آن را انکار کنند، پس این روز ضروری الوقوع است و شکی در جزا نیست.^۱

• آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم؟ (آیه ۶)

یعنی زمین را قرارگاهی برای شما قرار دادیم که که بر آن قرار می گیرید.^۲

• و کوهها را [چون] میخهایی [نگذاشتیم]؟ (آیه ۷)

اگر کوهها را میخ خوانده شاید از این جهت بوده که پیدایش عمده کوههایی که در روی زمین است، از عمل آتشفشانهای تحت الارضی است، که یک نقطه از زمین را می شکافد و مواد مذاب زمینی از آن فوران می کند و به اطراف آن نقطه می ریزد و به تدریج اطراف آن نقطه بالا می آید و می آید تا به صورت میخی در آید که روی زمین کوبیده باشند و باعث سکون و آرامش فوران آتشفشان زیر زمین گردد و اضطراب و نوسان زمین از بین برود.^۳

• و شما را جفت آفریدیم. (آیه ۸)

^۱ همان، ص ۱۶۱.

^۲ همان.

^۳ همان، ص ۱۶۲.

یعنی شما را به صورت زوج زوج، از مذکر و مونث آفریدیم تا تناسل در بین شما جریان یابد و نوع

انسانی تا آن زمان که خدا بخواهد باقی بماند.^۱

- و خواب شما را [ماهه] آسایش گردانیدیم. (آیه ۹)
- و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم. (آیه ۱۰)
- و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم. (آیه ۱۱)
- و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم. (آیه ۱۲)
- و چراغی فروزان گذاردیم. (آیه ۱۳)
- و از ابرهای متراکم، آبی ریزان فرود آوردیم، (آیه ۱۴)
تا بدان دانه و گیاه برویانیم، (آیه ۱۵)
و باغهای درهم پیچیده و انبوه. (آیه ۱۶)

کلام ۳. توصیف یوم الفصل؛ و عاقبت سرکشان عنود و سعادت متقیان

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَتاً (۱۷)

يَوْمَ

○ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجاً (۱۸)

○ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَاباً (۱۹)

○ وَ سِيرَتِ الْجِبَالِ فَكَانَتْ سُرَاباً (۲۰)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً (۲۱)

لِّلطَّغِينِ مَتَاباً (۲۲)

لَّبِئْسَ فِيهَا أَحْقَاباً (۲۳)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَاباً (۲۴)

^۱ همان.

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا (۲۵)

جَزَاءً وَفَاقًا (۲۶)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷)

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸)

وَكَلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (۲۹)

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱)

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲)

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۳۳)

وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذْبًا (۳۵)

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶)

رَّبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا

لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ

وَقَالَ صَوَابًا (۳۸)

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ

فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَثَابًا (۳۹)

به دنبال اخبار اجمالی از یوم الفصل در آیات پیشین: «کلا سیعلمون»، آیات این کلام به توصیف

یوم الفصل پرداخته است و آنچه را در آن روز بر سرکشان و متقیان می گذرد بیان می کند.^۱

مطلب ۱. آیات ۱۷ تا ۲۰: وصف یوم القیامه:

قطعاً وعدگاه [ما با شما] روز داوری است: (آیه ۱۷)

روزی که

- در «صور» دمیده شود، و گروه گروه بیاید: (آیه ۱۸)
- و آسمان، گشوده و درهایی [پدید] شود: (آیه ۱۹)
- و کوهها را روان کنند، و [چون] سراپی گردند. (آیه ۲۰)

مطلب ۲. آیات ۲۱ تا ۳۰: وصف جهنمیان در قیامت:

[آری،] جهنم [از دیرباز] کمینگاهی بوده، (آیه ۲۱)

[که] برای سرکشان، بازگشگاهی است. (آیه ۲۲)

روزگاری دراز در آن درنگ کنند. (آیه ۲۳)

در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی، (آیه ۲۴)

جز آب جوشان و چرکابه‌ای. (آیه ۲۵)

کیفری مناسب [با جرم آنها]. (آیه ۲۶)

زیرا آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند؛ (آیه ۲۷)

و آیات ما را سخت تکذیب می کردند. (آیه ۲۸)

و حال آنکه هر چیزی را برشمرده [به صورت] کتابی در آورده‌ایم. (آیه ۲۹)

پس بچشید که جز عذاب، هرگز [چیزی] بر شما نمی افزاییم. (آیه ۳۰)

مطلب ۳. آیات ۳۱ تا ۳۹: وصف بهشتیان در قیامت:

مسلماً پرهیزگاران را رستگاری است: (آیه ۳۱)

باغچه‌ها و تاکستانها، (آیه ۳۲)

^۱ همان، ص ۱۶۵.

و دخترانی همسال با سینه‌های برجسته، (آیه ۳۳)

و پیاله‌های لبالب. (آیه ۳۴)

در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند، و نه [یکدیگر را] تکذیب [کنند]. (آیه ۳۵)

[این است] پاداشی از پروردگار تو، عطایی از روی حساب. (آیه ۳۶)

آمدن لفظ «حساب» در ذیل جزاء سرکشان و متقیان، برای تثبیت همان حقیقتی است که واژه «یوم

الفصل» در ابتدای کلام به آن اشاره داشت.^۱

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است،

بخشایشگری که کس را یارای خطاب با او نیست. (آیه ۳۷)

یعنی او نسبت به آنچه انجام می‌دهد از جانب هیچ کس بازخواست نمی‌شود.^۲

در روزی که «روح» و فرشتگان به صف می‌ایستند،

و سخن نگویند، مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد،

یعنی تقاضای شفاعت و مانند آن نکنند، مگر کسانی که خدا به آنان رخصت دهد.^۳

و سخن راست گوید. (آیه ۳۸)

آن [روز]، روز حق است؛

پس هر که خواهد، راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید. (آیه ۳۹)

کلام ۴. خاتمه: هشدار به غافلان

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا

يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ

وَيَقُولُ الْكَافِرُ كَيْفَ كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

آیات این کلام در حقیقت خاتمه‌ای است که انتهای سوره را به ابتدای آن بر می‌گرداند.^۴

^۱ همان، ص ۱۶۵.

^۲ همان، ص ۱۷۰.

^۳ همان، ص ۱۷۱.

^۴ همان، ص ۱۷۱.

ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم:

روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد؛

و کافر گوید: «کاش من خاک بودم.» (آیه ۴۰)

جهت یادآوری: مربیان محترم در پایان هر درس از قرآن آموزان بخواهند که خودآزمایی هر درس را پاسخ داده و برای پاسخ گویی در جلسه بعد آماده باشند.

خودآزمایی:

مربی محترم در صورت امکان، شاگردان خود را بر اساس پرسش های زیر آزمایش و آنان را راهنمایی کند.

۱. ساختار سوره نبأ را همراه با شماره آیات و عناوین ترسیم کنید.
۲. غرض سوره نبأ چیست؟
۳. غرض سوره مبارکه نبأ چگونه کشف می شود؟

تکلیف:

۱. با توجه به آموخته های خود، سوره نازعات را تدبیر کنید و نتیجه آن را پیش از برگزاری جلسه فوق العاده در اختیار مربی قرار دهید.
- مربی گرامی می تواند نتایج کار افراد کلاس را جمع آوری و کنترل کند و توضیحات لازم را در جلسه ای فوق العاده ارائه دهد.

منابع و مأخذ

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن منظور محمد بن مکرم (۱۴۱۱). لسان العرب. بیروت: دار صادر. چاپ سوم.
- ثقة الاسلام کلینی (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ چهارم.
- دیلمی حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲). ارشاد القلوب. انتشارات شریف رضی. چاپ اول.
- راغب اصفهانی حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داودی. دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیه. چاپ اول.
- صفوی سید محمد رضا (۱۳۸۵). ترجمه قرآن بر اساس المیزان. قم: دفتر نشر معارف. چاپ اول.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم.
- طریحی فخر الدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تحقیق: سید احمد حسینی. تهران: کتابفروشی مرتضوی. چاپ سوم.
- عاملی شیخ حر (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث. چاپ اول.
- فراهیدی خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت. چاپ دوم.
- قرشی سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیه. چاپ ششم.
- محدث نوری (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث. چاپ اول.
- مجلسی محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مصطفوی حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Abstract

Teacher Guidance Of Ponder (Tadabbor) About Soura Of Holy Quran (ʾ)

The line of studious plan consist of there stages, research, analysis, and writing. The research stage of this plan is into library. That is, at data collective stage is considered explanatory sources especially explanation of sharifol-mizan. At commentary analysis is considered the result of inquiry and teaching years at expediency field and may call the analysis procedure as writing and colloquial the report of this plan is integration of experiential and descriptive writing style. That is to say, the available studious plan has fundamental and generative aspects from subject innovation respect, and from opening the way of culture extension and doctrine respect has applied aspect.

Who are addresses of expediency syllabus?

What is foreseeable levels of this syllabus?

What are the goal of expediency teaching?

What principles basis will fare organization of expediency content?

The questions like this opened the way of inquiry at expediency syllabus area, but the answer of this questions are not sufficient for rendering a complete teaching program. There for, it is necessary to providing sample of expediency teaching book. The teaching book are designable at several forms:

١- the teaching text for learning acquisition people

٢- the workbook for learning acquisition people

٣- the teachers guidance

The third is the most general form, that is, the way of providing teaching text and workbook will be open by employing teacher guidance. For this reason. The ability of plan administrator and co-worker studious group fasten on this direction, and the four book of expediency teacher guidance at four teaching levels collected at near fifteen part of the holy quran.

We thanks of god for this favor.

**Teacher Guidance Of Ponder
(Tadabbor) About Soura Of Holy
Quran (١)**

Author:Ali Saboohi Tasooji

**Master: The Supreme Council of Cultural
Revolution**

Scientific Office: Commission of Education

Spring

۲۰۰۹